



فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

شماره ۲۶. زمستان ۱۳۹۳

شاپا: ۱۷۳۵-X۲۲۴

صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان

مدیر مسئول: محمد تقی حسن زاده

سر دبیر: سید نصراله سجادی

دبیر هیئت تحریریه: محمد رضا فضلی

مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان

صفحه آرا: پردیس واهب زاده

چاپ و صحافی: نشر دانشگاه هنر

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۲۶۷، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

نشانی الکترونیکی: strategic.studies@msy.gov.ir

اقتباس و درج مطالب با ذکر مأخذ آزاد است.

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای

اعتبار علمی - پژوهشی $\frac{۳/۱۸/۸۰۳۳}{۱۳۹۳/۱/۲۵}$ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است
و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

کیومرث اشتریان

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدجوادی پور

استادیار گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت

ورزش و جوانان

مهدی طالب پور

دانشیار گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدحسین عبدالهی

دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

فرزاد غفوری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

محمد کشتی دار

دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

محمود گلزاری

دانشیار گروه روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی و معاون ساماندهی امور

جوانان وزارت ورزش و جوانان

امیر ملکی

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

حبیب هنری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی و عضو کمیته علمی - پژوهشی مرکز مطالعات و

پژوهش های راهبردی وزارت ورزش و جوانان

مشاوران علمی این شماره:

محمد حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، شهرام فرج زاده، مسعود قاسمی، حمیدرضا نیکخواه، محمود عظیمی رستا، لطیف سعادت سیدبیگلو، محمد خبیری، محمد جوادی پور، مهدی نادری نسب، سعید صانعی، جواد شهلانی، مجید چهارده چریک، مجید جلالی فراهانی، طهمورث نورایی، کریم صالح زاده، فرشاد امامی، امین غلامی، علی فهیمی نژاد، لقمان کشاورز، فرزاد نویخت، بهرام یوسفی، حسن قره خانی، نجف آقایی، علی حیرانی، حسین پور سلطانی، احسان زارعیان، جبار سیف پناهی، رسول خدادادی، اسفندیار خسروی زاده، علی گریزی، بختیار تربیبیان، مرتضی قلیچ، ذبیح اله صدفی، مجید کاشانی، محمد مهدی شمسایی، سوران رجبی، امر الله امانی کلاریجانی، ستار پروین، منیره علی، سهیلا قاضی زاده، عزت الزمان بازیاری، ناهید طالبی، مرجان صفاری، مهتا اسکندر نژاد، پونه مختاری، ژاله معماری، شهزاد طهماسبی، فاطمه عبدوی، طاهره موسوی راد، زهرا سلمان، صدیقه حیدری نژاد، ناهید اتقیا، پریسا حجازی، فرزانه حاتمی، زهرا اصغری، نسرین عزیزیان کهن، شراره مهدی زاده، پروانه دانش، مستوره صداقت، شهلا کاظمی پور، رقیه بهاری و فرشته پورمحسنی کلوری

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست ها و برنامه های موجود
۲. کمک به سیاست گذاری و برنامه ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش های فراوری جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقاله های فصلنامه

۱- مقاله های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته ها، بحث و تفسیر، نتیجه گیری و منابع باشند.

۲- حجم مقاله ها باید بین ۱۵ تا ۲۵ صفحه A۴ (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به بالا تایپ شده باشد.

۳- ساختار مقاله ها باید شامل اجزای زیر باشد:

صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نمابر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.

چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش های هدف، روش، یافته ها و نتیجه گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.

مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه ای از تعاریف، اصول، تئوری ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی چارچوب نظری، فرضیه ها یا پرسش ها، و نتایج، بحث و و منابع به صورت کامل ارائه گردد.

روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری و ابزارهای پژوهش است. یافته ها: یافته های حاصل از روش های آماری می تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد. **بحث و نتیجه گیری:** ضمن مقایسه یافته های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت ها و تفاوت ها، به درستی یا نادرستی فرضیه ها و هدف تحقیق اشاره گردد.

منابع: تمامی مقاله ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴- ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پرانتز و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشارمنبع: شماره صفحه یا صفحات)- چنانچه از نویسنده ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند. ۵- معادل غیر فارسی واژه های تخصصی، اسامی افراد یا مکان ها، کوتاه نوشت ها و سر واژه ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.

۶- هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.

۷- فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:

- الف. کتاب: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) عنوان کتاب. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر
- ب. مقاله: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی: نام خانوادگی مولف، نام (سال تدوین) "عنوان رساله". مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی مولف، نام (آخرین زمان به روز نمودن سایت) "عنوان مقاله". نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

فهرست

تدوین مدل ارتباطی سرمایه اجتماعی و هوش سازمانی در وزارت ورزش و جوانان ایران لقمان کشاورز، ابوالفضل فراهانی، زهرا اصغری	۹
طراحی الگوی شایستگی های محوری برای انتصاب مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان حمید قاسمی، حبیب هنری، مرتضی رضایی صوفی، فهیمه مومنی فر	۲۳
ارتباط عوامل سازمانی با استقرار مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب کشور ایران فاطمه فاضلی دینان، علی محمد صفانیا	۴۱
سنجش نگرش مدیران ورزشی و غیر ورزشی در پیش بینی افزایش وفاق اجتماعی با محوریت ورزش قهرمانی محمدرضا نیک نژاد، غلامرضا شعبانی بهار، سید قاسم قربانزاده زعفرانی	۶۳
تأثیر ۶ هفته تمرین پیشرونده هوازی بر عملکرد ریوی و رابطه آن با BMI در دانشجویان غیر فعال پسر احمد خراطها، علی حسینی	۷۷
مطالعه رابطه بین شادی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شراره مهدی زاده، محمد گنجی، فاطمه زارع غیاث آبادی	۸۵
بررسی مهاجرت نخبگان علمی در ایران علی اصغر اسماعیل زاده، غلامرضا ذاکر صالحی	۱۰۹
سبک های دلبستگی، تنظیم هیجان و ملاک های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی فرانک غفوری اصل، محمدحسین عبداللهی، محسن امیری	۱۳۱
عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانشجویان به رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی (با رویکرد مقایسه ای بین خوابگاه های خودگردان و دولتی) ستار پروین، عبدالحسین کلاتری، مریم داودی	۱۵۱
بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال استان بوشهر) جعفر نجات، حمید عبادالهی چنذاق، حبیب الله زحمت کش	۱۷۱

تدوین مدل ارتباطی سرمایه اجتماعی و هوش سازمانی در وزارت ورزش و جوانان ایران

لقمان کشاورز^۱
ابوالفضل فراهانی^۲
زهرا اصغری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۴

هدف از پژوهش حاضر، تدوین مدل ارتباطی هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی در وزارت ورزش و جوانان ایران بود. پژوهش حاضر از نوع همبستگی، توصیفی و تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق، کلیه مدیران و کارکنان شاغل در وزارت ورزش و جوانان بود ($N=850$) که ۲۶۵ نفر به طور تصادفی طبقه‌ای برای نمونه تحقیق انتخاب شدند. برای دست‌یابی به اهداف تحقیق از پرسشنامه‌های هوش سازمانی آلبرخت و سرمایه اجتماعی پانته‌ام استفاده شد. روایی هر دو پرسشنامه به تایید ۱۵ تن از متخصصان رسید و پایایی آن‌ها در یک مطالعه مقدماتی با ۳۰ آزمودنی و با آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۷۲ محاسبه شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی از جمله کلموگروف-اسمیرنوف، تی استودنت تک نمونه‌ای، تحلیل مسیر و برای تعیین ارتباط علی بین متغیرها از روش مدل معادلات ساختاری با کمک دو نرم افزار AMOS و SPSS استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد در وزارت ورزش و جوانان، هوش سازمانی در حد نامطلوب و سرمایه اجتماعی در حد مطلوب قرار دارد. همچنین، بین خودکارآمدی شغلی و سرمایه اجتماعی ارتباط مستقیم معناداری وجود دارد. مدل ارتباطی آنها از برازش مطلوب برخوردار است. در ارتباط بین خودکارآمدی شغلی و سرمایه اجتماعی، وزارت ورزش و جوانان ایران میل به تغییر با بار عاملی ۰/۸۲ دارد و روحیه و بعد شناختی هر کدام با بار عاملی ۰/۸۰ بیشترین تأثیر را دارند.

واژگان کلیدی: هوش سازمانی، سرمایه اجتماعی و وزارت ورزش و جوانان

مقدمه

در دنیای کنونی، اهمیت منابع انسانی در شکل‌گیری، رشد و توسعه و بقا سازمانی بر کسی پوشیده نیست. نیروی انسانی موثر و کارآمد و ویژگی‌های آن‌ها در عصر حاضر از مهم‌ترین عوامل جهت‌دستیابی سازمان به اهداف خود در نظر گرفته می‌شود و علت چنین نگرشی، وجود مجموعه‌ای از ویژگی‌ها در منابع انسانی به نام «دارایی‌های نامحسوس» است که موجب ابزار رقابتی برای هر سازمانی می‌شود. (کشاورز، ۱۳۸۸: ۲)

در این راستا از ویژگی‌های نامحسوس منابع انسانی که در سازمان‌ها و به ویژه سازمان‌های خدماتی مورد توجه است، هوش سازمانی^۱ و سرمایه اجتماعی^۲ می‌باشد. سرمایه اجتماعی امروزه با توجه به شیوه‌های نوین مدیریتی در زمره مهمترین سرمایه‌های سازمانی طبقه‌بندی می‌شود و علت اهمیت آن در مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها، شبکه‌های پیوند، همکاری و مشارکت مطرح است (پاتنام^۳، ۲۰۰۰: ۳۵) و به نظر می‌رسد از عوامل مهم مورد نیاز برای توفیق سازمان‌های ورزشی مادر و بالادستی مانند وزارت ورزش و جوانان باشد. سرمایه اجتماعی، حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادینه شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندهاست. در واقع، پیوندهای شبکه‌ای می‌باید از نوع خاصی، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد باشند. سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط طبیعی یا اجتماعی نیست، بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا باز تولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلند مدت قابل استفاده می‌باشد (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۸-۱۱). همچنین، از نظر فوکوما، سرمایه اجتماعی عبارت است از: «توانایی‌های افراد برای کار کردن با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها»؛ به طوری که از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی از راه‌هایی مانند پرورش و افزایش عزت نفس افراد و احساس همگونی آن‌ها در جامعه که باعث حمایت آن‌ها می‌شود، کارایی افزایش پیدا می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۳: ۴۲).

از سویی دیگر، براساس نظریه آلبرخت^۴ هوش سازمانی، ظرفیت قوه ذهنی سازمان برای انجام وظیفه یا یک اقدام مهم است. از نظر وی، هوش سازمانی دارای هفت مولفه چشم انداز استراتژیک^۵، سرنوشت مشترک^۶، میل به تغییر^۷، روحیه^۸، اتحاد و توافق^۹، گسترش دانش^{۱۰} و فشار عملکرد^{۱۱} می‌باشد. (آلبرخت^۴، ۲۰۰۳: ۱۰-۱)

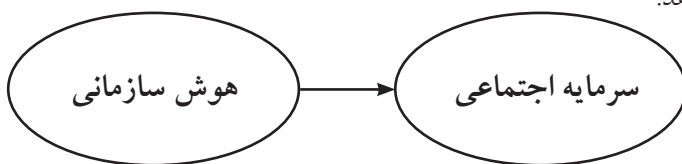
همچنین، در خصوص سازمان‌های هوشمند اعتقاد بر این است که سازمانی که از هوش سازمانی بهینه برخوردار است، از چهار توانایی درک صحیح از شرایط پیچیده سازمانی و عملکرد موثر، توانایی تفسیر نشانه‌های موجود در محیط و عملکرد بر اساس آن‌ها، توانایی توسعه و بکارگیری دانش مربوط به فعالیت‌های

1. Organizational Intelligence
2. Social capital
3. putnam
4. Albrecht
5. Strategic Vision
6. Shared Fate
7. Appetite For Change
8. Sprit
9. Alignment and Congruence
10. Knowledge Applied
11. Performance Pressure
12. Albrecht

اجرائی و توانایی انعکاس تجارب گذشته و یادگیری از آن‌ها برخوردار می‌باشد (آلبرخت، ۲۰۰۳: ۸). در این راستا سازمانی که از هوش سازمانی نامطلوب برخوردار باشد، مواردی مانند عدم آگاهی از تغییرات محیطی، عملکرد کند در پاسخگویی به مسائل، اصرار بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های ناکارآمد، عدم به کارگیری تجربی ناکامی‌های گذشته، ظرفیت تحدید شده در نوآوری و عدم تمرکز کافی بر ارتباطات و عملکرد در آن سازمان به وفور قابل مشاهده است (وریارد^۱، ۲۰۱۲: ۱۸-۱۲). در این رابطه یافته‌های آلبرخت (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که مدیران استرالیایی با آگاهی از میزان هوش سازمانی خود، به درک و آگاهی بهتری از سازمانشان می‌توانند برسند. بنابراین سازمان‌های بزرگ ورزشی مانند وزارت ورزش و جوانان که متولی اصلی ورزش در کشور می‌باشد و مأموریت‌های آن در قالب فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی و ادارات کل ورزش و جوانان استان‌ها تقسیم شده است و افراد مختلفی که در این نهادهای مهم ورزشی کشور در حال فعالیت هستند، نیازمند فعالیت‌های گروهی و تیمی برای تحقق مأموریت وزارت ورزش و جوانان می‌باشند که به نظر می‌رسد چنین امری بوجود نخواهد آمد مگر در سایه داشتن چشم انداز استراتژیک، سرنوشت مشترک، میل به تغییر، روحیه، اتحاد و توافق، گسترش دانش و فشار عملکرد که از مولفه‌های هوش سازمانی به شمار می‌آیند. ضروری است که در این نهاد مهم ورزشی، سطح این عوامل مورد بررسی قرار گیرد و نوع ارتباط بین آنها شناخته، بر روی آنها برنامه ریزی شود. اما در خصوص ارتباط هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی تحقیقات محدودی و به خصوص در حوزه سازمان‌های ورزشی انجام شده است و بیشتر تحقیقات موجود در این زمینه، به بررسی برخی از مولفه‌های این دو عامل نامحسوس سازمانی پرداخته است؛ به طوری که الوانی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مدیریت دانش (زیر مولفه هوش سازمانی)» به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی در گروه تحقیق در حد مطلوب قرار داشته و وجود سرمایه اجتماعی در گروه‌های سازمانی شرکت داده پردازی ایران در توسعه مدیریت دانش موثر بوده است. امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مربوط به سرنوشت مشترک زیر مولفه هوش سازمانی)» در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان به این نتیجه دست یافتند که بین این دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. میرک زاده و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در یادگیری سازمانی (کاربرد دانش از زیر مولفه‌های هوش سازمانی)» کارکنان سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و یادگیری سازمانی را مثبت و معنادار گزارش نمودند و یافته‌های پژوهش سطح سرمایه اجتماعی را مطلوب نشان داد. رضوی زاده و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان (مربوط به زیر مولفه روحیه هوش سازمانی)» به ارتباط معنادار بین این دو مقوله دست یافتند. زمردیان (۱۳۸۹) نیز طی تحقیقی با عنوان «استقرار مدیریت دانش مبتنی بر سرمایه اجتماعی در واحدهای دانشگاه‌های آزاد اسلامی» بیان کرد که سرمایه اجتماعی بر استقرار و کاربرد دانش موثر است. امامی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «تعیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و کارآفرینی (میل به تغییر زیر مولفه هوش سازمانی)»، به ارتباط مثبت و معنادار بین سرمایه اجتماعی و کارآفرینی دست یافتند. منوریان و همکاران (۲۰۱۳) نیز در تحقیق خود با عنوان «توسعه سرمایه اجتماعی برای تسهیل رویکردهای مدیریت دانش» به این نتیجه رسیدند که بین تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش ارتباط وجود دارد و در این میان، بعد اعتماد دارای بیشترین تاثیر است. همچنین، شجاعی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی رابطه هوش سازمانی مدیران با سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه شهرستان سردشت، به این نتیجه دست یافتند که بین هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد

و هوش سازمانی در نمونه های تحقیق در حد مطلوب قرار دارد. علمی و همکاران (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی باعث تربیت و انباشت سرمایه انسانی، کارآیی سیاست های دولتی، بسترسازی برای ایجاد نوآوری (میل به تغییر زیر مولفه هوش سازمانی)، گردش اطلاعات (کاربرد دانش زیر مولفه هوش سازمانی) و توسعه مالی و رشد اقتصادی است. آدلر و کرون (۲۰۰۲) در پژوهش خود نشان دادند که میان سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش (کاربرد دانش) در سازمان ارتباط مثبت و معنادار است. تیمون و استامف (۲۰۰۳) در پژوهش خود در تعیین ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش (کاربرد دانش) به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی بالا موجب بهبود عملکرد دانشی سازمان می شود. چائو مین^۳ و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و تئوری شناختی با تقسیم دانش (کاربرد دانش) در سازمان» به ارتباط معنادار بین سرمایه اجتماعی و تقسیم و انتشار اطلاعات دست یافتند.

با بررسی مبانی نظری و ادبیات پیشینه چنین می توان استنباط کرد که در سازمان هایی مانند وزارت ورزش و جوانان که مأموریت و رسالت اصلی آن ایجاد زمینه و بستر مناسب برای ارائه خدمات مختلف ورزشی در سراسر کشور به منظور افزایش سطح سلامت آحاد مردم از طریق انجام فعالیت های بدنی و ورزشی است، توجه ویژه به دارایی های نامشهود از جمله هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی و ارتباط بین آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو، تحقیق حاضر در نظر دارد با توجه به نقش و اهمیت وزارت ورزش و جوانان به عنوان مهم ترین نهاد ورزشی کشور که تامین کننده سلامت همه افراد جامعه از طریق ورزش است، مدل ارتباط بین هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی این نهاد ورزشی را مورد بررسی قرار داده و مدل زیر را مورد تحلیل قرار دهد.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی، توصیفی و تحلیلی می باشد که به صورت میدانی انجام شده است و از حیث ارتباط بین متغیرها از نوع علی و به طور مشخص مبتنی بر مدل معادلات ساختاری می باشد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مدیران عالی و کارشناسان شاغل در وزارت ورزش و جوانان (بخش ستادی) به تعداد ۸۵۰ نفر بود که از بین آنها، ۲۶۵ نفر به طور تصادفی - طبقه ای برای نمونه تحقیق انتخاب شدند. برای دستیابی به اهداف تحقیق از دو پرسشنامه ۲۰ سئوالی سرمایه اجتماعی پانته آم که از ۲۰ سوال مربوط به سرمایه اجتماعی، ۱۰ سوال مربوط به بعد ساختاری (پیوند شبکه سوالات ۱۲-۱۳-۱۹ و ترتیبات شبکه سوالات ۳-۵-۹ و ثبات شبکه سوالات ۴-۱۰-۱۱-۱۲) ۶ سوال مربوط به بعد شناختی (اهداف مشترک سوالات ۷-۸-۱۶ و فرهنگ مشترک سوالات ۱-۲-۱۸) و ۴ سوال مربوط به بعد ارتباطی (اعتماد سوالات ۵-۶-۱۴-۱۷) بود و پرسشنامه هوش سازمانی آلبرخت حاوی ۴۹ سؤال بود که گویه های مختلف به شرح

1. Adler et al
2. Tymon and Stumpf
3. Chao-Min

زیر مولفه‌های گوناگون را اندازه‌گیری کردند. سؤالات ۱ تا ۷ چشم‌انداز راهبردی، ۸ تا ۱۴ سرنوشت مشترک، ۱۵ تا ۲۱ میل به تغییر، ۲۲ تا ۲۸ روحیه، ۲۹ تا ۳۵ اتحاد و توافق، ۳۶ تا ۴۲ کاربرد دانش و ۴۳ تا ۴۹ فشار عملکرد را مورد سنجش قرار دادند. همچنین شیوه پاسخ دهی به پرسشنامه هوش سازمانی به صورت مقیاس پنج ارزشی لیکرت از کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم تنظیم شده بود. شایان ذکر است علیرغم استاندارد بودن پرسشنامه‌ها، هر دو پرسشنامه مطابق با ساختار وزارت ورزش و جوانان ایران بومی سازی شد و روایی آن‌ها به تایید ۱۵ تن از متخصصین مدیریت ورزشی رسید و پایایی آن‌ها در یک آزمون مقدماتی با ۳۰ آزمودنی و با آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۷۲ محاسبه شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از روش‌های آماری توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد، جدول توزیع فراوانی، نمودار و روش‌های آماری استنباطی از جمله تی استودنت تک نمونه‌ای، کلموگروف-اسمیرنف، تحلیل مسیر و برای تعیین ارتباط علی بین متغیرها از روش مدل معادلات ساختاری، استفاده گردید. همچنین، برای تحلیل داده‌ها از دو نرم افزار SPSS.V.16 و AMOS.V.18 کمک گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱، اطلاعات فردی کارکنان وزارت ورزش و جوانان را نشان می‌دهد.

جدول ۱: اطلاعات فردی کارکنان وزارت ورزش و جوانان

متغیر	آماره	فراوانی	درصد	متغیر	آماره	فراوانی	درصد
سمت	مدیر	۷۹	۲۹/۸	رشته تحصیلی	تربیت بدنی	۱۴۵	۵۴/۷
	کارمند	۱۸۶	۷۰/۲		غیر تربیت بدنی	۱۲۰	۴۵/۳
جنسیت	مرد	۱۶۹	۶۳/۷	سابقه کاری	کمتر از ۵ سال	۱۵	۵/۷
	زن	۹۶	۳۶/۳		۶-۱۰	۳۰	۱۱/۴
تحصیلات	دکتری	۷	۲/۶		۱۱-۱۵	۸۰	۳۰/۱
	کارشناسی ارشد	۴۱	۱۴/۴		۱۶-۲۰	۸۸	۳۳/۲
	کارشناسی	۱۷۰	۶۶		۲۱-۲۵	۳۴	۱۲/۸
	کاردانی	۲۳	۸		بیشتر از ۲۵ سال	۱۸	۶/۸
	دیپلم	۲۴	۹				

جدول ۲: آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها

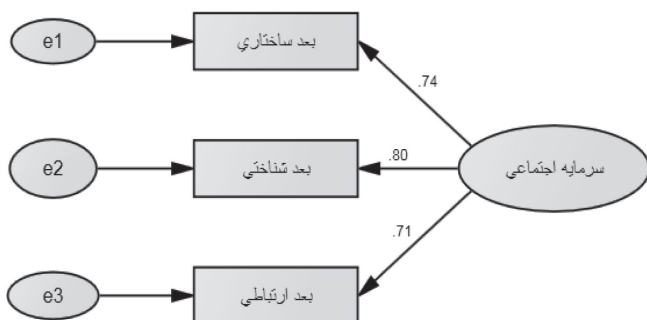
تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	K-S آماره	سطح معنی داری
۲۶۵	۳/۰۷۰۷	۰/۴۰۵	۱/۱۶	۰/۱۳۶
۲۶۵	۲/۵۹	۰/۵۲	۰/۹۵	۰/۳۳

با توجه به نتایج جدول ۲ از آزمون K-S چنین نتیجه‌گیری می‌شود که چون مقادیر سطح معنی داری برای هر دو متغیر بزرگتر از سطح آزمون یعنی $\alpha = 0/05$ می‌باشد، بنابراین متغیرها دارای توزیع طبیعی هستند. به همین دلیل جهت انجام آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود.

جدول ۳: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان هوش سازمانی

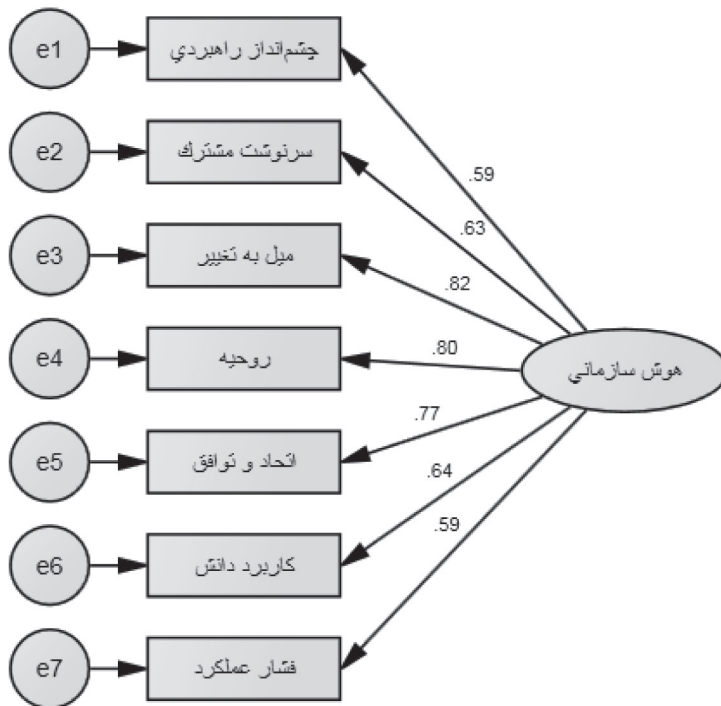
متغیر	مقدار آزمون = ۳					
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی داری
هوش سازمانی	۲۶۵	۲/۵۹	۰/۵۲	-۱۲/۹۷	۲۷۷	۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی	۲۶۵	۳/۰۷	۰/۴۰۴	۲/۹۲	۲۷۷	۰/۰۰۷

جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین متغیر هوش سازمانی برابر ۲/۵۹ می‌باشد که با استاندارد به میزان t و سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است، بین مقدار آزمون و میانگین محاسبه شده تفاوت آماری معناداری وجود دارد. از این رو می‌توان استنباط کرد که میزان هوش سازمانی در وزارت ورزش و جوانان ایران در حد نامطلوب قرار دارد. همچنین، جدول مزبور نشان می‌دهد که میانگین متغیر سرمایه اجتماعی برابر ۳/۰۷ می‌باشد که با استاندارد به میزان t و سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۵ است، بین مقدار آزمون و میانگین محاسبه شده تفاوت آماری معناداری وجود دارد. از این رو می‌توان استنباط کرد که میزان سرمایه اجتماعی در وزارت ورزش و جوانان ایران در حد مطلوب قرار دارد.



شکل ۲: مدل برآورد ضرایب رگرسیونی استاندارد مولفه‌های سرمایه اجتماعی

شکل ۱ نشان می‌دهد که در سرمایه اجتماعی وزارت ورزش و جوانان ایران، بعد شناختی با بار عاملی ۰/۸۰، بعد ساختاری با بار عاملی ۰/۷۴ و بعد ارتباطی با بار عاملی ۰/۷۱ بیشترین تاثیر را بر سرمایه اجتماعی دارند.



شکل ۳: مدل برآورد ضرایب رگرسیونی استاندارد مولفه‌های هوش سازمانی

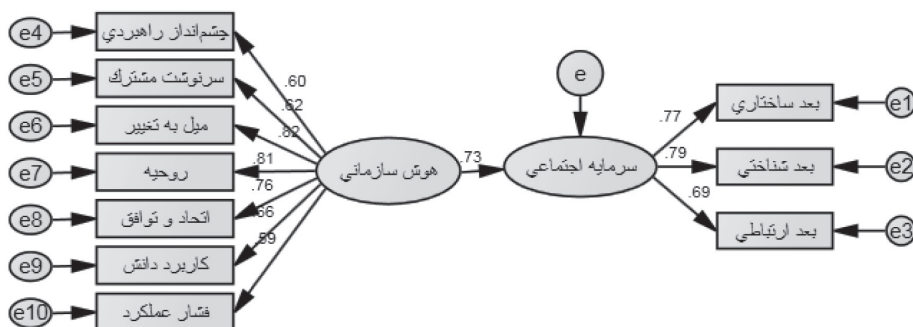
با توجه به شکل ۲ می‌توان چنین استدلال کرد که میل به تغییر با بار عاملی ۰/۸۲، روحیه با بار عاملی ۰/۸۰، اتحاد و توافق با بار عاملی ۰/۷۷، کاربرد دانش با بار عاملی ۰/۶۴، سرنوشت مشترک با بار عاملی ۰/۶۳، فشار عملکرد با بار عاملی ۰/۵۹ و چشم انداز راهبردی با بار عاملی ۰/۵۹ بیشترین تاثیر را بر تبیین هوش سازمانی وزارت ورزش و جوانان ایران دارند و نظر به این که با عاملی آن‌ها بیش از ۰/۳ می‌باشد، همه آن‌ها در مدل باقی می‌مانند.

جدول ۴: برآورد ضرایب رگرسیونی استاندارد شده بین متغیرها

برآورد	ارتباط بین متغیرها
۰/۷۲۸	هوش سازمانی - سرمایه اجتماعی
۰/۵۸۸	هوش سازمانی - فشار عملکرد
۰/۶۵۷	هوش سازمانی - کاربرد دانش
۰/۷۵۸	هوش سازمانی - اتحاد و توافق
۰/۸۰۷	هوش سازمانی - روحیه
۰/۸۱۹	هوش سازمانی - میل به تغییر
۰/۶۱۹	هوش سازمانی - سرنوشت مشترک

۰/۵۹۶	هوش سازمانی - چشم‌انداز راهبردی
۰/۷۷۵	سرمایه اجتماعی - بعد ساختاری
۰/۷۸۹	سرمایه اجتماعی - بعد شناختی
۰/۶۹۲	سرمایه اجتماعی - بعد ارتباطی

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که ضرایب رگرسیونی استاندارد شده هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی و همچنین مولفه‌های آنها با هم ارتباط معنادار دارند.



شکل ۴: مدل ساختاری ارتباط هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی

شکل ۴ مدل ارتباطی استاندارد (تحلیل مسیر) هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. با توجه به شکل مزبور، هوش سازمانی با ضریب مسیر ۰/۷۳ بر سرمایه اجتماعی در وزارت ورزش و جوانان ایران اثر می‌گذارد ($p < ۰/۰۵$).

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل ارتباطی هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی وزارت ورزش و جوانان ایران

تفسیر	ملاک	میزان	شاخص برازش	
		۴۷/۰۹ با درجه آزادی ۳۴	χ^2	مطلق
		۰/۰۶	p value	
برآزش مطلوب	بیشتر از ۰/۰۵	۰/۹۴۷	شاخص نیکویی برازش	تطبیقی
برآزش مطلوب	بیش از ۰/۹۰	۰/۹۵۲	شاخص توکر - لويس (TLI)	
برآزش مطلوب	بیش از ۰/۹۰	۰/۹۳۷	شاخص برازش بتلر - بونت (BBI)	
برآزش مطلوب	بیش از ۰/۹۰	۰/۹۶۴	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	مقصد
برآزش مطلوب	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۳۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	
برآزش مطلوب	بیشتر از ۰/۰۵	۰/۷۰۸	شاخص برازش مقصد هنجار شده (PNFI)	

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار آماره χ^2 برابر با ۴۷/۰۹ با درجه آزادی ۳۴ است. همچنین، p-value متناظر با آن ۰/۰۶ است که با توجه به اینکه بیشتر از ۰/۰۵ است، قابل قبول بوده و تأیید می‌شود. شاخص

نیکویی برازش^۱ (GFI) ۰/۹۴۷ است که نشان دهنده قابل قبول بودن این میزان برای برازش مطلوب مدل است. مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۲ (RMSEA) نیز ۰/۰۳۸ می باشد که با توجه به اینکه کمتر از ۰/۰۵ است، قابل قبول بوده و نشان دهنده تأیید مدل پژوهش می باشد. همچنین، شاخص توکر-لویس^۳ (TLI) ۰/۹۵۲؛ شاخص برازش بنتلر-بونت^۴ (BBI) ۰/۹۳۷؛ شاخص برازش تطبیقی^۵ (CFI) ۰/۹۶۴ و شاخص برازش مقتصد هنجار شده^۶ (PNFI) ۰/۷۰۸ است که همگی نشان دهنده برازش مطلوب و تأیید مدل پژوهش می باشد.

بحث و نتیجه گیری

از آنجا که هدف از پژوهش حاضر، تدوین مدل ارتباطی سرمایه اجتماعی و هوش سازمانی در وزارت ورزش و جوانان ایران بود، یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که میزان سرمایه اجتماعی در وزارت ورزش و جوانان در حد مطلوبی قرار دارد که نتایج پژوهش با یافته‌های میرک زاده و همکاران (۱۳۹۲) و الوانی و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی دارد. در این راستا، به زعم فوکویاما^۷ سرمایه اجتماعی، توانایی افراد برای کار کردن با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها تلقی شده و سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی به شمار می رود که نقش بسیار مهمتری نسبت به سرمایه‌های فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می کند و در سطح مدیریت سازمان‌ها و بنگاه‌ها، می تواند شناخت جدیدی از سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کند و به مدیران در هدایت بهتر سازمان یاری رساند (فوکویاما، ۱۹۹۹). از این رو، با توجه به لزوم مشارکت وزارت ورزش و جوانان در حوزه ورزش با سایر نهادهای ورزشی کشور مانند کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی به عنوان نهادهای اجتماعی تأثیر گذار برای تحقق اهداف عالی جامعه مانند تامین سلامت افراد جامعه، ایجاد شور و نشاط در جامعه از طریق و کسب توفیق بین المللی در حوزه ورزش برای کشور، ضروری است مسئولان و متولیان وزارت ورزش و جوانان عوامل تأثیر گذار در مطلوب بودن سرمایه اجتماعی در این نهاد اجتماعی کشور را شناسایی و برای استمرار و تقویت آن برنامه ریزی نمایند. در این راستا توصیه می گردد مدیران وزارت ورزش و جوانان با همکاری جامعه شناسان، جامعه شناسان ورزشی و همچنین دانشکده‌های مجری رشته مدیریت ورزشی برای تحقق این امر تلاش نمایند.

یافته‌های این پژوهش مبین این است هوش سازمانی در وزارت ورزش و جوانان پایین تر از حد متوسط و نامطلوب می باشد که با نتایج پژوهش شجاعی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی ندارد. به نظر می رسد یکی از علل این عدم همخوانی، محل اجرای تحقیق ذکر شده باشد که در یک محیط آموزشی صرف انجام شده است، در حالی که یکی از ماموریت های وزارت ورزش و جوانان، آموزش است. در خصوص سازمان‌های هوشمند اعتقاد بر این است که یک سازمان برخوردار از هوش سازمانی بهینه، دارای چهار توانایی درک صحیح از شرایط پیچیده سازمانی و عملکرد موثر، توانایی تفسیر نشانه‌های موجود در محیط و عملکرد بر اساس آن‌ها، توانایی توسعه و بکارگیری دانش مربوط به فعالیت‌های اجرایی و توانایی انعکاس تجارب گذشته و یادگیری

1. Goodness Fit Index
2. Root Mean Squared Error of Approximation
3. Tucker- Lewis Index
4. Bentler- Bonett Index
5. Comparative Fit Index
6. Parsimonious Normed Fit Index
7. Fukuyama

از آن‌ها می‌باشد. بدین ترتیب، سازمانی که هوش سازمانی نامطلوبی دارد، در آن مواردی مانند عدم آگاهی از تغییرات محیطی، عملکرد کند در پاسخگویی به مسایل، اصرار بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های ناکارآمد، عدم به کارگیری تجربی ناکامی‌های گذشته، ظرفیت محدود شده در نوآوری و عدم تمرکز کافی بر ارتباطات و عملکرد به وفور قابل مشاهده است (آلبرخت، ۲۰۰۳: ۱۲). از این رو، با توجه به این که وزارت ورزش و جوانان دارای مخاطبان متعدد با نیازهای متفاوت در سطوح مختلف است، ضروری می‌نماید که در این نهاد ورزشی کشور سیاست‌های کارآمد، نوآوری، ارتباطات موثر عملکرد موثر وجود داشته باشد- با توجه به نامطلوب بودن سطح هوش سازمانی که لازمه چنین فرآیندی است، به نظر می‌رسد تهدید جدی در این نهاد در این راستا وجود داشته باشد. همچنین، لازم است که متولیان وزارت ورزش و جوانان که بخش عمده‌ای از آنها در حال حاضر از بدنه متخصصان مدیریت ورزشی می‌باشند، نسبت به تحلیل علمی پایین بودن سطح هوش سازمانی اقدام نمایند و با شناسایی عوامل مزبور نسبت به رفع آنها اقدام نمایند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی با هدف شناساندن این عامل نامحسوس در وزارت مزبور به همه منابع انسانی می‌تواند در تقویت هوش سازمانی کمک کننده باشد.

یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که بین هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد و مدل ارتباطی بین آن‌ها از برآزش مطلوبی برخوردار بوده است. در مدل ارتباطی بین هوش سازمانی و سرمایه اجتماعی به ترتیب میل به تغییر، روحیه، اتحاد و توافق، سرنوشت مشترک و کاربرد دانش، چشم‌انداز راهبردی و فشار عملکرد بیشترین نقش را دارند. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده نیز نشان داد سرمایه اجتماعی و هوش سازمانی و همچنین مولفه‌های آنها با هم ارتباط معنادار دارند. نتایج تحقیق با تحقیقات انجام شده نظیر الوانی و همکاران (۱۳۸۷)، امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱)، میرک زاده و همکاران (۱۳۹۲)، رضوی زاده و همکاران (۱۳۹۱)، زمردیان (۱۳۸۹)، امامی و همکاران (۱۳۹۱)، منوریان و همکاران (۲۰۱۳)، شجاعی و همکاران (۱۳۹۰)، علمی و همکاران (۱۳۸۴)، آدلر و کرون (۲۰۰۲)، تیمون واستامف (۲۰۰۳) و چائو مین و همکاران (۲۰۰۶) همخوانی دارد. با توجه به این که میزان هوش سازمانی در وزارت ورزش و جوانان نامطلوب گزارش شده است و با در نظر گرفتن اهمیت رسالت و مأموریت خطیر وزارت مزبور، توصیه می‌شود وزارت ورزش و جوانان ضمن حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی موجود، به بسترسازی و تقویت بهره‌گیری از هوش سازمانی اقدام کند و با استقبال از ایده‌ها و تفکرات انباشته شده در ذهن خلاق برخی از کارکنان و بالفعل نمودن افکار متناسب با اهداف سازمان، به رشد و توسعه سازمانی کمک کند. این وزارت با در نظر گرفتن سهم به سزای خود در بهبود شرایط جسمانی و روانی تک تک افراد جامعه، باید بر خود فرض بداند که در جهت تحقق این امر مهم، تنها برداشته‌های فیزیکی و مادی تکیه نکند و این امر را که سرمایه‌های فیزیکی، زمانی به نتایج خوب و مورد انتظار منجر خواهند شد که عوامل نامشهود سازمانی نیز زیرکانه مورد توجه و دقت قرار بگیرد، را سرلوحه امور خود قرار دهد. روشن است که اگر در سازمانی به هوش، ایده‌ها و طرح‌های پیشنهادی- متناسب با مأموریت سازمان- توجه نشود و از افراد صرفاً به عنوان ابزاری که فقط دستورات ارائه شده را اجرا نمایند، استفاده شود آنها هیچگونه تعهد قلبی به سازمان نخواهند داشت و این امر سبب کاهش مسئولیت‌پذیری و دغدغه‌های سازمانی خواهد بود؛ دغدغه‌هایی که اگر سازمان بتواند توجه به آنها را در افراد تقویت کند بدون شک مسیر موفقیتش هموارتر خواهد شد. در مورد سرمایه اجتماعی نیز اهمیت موضوع کاملاً روشن و واضح است. چنانچه وزارت ورزش و جوانان به این امر توجه لازم را نداشته باشد، گسستگی ارتباطات شبکه‌ای افراد با یکدیگر و نیز با سازمان، باعث بی‌اعتمادی و عدم همکاری صادقانه و نیز عدم حمایت‌های لازم از همدیگر خواهد شد و همین امر، تبعات سنگینی را بر فعالیت در عرصه‌های داخلی و نیز

بین المللی بر این وزرات وارد خواهد نمود. بی تردید، در چنین سازمانی وقتی افراد اعتماد لازم را به همدیگر و نیز به سازمان خود نداشته باشند، احساس هدف مشترک داشتن در بین آنها معنا و مفهومی نخواهد داشت و همین امر باعث بی ثمر ماندن تلاش های سازمانی در دستیابی به اهدافش خواهد بود و هر فرد و گروهی در سازمان به دنبال اهداف فرعی و مورد نظر خود خواهد بود و علیرغم همکاری ظاهری، حس همکاری واقعی بین آنها وجود نخواهد داشت. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق توصیه می شود این وزارت با مد نظر قرار دادن این نکته که مهم ترین و بالاترین مرجع مربوط به ورزش می باشد که در تامین سلامت جسمانی و روانی جامعه موثر و نیز مسئول و پاسخگوست، باید در کنار سرمایه های مادی به سرمایه های غیرمادی هم توجه کافی داشته باشد و به سازوکارهایی مجهز شود که از اندیشه های موثر تک تک اعضا بهره گیری نماید تا از این طریق بتواند در برابر تصمیم گیری های ناکارآمد و سطحی به درستی عمل کند و بتواند با رفع تحدیدات نوآوری پاسخ مناسبی به تغییرات محیطی ارائه دهد و از ناکامی ها به عنوان تجارب مفید بهره گرفته، مسیر موفقیت را بیشتر از گذشته طی نماید. تقویت سرمایه اجتماعی موجود و به تبع آن افزایش همکاری و اعتماد بین افراد، حس تعلق به سازمان و مسئولیت پذیری در قبال آن نباید مغفول بماند، چرا که افراد متعهد و مسئول، همچون منابع مولد انرژی هستند که با قدرت به سمت اهداف پیش می روند و در صورت فعالیت جمعی و گروهی می توانند نیرویی را خلق کنند که هر ناممکنی را ممکن سازد. لذا با توجه به این که هوش سازمانی در وزارت ورزش و جوانان بر سرمایه اجتماعی تائیر گذار بوده و ارتباط معناداری بین این دو عامل نامحسوس در وزارت ورزش و جوانان وجود دارد، بهره گیری از مدل ارتباطی آنها در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های این وزارت توصیه می گردد.

منابع

- الوانی، سید مهدی؛ ناطق، تهمینه و فراچی، مهدی (۱۳۸۷) «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مدیریت دانش». فصلنامه علوم مدیریت ایران. شماره ۵.
- امام جمعه زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمودرضا؛ عیسی نژاد، امید و مرنندی، زهره (۱۳۹۱) «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی». پژوهشنامه سیاسی. ۷.
- امامی، مصطفی و دارابی، مریم (۱۳۹۱) «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کارآفرینی سازمانی». کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کار و کارهای دانش بنیان.
- رضوی زاده، ندا؛ بهمنی، محسن و یوسفی، علی (۱۳۹۱) «رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد». فصلنامه علوم اجتماعی. ۲.
- زمردیان، علی رضا و رستمی، علی (۱۳۸۹) «استقرار مدیریت دانش مبتنی بر سرمایه اجتماعی در واحدهای دانشگاه های آزاد اسلامی در منطقه ۸». مدیریت حسابداری. ۵.
- شجاعی، خه بات؛ بریاجی، سیوان و احمدنژاد، محمود (۱۳۹۰) «بررسی رابطه هوش سازمانی مدیران با سرمایه اجتماعی دانش آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه شهرستان سردشت». اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور. تهران، دانشگاه تهران.
- علمی، زهرا (۱۳۸۴) «سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر اقتصاد». تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران. ۷۱.
- کشاورز، لقمان (۱۳۸۸) «تنوع منابع انسانی در سازمان های ورزشی». مجموعه سخنرانی های همایش تخصصی کاربردی مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. دانشگاه تهران.
- میرک زاده، علی اصغر (۱۳۹۲) «نقش سرمایه اجتماعی در یادگیری سازمانی کارکنان سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان». ۳.

- Adler, P. & S. Krwon (2002) "Social Capital: Prospects for a new Concept, Academy of management". Review, Vol. 27, No.1.
- Albrecht, Karl. (2003) «Organizational Intelligence Survey Preliminary Assessment Australian Managers». Australian institute of management. September.
- Chao-Min Chiu, Meng-Hsiang Hsu, Eric T.G. Wang (2006) «Understanding knowledge sharing in virtual communities An integration of social capital and social cognitive theories».
- Fukuyama, Francis (1999) Social Capital and Civil Society. The Institute of Public Policy. George Mason University.
- Monavvarian, Abbas. Asghari, Nasser.; Akhavan, Peyman, Ashena, Mostafa (2013) «Developing social capital for facilitating knowledge management practices». International Journal of Social Economics, Vol. 40 Issue: 9.
- Putnam, R. (1993) "The Prosperous Community : Social capital and public life". The American Prospect.
- Putnam, R. (1993) "Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy". Princeton: Princeton University Press, 42.

- Putnam, R. (2000) **“Bowling Alone : The collapse and revival of American community”**. New York: Simon and Schuster, 35.
- Tymon, W.G & S.A. Stumpf (2003) **Social Capital in the success of Knowledge workers**. Career Development Turner International.
- Veryard, Richard(2012) **” Organizational Intelligence Primer”**. Leanpub.

طراحی الگوی شایستگی های محوری برای انتصاب مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان

حمید قاسمی^۱

حبیب هنری^۲

مرتضی رضایی صوفی^۳

فهیمه مومنی فر^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۵

مدیران با وظایف و اختیاراتی که بر عهده دارند می توانند نقش بی بدیلی در هدایت و راهبری سازمان ها بر عهده گیرند که در علم مدیریت به وظایف، نقش ها و شایستگی های مدیران اشاره شده است. هدف از این پژوهش، طراحی الگوی شایستگی های محوری برای انتصاب مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان بود. این تحقیق از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری این پژوهش، نخبگان مدیریت ورزشی شامل اعضای هیأت علمی رشته تربیت بدنی، رؤسای فدراسیون های ورزشی و همچنین مدیران منتخب و کارشناسان خبره وزارت ورزش و جوانان ($N=450$) بودند که بر مبنای جدول مورگان تعداد ۲۰۹ نفر به روش تصادفی - طبقه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای دستیابی به اهداف تحقیق، فهرستی جامع از اجزای شایستگی تهیه و تنظیم و منتج به طراحی پرسشنامه محقق ساخته ای شد که روایی پرسشنامه توسط ۱۵ تن از اساتید رشته مدیریت ورزشی تایید و پایایی آنها در یک مطالعه مقدماتی با ۳۰ نفر آزمودنی و با آلفای کرونباخ ۰/۹۵ محاسبه شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS و LISREL از روش های آماری توصیفی و استنباطی از جمله کلموگروف-اسمیرنوف، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج نشان داد متغیر های اصلی شایستگی های چهارگانه شامل فراشایستگی، شناختی، اجتماعی و

E-mail: h_ghasemi@pnu.ac.ir

۱. استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار، رشته تربیت بدنی، دانشگاه علامه طباطبائی

۳. استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه پیام نور

۴. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور

وظیفه ای، توان دسته بندی به ۱۱ مؤلفه و ۴۸ شاخص را دارند. با توجه به نتایج کلی تحقیق پیشنهاد می گردد تا از الگوی نهایی تحقیق و شاخص های شناسایی شده مانند اعتماد به نفس، پیش بینی و آینده نگری، ارزیابی مدیریت عملکرد و نظارت و گرایش به خلاقیت و نوآوری به عنوان معیارهای انتصاب مدیران میانی وزارت ورزش استفاده گردد تا شایسته پروری و شایسته داری در این سطح صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: مدیران میانی، شایستگی، نخبگان مدیریت ورزشی و تحلیل عاملی

مقدمه

مدیران با توجه به وظایف و اختیاراتی که بر عهده دارند می توانند نقش بی بدیلی در هدایت و راهبری سازمان ها بر عهده گیرند و همین باعث شده که از دهه های آغازین پیدایش علم مدیریت، همواره سخن از وظایف، نقش ها و ویژگی های مدیران به میان آید. مفهوم شایستگی^۱ یکی از رویکردهایی است که در دهه های اخیر به دنیای مدیریت عرضه شده و عبارت است از: "ویژگی های فردی و سازمانی مشتمل بر مهارت، توان و دانش که فرد را قادر به ایفای نقش و وظیفه در امور محوله می نماید". راهکار اطمینان از انتصاب مطلوب، توجه به رعایت شرایط احراز شغل، ارزیابی عملکرد و مدنظر قرار دادن شایستگی های مدیران است. البته، شایستگی در تمامی سطوح باید مورد توجه قرار گیرد و آنچه مهم است اینکه این امر باید از بالاترین سطح آغاز گردد، چراکه برای تحقق اهداف سازمانی، افراد لایق و کاردان باید در راس امور قرار گیرند. بدیهی است که جز یک مدیر شایسته، شخص دیگری قادر به تحقق انتظارات یک سازمان نخواهد بود و مدیر شایسته کسی است که هم دانش مدیریت داشته باشد و هم بتواند از تجارب استفاده مطلوب ببرد. سازمان های ورزشی در ارتباط دائم با اقشار جامعه در سنین متفاوت هستند و باید توانایی تعلیم نیروی عظیم انسانی جهت پرداختن به ورزش و نیز در بعد قهرمانی برای حضور در میادین بین المللی را داشته باشند. برای انتخاب افراد شایسته باید ضابطه و ملاک موجود باشد و این ضوابط نیز باید به گونه ای انتخاب شوند که قابل سنجش باشند. همچنین، برای جلوگیری از هدر رفتن نیرو و سرمایه، اولویت های مربوط رعایت گردد. لذا انتظار می رود زمانی که مولفه ها و محورهای شایستگی تعیین می شود، انتخاب و انتصاب مدیران با توجه به این مولفه ها صورت گیرد (بازیاری و امیرتاش، ۱۳۸۵: ۴). ویلکینوس^۲ (۲۰۰۰) شایستگی های مدیران ارشد را در ۵۵ مورد شناسایی کرده است. وی شایستگی های وظیفه ای، نقش، عمل، مهارت، توانایی و صفات شخصیتی را به عنوان مؤلفه های شایستگی بر شمرده است. دولویکز^۳ (۲۰۰۳) در زمینه شایستگی های رهبری، ۱۵ شایستگی را در ۳ مؤلفه شناسایی کرده است: شایستگی های احساسی (انگیزش، حساسیت، وظیفه شناسی، نفوذ، خودآگاهی، انعطاف پذیری و شهودی بودن)، شایستگی های مدیریتی (اداره منابع، برقراری ارتباط، توسعه، توانمند سازی و اجرایی) و شایستگی های فکری (دید استراتژیک، بینش و تخیل، قضاوت و تحلیل). لیئو^۴ (۲۰۰۹) نیز در مطالعه ای شایستگی های کلیدی مدیران را در ۵ بعد اصلی و ۳۰ شاخص تعیین نمود. ابعاد اصلی این شایستگی ها عبارت اند از: اثربخشی حرفه ای^۵، برنامه ریزی بازاریابی^۶، مدیریت بازاریابی^۷، مدیریت رابطه با مشتری^۸ و بین المللی سازی^۹. زاپیاتیس^{۱۰} (۲۰۱۰) هم شایستگی های مورد نیاز سرپرستان را بدین شرح بیان می کند: فنی، مفهومی (توانایی نوآوری، تغییر و انطباق با شرایط مشکل)، شایستگی های بین شخصی (مهارت های ارتباطی، نوشتاری و شفاهی و دانش تنوع های فرهنگی)، شایستگی های اداری (بودجه و برنامه ریزی استراتژیک، درک مدیریت هزینه، اجرای کنترل های هزینه کار،

1. Competence
2. Vilkinos
3. Dulewicz
4. Liou
5. Professional effectiveness
6. Marketing plannig
7. Marketing management
8. Customer relationship management
9. Internationalize ability
10. Zopiatis

بودجه بندی، دانش برنامه ریزی استراتژیک، توان اداری حرفه ای، مدیریت زمان، مهارت های سازمانی و مهارت های کامپیوتر)، شایستگی های مدیریت- رهبری، توان رهبری، مهارت تصمیم گیری، تعامل اخلاقی، ثبات و کنترل احساسی. بوکر (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی نتیجه گرفت شایستگی های محوری مدیریتی، با عملکرد مدیران ارتباط بسیار زیادی دارند، اما سلسله مراتب این شایستگی ها در سطوح مختلف مدیریتی با هم متفاوت اند و شایستگی های محوری برای مدیران میانی را شایستگی های همکاری، تفکر استراتژیک، مدیریت تیمی، رهبری اقتضایی، انگیزه و یادگیری به ترتیب اولویت ذکر نمود. الدنات (۲۰۱۴) شایستگی های رهبری را که بر مدیریت تاثیر ویژه ای دارند، در ۳ بعد مربیگری، نوآوری و هدایت کنندگی بیان نمود. نادری خورشیدی (۱۳۸۸) نیز در تحقیقی با عنوان "طراحی الگوی انتصاب مدیران میانی"، عوامل توانایی در برقراری ارتباطات قوی غیر رسمی، تعهد به ارزش های سازمان و عوامل قانونی را به عنوان مهمترین عوامل موثر بر انتصاب مدیران میانی عنوان کرد. شیخ (۱۳۸۹) نیز قابلیت های مدیران در چهار بعد مهارت ها، ویژگی های فردی، دانش و ارزش ها را با ۱۲ مولفه و ۴۱ شاخص بیان نمود. همچنین، بنیادی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "اولویت بندی شایستگی های مدیران و فرماندهان ناجا از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)" ۷۱۳ کد، ۸۴ مفهوم و ۴ مقوله اصلی- شامل شایستگی فردی، شایستگی بین فردی، شایستگی سازمانی و شایستگی بینشی- را که برخی دارای مقولات فرعی نیز بودند ارائه نمود و به این نتیجه رسید که شایستگی های فردی و شایستگی سازمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می باشند. شیری (۲۰۱۲) نیز در تحقیقی، شایستگی های محوری برای انتصاب مدیران بخش دولتی کشور را در ۴ بعد فراشایستگی، شناختی، اجتماعی و وظیفه ای با ۱۱ مولفه و ۶۶ شاخص شایستگی ارائه نمود که در این اولویت بندی، ۳ شاخص ارزیابی و مدیریت عملکرد، صداقت و راستگویی و دانش فنی بیشترین اهمیت را داشتند. در حال حاضر، در کشورمان انتصاب مدیران در بهترین حالت بر مبنای تجربه و مدرک تحصیلی (هر دو مورد گذشته مدار هستند) صورت می گیرد و توجه چندانی به تبیین شایستگی های مدیران ورزشی نشده است. متأسفانه نتایج تحقیقات ذیل نشان می دهد در انتصاب مدیران، شرایط احراز شغل نیز لحاظ نمی شود. بازیاری و امیرتاش (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان "بررسی میزان تطابق انتصاب مدیران سازمان تربیت بدنی" به این نتیجه رسیدند که در مورد مدیران عالی سازمان، معیاری برای انتصاب وجود ندارد. در تحقیق دیگری که شریعتی و عربیون (۱۳۸۶) انجام دادند مشخص شد که از بین ۱۲ وزارتخانه که دارای مراکز تحقیقاتی بودند، تنها ۳ وزارتخانه دارای ضوابط انتصاب مدیران مراکز تحقیقاتی بودند و در بیشتر موارد مدیران این مراکز، بنا به تشخیص مدیران مافوق انتصاب پیدا می کردند. همچنین نتایج تحقیق گراوند (۱۳۸۷) نشان داد که انتصاب حدود ۴۶ درصد مدیران آموزش و پرورش با آیین نامه انتصابات همخوانی ندارد. در تحقیقی مشابه، معروفی (۱۳۸۷) به این نتیجه رسید که سیستم جذب و انتصاب در مخابرات دارای نواقص و کاستی های فراوان است. برای برون رفت از این وضعیت می توان با لحاظ نمودن معیارهای شایستگی برای انتصاب مدیران ورزشی، تحولی اساسی در نظام انتصاب ایجاد نمود. در همین راستا گودرزی (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان "طراحی و تبیین مدل مهارت های سه گانه مدیریتی" به این نتیجه رسید که خوش خلقی و احترام و ادب در مهارت های انسانی، دانش مدیریت ورزشی در مهارت فنی و منظم بودن در مهارت های ادراکی مدیران میانی سازمان تربیت بدنی در اولویت می باشند.

بنابراین، با توجه به اهمیت و کاربرد وسیع شایستگی های مدیران در مدیریت عملکرد، تغییر فرهنگ سازمانی، آموزش و توسعه، استخدام و انتخاب، تحقق اهداف و چشم اندازها، انعطاف سازمانی، شفافیت

نقش ها و تلفیق و اجرای استراتژی های منابع انسانی و اینکه تناسب شغل و شاغل با عملکرد شغلی، رضایت شغلی، تعهد، جابجایی، قصد ترک خدمت، استرس و موفقیت در کار مرتبط است، موضوع طراحی الگوی شایستگی های محوری انتصاب مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان ضروری به نظر می رسد. دو ابزاری که در حال حاضر به تصمیم های تطابق شغل و شاغل کمک می کنند، عبارت اند از: مدل های شایستگی و تحلیل شغل (ای ۲۰۰۶). بنابراین، مجموعه شایستگی های شخص باید متناسب با شغل مورد تصدی وی باشد و طراحی الگوی شایستگی های مورد نیاز مدیران ورزشی سبب شناسایی، مولفه بندی و تبیین شایستگی ها و رعایت آن در انتصابات، سبب سپردن کار به کاردان می شود. اهمیت انتصاب مدیران در حال حاضر به گونه ای است که در فصل هشتم قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶) علاوه بر موارد تجربه و مدرک تحصیلی، برای موفقیت مدیر در شغل قبلی و همچنین توجه به شایستگی برای انتصاب در مشاغل مدیریت حرفه ای (به استثنای مشاغل سیاسی مندرج در ماده ۷۱ قانون مذکور) در تمامی دستگاه های اجرایی الزام قانونی وجود دارد.

شناسایی شایستگی های مورد نیاز مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان، چارچوبی برای انتخاب بهینه مدیران ورزشی فراهم می کند تا در فرایند انتخاب به عنوان راهنمای عمل مدنظر قرار گیرد. همچنین، در انتخاب و انتصاب مدیران ورزشی شایسته سالاری لحاظ خواهد شد و زمینه رعایت عدالت در انتصابات فراهم می شود. علاوه بر آن، اجرای امور مرتبط با شاخص های مختلف شایستگی ها از قبیل مدیریت مذاکره، رهبری تیمی، ارتباطات و آگاهی سازمانی، با رعایت ترجیحات تسهیل می گردد. در این پژوهش، دیدگاه های متون اسلامی شامل شایستگی های موردنظر قرآن کریم، احادیث شریف پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) پیرامون شایستگی ها با مدل های شایستگی مدیران در متون علمی مدیریت ورزشی تلفیق شده است. با توجه به اهمیت و نقش اساسی مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان در ارتقا و پیشرفت ورزش کشور، پژوهش حاضر در نظر دارد ابتدا به این سوالات پاسخ دهد:

- مولفه ها و شاخص های شایستگی مدیران میانی (رؤسا و اعضای هیات رئیسه فدراسیون ها و مدیران کل استانی) وزارت ورزش و جوانان کدام اند؟
- الگوی مطلوب و اجرایی جهت اثربخشی بیشتر نظام انتصابات مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان برای بستر سازی شایسته سالاری چیست؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش های همبستگی است. این پژوهش از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، میدانی و از لحاظ کنترل متغیرها، غیر آزمایشی است. جامعه آماری این تحقیق، نخبگان مدیریت ورزشی شامل اعضای هیأت علمی رشته تربیت بدنی با گرایش مدیریت ورزشی دانشگاه های وزارت علوم، رؤسای فدراسیون های ورزشی و همچنین مدیران منتخب و کارشناسان خبره وزارت ورزش و جوانان بوده و تعداد جامعه آماری این تحقیق حدود ۴۵۰ نفر است.

در این تحقیق، نمونه گیری به دلیل مشارکت افراد مختلف با ویژگی های مورد نظر در تحقیق به صورت تصادفی - طبقه ای و تعداد نمونه - بر اساس جدول مورگان - ۲۰۹ تن بوده است. این تحقیق در فاصله زمانی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳ به انجام رسیده است. در این پژوهش، برای گردآوری داده ها پس از بررسی

اسناد و مدارک، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. بدین ترتیب که به کتاب‌ها، مقالات و پایان نامه‌های مورد نیاز در سایت‌ها و پایگاه‌های علمی مختلف برای تکمیل ادبیات نظری تحقیق مراجعه شد و بعد الگوی مفهومی شایستگی‌های محوری انتصاب مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان در قالب پرسشنامه‌ای متشکل از ۷۰ شاخص شایستگی تدوین و به صاحب‌نظران ارائه شد. بر اساس نظرخواهی اولیه صاحب‌نظران، پرسشنامه دارای تعدادی پرسش بسته و به جهت رفع نقص احتمالی از چند سؤال باز برای تکمیل الگو استفاده شد. در این پژوهش برای گزارش روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی نشان داد تعداد ۴۸ شایستگی تأیید شدند که تعداد ۱۷ سؤال آن در بعد شایستگی فراشایستگی، ۱۳ سؤال در بعد شایستگی وظیفه ای، ۴ سؤال در بعد شناختی و ۱۴ سؤال در بعد شایستگی اجتماعی بود. روایی پرسشنامه به تأیید ۱۵ نفر از متخصصین رسید و پایایی در یک مطالعه مقدماتی با ۳۰ نفر آزمودنی مورد بررسی قرار گرفت و پایایی ۰/۹۵ محاسبه شد. در تحلیل داده ها، علاوه بر محاسبه شاخص های توصیفی (شامل محاسبه جداول توزیع فراوانی، درصدها، محاسبه شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی نظیر میانگین و واریانس)، به محاسبه شاخص های استنباطی اقدام شد. جهت تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS (۲۱،۰)، LISREL و به تناسب فرضیه های پژوهش از روش آماری ضریب همبستگی و معناداری آن، کلموگروف-اسمیرنوف، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

یافته های پژوهش

نتایج توصیفی این پژوهش نشان داد که میانگین سنی ۲۰۹ نفر شرکت کننده در این پژوهش، ۳۷/۱۳ سال می باشد که از این افراد ۳۲ نفر (۱۵/۳۱ درصد) دارای مدرک تحصیلی لیسانس، ۶۶ نفر (۳۱/۵۷ درصد) فوق لیسانس و ۱۱۱ نفر (۵۳/۱۱ درصد) دارای تحصیلات دکترا بودند.

در جدول ۱، شاخص های توصیفی متغیرهای شایستگی در سطح مدیران میانی به تفکیک گزارش شده است. بر اساس نتایج، میانگین و انحراف استاندارد مقیاس شایستگی در سطح مدیران میانی به ترتیب برابر با ۴/۸۲ و ۰/۴۷ گزارش شده است. همچنین، میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه «فراشایستگی» به ترتیب برابر با ۴/۱۲ و ۰/۵۲؛ میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه «شایستگی های اجتماعی» به ترتیب برابر با ۴/۰۹ و ۰/۵۰؛ میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه «شایستگی های وظیفه ای» به ترتیب برابر با ۶/۸۰ و ۰/۶۱؛ و میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه «شایستگی های شناختی» به ترتیب برابر با ۴/۲۶ و ۰/۶۰ گزارش شده است.

جدول ۱: اطلاعات توصیفی تمامی متغیرها در سطح مدیران میانی

ابعاد شایستگی	تعداد	حداقل	حداکثر	میان	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
فراشایستگی	۲۰۹	۲/۲۷	۵/۰۰	۴/۲۰	۴/۱۲	۰/۵۲	۰/۰۵
اجتماعی	۲۰۹	۲/۶۰	۵/۰۰	۴/۱۰	۴/۰۹	۰/۵۰	۰/۰۵
وظیفه ای	۲۰۹	۴/۲۳	۷/۶۱	۶/۸۹	۶/۸۰	۰/۶۱	۰/۰۶
شناختی	۲۰۹	۲/۲۵	۵/۰۰	۴/۵۰	۴/۲۶	۰/۶۰	۰/۰۶
شایستگی کل	۲۰۹	۳/۱۰	۵/۶۲	۴/۹۱	۴/۸۲	۰/۴۷	۰/۰۵

در جدول ۲، شاخص های توصیفی خرده مقیاس های متغیرهای شایستگی محاسبه و گزارش شده است. بر اساس نتایج گزارش شده در جدول، میانگین و انحراف استاندارد «مؤلفه اخلاقی» در سطح مدیران میانی به ترتیب برابر با ۴/۸۷ و ۰/۶۹ گزارش شده است. به همین ترتیب اطلاعات سایر مؤلفه به قرار زیر بوده است:

جدول ۲: اطلاعات توصیفی تمامی مؤلفه های شایستگی در سطح مدیران میانی

ابعاد شایستگی	خرده مقیاس	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
فراشایستگی	اخلاقی	۲۰۹	۲/۰۰	۵/۰۰	۴/۸۷	۰/۶۹
	اعتقادی	۲۰۹	۲/۰۰	۵/۰۰	۳/۹۹	۰/۸۲
	شخصی	۲۰۹	۱/۷۵	۵/۰۰	۴/۳۷	۰/۶۶
	کارآفرینی	۲۰۹	۱/۵	۵/۰۰	۴/۱۱	۰/۷۶
	بهداشت روانی	۲۰۹	۱/۶۷	۵/۰۰	۴/۲۷	۰/۶۸
اجتماعی	رفتاری	۲۰۹	۲/۴۳	۵/۰۰	۴/۲۵	۰/۵۲
	سیاسی - اجتماعی	۲۰۹	۱/۴۰	۵/۰۰	۳/۸۷	۰/۸۵
	فرهنگی - ارتباطی	۲۰۹	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۱۴	۰/۶۰
وظیفه ای	مدیریتی	۲۰۹	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۴۴	۰/۶۹
	رهبری	۲۰۹	۲/۰۰	۵/۰۰	۴/۰۰	۰/۶۹
شناختی	حرفه ای	۲۰۹	۲/۲۵	۵/۰۰	۴/۲۶	۰/۶۰

همچنین، ضرایب همبستگی تک متغیری پیرسون بین متغیرهای تحقیق در سطح مدیران میانی محاسبه شد و سپس معنی داری ضرایب همبستگی محاسبه شده در جامعه آماری مورد آزمون قرار گرفت. بنابراین برای آزمون معناداری میزان همبستگی از آزمون t استفاده شد. بر اساس نتایج بدست آمده، ضریب همبستگی بین تمامی متغیرهای شایستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بوده است که همبستگی های معنادار با ستاره مشخص شده اند. بیشترین همبستگی معنادار گزارش شده بین متغیر «فراشایستگی» و متغیر «شناختی» ($r = ۰/۷۱$) و کمترین ضریب همبستگی معنادار بین متغیر «وظیفه ای» و متغیر «شناختی» ($r = ۰/۴۸$) بوده است - به طور کلی، میزان همبستگی بین مؤلفه های مورد اشاره در حد متوسط و خوب بوده است.

در جدول ۳، میزان همبستگی مؤلفه های شایستگی در سطح مدیران میانی و معناداری آنها گزارش شده است. بر اساس نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین اکثر مؤلفه های شایستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط معنی دار است که همبستگی های معنادار با ستاره مشخص شده اند. بیشترین همبستگی معنادار گزارش شده بین مؤلفه «مدیریتی» و مؤلفه «فرهنگی و ارتباطی» ($r = ۰/۷۸$) و کمترین ضریب همبستگی معنادار بین مؤلفه «سیاسی و اجتماعی» و مؤلفه «شخصی» ($r = ۰/۱۹$) گزارش شده است. به طور کلی مشاهده می شود که میزان همبستگی بین مؤلفه های مورد اشاره در کل در حد متوسط می باشد.

جدول ۳: همبستگی مؤلفه های شایستگی در سطح مدیران میانی و معناداری آنها

مؤلفه ها	اخلاقی	اعتقادی	شخصی	کارآفرینی	بهداشت روانی	رفتاری	سیاسی و اجتماعی	فرهنگی و ارتباطی	مدیریتی	رهبری	حرفه ای
۱- اخلاقی	۱/۰۰										
۲- اعتقادی	۰/۴۱*	۱/۰۰									
۳- شخصی	۰/۳۱*	۰/۳۵*	۱/۰۰								
۴- کارآفرینی	۰/۳۰*	۰/۲۷*	۰/۵۶*	۱/۰۰							
۵- بهداشت روانی	۰/۳۸*	۰/۲۸*	۰/۵۲*	۰/۵۶*	۱/۰۰						
۶- رفتاری	۰/۳۸*	۰/۳۶*	۰/۵۲*	۰/۶۳*	۰/۶۰*	۱/۰۰					
۷- سیاسی و اجتماعی	۰/۰۱۸	۰/۱۷	۰/۱۹*	۰/۳۷*	۰/۲۱*	۰/۳۰*	۱/۰۰				
۸- فرهنگی و ارتباطی	۰/۲۷*	۰/۳۵*	۰/۶۴*	۰/۵۴*	۰/۴۹*	۰/۵۶*	۰/۳۱*	۱/۰۰			
۹- مدیریتی	۰/۱۱	۰/۲۴*	۰/۶۴*	۰/۵۲*	۰/۵۰*	۰/۵۵*	۰/۳۳*	۰/۷۸*	۱/۰۰		
۱۰- رهبری	۰/۱۶*	۰/۲۱*	۰/۴۵*	۰/۴۷*	۰/۴۶*	۰/۴۵*	۰/۲۹*	۰/۷۱*	۰/۶۹*	۱/۰۰	
۱۱- حرفه ای	۰/۳۸*	۰/۳۲*	۰/۵۸*	۰/۶۶*	۰/۷۱*	۰/۶۳*	۰/۳۳*	۰/۵۱*	۰/۵۰*	۰/۳۹*	۱/۰۰

* $P < ۰/۰۵$

به منظور بررسی مناسب بودن داده ها برای تحلیل عاملی از آزمون (KMO) استفاده شد که مقدار آن همواره بین ۰ تا ۱۰ در نوسان است. نتایج جدول ۵ نشان می دهد که عدد معناداری KMO برای تمام شایستگی ها از ۰/۷ بیشتر است. لذا می توان گفت داده ها برای تحلیل عاملی مناسب است. برای اطمینان از مناسب بودن داده ها مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی هایی که پایه تحلیل قرار می گیرد در جامعه برابر با صفر نیست، از آزمون بارتلت استفاده شد. نتایج جدول ۴ نشان دهنده اطمینان از کفایت نمونه گیری است، زیرا عدد معناداری آزمون بارتلت ($\text{sig} < ۰/۰۵$) است.

جدول ۴: نتایج آزمون بارتلت و کیس می یو و اوکلین (KMO)

ردیف	شایستگی	KMO نتایج	نتایج کروییت بارتلت		
			مجذور کای	درجه آزادی	معنی داری
۱	فراشایستگی	۰/۸۳۵	۷۷۳/۷۸۰	۱۳۶	۰/۰۰
۲	شناختی	۰/۷۷۵۰	۹۱/۲۸	۶	۰/۰۰
۳	اجتماعی	۰/۸۴۴	۵۵۶/۱۱	۹۱	۰/۰۰
۴	وظیفه ای	۰/۹۰۸	۸۵۷/۷۲	۷۸	۰/۰۰

در مرحله آزمون الگو و بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی مشخص شد که برخی شایستگی های مقولات چهار گانه فراشایستگی، شناختی، اجتماعی و وظیفه ای توان دسته بندی در مقولات فرعی را نیز دارد و شایستگی فراشایستگی به ۵ مؤلفه (اخلاقی، اعتقادی، شخصی، کارآفرینی و بهداشت روانی) و شایستگی اجتماعی به ۳ مؤلفه (رفتاری، سیاسی - اجتماعی و فرهنگی - ارتباطی) و شایستگی وظیفه ای به ۲ مؤلفه (مدیریتی و رهبری) و شایستگی شناختی به ۱ مؤلفه (حرفه ای) امکان دسته بندی دارد که البته این بنابر منطق آماری صادق است و با در نظر گرفتن منطق مفهومی و مدیریتی و با مشورت با خبرگان برای این مقولات فرعی نام گذاری و الگوی نهایی عرضه می شود.

همچنین، از آزمون K-S جهت بررسی نرمال بودن متغیرها استفاده گردید و چون مقادیر سطح معنی داری برای شایستگی های اجتماعی، وظیفه ای، شناختی و فراشایستگی، کوچکتر از سطح آزمون یعنی $\alpha = 0/05$ بوده اند، بنابراین فرض نرمال بودن متغیرها در سطح معناداری $0/05$ رد شده است. به همین دلیل جهت انجام آزمون فرضیه ها از آزمون های ناپارامتریک استفاده می شود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی هر یک از متغیر های پژوهش توسط نرم افزار LISREL به صورت جداگانه برای هر شاخص به دست آمد که در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: پارامترهای تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول شاخص های شایستگی مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان

ابعاد	مؤلفه ها	شاخص ها	بار عاملی	f^{***}	مجذور همبستگی چند گانه
وظیفه ای	مدیریتی	ارزیابی و مدیریت عملکرد	۰/۶۰	۹/۴۹	۰/۷۷
		پیش بینی و آینده نگری	۰/۸۱	۱۱/۹۹	۰/۹۰
		بسیج و توسعه منابع	۰/۶۳	۹/۷۹	۰/۷۹
		داشتن تفکر جهانی	۰/۶۹	۱۰/۵۴	۰/۸۳
		نظارت	۰/۶۱	۹/۵۸	۰/۷۸
		مهارت های هدف گذاری و برنامه ریزی	۰/۷۰	۱۰/۶۴	۰/۸۴
وظیفه ای	مدیریتی	تجربه مدیریت ورزشی	۰/۵۲	۸/۶۲	۰/۷۲
		تدوین استراتژی مطلوب	۰/۶۲	۱۰/۲۱	۰/۷۹
	رهبری	ترسیم چشم انداز مطلوب	۰/۶۲	۹/۶۹	۰/۷۹
		رهبری تغییر	۰/۸۲	۱۱/۹۴	۰/۹۱
		استفاده موثر از قدرت	۰/۴۲	۷/۳۳	۰/۶۵
		تیم سازی و رهبری تیمی	۰/۵۹	۹/۱۳	۰/۷۷
		مدیریت تضاد	۰/۵۱	۸/۸۳	۰/۷۱

شناختی	حرفه ای	آگاهی از حقوق ورزشی و مسائل قانونی	۰/۵۳	۸/۰۶	۰/۷۳
		آگاهی از فنون اداره جلسه	۰/۵۰	۷/۷۷	۰/۷۱
		آگاهی از سیاست ها و خط مشی های سازمانی	۰/۷۵	۹/۹۰	۰/۸۶
		دانش مدیریت ورزشی	۰/۲۹	۵/۵۵	۰/۵۴
اجتماعی	رفتاری	استقلال فکری و عملی	۰/۴۴	۷/۶۴	۰/۶۷
		سخت کوشی	۰/۷۸	۱۱/۴۲	۰/۸۸
		شجاعت و قاطعیت در تصمیم	۰/۵۰	۸/۳۰	۰/۷۰
		انعطاف پذیری	۰/۰۸	۲/۴۲	۰/۲۴
	سیاسی - اجتماعی	رفتار شهروندی سازمانی	۰/۴۵	۸/۰۴	۰/۶۹
		مسئولیت پذیری و پاسخگویی اجتماعی	۰/۶۹	۱۰/۴۰	۰/۸۳
		قانون مداری	۰/۵۰	۸/۲۹	۰/۷۱
		مدیریت جریان های سیاسی اثرگذار	۰/۶۲	۷/۶۷	۰/۸۵
	فرهنگی - ارتباطی	بصیرت سیاسی و تحلیل محیط سیاسی	۰/۷۷	۷/۵۲	۰/۸۰
		تصویرسازی مثبت از عملکرد واحد	۰/۳۸	۶/۷۰	۰/۶۰
		قدرت مذاکره و اقناع کنندگی	۰/۵۲	۸/۵۵	۰/۷۲
		اعتمادسازی	۰/۹۲	۱۲/۸۷	۰/۹۵
		همدلی و درک دیگران	۰/۴۶	۷/۷۵	۰/۶۶
		درک و مدیریت تفاوت های فرهنگی	۰/۴۶	۸/۲۲	۰/۶۹
فراشایستگی	شخصی	اعتماد به نفس	۰/۳۷	۶/۶۵	۰/۶۱
		مدیریت زمان	۰/۷۸	۱۱/۱۹	۰/۸۸
		داشتن انگیزه	۰/۶۴	۹/۶۲	۰/۸۰
		خودآگاهی	۰/۶۷	۱۰/۱۸	۰/۸۲
	کارآفرینی	تمایل به ریسک و مخاطره	۰/۳۸	۶/۷۵	۰/۶۱
		داشتن ثبات فکری	۰/۴۵	۷/۸۷	۰/۶۷
		داشتن تفکر استراتژیک	۰/۵۰	۸/۱۶	۰/۷۱
		گرایش به خلاقیت و نوآوری	۰/۷۵	۱۰/۷۷	۰/۸۷
فراشایستگی	بهداشت روانی	مهارت ایجاد آرامش روانی محیط کار	۰/۵۳	۸/۳۴	۰/۷۳
		بسترسازی برای فعالیت های ورزشی	۰/۶۲	۹/۳۰	۰/۷۹
		بستر سازی برای همکاری مبتنی بر اعتماد بین کارکنان	۰/۷۴	۱۰/۶۱	۰/۸۶
	اعتقادی	خداباوری	۰/۴۶	۷/۲۹	۰/۶۸
		مقید به انجام واجبات و ترک محرمات بودن	۰/۲۴	۵/۵۵	۰/۴۹

۱/۰۸	۱۲/۳۶	۱/۱۶	پایبندی به ارزشهای اسلامی	اعتقادی	فراشایستگی
۰/۷۰	۷/۴۲	۰/۴۹	امانت داری و حفظ اسرار	اخلاقی	
۰/۴۶	۴/۵۱	۰/۲۱	گذشت و ایثار		
۰/۷۴	۸/۲۱	۰/۵۵	تواضع و فروتنی		

$$** P < ۰/۰۱$$

شاخص های برازش تحلیل عاملی تاییدی شاخص های شایستگی مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان در جدول ۶ به تفکیک آورده شده است. نتایج حاکی از آن است که تمامی شاخص ها در حد بسیار مطلوب گزارش شده اند و مدل با داده ها برازش بسیار نسبی دارد و این بیانگر همسو بودن گویه ها با سازه نظری است.

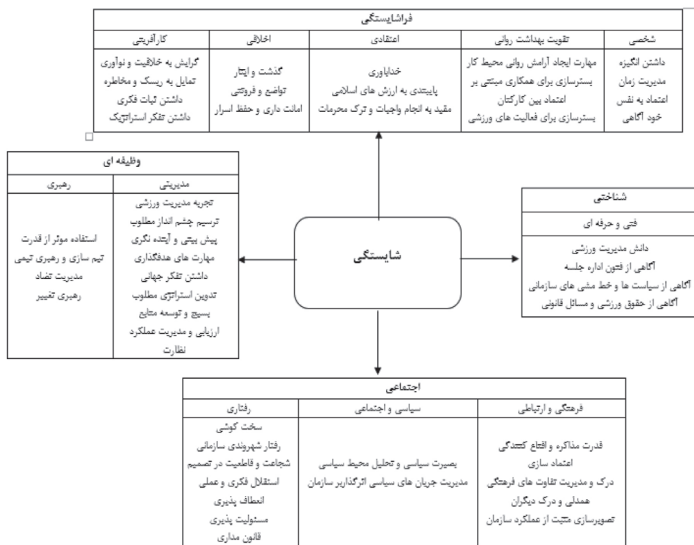
جدول ۶: شاخص های برازش تحلیل عاملی تاییدی شاخص های شایستگی مدیران میانی

شاستگی	نام شاخص	میزان کیفیت برازش
فراشایستگی	آماره خی دو (۲c) و معناداری آن	۱۶۰/۷۷ (p=۰/۰۰۱)
	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA)	۰/۰۷۳
	شاخص نرم شده برازش (NFI)	۰/۹۰
	شاخص نرم نشده برازش (NNFI)	۰/۹۳
	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۵
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۱
	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۸۹
شناختی	آماره خی دو (۲c) و معناداری آن	۱/۹۶ (p=۰/۰۰۱)
	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA)	۰/۰۰۱
	شاخص نرم شده برازش (NFI)	۰/۹۹
	شاخص نرم نشده برازش (NNFI)	۰/۹۸
	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۷
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۹
	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۹۶
اجتماعی	آماره خی دو (۲c) و معناداری آن	۱۱۰/۳۰ (p=۰/۰۰۱)
	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA)	۰/۰۷۳
	شاخص نرم شده برازش (NFI)	۰/۹۲
	شاخص نرم نشده برازش (NNFI)	۰/۹۵
	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۶
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۲
	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۹۰

۸۹/۳۵ (p=۰/۰۰۱)	آماره خی دو (۲c) و معناداری آن	وظیفه ای
۰/۰۷۴	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA)	
۰/۹۶	شاخص نرم شده برازش (NFI)	
۰/۹۸	شاخص نرم نشده برازش (NNFI)	
۰/۹۸	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	
۰/۹۳	شاخص نیکویی برازش (GFI)	
۰/۹۱	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	

با توجه به نتایج تحقیق، الگوی نهایی شایستگی های محوری مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان در نمودار شماره ۱ ارائه شده است. نتایج تحلیل، گواه مطلوبیت الگو و متناسب بودن چهارچوب الگو می باشد. نتایج تحلیل عاملی نیز مؤید پذیرش ۵۶ شاخص شایستگی در ۱۱ مؤلفه می باشد. شاخص های تأیید شده با توجه به میزان بار عاملی در مؤلفه های الگو اولویت بندی شده اند.

نمودار ۱: الگوی شایستگی های محوری مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان



بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، طراحی الگوی شایستگی های محوری برای انتصاب مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان بوده است. شایسته سالاری در دین اسلام ریشه داشته و با آموزه های دینی ما آمیخته شده است؛ چنان که خداوند متعال در آیه ۵۸ سوره نساء می فرماید: «ان الله یمرکم ان تودوا الامانات الی اهلها». علی رغم اینکه مفهوم شایستگی در سنوات اخیر به صورت گسترده ای در حوزه مدیریت منابع انسانی به کار گرفته شده است، اما جامعه محققان و کاربران منابع انسانی تعریف یکسانی از شایستگی ارائه نکرده اند و مدل های ارائه شده پیرامون شایستگی، هر کدام از منظری خاص تدوین شده اند و موضوع انتصاب مدیران میانی وزارت

ورزش بر مبنای شایستگی تا کنون در داخل کشور بررسی نشده است. تحقیقات نشان می‌دهد که موفقیت سازمان‌ها تا حد زیادی مرهون شایستگی و صلاحیت‌های مدیران بویژه مدیران میانی است، چرا که یکی از سطوح مدیریت که در تصمیم‌سازی برنامه محور نقش اساسی داشته و در تصمیم‌گیری راهبردی مدیران عالی نقش کلیدی دارند، مدیران میانی در سازمان‌ها هستند (سلجوقی، ۱۳۸۵: ۲۲). هیچ سازمانی را نمی‌توان یافت که موفقیت پایدار و غیر تصادفی را تجربه کرده باشد، ولی از وجود مدیری خردمند، کارا و شایسته برخوردار نباشد و از آنجا که موفقیت یا شکست یک سازمان تا حد زیادی وابسته به مدیریت آن است، ضروری می‌نماید که در باب مدیریت، به ویژه مدیریت میانی و شاخص‌های انتصاب مدیران میانی در سازمان‌های ورزشی با رویکرد مدیریت اسلامی تأمل و اندیشه کنیم.

موضوع مربوط به انتصاب مدیرانی اهمیت این مقوله را دو چندان می‌کند، چرا که بعضاً خود متولی انتخاب و انتصاب دیگرانند. لذا انتصاب مدیران به ویژه مدیران میانی، عاملی بسیار کلیدی جلوه می‌کند و چون وظائف، نقش‌ها و مهارت‌های مدیران همانند مجریان چندان ساختار یافته نیست، شناسایی افراد شایسته در این سطح امری بس مشکل و پیچیده به نظر می‌رسد (امینی، ۱۳۸۸: ۲۲). سازمان‌های ورزشی به عنوان متولیان توسعه ورزش و تربیت بدنی در جامعه و مدیران به عنوان محور اصلی این سازمان‌ها ایفای نقش می‌کنند. عدم توجه به تخصص، تجربه، کارایی و توانایی مدیران میانی در انتصاب به مسئولیت‌های سازمانی موجب تصمیمات نامناسب، اقدامات بیهوده، تضعیف و مرگ هر رشته ورزشی می‌شود. با توجه به نقش مدیران میانی در استفاده و ترکیب منابع مادی و انسانی باید نسبت به انتخاب و یا ترفیع آنها بر اساس اصول علمی اقدام کرد، چرا که انتخاب مدیران ناشایسته اثرات تخریبی و غیر قابل جبرانی بر ورزش خواهد گذاشت و بر این اساس یکی از آفت‌های ورزش کشور، گزینش نامناسب و بدون ضابطه مدیران است.

این تحقیق، تعیین ابعاد و تدوین مؤلفه‌ها و شاخص‌های شایستگی برای مدیران میانی در وزارت ورزش را مبنای فعالیت قرار داده است و اشتراک و افتراق‌هایی با الگوها و مدل‌های قبلی دارد. در بین الگوها و مدل‌های داخل کشور، تنها با مدل شیری (۱۳۹۱) مشابهت وجود دارد و در بین الگوهای خارجی نیز تمامی الگوها به لحاظ عدم توجه به شایستگی‌های اخلاقی و شایستگی‌های تقویت بهداشت روانی در محیط کار با این الگو تفاوت دارند. نتایج تحلیل، گواه مطلوبیت الگو و متناسب بودن چهارچوب الگو با نتایج آزمون و تحلیل عاملی نیز مؤید پذیرش ۴۸ شاخص شایستگی در ۱۱ مؤلفه و ۴ بعد با عناوین شایستگی‌های فراشایستگی، اجتماعی، وظیفه‌ای و شناختی می‌باشد. مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که الگوی پژوهش حاضر در تعداد ابعاد با مدل‌های دلویکز (۲۰۰۳)، گودرزی (۱۳۸۱)، شیخ (۱۳۸۹)، شیری (۲۰۱۲)، بنیادی (۱۳۹۱) و بوکر (۲۰۱۳) همسوست. سه بعد اولیه شامل شایستگی‌های شناختی، وظیفه‌ای و اجتماعی، نسبتاً جهانی هستند و با دانش، مهارت‌ها و صفات شخصی و روش‌های آموزشی قدیمی سازگار هستند. شایستگی شناختی شامل مفاهیم و تئوری‌های مبنایی و دانش حاصل از تجربه است. شایستگی وظیفه‌ای (مهارت‌ها و فوت و فن کار) چیزهایی است که شخص باید در یک حرفه قادر به انجام آن باشد و شایستگی اجتماعی، تمایل و توانایی ایجاد رابطه و درک مزایا و تنش‌های تعامل پایدار و منطقی با دیگران را توصیف می‌کند. فرا شایستگی نیز با توانایی مواجهه با عدم اطمینان و همچنین یادگیری و واکنش ارتباط دارد (وینترتون، دیلامر و استرینگ فیلو، ۲۰۰۵: ۳۱). می‌توان گفت که دانش از طریق شایستگی شناختی، مهارت‌ها از طریق شایستگی‌های وظیفه‌ای و مسائل رفتاری و نگرشی از طریق شایستگی‌های اجتماعی حاصل می‌شوند؛ اما فرا شایستگی‌ها از سه بعد اولیه مجزا و برای کسب سایر شایستگی‌ها نقش تسهیل‌کننده دارند.

بعد شایستگی‌های شناختی با یک مؤلفه (حرفه‌ای)، بعد شایستگی‌های وظیفه‌ای شامل دو مؤلفه

(مدیریتی و رهبری)، بعد فرا شایستگی ها مشتمل بر پنج مولفه (اخلاقی، شخصی، کارآفرینی، اعتقادی و تقویت بهداشتی روانی) و بعد شایستگی های اجتماعی شامل سه مولفه (سیاسی و اجتماعی، رفتاری و همچنین فرهنگی و ارتباطی) می باشند که از نظر تعداد مولفه ها با مدل های فریدمن (۱۹۸۹)، ای (۲۰۰۶)، باتلر (۲۰۰۶)، شیخ (۱۳۸۹) و شیر (۲۰۱۲) همسوست. همچنین، به لحاظ تعداد شاخص با مدل های فریدمن (۱۹۸۹)، ویلکینوس (۱۹۹۴)، لنهان (۲۰۰۰) و باتلر (۲۰۰۶) همسو می باشد. مولفه شخصی شامل داشتن انگیزه، مدیریت زمان، اعتماد به نفس و خود آگاهی، بنیادی ترین بخش شخصیت یک فرد می باشد که در تمام جوانب زندگی فرد خود را به نحوی متظاهر می سازند. اعتماد به نفس سالم و بالا، یک ضرورت حیاتی و مطلق برای هر فرد به خصوص یک مدیر می باشد. مدیری که با تکیه بر قدرت ایمان و آگاهی، به لیاقت و کفایت خویش باور داشته باشد و در میدان فعالیت، تنها خود را مسئول کارهای خود بداند و با جدیت و امید به پیشرفت، اراده و عمل را تکیه گاه خود قرار دهد، اعتماد به نفس دارد. مولفه تقویت بهداشت روانی شامل شاخص های مهارت ایجاد آرامش روانی محیط کار، بسترسازی برای همکاری مبتنی بر اعتماد بین کارکنان و بسترسازی برای فعالیت های ورزشی می باشد. یکی از وظایف اساسی مدیریت که شاید تاکنون کمتر مطرح شده، تامین بهداشت روانی کارکنان سازمان است و آنچه به درک بهتر بهداشت روانی کمک می کند، توجه به اصول بهداشت روانی است که اکثر روانشناسان در مورد آن توافق دارند. در چنین موقعیت هایی، کارکنان احساس حمایت اجتماعی می کنند و در صورتی که مدیر بتواند نشاط را در محیط کار حفظ، برای فعالیت های ورزشی اهمیت قائل شده و بستر سازی مناسب نماید، به تقویت بهداشت روانی کمک می نماید (شیر، ۲۰۱۲: ۲۰۸). مولفه کارآفرینی نیز شامل گرایش به خلاقیت و نوآوری، تمایل به ریسک و مخاطره، داشتن ثبات فکری و داشتن تفکر استراتژیک می باشد. در جهان امروز تفکر نوآوری و کارآفرینی و استفاده از آن در سازمان ها امری اجتناب ناپذیر است. همان طور که تولد و مرگ سازمان ها به پیش، بصیرت و توانایی های موسسان آن بستگی دارد، رشد و بقای آن نیز به عواملی نظیر و توانایی، خلاقیت و نوآوری منابع انسانی آنها وابسته است (فلاح همت آبادی، ۱۳۸۲). اگر مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان کارآفرین باشند، فرصت های اقتصادی را بهتر درک می کنند و قادرند از منابع موجود به منظور نوآوری استفاده بیشتری کنند. در نتیجه، سریع تر رشد می نمایند و در صحنه رقابت بیشتر دوام می آورند. لذا پیشنهاد می شود به منظور تحقق این امر، فعالیت های کارآفرینانه بیشتر ترویج داده شوند و روحیه کارآفرینی در مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان پرورش و در نهایت محیطی کار آفرینانه در وزارت ورزش حاکم گردانیده شود. مولفه اخلاقی و اعتقادی شامل گذشت و ایثار، امانت داری و حفظ اسرار، تواضع و فروتنی، خداباوری، پایبندی به ارزش های اسلامی و مقید به انجام واجبات و ترک محرمات می باشد. خدا باوری به شکل توکل بر خدا و خدا ترسی در وجود انسان ظهور پیدا می کند. توکل بر خدا، گذشت و فروتنی از ویژگی های مطلوب برای مدیران است. در سوره انفال آیه ۲ چنین آمده است: "مومنان کسانی اند که چون یاد خدا شود، دل هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود، بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می کنند". همچنین رسول اکرم (ص) می فرماید: "کسی که دوست دارد قوی ترین مردم باشد، بر خدا توکل کند". بنابراین پیشنهاد می شود شاخص های ذکر شده در مولفه اخلاقی و اعتقادی، در گزینش مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان لحاظ شود تا با تکیه بر ایمان و خداباوری، شاهد رشد و تعالی هرچه بیشتر سازمان باشیم. مولفه سیاسی - اجتماعی نیز شامل بصیرت سیاسی و تحلیل محیط سیاسی و مدیریت جریان های سیاسی اثرگذار بر سازمان می باشد. شایستگی سیاسی می تواند شامل توانایی تقویت موقعیت سازمان و کسب قدرت از طریق تعاملات صحیح باشد (کارسون و گیلومر، ۲۰۰۰، ۳۶۶). مسئولیت های اجتماعی نیز

حاکمیت اخلاق را به دنبال دارد؛ یعنی درچارچوب مسئولیت اجتماعی، سازمان کارهایی را که برای جامعه مفید است، انجام دهد و از امور زیان آور برای جامعه دوری کند (عظیمی و خاک تاریک، ۱۳۹۰: ۱۱۱). مؤلفه سیاسی - اجتماعی مدیران در سطح میانی وزارت ورزش و جوانان توجه ویژه ای را طلب می کند. آن ها باید با رویکردی جامع به موضوعات در وضعیت استفاده از فرصت ها قرار گیرند و با شناخت اجزا و عناصر تشکیل دهنده سیستم، در صدد آینده نگری حکیمانه برای اجرای اثربخش، تحولی و جامعه محور وظایف، حرکت نمایند. علاوه بر این، مؤلفه فرهنگی - ارتباطی مدیر را با افراد تحت مدیریت مرتبط می سازد و دیگران را به تلاش برای تحقق اهداف مدیریت و می دارد. در میان اموری که می توانند برای مدیر جاذبه ایجاد کنند و دیگران را در جهت مدیریت با او هم عقیده نمایند، هیچ چیزی به اندازه مذاکره و اقناع کنندگی موثر نیست. هر چه شعاع مدیریت گسترده تر باشد، نیاز مدیر به قدرت مذاکره بیشتر است. بنابراین هر قدر مدیران میانی وزارت ورزش بتوانند از این وسیله استفاده کنند، در اعمال مدیریت موفق تر می شوند. مولفه رفتاری شامل شایستگی های سخت کوشی، قانون مداری، رفتار شهروندی سازمانی، شجاعت و قاطعیت در تصمیم، استقلال فکری و عملی، انعطاف پذیری و مسئولیت پذیری می باشد. شایستگی های رفتاری مدیران، نمایش رفتار رهبری خادمانه و انعطاف پذیری در مواقع مورد نیاز است. به اعتقاد تامپسون، رهبری خادمانه مهارت های مورد نیاز منابع انسانی را در تیم های پروژه بسیج می کنند. (تامپسون، ۲۰۱۰: ۶). مدیران باید استقلال فکری و عملی خود را حفظ نمایند. البته باید توجه نمود این استقلال به روابط بسته منجر نشود. موفقیت و دست یابی به اهداف با سخت کوشی به دست می آید، مدیران باید چنین ویژگی را نیز داشته باشند. قاطعیت نیز از ویژگی های مطلوب برای مدیران است. در سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۹ لزوم قاطعیت در اجرای تصمیم یادآوری می شود. شایستگی شناختی نیز شامل شایستگی های دانش مدیریت ورزشی، آگاهی از فنون اداره جلسه، آگاهی از سیاست ها و خط مشی های سازمانی و آگاهی از حقوق ورزشی و مسائل قانونی می باشد. از آنجا که حادثه از ورزش اصولاً تفکیک ناپذیر و غیرقابل اجتناب است، ضرورت اطلاع از قواعد حقوقی به منظور اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از وقوع حادثه و یا برائت از مسئولیت در صورت تحقق آن، برای همه اهالی ورزش از جمله مدیران میانی، به نحو ملموسی احساس می شود (بنیان، ۱۳۹۳: ۸۵). لذا پیشنهاد می شود مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان به مسائل حقوقی و قانونی ورزش در حوزه کاری و خط مشی های سازمان، آگاه و توان توسعه روابط اداری با تمام سطوح سازمان را داشته باشند. مولفه مدیریتی شامل شایستگی های تجربه مدیریت ورزشی، ترسیم چشم انداز مطلوب، پیش بینی و آینده نگری، مهارت های هدفگذاری، داشتن تفکر جهانی، تدوین استراتژی مطلوب، بسیج و توسعه منابع و ارزیابی مدیریت عملکرد و نظارت می باشد. آینده نگری برای بررسی درازمدت آینده سازمان و محیط به منظور شناسایی پدیده های نوظهور و حوزه های زیربنایی تصمیمات استراتژیک بسیار حائز اهمیت است و منافع زیادی را برای سازمان در بر خواهد داشت (موریس - روث شایلد و براسارد، ۲۰۰۶: ۱۰۷). در جهان متغیر امروزی، آینده نگری به عنوان شاخصی تاثیرگذار در اداره سازمان های ورزشی به دلیل پیچیدگی روابط و تعاملات و تغییر عوامل محیطی و سازمانی مستلزم رعایت ملاحظات متعددی است. شناخت و آگاهی نسبت به شرایط آینده نیاز اساسی مدیران میانی به شمار می رود و مدیران میانی وزارت ورزش با توجه به نقش خطیر خود در زمینه ارتقای ورزش کشور نیازمند نگرش و توجه جدی به آینده نه تنها به منظور آمادگی برای بهره گیری از امکانات جدید، بلکه تلاش در زمینه ساختن آینده مطلوب ورزش کشور می باشند. نقش تاثیرگذار وزارت ورزش و نهادهای مرتبط با آن، آن را به مرجع منحصر به فرد در جامعه تبدیل نموده است. به همین لحاظ، پیش بینی اوضاع و شرایط در آینده (دور یا نزدیک) ضروری می باشد. بنابراین باید نیازهای

آینده جامعه برآورده شود و متناسب با اهداف پیش بینی شده، اقدام به سیاست گذاری و برنامه ریزی گردد. مدیران میانی می توانند تدوین و اجرای استراتژی را در وجوه مختلف سازمان دنبال کنند و بر عملکرد خود مدیریت داشته باشند (امینی، ۱۳۸۸: ۲۵). چشم انداز یا دورنمای سازمان به معنای مقصد و آرمان سازمان و کلید مدیریتی می باشد. بنابراین، مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان باید دارای آینده نگری باشند و بتوانند درباره تناسب آن با چشم انداز و نحوه سیر تکاملی محیط قضاوت کنند. پژوهشگران از دیرباز متوجه تاثیر تجربه بر عملکرد مدیران بوده اند. تجربه در زمینه مدیریت ورزشی مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان به دانش ساختاریافته آنان منجر می شود و این تجربه مرتبط با ساختار دانش آنان تاثیر مهمی بر ارتقای ورزش کشور دارد (سیرانی، ۱۳۸۸: ۴۰). مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان باید در جستجوی دستیابی به راه حلی جامع جهت ارزیابی عملکرد سازمان خود باشند تا ضمن حصول اطمینان از اجرای استراتژی های خود بتوانند با نگاه به آینده، موجبات ارتقا و بهبود ورزش کشور را فراهم آورند. مولفه رهبری نیز شامل شایستگی های استفاده موثر از قدرت، تیم سازی و رهبری تیمی، مدیریت تضاد و رهبری تغییر می باشد. مدیران نه تنها باید قدرت را جزء لاینفک شغل و وظیفه خود به حساب آورند، بلکه باید با شیوه کاربرد آن آشنا باشند تا با استفاده از آن، تحقق و تامین اهداف خود و سازمان را تسریع کنند (عزیزی، ۱۳۸۸: ۱۲۲). علاوه بر آن، قدرت نقش عمده ای در مرادوات و روابط موجود در جریان زندگی سازمانی دارد. بنابراین نمی توان از تاثیر آن در مدیریت میانی وزارت ورزش به سادگی گذشت. همچنین، شایستگی مدیر در بکارگیری مکانیزم های مناسب برای از بین بردن تعارض های غیر کارکردی و استفاده مطلوب از تعارض کارکردی در سازمان می باشد. رهبری تغییر نیز، توان انرژی بخشی به کارکنان و همکاران برای پذیرش تغییر و استفاده مطلوب از نیروهای تسهیل کننده تغییر است.

بنابراین، استقرار نظام شایستگی در وزارت ورزش نیازمند بستر سازی فرهنگی مناسب و تحقق مجموعه ای از اقدامات است. به همین منظور پیشنهاد می گردد تا از شاخص های شناسایی شده این تحقیق مانند اعتماد به نفس، پیش بینی و آینده نگری، ارزیابی مدیریت عملکرد و نظارت و گرایش به خلاقیت و نوآوری و همچنین الگوی نهایی شایستگی های مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان به عنوان معیارهای انتصاب مدیران میانی وزارت ورزش استفاده گردد تا شایسته پروری و شایسته داری در سطوح میانی وزارت ورزش و جوانان صورت پذیرد. انتخاب و انتصاب مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان بر مبنای شایستگی مستلزم وجود معیارها و ضوابطی شایسته محور است. نظام فعلی انتصابات گذشته مدار بوده و صرفاً به سابقه خدمت توجه می نماید. لازم است در کنار توجه به این عوامل، به عملکرد داوطلب در مشاغل قبلی و مدرک تحصیلی وی توجه شود و ملاک اصلی برای انتصاب، احراز شایستگی های مورد نیاز مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان باشد. همچنین، طراحی بانک اطلاعات مدیران شایسته به عنوان بخشی از حافظه نظام اداری وزارت ورزش و جوانان می تواند خلاء اطلاعاتی سازمان ها برای شناسایی و استفاده بهینه از مدیران شایسته را مرتفع نماید. وجود چنین سیستمی سبب می گردد که افراد توانایی ها و مهارت های خویش را توسعه و تقویت نمایند. در ضمن می توان با توجه به اهمیت موضوع و نتایج حاصله از مراکز ارزیابی درون سازمانی برای بررسی و ارتقای مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان استفاده نمود. همچنین، ثبات مدیران شایسته به تقویت نظام شایستگی کمک می نماید؛ چنان که قانون مدیریت خدمات کشوری، ثبات مدیران حرفه ای را برای حداقل چهار سال ضروری می داند، اما سازمان ها این قانون را رعایت نمی نمایند. لذا پیشنهاد می شود جهت رعایت قانون یاد شده و استقرار نظام شایستگی در سطح مدیران میانی وزارت ورزش و جوانان، رویه هایی جهت بررسی و پی گیری وجود داشته باشند.

منابع

- امینی، محمدتقی (۱۳۸۸) « تدوین استراتژی به روش چارچوب جامع تدوین استراتژی ». نشریه مدیریت بازرگانی. شماره ۲.
- بازیاری، عزت الزمان و امیرتاش، علی محمد (۱۳۸۵) « انتصاب مدیران با ضوابط شایسته سالاری در سازمان تربیت بدنی ». نشریه علوم حرکتی و ورزش. شماره ۷.
- بنیادی نائینی، علی (۱۳۹۱) «طراحی الگوی شایستگی های مدیران و فرماندهان ناجا از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)». نشریه نظارت و بازرسی. شماره ۱۹.
- بنیان، عباس (۱۳۹۳) « تفاوت های آگاهی های حقوقی و مسئولیت مدنی مربیان ورزش زن و مرد در رویدادهای ورزشی ». نشریه پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. شماره ۴.
- رضاییان، علی (۱۳۷۰) « هدفگذاری، مهمترین مهارت مدیران ». نشریه دانش مدیریت. شماره ۱۳.
- رهنورد، فرج اله (۱۳۹۰) «نیازسنجی آموزشی مدیران عالی در بخش دولتی ایران». نشریه فرآیند مدیریت و توسعه. شماره ۷۵.
- سلجوقی، سید محمد (۱۳۸۵) مبانی و اصول سرپرستی. کرمان: انتشارات خدمات فرهنگی کرمان، چاپ چهارم.
- سیرانی، محمد (۱۳۸۸) « تاثیر تجربه و پیچیدگی موضوعات حسابرسی بر قضاوت حسابرسان ». نشریه بررسی های حسابداری و حسابرسی. شماره ۵۵.
- شریعتی، محمد تقی و عربیون، ابوالقاسم (۱۳۸۶) « شیوه انتخاب و انتصاب مدیران واحدهای تحقیقاتی (با تاکید بر جهاد سازندگی) ». نشریه پژوهش و سازندگی در زراعت و باغبانی. شماره ۷۶.
- شیخ، ابراهیم (۱۳۸۹) «الگوی قابلیت های اسلامی ایرانی مدیران در بخش دولتی». پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عزیزی، بیستون (۱۳۸۸) « تعیین منابع قدرت سازمان تربیت بدنی و ارتباط آن با سطح آمادگی و رضایت کارکنان ». نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۳.
- عظیمی، مهدی و خاک تاریک، مهدی (۱۳۹۰) « توجه به مسئولیت اجتماعی سازمان، گامی موثر برای نیل به سرآمدی در صنعت ». نشریه صنعت لاستیک ایران. شماره ۵۲.
- فتاحی، اقدس (۱۳۹۱) «بررسی موانع پیاده سازی سیستم بودجه بندی عملیاتی در شهرداری قم و ارائه راهکارها ». نشریه اقتصاد شهر. شماره ۱۳.
- فلاح همت آبادی، کامران (۱۳۸۲) «تاثیر فناوری اطلاعات بر مسائل ساختاری سازمان، تمرکز در تصمیم گیری، پیچیدگی سازمانی و رسمیت». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- گراوند، امید (۱۳۷۸) « طراحی مدلی برای بررسی و تحقیق پیرامون اثربخشی مدیریت در آموزش و پرورش ». نشریه فرهنگ مدیریت. شماره یازدهم.
- گودرزی، محمود (۱۳۸۱) «طراحی و تبیین الگوی مهارت های سه گانه مدیریتی مدیران سازمان تربیت بدنی». پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- معروفی، خالد (۱۳۷۸) «ارتقای روحیه کارکنان سازمان های دولتی: بررسی نقش اعتماد سازمانی و شایستگی مدیریتی دولتی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- نادری خورشیدی، علیرضا (۱۳۸۸) « طراحی الگوی انتصاب مدیران میانی ». نشریه پژوهش های

مدیریت منابع انسانی. شماره ۴.

- Ardeshtir Shiri (2012) “ **A prioritization of competency components of operational managers from management experts**”. View a case study, Tehran, Iran” , International business research; Vol. 5.
- Bucur, Ion (2013) “**Managerial core competencies as predictors of managerial performance, on different levels of management**”. Journal of Social and Behavioral Sciences. Vol. 72.
- Carson, D; Gilmore, A. (2000) “**SME marketing management competencies, International business review** “. Vol. 9.
- Dulewicz, Fotis; Chamopoulou, Paraskevi. & Mentzas, Gregoris (2003) “**A Semantic web architecture for integrating competence management and learning paths**”. Journal of Knowledge Management. Vol. 12.
- Ey, P. (2006) “**Attack- by- approach to performance competence Modeling**”. A dissertation to faculty of the college of business administration of Turo University International in partial fulfillment of the requirements for the degree of philosophy.
- Fridman, Gaetana (1989) “**Women in management: competence and development**”. Dissertation for PH.D, Cast western reserve university.
- Liou, Shu-Ning (2009) “**Exploring the professional competency contents for international marketer in Taiwan**”. World Academy of science, engineering and technology. Vol. 53.
- Morris-Rothschild, Britta K. & Brassard, Marla R. (2006) “**Teachers’ conflict management styles: The role of attachment styles and classroom management efficacy**”. Journal of School Psychology. Vol. 44.
- Oldnat. KM. (2014) “**Leadership competencies profiles and managerial effectiveness in Greece**”. Procedia economics and finance. Vol. 9.
- Thompson, Kenneth N. (2010) “**Servant- leadership: an effective model for project management**”. A Dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy Capella University.
- Vikenos, Turo (2000) “**Changing competences of public managers: tensions in commitment**”. The Public Sector Management. Vol. 13.
- Winterton, Jonathan; Delamare-Le, Deist, Françoise & String fellow, Emma (2005) “**Typology of knowledge, skills and competences: clarification of the concept and Prototype**”. Centre for European Research on Employment and Human Resources Groupe ESC Toulouse Research report elaborated on behalf of Cedefop/Thessaloniki Final draft (CEDEFOP Project No RP/B/BS/Credit Transfer/005/04)
- Zopiatis, Anastasios (2010) “**Is it art or science? Chefs competencies for success**”. International journal of hospitality management. Vol. 29.

ارتباط عوامل سازمانی با استقرار مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب کشور ایران

فاطمه فاضلی دینان^۱
علی محمد صفانیا^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۵

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه عوامل موثر بر استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب کشور ایران است. پژوهش حاضر، پیمایشی از نوع همبستگی می باشد. به دلیل محدودیت در تعداد جامعه آماری تحقیق، نمونه برابر با کل جامعه آماری و شامل مدیران تارده معاونین سازمان های ورزشی منتخب کشور می باشد (۱۰۳ نفر). ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه بود که در نهایت، ۸۷ نفر به پرسشنامه پاسخ داده اند. روایی و پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. داده های جمع آوری شده، با استفاده از نرم افزار 19SPSS و روش آماری توصیفی و استنباطی (پیرسون، اسپیرمن، رگرسیون) مورد تحلیل قرار گرفت. یافته ها نشان داد بجز ابعاد پشتیبانی ICT و تفکر استراتژیک و ساختار تمرکز، بین سایر مولفه های سازمانی با استقرار دانش، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج حاکی از متوسط بودن وضعیت استقرار مدیریت دانش به دلیل تمرکز زیاد در ساختار سازمانی مراکز مورد پژوهش است. در نتیجه، مدیران باید برای استقرار مدیریت دانش در سازمان ها به ابعاد عوامل سازمانی در سازمان توجه داشته باشند و تاحد امکان از طریق آموزش، مشارکت و دادن آزادی عمل به کارکنان، و عدم اعمال محدودیت های بیش از حد، برای آنان امنیت شغلی ایجاد نمایند و فرهنگ اعتماد را تقویت و حمایت کنند و استفاده از فناوری را به عنوان ابزار مؤثر جمع آوری، ذخیره سازی، انتقال و اشاعه دانش، در سر لوحه کار خود قرار دهند.

واژگان کلیدی: ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، منابع انسانی، فناوری و مدیریت دانش

مقدمه

در سیر تحولات و دگرگونی های عصر حاضر، یک نکته مسلم است و آن تفاوت بارزی است که جامعه امروز ما با فردایمان خواهد داشت (سیدعامری و همکاران، ۱۳۸۷). در این دنیا، اقتصاد به سمت اقتصاد دانش - محور حرکت کرده و بسیاری از معادلات کنونی، کشورها را با چالش رو به رو ساخته که این امر، خود حاصل فناوری اطلاعات و ارتباطات است (موغلی و همکاران، ۱۳۹۰). سازمان های کنونی، اهمیت بیشتری برای درک، انطباق پذیری و مدیریت تغییرات محیط پیرامون قائل شده و در کسب و به کارگیری دانش و اطلاعات روزآمد به منظور بهبود عملیات و ارائه خدمات و محصولات مطلوبتر به ارباب رجوعان پیشی گرفته اند (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۲). چنین سازمان هایی نیازمند به کارگیری سبک جدیدی از مدیریت به نام «مدیریت دانش» می باشند. برخی از سازمان ها بر این باورند که با تمرکز صرف بر افراد، فناوری و فنون می توان دانش را مدیریت کرد (فاضلی دینان، ۱۳۹۲).

امروزه، دانش و اطلاعات به عامل تعیین کننده ای در موفقیت و قدرت رقابت پذیری سازمان ها تبدیل شده است (ابطحی و صلواتی، ۱۳۸۵). با افزایش تاکید دولت بر ایجاد جامعه دانشی و اولویت حرکت به سوی اقتصادهای دانش - محور در برنامه های توسعه ای، مسئله مهمی که بوجود آمده، درک این موضوع است که چگونه از دانش به عنوان یک منبع مهم رقابتی استفاده کنیم (عسگری، ۱۳۸۴). پیتز دراکر نیز، با بکارگیری این واژگان، خبر از ایجاد نوع جدیدی از سازمان ها را می دهد که در آن ها به جای قدرت بازو، قدرت ذهن حاکمیت دارد (مهرآرا و همکاران، ۱۳۹۰).

دانش بدون شک، مهمترین ابزار در بازارهای حال و آینده برای برتری و بقا و به عنوان نقش راهبردی و اهرم قدرت و نفوذ برای همه سازمان ها می باشد (وو^۱، ۲۰۱۱). لزوماً در چنین شرایطی تنها سازمان هایی می توانند عملکرد موفقیت آمیزی داشته باشند که بتوانند از دانش به عنوان یک مزیت رقابتی پایدار بهره مند گردند. همچنین، مدیریت دانش برای آنکه قابل استفاده باشد، نیازمند هماهنگی با فرهنگ و ساختار سازمانی موجود می باشد، زیرا در هر سازمانی، فرهنگ و ساختار سازمانی منحصر به فرد آن سازمان وجود دارد (پرز^۲، ۲۰۰۶). فرهنگ سازمانی ضعیف مانع از آن می شود که افراد در تلاش برای نگاهداشت پایگاه قدرت شخصی و کارایی خویش، دانسته های خود را تسهیم کرده و منتشر سازند (کالست^۳، ۲۰۰۲). بنابراین تنها با بررسی، تغییر و ایجاد یک فرهنگ سازمانی مناسب و انعطاف پذیر است که می توان به تدریج الگوی تعامل بین افراد را در سازمان تغییر داد و از مدیریت دانش به عنوان یک مزیت رقابتی بهره گرفت (بالتازارد^۴، ۲۰۰۴). ساختار سازمانی نیز نقش مهمی در فرایند مدیریت دانش دارد. ساختار جریان اطلاعات را که منجر به تصمیم گیری می شود، تعیین می کند و همچنین در ساختار، کارها و فعالیت های سازمانی به اجرا در می آید (عسگری، ۱۳۸۴). باید اذعان کرد که بزرگترین عامل موفقیت مدیریت دانش در عصر حاضر، ظرفیت هایی است که فناوری اطلاعات بر آن ایجاد می کند (وانگ^۵ و همکاران، ۲۰۰۷). برخی نویسندگان معتقدند فناوری اطلاعات جزئی از مدیریت دانش است و توانایی افزایش دانش سازمانی را ندارد (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۲). برخی نیز اصرار می کنند که فناوری اطلاعات تنها بر جنبه کدگذاری دانش صریح مربوط می شود و دانش ضمنی را نادیده می گیرد. در هر حال، دانش یکی از حیاتی ترین منابع رقابت های سازمانی است و مشخص شده

1. Wu

2. Perez

3. Calst

4. Baltazard

5. Wang

که دانش سازمانی ممکن است از کل دارایی های سازمانی مهمتر باشد (شریف و زینگ^۱، ۲۰۰۶). فناوری های اطلاعاتی دو قابلیت عمده برای مدیریت دانش را فراهم می سازند: اولاً، به وسیله آشکار کردن دانش می توانند یک سیستم خبره و یا پشتیبانی تصمیم گیری را ایجاد کنند؛ ثانیاً، IT کمک می کند که افراد با تخصص های خاص در جریان فعالیت یکدیگر قرار بگیرند و امکان ارتباط سریع آنها فراهم شود (سید عامری و همکاران، ۱۳۸۷).

این که چگونه فاکتورهای سازمانی به صورت مدیریت دانش بر روی عملکرد سازمانی اثر می گذارند، یکی از مهمترین موضوعات قابل توجه برای محققین است (فضلی و علیشاهی، ۲۰۱۲). سازمان های ورزشی ملی (NSO) به دنبال کسب سود سازمانی نیستند، بلکه مسئول توسعه ورزش های خاص در کشور خود هستند. ایجاد ساختارهای کارآمد و امکانات در دسترس برای کارکنان، منجر به خلق و پیاده سازی موفق دانش می شود که برای بقا و رشد سازمان مهم هستند (نورمن و همکاران، ۲۰۰۷). مدیریت دانش به اقداماتی اشاره دارد که به طور سیستماتیک برای یافتن، ساماندهی و قابل دسترس نمودن سرمایه های فکری سازمان و تقویت فرهنگ یادگیری مستمر و تقسیم دانش در سازمان صورت می گیرد (سید عامری و همکاران، ۱۳۸۷). سازمان های زیادی امیدوار هستند که با اجرای مدیریت دانش در امور کسب و کارشان بتوانند سرمایه خود را مدیریت کنند و منافع خود را افزایش دهند. با این وجود تصمیم گیری برای اجرای مدیریت دانش، اغلب برای سازمان ها سخت می باشد- اما حفظ و یا زوال یک سازمان می تواند به این تصمیم وابسته باشد. بنابر این، تعیین چشم انداز درونی و بیرونی سازمان قبل از توافق جمعی برای اجرای مدیریت دانش لازم است (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۱).

وجود فرهنگ دانش گرا و زیربنای انسانی مناسب (فرهنگ)، مهمترین دلیل موفقیت پیاده سازی مدیریت دانش در سازمان هاست (جلالی فراهانی و افرازه، ۱۳۸۴). در مدل ارائه شده توسط توماس آلن^۲ در شرکت 3M، دو جزء فرهنگ سازمانی شامل «فرهنگ تسهیم» و «فرهنگ یادگیری مستمر» در استقرار مدیریت دانش دارای اهمیت کلیدی ذکر شده اند (آلن^۳، ۱۹۹۴). در مدل دنیسون در مورد فرهنگ سازمانی نیز، یادگیری سازمانی جزء یکی از اجزای فرهنگ سازمانی ذکر شده و به اشتراک گذاری اطلاعات به عنوان یک عنصر فرهنگی مثبت در نظر گرفته شده است (دنیسون^۴، ۲۰۰۰). در تعریف ریچارد دفت از ساختار سازمانی، مهمترین اجزای آن را تمرکز و جریان ارتباطات تشکیل می دهند (دفت^۵، ۲۰۰۲). به عقیده بانگ، ساختار ترکیبی عالی از روابط است. این روابط بین اجزا هستند که اساس فعالیت های سازمان را تشکیل می دهند (وانگ^۶، ۲۰۰۴). طرح ساختار سازمانی باید به گونه ای باشد که بیشترین قابلیت پردازش اطلاعات برای انطباق با محیط خارجی را داشته باشد. ساختارهای سازمانی باید به گونه ای طراحی شوند که امکان یادگیری را در سازمان توسعه دهند (هاریهاران^۷، ۲۰۰۲). نوناکو و تاکوچی در مدل حلزونی خود به فرایند و استقرار مدیریت دانش با استفاده از فرایند تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح اشاره می کنند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱). پس به کارگیری هر چه بیشتر و موثرتر دانش سازمانی به صورت سازماندهی و مدیریت شده و تلفیق آن در فرهنگ سازمانی، پیشرفتی قابل توجه از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سازمان ها ایجاد

1. Sherif & Xing
2. Thomas Allen
3. Allen
4. Denison
5. Daft
6. Wang
7. Hariharan

می کند و استقرار موفقیت آمیز این مقوله نیازمند مبرم به فراهم کردن زیرساخت های آن دارد که پژوهشگران زیادی عوامل متفاوتی را در این باره بیان نموده اند (هیسمن اوغلو^۱، ۲۰۱۱). تعیین و اولویت بندی زیرساخت های مدیریت دانش در قالب شرایط مطلوب مدیریت، محیط و منابع با توجه به نظریه هال اسپل و جوشی^۲ (۱۹۹۷) و ترکیب آن فرایند با توجه به نظریه داوونپورت و همکاران به منظور تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح با توجه به نظریه نوناکو و تاکوچی احتمالا می تواند شرایطی را هموار سازد تا علاوه بر کنترل هزینه های مدیریت دانش به استقرار موفقیت آمیز آن در سازمان ها منجر شود که سازمان های ورزشی نیز از این زمینه مستثنی نمی باشند.

از سوی دیگر، توسعه مدیریت دانش موفق، امر بسیار دشواری است. به همین دلیل با توجه به رویکرد دولت به سیستم های دانش بنیان و اهمیت موضوع علم و دانش در سند چشم انداز ایران ۱۴۰۴، توجه به سازمان های یادگیرنده که خلق و نشر دانش در آن به ارزش و فرهنگ عمومی تبدیل شده باشد، دارای اهمیت ویژه ای است.

امروزه، خلق و به کارگیری دانش برای رقابت گرایی و حیات سازمان ها و صنایع، ضروری شناخته شده است. دانش نمی تواند به سادگی دیگر منابع، ذخیره و یا تصاحب شود و نمی تواند به سادگی آنها، به طور سیستماتیک مدیریت و به کار گرفته شود. تاکنون در اغلب سازمان های کشور، فناوری اطلاعات بیشترین سهم را در پیاده سازی مدیریت دانش داشته است؛ به طوری که در پشت تمامی فعالیت های آن، نهفته بوده است. لیکن باید توجه داشت که فناوری پردازش اطلاعات، تنها مولفه مدیریت دانش نیست و تحول در فرایندهای تصمیم گیری، ساختار سازمانی و نحوه انجام امور از دیگر اجزای این مدیریت محسوب می شود. همچنین، فرهنگ به عنوان مهمترین بستر تحول جوامع بشری مورد توجه ویژه قرار دارد و صاحب نظران و خبرگان ظرافت و ویژگی های استراتژیکی دانش را در این عرصه مورد بررسی و تأمل قرار داده اند. مسئله و چالشی که در اینجا وجود دارد، این است که مدیریت دانش، موضوعی سیستماتیک است؛ مقوله ای که اجرای موفقیت آمیز آن نیازمند نگرشی همه جانبه و فراگیر به عوامل مختلف سازمانی است. از طرفی، به دلیل مطرح شدن مدل ها و روش های بسیار متعددی برای به کارگیری مدیریت دانش در سازمان ها، گاهی این مدل ها موجب گیج شدن مدیرانی می شوند که به دنبال پیاده سازی مدیریت دانش در سازمان خود هستند. در این راستا بسیاری از سازمان ها اقدام به سرمایه گذاری گسترده در زمینه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نموده اند. اما باید توجه داشت که پیاده سازی موفقیت آمیز مدیریت دانش مستلزم این است که عوامل سازمانی مختلف موجود در یک سازمان از جمله ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، فناوری و منابع انسانی دارای ویژگی های خاصی بوده و از انسجام و هماهنگی لازم برخوردار باشند- وجود شکاف و ناهماهنگی در بین این عوامل مانع پیاده سازی موفقیت آمیز مدیریت دانش خواهد شد. بنابراین، برای پیاده سازی موفقیت آمیز مدیریت دانش باید به سازمان به عنوان یک کل نگاه کرد، همه این عوامل را مورد توجه قرار داد و وضعیت آنها را در سازمان شناسایی و تحلیل نمود.

علی رغم تحقیقات وسیعی که در حوزه مدیریت دانش صورت گرفته و با آن که دانش و اطلاعات، به عامل تعیین کننده ای در موفقیت و قدرت رقابت پذیری سازمان ها تبدیل شده است، هنوز پیاده سازی مدیریت دانش در سازمان های ورزشی کار سخت و پیچیده ای می باشد. در تحقیقاتی که تا کنون در کشور انجام شده است، تک تک مولفه ها به صورت منفرد برای استقرار و پیاده سازی مدیریت دانش بررسی شده اند. به

1. Hismanoglu

2. Hal Spell & Jooshi

همین علت، توجه جدی به استقرار مدیریت دانش ضروری به نظر می رسد. تحقیق حاضر با توسل به نتایج پژوهشی یاد شده و با استعانت از داده‌هایی که تا حد زیادی به روشن شدن افق دید محقق یاری رسانده و با استفاده از پژوهشی روشمند، درصدد پاسخگویی به این مسئله است:

"ارتباط عوامل سازمانی با استقرار مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب کشور ایران چیست؟" امروزه، دانش و اطلاعات به عامل تعیین کننده ای در موفقیت و قدرت رقابت پذیری سازمان ها تبدیل شده است. به همین علت توجه جدی به مدیریت دانش ضروری به نظر می رسد (احمدپور، ۱۳۸۹). با افزایش تاکید دولت بر ایجاد جامعه دانشی و اولویت حرکت به سوی اقتصادهای دانش - محور در برنامه های توسعه ای، مسئله مهمی که بوجود آمده درک این موضوع است که چگونه از دانش به عنوان یک منبع مهم رقابتی استفاده کنیم (عسگری، ۱۳۸۴). تاکنون در کشور ما مطالعات و تحقیقات بسیاری در زمینه مدیریت دانش در سازمان ها و نهادهای مختلف انجام شده است، اما در زمینه استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب کشور و عوامل سازمانی اثرگذار بر آن، بصورت جامع، تحقیقی انجام نگرفته است که این امر ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می نماید. سازمان های ورزشی بویژه سازمان های ورزشی منتخب، همواره دارای اهمیت بوده و در کانون توجهات قرار داشته است. از یک سو، کمیت خدمات و هزینه های آن و از سوی دیگر، کیفیت خدمات و استفاده از دانش نوین، برای سیاستگذاران بخش ورزش مسئله ساز بوده است.

این پژوهش با هدف تعیین ارتباط بین عوامل سازمانی با استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب کشور، ضمن آشکار ساختن وضعیت مدیریت دانش در سازمان های مورد پژوهش، در نظر دارد اطلاعات مفیدی را در اختیار مدیران جهت رفع نواقص و تغییر و اصلاح عوامل سازمانی غیر مطلوب قرار دهد، تا این امر منجر به افزایش خلق، انتقال، به کارگیری و ثبت و ضبط دانش، و بهبود عملکرد و ارتقای کیفیت آن در سازمان های ورزشی شده، و در نتیجه به بهبود و توسعه ورزش همگانی و قهرمانی در بین اقشار مختلف جامعه و ایجاد زمینه مناسب برای تغییرات موفقیت آمیز در این سازمان ها کمک نماید.

روش شناسی پژوهش

روش انجام این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف مورد پژوهش، از نوع پیمایشی و همبستگی است و گردآوری داده ها به صورت میدانی و از لحاظ استفاده از نتایج، کاربردی خواهد بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران و معاونان وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، آکادمی ملی المپیک و هیئت رئیسه فدراسیون های ورزشی درجه یک کشور (۱۰۳ نفر) بوده است. به دلیل اینکه در سال ۹۲-۱۳۹۱ از طرف وزارت ورزش و جوانان، لیستی از فدراسیون های ورزشی درجه یک کشور ارائه نشد، معیار انتخاب این فدراسیون ها کسب مدال در مسابقات آسیایی، جهانی و المپیک می باشد و شامل فدراسیون های کشتی، وزنه برداری، دو و میدانی، تیراندازی، تکواندو، بسکتبال، والیبال و هندبال بوده است. به دلیل محدودیت در تعداد جامعه آماری تحقیق، نمونه آماری برابر با کل جامعه آماری و به صورت تمام شمار می باشد. از این تعداد، ۸۷ نفر به پرسشنامه ارسالی پاسخ داده‌اند و در تحقیق حاضر شرکت نموده‌اند. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش، پرسشنامه بود. به طور کلی، پرسشنامه این تحقیق شامل ۷۱ سؤال و هفت بخش است: ۱- مشخصات دموگرافیکی (سن، جنسیت، تحصیلات، پست سازمانی، نوع سازمان، سابقه خدمت)، ۲- پرسشنامه مدیریت دانش (رئیس، ۱۳۹۱): دارای چهار خرده مقیاس (کسب دانش، ۵ گویه)، (انتقال دانش، ۵ گویه)، (بکارگیری دانش، ۵ گویه) و (ثبت و ضبط دانش، ۵ گویه) با سطح پنج ارزش لیکرت می باشد. ۳- پرسشنامه ساختار:

این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه عوامل سازمانی سید عامری و همکاران (۱۳۸۷) است که ساختار به عنوان یکی از متغیرهای این پرسشنامه بود و دارای دو خرده مقیاس (تمرکز، ۶ گویه) و (جریان ارتباط، ۵ گویه) با سطح پنج ارزش لیکرت می باشد، ۴- پرسشنامه فرهنگ سازمانی: این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه عوامل سازمانی عسگری (۱۳۸۴) می باشد که فرهنگ سازمانی به عنوان یکی از متغیرهای این پرسشنامه بود و دارای دو خرده مقیاس (تسهیم دانش، ۵ گویه) و (یادگیری مستمر، ۵ گویه) با سطح پنج ارزش لیکرت می باشد. ۵- پرسشنامه فناوری: این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه عوامل سازمانی سیدعامری و همکاران (۱۳۸۷) است که فناوری به عنوان یکی از متغیرهای این پرسشنامه بود و دارای دو خرده مقیاس (شناخت ICT، ۵ گویه) و (پشتیبانی ICT، ۵ گویه) با سطح پنج ارزش لیکرت می باشد (سیدعامری و همکاران، ۱۳۸۷). ۶- پرسشنامه منابع انسانی: برگرفته از پرسشنامه منابع انسانی (۱۰ گویه) مقیمی (۱۳۹۰) است. ۷- پرسشنامه استراتژی: برگرفته از پرسشنامه استراتژی و رهبری (۹ گویه) مقیمی (۱۳۹۰) می باشد.

برای تعیین روایی پرسشنامه در جامعه آماری تحقیق حاضر، از نظرات ده تن از اساتید مدیریت ورزشی و سه تن از صاحب نظران مدیریت دانش استفاده گردید. برای برآورد پایایی پرسشنامه ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که پس از انجام دادن محاسبات ضریب پایایی پرسشنامه ها به ترتیب برابر ۰/۸۸، ۰/۸۲، ۰/۸۱، ۰/۸۳، ۰/۸۵ و ۰/۸۵ محاسبه شده است.

از آمار توصیفی نظیر میانگین، حداقل، حداکثر، فراوانی، درصد و انحراف استاندارد برای توصیف متغیرها در جامعه تحقیق استفاده گشته است. در سطح آمار استنباطی از تکنیک آماری KS برای تعیین وضعیت طبیعی بودن داده ها استفاده گردید. با توجه به نتایج آزمون کالموگراف اسمیرنوف از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (داده های غیرنرمال) و پیرسون (داده های نرمال) برای به آزمون گذاشتن فرضیه های تحقیق در سطح معناداری $p \leq 0/05$ استفاده گردید. همچنین، برای پیش بینی متغیرهای ملاک از روی متغیرهای پیش بین از رگرسیون ساده خطی و چند گانه استفاده شده است. هر یک از فرضیه های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS19 آزمون گردیده است.

یافته های پژوهش

یافته های این پژوهش نشان داد که از مجموع ۸۷ نفر از مدیران سازمان های ورزشی منتخب کشور، ۳۵/۶ درصد (۳۱ نفر) مدیر ستادی وزارت ورزش و جوانان، ۱۳/۸ درصد (۱۲ نفر) از کمیته ملی المپیک، ۱۸/۴ درصد (۱۶ نفر) از آکادمی ملی المپیک و ۳۲/۲ درصد (۲۸ نفر) از روسای فدراسیون های ورزشی به عنوان نمونه آماری پاسخگوی سوالات پژوهش فوق بوده اند. ۷۳/۶ درصد از آزمودنی ها مرد و ۲۶/۴ درصد آن ها زن بوده اند. گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال با ۴۹/۴ درصد بیشترین فراوانی را در بین رده های سنی متفاوت دارا می باشند و کمترین فراوانی در رده سنی ۲۱ تا ۳۰ سال با ۳/۴ درصد قرار دارند. ۲۹/۹ درصد افراد تا ۱۰ سال سابقه خدمت، ۴۷/۱ درصد، ۱۱ تا ۲۰ سال و ۲۳ درصد نیز، دارای سابقه خدمت بالاتر از ۲۰ می باشند. بیشتر آزمودنی های تحقیق دارای تحصیلات کارشناسی (۴۸/۳ درصد) و بعد از آن به ترتیب دارای تحصیلات کارشناسی ارشد (۳۴/۵ درصد)، دکتری (۱۴/۹ درصد) و فوق دیپلم (۲/۳ درصد) می باشند. مدیریت دانش دارای چهار بعد کسب، انتقال، به کارگیری و ثبت و ضبط دانش بود. میانگین امتیاز به دست آمده برای مولفه کسب دانش ۳/۱۱۰۸ با انحراف استاندارد ۰/۵۵ و بعد انتقال دانش دارای میانگین ۲/۸۱۴۱ و انحراف استاندارد ۰/۴۳ بود که هر دو بعد بالاتر از حد متوسط بودند. بعد به کارگیری دانش دارای میانگین ۳/۰۴۲۴ با انحراف استاندارد ۰/۵۹ و بعد ثبت و ضبط دانش دارای میانگین ۲/۸۸۰۵ و انحراف استاندارد ۰/۵۴

بودند که پایین تر از حد متوسط ارزیابی شدند. همچنین، نمره کل استقرار مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب ۲/۹۹ از نمره کل ۵ به دست آمد.

میانگین امتیاز به دست آمده برای ساختار سازمانی که دارای دو بعد تمرکز و جریان ارتباطات بوده است، به ترتیب ۲/۸۰ با انحراف استاندارد ۰/۳۸۷ برای بعد تمرکز و در حد متوسط و میانگین ۳/۰۴ با انحراف استاندارد ۰/۵۷۰ برای بعد جریان ارتباطات پایین تر از حد متوسط بوده است. همچنین، میانگین امتیاز به دست آمده برای ابعاد فرهنگ سازمانی که شامل دو بعد تسهیم دانش و یادگیری مستمر بوده، به ترتیب ۲/۸۸ با انحراف استاندارد ۰/۵۲۰ برای بعد تسهیم دانش و میانگین ۲/۹۱ با انحراف استاندارد ۰/۵۶۰ برای بعد تسهیم دانش بوده است که هر دو بعد دارای میانگین پایین تر از حد متوسط بوده اند.

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می شود، از میان ابعاد پرسشنامه فناوری، مولفه پشتیبانی ICT دارای میانگین بالاتری نسبت به مولفه شناخت ICT در سازمان های ورزشی منتخب بوده است. میانگین امتیاز به دست آمده برای مولفه منابع انسانی ۲/۷۵ با انحراف استاندارد ۰/۷۵۴ و پایین تر از حد متوسط بوده است. در نهایت، از میان ابعاد پرسشنامه استراتژی و رهبری، مولفه ارزیابی مهارت های اقدامات استراتژیک در رهبری دارای بالاترین میانگین می باشد و بعد از آن به ترتیب مولفه های بررسی اثرگذاری و نفوذ استراتژیک و تفکر استراتژیک قرار دارند. همچنین، میانگین هر سه مولفه استراتژی و رهبری در سازمان های ورزشی منتخب پایین تر از حد متوسط قرار دارند (جدول ۱ و ۲).

جدول ۱: آمار توصیفی ابعاد پرسشنامه های استقرار مدیریت دانش و عوامل سازمانی در مدیران سازمان های ورزشی منتخب کشور

آماره ابعاد	تعداد (N)	میانگین	انحراف استاندارد
تمرکز	۸۵	۲/۸۰	۰/۳۸۷
جریان ارتباطات	۸۶	۳/۰۴	۰/۵۷۰
تسهیم دانش	۸۷	۲/۸۸	۰/۵۲۰
یادگیری مستمر	۸۵	۲/۹۱	۰/۵۶۰
پشتیبانی ICT	۸۰	۳/۲۹	۰/۷۰۵
شناخت ICT	۸۶	۳/۲۱	۰/۶۱۲
تفکر استراتژیک	۸۷	۲/۶۱	۰/۶۱۶
ارزیابی اقدامات استراتژیک	۸۶	۲/۵۸	۰/۵۴۳
بررسی اثرگذاری و نفوذ استراتژیک	۸۶	۲/۶۶	۰/۶۹۱
منابع انسانی	۷۸	۲/۷۵	۰/۷۵۴
کسب دانش	۸۳	۳/۱۱	۰/۵۵
انتقال دانش	۸۵	۲/۸۱	۰/۴۳
به کار گیری دانش	۸۵	۳/۰۴	۰/۵۹
ثبت و ضبط دانش	۸۲	۲/۸۸	۰/۵۴

جدول ۲: نتایج آزمون فرض نرمال بودن مولفه های مربوط به استقرار مدیریت دانش و عوامل سازمانی توسط آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

آماره ابعاد	تعداد (N)	میانگین	کولموگروف - اسمیرنوف	Sig
تمرکز	۸۵	۲/۸۰	۱/۲۱	۰/۱۰۲
جریان ارتباطات	۸۶	۳/۰۴	۱/۲۵	۰/۰۸۶
تسهیم دانش	۸۷	۲/۸۸	۰/۸۷۵	۰/۴۲۹
یادگیری مستمر	۸۵	۲/۹۱	۰/۸۲۱	۰/۵۱۱
پشتیبانی ICT	۸۰	۳/۲۹	۱/۱۵	۰/۱۴۲
شناخت ICT	۸۶	۳/۲۱	۱/۷۲۷	۰/۰۰۵
تفکر استراتژیک	۸۷	۲/۶۱	۱/۶۰۳	۰/۰۱۲
ارزیابی استراتژیک	۸۶	۲/۵۸	۱/۸۷۲	۰/۰۰۲
نفوذ استراتژیک	۸۶	۲/۶۶	۱/۶۲۷	۰/۰۱۰
منابع انسانی	۷۸	۲/۷۵	۱/۳۶۷	۰/۰۴۸
فرهنگ سازمانی	۸۵	۲/۹۰	۰/۷۹۵	۰/۵۵۳
فناوری	۸۰	۳/۲۶	۰/۸۴۴	۰/۴۷۵
استراتژی	۸۵	۲/۶۳	۱/۴۸۹	۰/۰۲۴
کسب دانش	۸۳	۳/۱۱	۱/۰۴	۰/۲۲۹
انتقال دانش	۸۵	۲/۸۱	۱/۲۳	۰/۰۹۴
به کار گیری دانش	۸۵	۳/۰۴	۰/۹۸۶	۰/۲۸۵
ثبت و ضبط دانش	۸۲	۲/۸۸	۱/۱۱	۰/۱۶۴
مدیریت دانش	۷۷	۲/۹۹	۱/۱۲۹	۰/۱۵۶

تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که بین فرهنگ سازمانی (تسهیم دانش و یادگیری مستمر) و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب از دیدگاه مدیران سازمان های ورزشی کشور ارتباط معنی دار و مثبتی وجود دارد.

جدول ۳: ارتباط بین فرهنگ سازمانی (تسهیم دانش و یادگیری مستمر) و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش

متغیر	آماره	استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش
تسهیم دانش	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۴۹
	سطح معناداری	۰/۰۰۰۱
یادگیری مستمر	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۹۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰۱

در بررسی رگرسیون، مقدار $F = ۲۳/۲۴۹$ در سطح $۰/۰۰۱$ معنا دار گردید و ضریب تعیین R^2 نشان داد (جدول ۵) که معادله رگرسیون استفاده شده در تسهیم دانش و یادگیری مستمر، ($۰/۳۸۶$) واریانس در استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش را تبیین می کند. در ادامه، همانگونه که در جدول ۶ مشاهده می شود، متغیرهای پیش بین تسهیم دانش و یادگیری مستمر به ترتیب $۰/۲۱۷$ و $۰/۴۸۸$ قدرت پیش بینی استقرار مدیریت دانش را دارند.

جدول ۴: پیش بینی استقرار مدیریت دانش از روی ابعاد فرهنگ سازمانی با استفاده از رگرسیون چندگانه

متغیر	ضریب بتا	ضریب B	مقدار تی	سطح معنی داری
ضریب ثابت	-	۱/۲۰۰	۴/۲۶۸	۰/۰۰۰۱
تسهیم دانش	۰/۲۱۷	۰/۲۰۶	۲/۰۹	۰/۰۴۰
یادگیری مستمر	۰/۴۸۸	۰/۴۰۴	۴/۷۰	۰/۰۰۰۱

$$r^2 = ۰/۳۸۶, F = ۲۳/۲۴۹, SEE = ۰/۳۵۳, p = ۰/۰۰۰۱$$

(یادگیری مستمر) $۰/۴۰۴$ + (تسهیم دانش) $۰/۲۰۶$ + $۱/۲۰۰$ = استقرار مدیریت دانش

همچنین، بین ساختار جریان ارتباطات و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب ارتباط معنی دار و مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه قدر جریان ارتباطات در سازمان های ورزشی بیشتر باشد منجر به استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش می گردد. از سوی دیگر، با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری، بین تمرکز و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب ارتباط معنی دار وجود ندارد.

جدول ۵: ارتباط بین ساختار سازمانی (تمرکز و جریان ارتباطات) و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش

متغیر	آماره	استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش
تمرکز	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۳۵
	سطح معناداری	۰/۲۴۶
جریان ارتباطات	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۶۴
	سطح معناداری	۰/۰۰۰۱

در بررسی رگرسیون، مقدار $F = ۵۹/۱۹۷$ در سطح $۰/۰۰۱$ معنا دار گردید و ضریب تعیین R^2 نشان داد (جدول ۸ و ۹) که معادله رگرسیون استفاده شده در ساختار جریان ارتباطات، ($۰/۴۴۱$) واریانس در استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش را تبیین می کند. در ادامه، همانگونه که در جدول ۱۰ مشاهده می شود، متغیرهای پیش بین ساختار جریان ارتباطات $۰/۶۶۴$ قدرت پیش بینی استقرار مدیریت دانش را دارند.

جدول ۶: پیش بینی استقرار مدیریت دانش از ساختار جریان ارتباطات سازمان های ورزشی منتخب با استفاده از رگرسیون ساده

متغیر	ضریب بتا	Bضریب	مقدار تی	سطح معنی داری
ضریب ثابت	-	۱/۲۹۵	۵/۷۷	۰/۰۰۰۱
ساختار جریان ارتباطات	۰/۶۶۴	۰/۵۵۱	۷/۶۹	۰/۰۰۰۱

$$r^2 = ۰/۴۴۱, F = ۵۹/۱۹۷, SEE = ۰/۳۳۵, p = ۰/۰۰۰۱$$

(ساختار جریان ارتباطات) = $۱/۲۹۵ + ۰/۵۵۱$ = استقرار مدیریت دانش

همانطور که در جدول ۷ ملاحظه می شود، باتوجه به ضرایب همبستگی پیرسون و سطح معناداری، بین فناوری اطلاعات و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب ارتباط معنی دار و مثبتی وجود دارد.

جدول ۷: ارتباط بین فناوری اطلاعات و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش

متغیر	آماره	استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش
فناوری اطلاعات	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۴۳
	سطح معناداری	۰/۰۳۹
	تعداد	۷۲

همچنین، همانطور که در جدول ۸ ملاحظه می گردد، باتوجه به ضرایب همبستگی پیرسون و سطح معناداری، بین بعد پشتیبانی ICT فناوری اطلاعات سازمان های ورزشی منتخب و استقرار مدیریت دانش ارتباط معنی دار وجود ندارد، ولی بین بعد شناخت ICT فناوری اطلاعات سازمان های ورزشی منتخب و استقرار مدیریت دانش ارتباط معنی دار و مثبتی وجود دارد.

جدول ۸: ارتباط بین ابعاد فناوری اطلاعات (پشتیبانی ICT و شناخت ICT) و استقرار مدیریت دانش متغیر

متغیر	آماره	استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش
پشتیبانی ICT	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۲۲
	سطح معناداری	۰/۸۵۲
	تعداد	۷۷
شناخت ICT	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۳۸۰
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
	تعداد	۷۲

برای بررسی پیش بینی متغیر استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش از روی ابعاد فناوری اطلاعات از رگرسیون چند گانه به روش همزمان استفاده شد. همانطور که جدول ذیل ملاحظه می شود $F = ۴/۷۷$ برای معادله رگرسیون معنادار می باشد ($P = ۰/۰۱۱$). برای توضیح تک تک خرده مقیاس های پیش بین کننده، ارزش t برای مولفه شناخت ICT معنادار بود. شناخت ICT با ضریب بتا $۰/۳۷۰$ تنها پیش بینی کننده استقرار مدیریت

دانش در سازمان های ورزشی منتخب می باشد (جدول ۹).

جدول ۹: پیش بینی استقرار مدیریت دانش از روی ابعاد فناوری اطلاعات با استفاده از رگرسیون چندگانه

متغیر	ضریب بتا	B ضریب	مقدار تی	سطح معنی داری
ضریب ثابت	-	۲/۲۹	۶/۵۵	۰/۰۰۰۱
پشتیبانی ICT	۰/۱۲۹	۰/۰۸۶	۱/۰۷	۰/۲۸۶
شناخت ICT	۰/۳۷۰	۰/۳۰۴	۳/۰۹	۰/۰۰۳

$$r^2 = ۰/۱۲۲, F = ۴/۷۷, SEE = ۰/۴۲۵, p = ۰/۰۱۱$$

$$\text{(شناخت ICT)} = ۲/۲۹ + ۰/۳۰۴ \times \text{استقرار مدیریت دانش}$$

۵۱

همانطور که در جدول ۱۰ ملاحظه می شود باتوجه به ضرایب همبستگی اسپیرمن و سطح معناداری، فرض صفر رد و فرض تحقیق تایید می گردد. بنابراین، بین منابع انسانی (آموزش، مشارکت، امنیت شغلی) و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب ارتباط معنی دار و مثبتی وجود دارد.

جدول ۱۰: ارتباط بین منابع انسانی و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب

متغیر	آماره	استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش
منابع انسانی	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۷۷۲**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰۱
	تعداد	۷۱

برای بررسی پیش بینی متغیر استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش از روی منابع انسانی از رگرسیون ساده استفاده شد. همانطور که جدول ۱۱ ملاحظه می شود $F = ۱۰۳/۴۵$ برای معادله رگرسیون معنادار می باشد ($P = ۰/۰۰۰۱$). همچنین، ضریب تعیین R^2 نشان داد که معادله رگرسیون استفاده شده در منابع انسانی، ($۰/۶۰۰$) واریانس در استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش را تبیین می کند. به عبارت دیگر، می توان $۶۰/۰$ درصد استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش را از طریق منابع انسانی سازمان های ورزشی منتخب تبیین نمود.

جدول ۱۱: پیش بینی استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش از منابع انسانی سازمان های ورزشی منتخب با استفاده از رگرسیون ساده

متغیر	ضریب بتا	B ضریب	مقدار تی	سطح معنی داری
ضریب ثابت	-	۱/۷۴۸	۱۳/۵۷	۰/۰۰۰۱
منابع انسانی	۰/۷۷۲	۰/۴۵۶	۱۰/۱۷۱	۰/۰۰۰۱

$$r^2 = ۰/۶۰۰, F = ۱۰۳/۴۵, SEE = ۰/۲۸۵, p = ۰/۰۰۰۱$$

$$\text{(منابع انسانی)} = ۱/۷۴۸ + ۰/۴۵۶ \times \text{استقرار مدیریت دانش}$$

همانطور که در جدول ۱۲ ملاحظه می شود باتوجه به ضرایب همبستگی اسپیرمن و سطح معناداری، بین

ابعاد ارزیابی اقدامات استراتژیک، نفوذ استراتژیک سازمانهای ورزشی منتخب و استقرار مدیریت دانش ارتباط معنی دار و مثبتی وجود دارد، ولی بین بعد تفکر استراتژیک سازمانهای ورزشی منتخب و استقرار مدیریت دانش ارتباط معنی دار وجود ندارد.

جدول ۱۲: ارتباط بین ابعاد استراتژی و رهبری (تفکر استراتژیک، ارزیابی اقدامات استراتژیک، نفوذ استراتژیک) و استقرار مدیریت دانش

متغیر	آماره	استقرار مدیریت دانش
تفکر استراتژیک	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۷۴
	سطح معناداری	۰/۱۳۰
	تعداد	۷۷
ارزیابی اقدامات استراتژیک	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۸۷**
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
	تعداد	۷۷
نفوذ استراتژیک	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۶۶*
	سطح معناداری	۰/۰۱۹
	تعداد	۷۷

برای بررسی پیش بینی متغیر استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش از روی ابعاد استراتژی و رهبری از رگرسیون چند گانه به روش همزمان استفاده شد. همانطور که جدول ذیل ملاحظه می شود $F=4/21$ برای معادله رگرسیون معنادار می باشد ($P=0/018$). برای توضیح تک تک خرده مقیاس های پیش بین کننده، ارزش t برای مولفه ارزیابی اقدامات استراتژیک معنادار بود. ارزیابی اقدامات استراتژیک با ضریب بتا $0/321$ تنها پیش بینی کننده استقرار مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب می باشد. همچنین، ضریب تعیین R^2 نشان داد که معادله رگرسیون استفاده شده ابعاد استراتژی و رهبری، ($0/320$) واریانس در استقرار مدیریت دانش را تبیین می کند. به عبارت دیگر، می توان $0/32$ درصد استقرار مدیریت دانش سازمان های ورزشی منتخب را از طریق بعد ارزیابی اقدامات استراتژیک تبیین نمود (جدول ۱۳).

جدول ۱۳: پیش بینی استقرار مدیریت دانش از روی ابعاد استراتژی و رهبری با استفاده از رگرسیون چند گانه

متغیر	ضریب بتا	B ضریب	مقدار تی	سطح معنی داری
ضریب ثابت	-	۲/۳۱	۸/۷۳	۰/۰۰۰۱
ارزیابی اقدامات استراتژیک	۰/۳۶۹	۰/۳۲۱	۲/۴۸	۰/۰۱۵
نفوذ استراتژیک	-۰/۰۸۲	-۰/۰۵۸	-۰/۵۵۱	۰/۵۸۴

$$r^2 = 0/322, F = 4/21, SEE = 0/427, p = 0/018$$

$$(ارزیابی اقدامات استراتژیک) = 2/31 + 0/321 = \text{استقرار مدیریت دانش}$$

بحث و نتیجه گیری

با بررسی و تحلیل مدیریت دانش و اهمیت ویژگی های آن در حیطه عملکرد سازمان ها می توان دریافت که برخورداری از دانش و اطلاعات روزآمد برای ادامه حیات سازمان ها به یک ضرورت انکار ناپذیر تبدیل شده است به خصوص اگر روند تغییر و تحولات دانش در جامعه به دقت مورد ارزیابی واقع شود. در محیط پویا و پیچیده امروزی، برای سازمان ها ضروری است که به طور مداوم، دانش جدید را به شکل ایجاد، اعتبار بخشی و کاربرد در خدمات و وظایف خود به کار گیرند. در عصر حاضر، سازمان ها برای مقابله یا تهدیدات محیطی، استفاده از فرصت های احتمالی و دستیابی به اهداف سازمانی ناچارند ظرفیت ها و توانمندی های درونی را شناسایی، مسائل و ابعاد مختلف سازمانی را موشکافی، نقاط ضعف را ترمیم و نقاط قوت را تقویت نمایند. سازمان های ورزشی نیز به عنوان بخشی از سازمان های حاضر که نقش مهمی در کلیه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی افراد دارند، از این قائله مستثنی نمی باشد و مدیران ورزشی این بار را بر دوش می کشند. مدیران ورزشی باید موجبات حرکت رو به جلو و نیز سیر صعودی دستیابی به اهداف سازمانی را در سازمان های ورزشی فراهم آورند.

مدیریت دانش و مفاهیم استراتژیک مربوطه، به عنوان اجزا و عناصر مهم بقای سازمان و حفظ موقعیت رقابتی آن مورد توجه قرار گرفته اند (مارتسون، ۱۳۷۹) به عنوان نمونه، مک الروی معتقد است که دانش و کارکنان دانشی عوامل کلیدی سازمان در دستیابی به توسعه پایدار قلمداد می شوند و در زمره اصلی ترین منابع رقابتی آینده شرکت ها قرار دارند. افزون بر این، مارتسون مدعی است که مدیریت دانش، پیش نیاز قطعی برای بهره وری و انعطاف پذیری سازمان های خصوصی و دولتی است و از این رو، توجه به آن از وظایف و مسئولیت های مدیران و مجریان است (احمدی، ۱۳۹۰، ۴۳). اینکه چه عاملی موجب موفقیت استقرار مدیریت دانش در سازمان ها می شود، پرسش مهمی است که پژوهشگران مدیریت را به خود مشغول داشته است. آنها به مطالعه مواردی از قبیل ساختار سازمانی، فناوری اطلاعات و ارتباط سازمان با محیط خارج پرداخته اند (جاش و اسکات، ۲۰۰۷).

این مطالعه با طرح سؤالاتی در زمینه عوامل سازمانی (ساختار، فرهنگ، فناوری، منابع انسانی و استراتژی و رهبری) و ارتباط آن با استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب کشور، صورت گرفت.

یافته های پژوهش نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار عوامل فرهنگی سازمان شامل فرهنگ تسهیم و فرهنگ یادگیری مستمر با استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش می باشد. این نکته بیان کننده این مطلب است که اگر در سازمان های ورزشی منتخب کشور، فرهنگ تسهیم دانش و فرهنگ یادگیری مستمر غالب باشد، مدیریت دانش به راحتی استقرار می یابد. خوشبختانه، در سازمان های مورد پژوهش این فرهنگ حاکم بود. شاید بتوان گفت در این سازمان ها، این ابعاد فرهنگی بنا بر ماهیت فعالیت آنها از قدرت بالایی برخوردار است. در این ارتباط نیز پژوهش های زیادی صورت گرفته است که همگی تایید کننده وجود این ارتباط هستند. به عنوان نمونه، در پژوهش های صورت گرفته توسط عسگری در وزارت کار و دانش فرد در شرکت توزیع برق، مشخص شد که در سازمان جهت استقرار مدیریت دانش باید فرهنگ سازمانی مناسب موجود باشد. به بیان دیگر، بین فرهنگ سازمانی و موفقیت استقرار مدیریت دانش، رابطه محکم و معناداری وجود دارد (عسگری، ۱۳۸۴ و دانش فرد و شهابی نیا، ۱۳۸۹).

در مطالعه الماسیان که در مراکز بهداشتی شیراز انجام گرفت، مشاهده شد که بین فرهنگ سازمانی و مدیریت

دانش رابطه معناداری وجود دارد (الماسیان، ۱۳۸۹). کرمی و گودرزی نیز در مطالعات جداگانه ای عنوان کرده اند که فرهنگ سازمانی رابطه مؤثر و قوی با مدیریت دانش دارد. گودرزی عنوان می کند که بین فرهنگ تسهیم و انتقال دانش رابطه معنادار وجود دارد، در حالی که رابطه ای بین فرهنگ تسهیم و خلق دانش وجود نداشته است (گودرزی، ۱۳۸۸ و کرمی راد، ۱۳۸۴).

در پژوهش حاضر بین فرهنگ تسهیم و ابعاد دانش ارتباط معنادار وجود دارد که برخلاف یافته پژوهش گودرزی است. به نظر می رسد این اختلاف ناشی از تغییر نوع کاربری این سازمان و نوع دانش مورد نظر در گذر زمان باشد. پژوهش گودرزی (۱۳۸۸) در سازمان تربیت بدنی و در بین مدیران ستادی صورت گرفته است، اما پژوهش حاضر در وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، آکادمی ملی المپیک و فدراسیون های منتخب کشور صورت گرفته و جامعه آماری آن را کلیه مدیران این سازمان ها تشکیل داده است.

مطالعات در دیگر نقاط دنیا نیز نتایج مشابهی داشته است. لی و چوی عنوان کرده اند که در سازمان های عمومی چین، اغلب افراد تمایل ندارند دانشی را که در اختیار دارند با دیگران تسهیم کنند و همین امر فرایند مدیریت دانش را دچار اختلال می کند (لی و چوی^۱، ۲۰۰۳).

بالتازارد (۲۰۰۴) هم عنوان داشته که فلسفه سازمان و ارزش های بلندپایه سازمان در موفقیت یا عدم موفقیت مدیریت دانش نقش دارد. فرهنگ سازمانی، انتظارات و رفتارهای افراد را تا حد زیادی تحت تاثیر قرار می دهد. برخی از آنها می تواند به جدال غیرسازنده منجر گردد و مانع از ایجاد تبادل شبکه مدیریت دانش گردد. وی معتقد است که دانستن فرهنگ سازمان برای کسانی که استراتژی مدیریت دانش را طراحی می کنند ضروری است، زیرا که فرهنگ سازمانی هم بر جریان دانش لازم برای طراحی مدیریت دانش و هم بر همکاری و تعهد اعضا نسبت به مدیریت دانش، تاثیر دارد (بالتازارد، ۲۰۰۴).

دلانگ و فاهی در آکادمی مدیریت آمریکا با انجام مطالعه ای دریافتند که مدیریت مؤثر دانش بطور مستقیم با فرهنگ سازمان در ارتباط است (دلانگ و فاهی^۲، ۲۰۰۰). بت نیز در پژوهش خود عنوان کرده که در سازمان های دارای فرهنگ اعتماد قوی که از تسهیم اطلاعات و دانش حمایت می شود، استراتژی مدیریت دانش دارای موفقیت بیشتری است (بهات^۳، ۲۰۰۰).

با توجه به مطالب یاد شده می توان گفت که اگر مدیران سازمان بدون توجه به فرهنگ غالب سازمان، بخصوص ابعاد یادگیری و تسهیم دانش و اطلاعات، دست به اجرای مدیریت دانش بزنند، دچار مشکلات جدی خواهند شد. مسئولان سازمان های ورزشی مورد نظر، باید فرهنگ اعتماد و اشتراک گذاری اطلاعات را در افراد ایجاد و تقویت کنند.

همچنین، یافته های پژوهش نشان داد بین فناوری اطلاعات و استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب کشور، ارتباط معنی دار و مثبتی وجود دارد. باتوجه به ضرایب همبستگی پیرسون و سطح معناداری، بین بعد پشتیبانی ICT فناوری اطلاعات سازمان های ورزشی منتخب و استقرار مدیریت دانش ارتباط معنی دار وجود ندارد، ولی بین بعد شناخت ICT فناوری اطلاعات سازمان های ورزشی منتخب و استقرار مدیریت دانش، ارتباط معنی دار و مثبتی وجود دارد.

در این پژوهش منظور از فناوری مورد استفاده در سازمان های ورزشی منتخب کشور، فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی می باشد که ارتباط بین وجود پشتیبانی ICT (زیر ساخت) مناسب در سازمان و میزان توانایی کارکنان در شناخت و بکارگیری ICT را در اسقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش مورد مطالعه قرار

1. Lee & Choi
2. Delong & Fahey
3. Bhatt

می دهد. نتایج به دست آمده نشان داد که بین شناخت ICT و اسقرار مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد که این امر مبین آن است که هرچه توانایی کارکنان در استفاده از فناوری اطلاعات افزایش یابد، مدیریت دانش سریعتر استقرار پیدا می کند.

نتیجه به دست آمده در مورد رابطه مثبت شناخت با ابعاد دانش، بر خلاف یافته پژوهش سیدعامری (۱۳۸۷) است که به نظر می رسد این اختلاف به دلیل پیشرفت شاخص اطلاعاتی افراد درباره فناوری اطلاعات در گذر زمان باشد. این در حالی است که نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق سبحانی (۱۳۹۲) کاملاً همخوان بود، چرا که در هر دو پژوهش رابطه مثبت و معناداری بین مدیریت دانش و مولفه های فناوری وجود داشت. همچنین، یافته های این پژوهش با نتایج پژوهش های تسنگ^۱ (۲۰۰۸)، نیلز^۲ (۲۰۱۰)، وو (۲۰۱۱)، گودرزی و ابوترابی (۱۳۸۷) همخوانی دارد. سبحانی (۱۳۹۲) به نقل از اندرسون اظهار داشت، تعامل صحیح بین افراد، فناوری و فرایندهای سازمانی، مدیریت دانش را به موفقیت می رساند (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۲). امروزه، سازمان ها با حجم انبوهی از اطلاعات و دانش رو به رو هستند که اداره و بهره برداری صحیح از آن به دغدغه ای بزرگ برای این سازمان ها تبدیل شده است. از طرف دیگر، تغییرات سریع در دنیای امروز، سازمان ها را با چالش های مختلفی روبه رو کرده است (گودرزی و ابوترابی، ۱۳۸۷). باتوجه به این مطلب، عامل موفقیت سازمان های هزاره سوم در صحنه های رقابتی، حرکت به سوی مدیریت دانش و دانش - محوری است. آنچه موجب تسهیل فرایند مدیریت دانش و تبدیل آن به مزیت رقابتی شده، نقش پشتیبانی کننده فناوری اطلاعات است (هیسمن اوغلو، ۲۰۱۱).

از جمله تحقیقاتی که بطور مستقیم به این فرضیه مربوط می باشد می توان به تحقیقی که توسط سید احسان و رولند^۳ (۲۰۰۴) انجام شد اشاره کرد که نتایج آن با تحقیق انجام شده همخوانی دارد. همچنین، شمس مورکانی (۱۳۹۰) به این نتیجه رسید که بین فناوری مورد استفاده در سازمان (پشتیبانی ICT و شناخت ICT) با راهبرد های مدیریت دانش رابطه معنی داری وجود دارد و این رابطه مثبت است (شمس مورکانی، ۱۳۹۰). نتایج تحقیق احمدپور (۱۳۸۹) نشان داد بیشتر مدیران ارشد فدراسیون های ورزشی و مدیران ستادی وزارت ورزش و جوانان (۸۷/۶ درصد) کمتر از ۱۰ ساعت در هفته از کامپیوتر استفاده می کنند. همچنین، بیشترین میزان استفاده این مدیران از مؤلفه ها و ابعاد فناوری اطلاعات و ارتباطات در سازمان های ورزشی متنوع، استفاده از نرم افزارهای پاور پوینت و ورد است (احمدپور، ۱۳۸۹).

ولف^۴ (۱۹۹۵) طی تحقیقی نشان داد که، فناوری و متغیرهای پی در پی محیطی بر نوآوری و خلاقیت سازمان تأثیر می گذارند. یونس^۵ (۱۹۹۹) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که هر چه سطح فناوری و فناوری های بکار گرفته شده جدیدتر باشد، به همان میزان ارائه خدمات به دانشجویان با رضایت بیشتری همراه خواهد بود.

تحقیقاتی که توسط عسگری (۱۳۸۴)، گوکالپ^۶ (۲۰۱۱)، سید احسان و رولند (۲۰۰۴)، ابراهیمی (۱۳۸۴)، غلام زاده (۱۳۸۰)، همت آبادی (۱۳۸۳)، ولف (۱۹۹۵) و یونس (۱۹۹۹) انجام شد، ضمن همخوانی با تحقیق انجام شده، به اهمیت تکنولوژی و فن آوری اطلاعات در پیاده سازی استراتژی جدید در سازمان تأکید داشته اند.

1. Tseng

2. Neels & Johnson

3. Syed-Ikhsan & Rowland

4. Wolf

5. Younis

6. Gokalp

این نتایج نشان می دهند که فناوری دراستقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان از نقش کلیدی برخوردار است و باید به عنوان ابزار مؤثر جمع آوری، ذخیره سازی، انتقال و اشاعه دانش مورد توجه قرار گیرد. به نظر می رسد وجود شناخت ICT در سازمان و توانایی کارکنان در بهره گیری از این فناوری ها این امکان را برای کارکنان فراهم می سازد که بتوانند نقش مؤثری در استقرار دانش ایفا کنند. نتایج نشان می دهد که ارائه آموزش های داخلی کافی در زمینه رایانه و نرم افزارهای آن و نیز گسترش امکانات فناوری، منجر به استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش خواهد شد. از این رو، مدیران سازمان باید به سرمایه گذاری مستمر در زمینه شناخت ICT در سازمان و در نتیجه موفقیت مدیریت دانش در سازمان خود کمک کنند.

تحقیقات چشمگیری درباره ارتباط استراتژی و رهبری و مدیریت دانش در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است، اما در این راستا خراسانی و جوان جعفری (۱۳۸۹) به این نتیجه دست یافتند که سیستم جامع مدیریت دانش باید در خدمت اهداف استراتژیک سازمان باشد و به بهبود عملکرد مأموریتی سازمان بینجامد. بحث همسویی مدیریت دانش و استراتژی های سازمانی به عنوان ضرورتی غیرقابل انکار مطرح شده است و همچنین در عصر دانش، سازمان ها توجه و تأکید زیادی بر شناسایی و بهره گیری مؤثر از سرمایه های فکری و دانشی خود دارند. به همین دلیل، بر همسوسازی مدیریت دانش با استراتژی های سازمان تأکید می کنند (خراسانی و جوان جعفری، ۱۳۸۹).

چیت سازان کوشیده تا چهارچوبی جامع جهت تجزیه و تحلیل سرمایه انسانی در سه حوزه مدیریت دانش، سرمایه فکری و مدیریت استراتژیک منابع انسانی در جهت دستیابی به مزیت رقابتی پایدار ارائه کند. وی به این نتیجه رسید که منحصر به فرد بودن و ارزش آفرینی دانش در سازمان باعث ایجاد استراتژی های رقابتی در محیط سازمانی می شود (چیت سازان، ۱۳۹۱). در نهایت مدیران سازمان های مربوطه باید با گنجانیدن برنامه های استراتژیک در برنامه های مدون سازمان و ارزیابی مستمر این برنامه ها، در استقرار موفق مدیریت دانش، اثر مطلوب داشته باشند.

یافته های به دست آمده از این پژوهش، بر وجود ارتباط بین عوامل سازمانی و مدیریت دانش تأکید می کند و موید آن است که هرچقدر جریان ارتباطات در سازمان های ورزشی بیشتر باشد، منجر به استقرار موفقیت آمیزتر مدیریت دانش می گردد؛ بدین معنی که با جریان ارتباطات آزاد و روان، مدیریت دانش در سازمان با کمترین مشکل قابل اجراست و می توان از این نکته در جهت رشد و اعتلای سازمان و افزایش کیفیت خدمات استفاده کرد. این در حالی است که بین تمرکز و استقرار مدیریت دانش در سازمان های مذکور رابطه معنی دار وجود نداشت. بنابراین، رابطه بین این عوامل معکوس می باشد؛ یعنی، کاهش میزان تمرکز در این سازمان ها موجب استقرار مدیریت دانش در این سازمان ها شده و تسهیل جریان ارتباطات نیز سبب استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش گردیده است.

این یافته ها در پژوهش های دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ از جمله در مطالعه ای که توسط عسگری در وزارت کار و امور اجتماعی انجام شده است، رابطه معناداری بین عوامل سازمانی مذکور و مدیریت دانش وجود داشته است. وی معتقد است که برای پیاده سازی موفقیت آمیز مدیریت دانش باید سازمان را به عنوان یک کل نگاه کرد (عسگری، ۱۳۸۴). ارباب شیرانی نیز در مطالعه خود در سازمان های نظام مهندسی عنوان کرده است که مؤلفه های مؤثر در ایجاد و توسعه دانش عبارت اند از: فرایندها، ساختارها و زیربنایها. نتایج مطالعات میدانی نشان می دهند که فرایندها و ساختارها در بهبود سطح دانش یعنی خلق و توسعه دانش، مؤثر بوده اند (ارباب شیرانی، ۱۳۸۱).

سید عامری نیز در پژوهش خود به نتایج یکسانی در رابطه با ساختار جریان ارتباطات و خلق و انتقال دانش

در سازمان تربیت بدنی دست یافت و به صورت مشابه در رابطه با تمرکز، به نتیجه یکسانی در مورد ارتباط منفی این مولفه با ابعاد خلق و انتقال مدیریت دانش دست پیدا کرد (سید عامری و همکاران، ۱۳۸۷) که نشانگر همسو بودن نتایج این تحقیق با پژوهش قبلی است.

در سایر نقاط جهان نیز مطالعاتی در این زمینه انجام گرفته است. بالتازارد و همکاران در آمریکای پژوهشی اعلام داشته اند که وجود رویه ها و ساختارهای مشخص و منعطف و تشکیل تیم های کاری می تواند میزان رغبت برای یادگیری سازمانی و فرایندهای مدیریت دانش را افزایش دهد (بالتازارد، ۲۰۰۴).

سید احسان و رولند در مالزی، پس از مطالعه ای که در سازمان های عمومی آن کشور انجام دادند، بیان داشتند بین اجزای سازمانی از جمله ساختار آن و انتشار دانش و اطلاعات، ارتباط مهم و معنی داری وجود دارد (سید احسان و رولند، ۲۰۰۴). زاراگا و همکارش نیز جریان آزاد ارتباطات را عامل تعیین کننده و اصلی برای پشتیبانی از خلق و انتقال دانش عنوان کرده اند (زاراگا و پترا، ۲۰۰۶).

مطالعه ای که در مراکز ارائه خدمات سلامت در ژاپن توسط جوشی و همکاران صورت گرفت نیز تاکید می کند که اگر در تیم های سازمانی، ارتباطات باز در تمامی جهات امکانپذیر باشد، روند انتقال اطلاعات و همچنین صحت اطلاعات بیشتر خواهد بود (جوشی و سارکر^۲، ۲۰۰۷). بت نیز اشاره می کند که در سازمان های دارای ساختاری با تمرکز کم و ارتباط باز، استراتژی مدیریت دانش دارای موفقیت بیشتری است (بهات، ۲۰۰۲).

همانگونه که مشاهده می شود در تمامی مطالعات صورت گرفته، نتایج پژوهش حاضر مورد تایید قرار گرفته است. بنابراین، ایجاد ساختارهای ارگانیک که دارای انعطاف باشند و پیچیدگی و تمرکز کمی داشته باشند تا ارتباطات به راحتی انجام پذیرد، تسهیل کننده استراتژی مدیریت دانش است و به استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش کمک می کند.

این پژوهش به بررسی میزان رابطه موجود بین منابع انسانی در استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های منتخب ورزشی کشور پرداخت. نتایج نشان داد که بین منابع انسانی از طریق آموزش و مشارکت کارکنان و ایجاد امنیت شغلی برای آنان، و استقرار موفق مدیریت دانش رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. برومند و رنجبر در مورد مولفه منابع انسانی مطالعه ای انجام دادند و به نتایج مشابهی دست یافتند. آنها دریافتند که اقدامات راهبردی مدیریت منابع انسانی به طور مثبتی با ظرفیت مدیریت دانش رابطه دارد و اقدامات راهبردی مدیریت منابع انسانی برای انگیزش تمایل کارکنان به منظور کسب، تسهیم و کاربرد دانش در سازمان ها مفید و سودمند است (برومند و رنجبر، ۱۳۸۸). زاهدی نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که رمز موفقیت سازمان ها، در بهره وری و مدیریت دانش است و اظهار داشت که این دو عامل در کنار هم منجر به افزایش قدرت رقابت سازمان ها می شود (زاهدی و نجاری، ۱۳۸۷). همچنین، شمس مورکائی نیز به این نتیجه رسید که بین مهارت های کارکنان سازمانی (فنی، انسانی و ادراکی) و راهبرد های مدیریت دانش رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد (شمس مورکائی و زارعی، ۱۳۹۰).

مطهری نژاد (۲۰۱۲) نیز بیان نمود که به تخصص و دانش خود در مسائل باید کارآفرینی شامل درک دقیق و جامع از ماهیت مدیریت منابع انسانی در حال تحول و پویا در شرکت های کوچک و در حال ظهور را اضافه نمود.

بنابراین با توجه به مشاهدات موجود، مدیران، برای استقرار هر چه بیشتر مدیریت دانش در سازمان ها، نیازمند توجه ویژه به کارکنان از طریق آموزش، ایجاد امنیت شغلی مناسب و مشارکت کارکنان در امور دارند.

منابع

- ابراهیمی بجدنی، محمد (۱۳۸۴) "فرهنگ سازمانی و رابطه آن با بهره وری کارکنان". پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران.
- ابطی، سیدحسن و صلوانی، عادل (۱۳۸۵) "مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند تصمیم گیری مدیران سازمان های ورزشی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- احمدپور، مولود (۱۳۸۹) "نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند تصمیم گیری مدیران سازمان های ورزشی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- احمدی، مسعود؛ مهرآرا، اسدالله و رزاقی، محمد ابراهیم (۱۳۹۰) "بررسی ارتباط مدیریت دانش با سرمایه اجتماعی از دیدگاه روسای تربیت بدنی ادارات آموزش و پرورش استان کرمان". همایش ملی علوم و مدیریت نوین. گلستان-گرگان.
- احمدی، محمد (۱۳۹۰) مبانی سازمان و مدیریت (مدیریت عمومی). ساری: انتشارات پژوهش های فرهنگی
- ارباب شیرانی، بهروز (۱۳۸۱) "تعیین عناصر لازم برای خلق دانایی و تعیین روش اندازه گیری آنها در سازمان های مهندسی". رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- الماسیان کیا، علی (۱۳۸۹) "بررسی رابطه بین مدیریت دانایی و فرهنگ سازمانی در کارکنان مراکز بهداشت والفجر و انقلاب شیراز". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- انصاری، محمد حسین؛ هنری، حبیب و کارگر، غلامعلی (۱۳۹۰) "رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (ساختاری، شناختی و رابطه ای) با مدیریت دانش و ابعاد آن (خلق و انتقال) در کمیته ملی المپیک". مجموعه مقالات همایش ملی تربیت بدنی و علوم ورزشی. دانشگاه آزاد واحد آیت الله آملی.
- برومند، مجتبی و رنجبری، مریم (۱۳۸۸) "اقدامات راهبردی مدیریت منابع انسانی و عملکرد نوآوری با تاکید بر نقش مدیریت دانش". دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس. سال ششم، شماره ۲۴.
- جلالی فراهانی، م. و افزاره، ف. (۱۳۸۴) "طراحی نرم افزار و توسعه سیستم مدیریت دانش (مطالعه موردی در وزارت حمل و نقل)". پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت صنعتی.
- چیت سازان، علی (۱۳۹۱) "مدیریت دانش و سرمایه های انسانی". کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
- خراسانی، علی و جوان جعفری، احمد (۱۳۸۹) "همسوسازی مدیریت دانش با استراتژی های سازمانی برای سرآمدی در صنعت خودرو". ویژه نامه منابع انسانی.
- دانش فرد، کیوان و شهابی نیا، ساره (۱۳۸۹) "بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و استقرار مدیریت دانش (مطالعه موردی شرکت توزیع نیروی برق معاونت اجرایی شمال شرق تهران)". فصلنامه مدیریت. شماره ۱۷.
- رئیس، مجتبی (۱۳۹۱) "رابطه مدیریت دانش و اثربخشی سازمانی از دیدگاه مدیران ستادی سازمان های ورزشی منتخب کشور". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شمال آمل.
- رزاقی، محمد ابراهیم؛ موسوی، سید جعفر و صفانیا، علی محمد (۱۳۹۱) "استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی با تاکید بر بومی سازی ایرانی". کنفرانس بین المللی علوم ورزشی. شمال:

دانشگاه مازندران.

- زاهدی، ش. و نجاری، ر. (۱۳۸۷) "بهره وری منابع انسانی و مدیریت دانش". پیک نور. سال ششم، شماره اول.
- سیحانی، یزدان؛ هنری، حبیب؛ شهلایی، جواد و احمدی، علیرضا (۱۳۹۲) "رابطه فناوری اطلاعات و مدیریت دانش در فدراسیون های ورزشی". فصلنامه مدیریت ورزشی. شماره ۱۷.
- سیدعامری، میرحسین؛ عرضه، کیوان و محرم زاده، مهرداد (۱۳۸۷) "بررسی رابطه عوامل سازمانی (ساختار و فناوری) سازمان تربیت بدنی کشور با استراتژی مدیریت دانش (KM)". پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۲۰.
- شمس مورکانی، غ. و زارعی، ع. (۱۳۹۰) "بررسی رابطه بین عوامل سازمانی با راهبردهای مدیریت دانش: یک مطالعه موردی". نشریه راهبرد توسعه. شماره ۲۷.
- عسگری، ناصر (۱۳۸۴) "بررسی رابطه عوامل سازمانی (ساختار، فرهنگ و فناوری) وزارت کار و امور اجتماعی با استراتژی مدیریت دانش". پایان نامه مدیریت، دانشگاه تهران.
- غلامزاده، محمد رضا (۱۳۸۰) "بررسی اثرات فن آوری اطلاعات بر ساختار سازمانی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فاضلی دینان، فاطمه (۱۳۹۲) "بررسی رابطه عوامل سازمانی با استقرار موفقیت آمیز مدیریت دانش در سازمان های ورزشی منتخب کشور ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات آیت الله آملی.
- کرمی راد، م. (۱۳۸۴) "بررسی رابطه فرهنگ سازمانی با استقرار مدیریت دانایی در گروه خودروسازی بهمن: مرکز بهمن خودرو". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- گودرزی، محمود؛ ابوترابی، مجتبی؛ دستی گردی، مهدی و دستی گردی، کاظم (۱۳۸۸) "ارتباط فرهنگ سازمانی با مدیریت دانش مدیران ستادی سازمان تربیت بدنی". نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۲.
- مطهری نژاد، ف. (۱۳۸۹) "مدیریت منابع انسانی در سازمان های کوچک". پایگاه مقالات علمی مدیریت.
- مقیمی، محمد (۱۳۸۹) سازمان و مدیریت، رویکردی پژوهشی. تهران: انتشارات ترمه
- موغلی، علیرضا؛ طالبی، سعید و صیف، محمدحسن (۱۳۹۰) "عوامل مرتبط با نگرش دانشجویان دانشکده مدیریت دانشگاه علوم پزشکی شیراز در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، گامهای توسعه در آموزش پزشکی". مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی. دوره هشتم، شماره اول.
- همت آبادی، فلاح (۱۳۸۳) "تأثیر فن آوری اطلاعات بر ابعاد ساختار سازمانی". رساله کارشناسی ارشد، تربیت مدرس.

- Allen, T. (1994) "People and technology transfer". Journal of Knowledge Management.
- Bhatt, G.D. (2002) "Management strategies for individual knowledge and organizational knowledge". Journal of Knowledge Management. vol 6. NO1.
- Daft, R. (2002) " Organization Theory and Design". Parsaeiyan Office of Cultural Studies, Tehran.
- Delong, D.W., Fahey, L. (2000) Diagnostic cultural barriers to knowledge

management. Academy of Management Executive .14.

- Denison, D.(2000) **Organizational Culture: can it be a key lever for driving organizational change?** International Institute for Management Development.
- Fazli, S.; Alishahi, A. (2012) " **Investigating the Relationships between Organizational Factors (Culture, Structure, Strategy) and Performance through Knowledge Management**". American Journal of Scientific Research.
- Gosh, B. and Scott, J.E. (2007) "**Effective knowledge management systems for a clinical nursing setting**". Information Systems Management. Vol. 24. No. 1.
- Gokalp, M. (2011) "**A study on the effects of information technologies on university students**". Procedia social and behavioral sciences. Vol. 9.
- Joshi, K.D. Sarker, S.(2007) "**Knowledge transfer within information systems development teams. Examining the role of knowledge source attributes**". Decision Support Systems, 2007, Vol. 43, No. 2.
- Hariharan, A. (2002) "**Knowledge Management, Strategic Tool**". Journal of knowledge management practice. pp 52-60.
- Hismanoglu, M. (2011) "**The integration of information and communication technology into current ELT course books: a critical analysis**". Procedia social and behavioral sciences.
- Lee, H. and Choi, B. (2003)"**Knowledge management Enablers, process and organizational performance: An Integrative view and Empirical examination**". Journal of management Information Systems. vol20.vo.1
- Neels, C.J. and Johnson, D. (2010) "**Information management as an enabler of knowledge managemtn maturity: a sough African perspective**". International journal of information management. Vol. 30.
- Norman, J. O'Reilly, Peter Knight (2007) **Knowledge management best practices in national sport organisations.** Issue volume 2.
- Perez,j. Ordóñez de Pablos, P.(2003) "**Knowledge management and organizational competitiveness: a framework for human capital analysis**". Journal of Knowledge Management. Vol. 7.
- Sherif, K., and Xing, B. (2006) "**Adaptive processes for knowledge creation in complex systems: the case of a globall IT consulting firm**". Information and management. Vol. 43, No. 4.
- Syed-Ikhsan, SOS, Rowland, F.(2004) "**Knowledge Management In A Public Organization: A Study On Relationship Between Organizational Elements And The Performance Of Knowledge Transfer**". Journal Management.8.
- Tseng, S. M. (2008) "The effects of information technology on knowledge management systems". Expert systems with applications. Vol. 35.
- Wang, E., Klein, G. and Jiang, J. J. (2007) "**IT support in manufacturing firms for a knowledge management dynamic capability link to performance**". International journal of production research. Vol. 45. No. 11.
- Wang P. Ahmed, K.(2004) "**Structure & structural Dimentinns for knowledge-**

Based organizations". Measuring Business Excellence. Vol 7, Issue 1:12.

- Wolf, A. (1995) "**Factors affecting The Organization Innovation and Creativity**". European Journal of Management Science. Vol, 24
- Wu , Y . (2011) "**On the Various Factors that Impact the Effectiveness of Physical Education in Universities**". Advanced Materials Research . Vol, 187.
- Younis, R.A. (1999) "**The effect of automated Systems on Jordanian University Libraries Organizational Structure**". Journal of Library Review. Vol, 6
- Zarraga- Oberty, C. Petra, D.(2006) "**Work teams to favor knowledge management**". Journal of European Business Review. Vol 18. No1.



سنجش نگرش مدیران ورزشی و غیر ورزشی در پیش بینی افزایش وفاق اجتماعی با محوریت ورزش قهرمانی

محمد رضا نیک نژاد^۱

غلامرضا شعبانی بهار^۲

سید قاسم قربانزاده زعفرانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۰

وفاق اجتماعی، یکی از موضوعات اساسی است که از گذشته طولانی مورد توجه صاحب نظران در حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی بوده است. با گذشت زمان این مسئله نه تنها اهمیت خود را از دست نداده، بلکه به جهت تحولات روزافزون در صحنه بین الملل و جهانی از اهمیت بیش از پیشی برخوردار شده است. وفاق اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های اساسی و بنیادین سرمایه اجتماعی و از عوامل تاثیرگذار بر روابط اجتماعی می باشد که روز به روز فرسایش می یابد و ضعیف تر می گردد- این مساله هم در سطح جهانی و هم در سطح ملی مشاهده شده است. برای تحلیل و تبیین این موضوع، چهارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریات پاتنام و بوردیو و مکاتب کارکردگرایی و کنش متقابل نمادین طراحی گردیده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی نگرش مدیران ورزشی و غیر ورزشی در میزان توانایی پیش بینی ورزش قهرمانی در افزایش ابعاد وفاق اجتماعی (کنش های ارتباطی، برقرای نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی و همناویی اجتماعی) می باشد.

پژوهش حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، مدیران ورزشی و غیر ورزشی ۳۱ استان کشور بوده است که از بین این استان ها، ده استان بالای دو میلیون نفر جمعیت به شکل تصادفی

E-mail: neek_m2008@yahoo.com

۱. کارشناس مسئول امور ورزشی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

۳. کارشناس مسئول امور ورزشی، دانشگاه مازندران

ساده انتخاب شدند. مدیران ورزشی، ۵ نفر شامل مدیران و معاونان ادارات کل تربیت بدنی استان‌ها- دارای تجربه و زمینه مدیریت در توسعه ورزش همگانی و قهرمانی- و مدیران غیرورزشی ۵ نفر شامل ۳ نفر از مدیران سیاسی، امنیتی و انتظامی ۳۱ استانداری و ۲ نفر از مدیران و معاونان ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی- دارای سابقه در زمینه فرهنگ سازی برقراری نظم و ثبات و فراهم نمودن همبستگی- بودند که در مجموع، ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در واقع، نمونه گیری به روش کل شمار و به صورت هدفمند انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات در تحقیق حاضر، پرسش‌نامه بود. برای سنجش میزان روایی از روش همبستگی درونی گویه‌ها و همچنین «آلفای کرونباخ» استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از SPSS 16 صورت گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که هر چند متغیر مشارکت در ورزش قهرمانی با هر چهار بعد وفاق اجتماعی (کنش‌های ارتباطی، برقراری نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی و همنوایی اجتماعی) رابطه معنی داری دارد ($p = 0/05$) اما تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد تنها متغیر همنوایی اجتماعی به دلیل دارا بودن بالاترین ضریب همبستگی، $0/158$ از واریانس ورزش قهرمانی را تبیین می‌کند که با توجه به میزان F مشاهده شده این واریانس تبیین شده است. در نتیجه، مدل رگرسیون درگام اول در سطح $0/01$ معنی دار و نشان از توانایی پیش بینی ورزش قهرمانی تنها در بعد همنوایی اجتماعی را دارد و در سه بعد دیگر (کنش‌های ارتباطی، برقراری نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی) این پیش بینی معنی دار نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: ورزش قهرمانی، پیش بینی و وفاق اجتماعی

مقدمه

وفاق اجتماعی، شکلی از ارتباط است که در آن گروهی از مردم (درون مرزهای جغرافیایی، مثلاً داخل مرزهای یک کشور) توانایی و مهارت برای تشریک مساعی را نشان می‌دهند و این خود فضا را برای بروز تغییر خوب (توسعه به تعبیر چمبرز^۱) به وجود می‌آورد. وجود وفاق و توافق محکم میان اعضای یک جامعه، دغدغه مهم فکری همه کسانی است که به رشد و تعالی جامعه می‌اندیشند و پیوسته در این اندیشه‌اند که چگونه می‌توان از خواسته‌های متفاوت مردم، برآیندی مثبت ساخت تا حیثیت جامعه در مسیر تکامل پیش رود. منظور از وفاق، توافق بر سر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهاست که زمینه رفتارها و اعمال اجتماعی را شکل می‌دهد. اعمال و رفتارهایی که زندگی اجتماعی و جمعی را خلق کند و هویت بخشد. یک جامعه پایدار نمی‌ماند مگر اینکه رفتارها و امورات اجتماعی آن دارای ثبات و پیوستگی مشخصی باشد و این ثبات و پیوستگی هم به وجود نمی‌آید مگر با داشتن وفاق و تفاهم میان افراد و اعضای جامعه در امور مشترک. با وجود آنکه میان صاحب‌نظران در مورد تعریف وفاق اجتماعی اتفاق نظر وجود ندارد، اما می‌توان این مفهوم را در دو بُعد نظری و عینی مورد بررسی قرار داد. از بعد نظری، وفاق اجتماعی به نزدیکی و سازگاری باورهای افرادی اشاره دارد که قرار است میان آنها وفاق اجتماعی به وجود آید. اما از بعد عینی، رفتار و نوع نظام اجتماعی است که در آن برآیند نیروها در جهت سازگاری، انطباق و تعادل بیشتر میان اعضاست. بر این اساس، یکی از اصلی‌ترین اهداف همه نظام‌های سیاسی، تلاش برای یکپارچه ساختن گروه‌های اجتماعی است. این امر به عصر حاضر اختصاص ندارد و همواره برای همه رهبران و اندیشمندان امور اجتماعی مسلم بوده است که هر مقدار، گروه‌های اجتماعی از همگونی در اهداف و جهت‌گیری‌ها و دغدغه‌های مهم اعتقادی و اجتماعی برخوردار باشند، زمینه ایجاد وفاق و همبستگی همگانی فراهم‌تر خواهد شد (امیر انتخابی، ۱۳۹۰: ۱۴).

مطالعات نشان می‌دهد ورزش، سازوکاری مفید و مؤثر برای نزدیک کردن خرده فرهنگ‌ها به یکدیگر است. در مسابقات جهانی، اهتزاز پرچم و پخش سرود ملی یک کشور به دنبال پیروزی ورزش کاران وابسته به خرده فرهنگ‌های مختلف و یا فرهنگ اصلی آن کشور، بازگوکننده و تأکیدکننده و تجسم و مقوم وحدت ملی در آن کشور است. جذب اقوام در جامعه ملی یکی از کارکردهای هویت ساز ورزش است. از این رو، با توجه به وجود اقوام گوناگون (ترک، کرد، لر، عرب، ترکمن و بلوچ) تیم‌های ورزشی با درخشش در سطح بین‌المللی باعث نزدیک شدن حس هویت در بعد ملی در بین این اقوام و تقویت همبستگی و هویت ملی از طریق ورزش شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۸۹).

بر اساس تحقیقات انجام شده، ورزش امروزه در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌تواند عاملی مهم و اساسی در ایجاد وفاق اجتماعی، تقویت هویت ملی، مشارکت عمومی، نشاط روحی و روانی در جوامع، تخلیه خشونت‌های مخرب، امید و سرزندگی، انسجام و همبستگی اجتماعی باشد. در جهان امروز، در کنار عناصر هویت‌بخش و وحدت‌بخش هر ملتی مانند زبان، دین و سرزمین مشترک، ورزش نیز جایگاه خود را پیدا کرده، هر چند وزن هر کدام از این عوامل نسبت به دیگری متفاوت است. اینک، ورزش به دلیل اثر پررنگ و زود هنگام خود جایگاه ویژه‌ای یافته است. ورزش در عصر جدید، یگانه عالمی است که می‌تواند افراد یک جامعه را در عین داشتن تفاوت‌های معنادار به همدیگر پیوند دهد. شاید مثال بارز این مطلب، شکست رقیب شراک در انتخابات سال ۲۰۰۱ فرانسه باشد. لوپن اعلام کرده بود که در صورت پیروزی در انتخابات، اقلیت‌های مذهبی مقیم فرانسه را اخراج خواهد کرد. پس در صورت پیروزی می‌توانست «زیدان» اسطوره فوتبال آن کشور را اخراج کند. بنابراین، این مسئله منجر به شکست او در انتخابات شد. امروزه حضور

بازیکنان اقلیت‌های مذهبی در تیم‌های ملی و جذب اقوام در جامعه ملی از طریق ورزش از کارکردهای مهم این پدیده اجتماعی است. نقش منسجم‌کننده ورزش برای یک ملت، مشابه نقش ساختاری کارکردی منتسب به ورزش در اجتماعات می باشد که در مطالعات کلاسیک و مطالعات اخیر می توان یافت. انسجام برای مقابله با تنوع نژادی، قومی، منطقه ای و طبقاتی موجود در داخل کشور دلیل عمده ای است که سبب می شود تا ملت ها مشارکت در رویدادهای ورزشی کاملاً آشکار را تشویق کنند (تیموری، ۱۳۸۹: ۱).

مطالعه لور در مورد برزیل نشان می دهد که چگونه ورزش به یک جمعیت متنوع، عامل مشترکی با عنوان "همبستگی ملی" می بخشد. پس ورزش می تواند نقش مهمی در ایجاد هویت ملی یا ناسیونالیسم ایفا کند و بطور موقت بر تفاوت‌ها و اختلافات موجود فایق آید. مسابقات قهرمانی راگی جهانی، مثال جالبی در این زمینه است. هر سال وقتی تیم ها برگزیده می شوند، جناح های در حال جنگ در ایرلند و ایرلند شمالی دشمنی های شدید خود را کنار می نهند، بازیکنانی از هر دو گروه با یکدیگر ترکیب می شوند تا تیم ملی ایرلند را تشکیل دهند، تیمی که مردم هر دو ملت برای آن فریاد شادی سر می دهند (تیموری، ۱۳۸۹: ۱). حکومت‌ها با آگاهی از نقش متحدکننده ورزش اغلب رقابت‌های بین المللی را تشویق می کنند. اگرچه منتقدان معقد به دیدگاه تضاد بر این باورند که استفاده از ورزش برای متجانس نمودن مردم جامعه بیانگر تلاشی است برای کنترل این مردم از طریق تلقین ارزش‌های حاکم بر آن‌ها که نتیجه این امر تقلیل احتمال چالش علیه صاحبان قدرت می باشد. مشارکت در ورزش‌های بین المللی مستلزم مشارکت در شبکه ای از سازمان‌هاست که این سازمان‌ها دارای قلمرو جهانی هستند. لذا قبل از اینکه این مشارکت بتواند موثر واقع شود، باید پایگاهی سازمانی که کارکنان آن افرادی شایسته و ذی صلاح باشند، توسعه یابد تا به وسیله ورزش که مکانیسمی فراهم می آورد تا سازمان‌ها به یکدیگر پیوند بخورند، مهارت‌های مدیریتی و اداری در میان مردم توسعه یابد (تیموری، ۱۳۸۹: ۱).

ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی نشانگر ورود افراد به شبکه روابط اجتماعی است. ورزش عرصه ظهور رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازنمایی‌های معنادار قرن بیست و یکم است. این پدیده چند بعدی، آن‌چنان در متن جهان زندگی انسان‌ها نفوذ نموده که امروز می توان با توجه به نگرش و فعالیت‌های ورزشی افراد طرز تفکر، سبک زندگی و میزان سرمایه اجتماعی افراد را بازشناسی کرد و از روی رفتارها و فعالیت‌های ورزشی، سایر فعالیت‌های زندگی را منسجم و پیش‌بینی نمود و انسجام و همبستگی را تحت تاثیر قرار داد. بنابراین، با رویکرد جامعه‌شناختی تحلیل بازی‌ها و ورزش‌ها می توان بخش عمده‌ای از ویژگی‌های جامعه ای که ورزش‌ها در آن پدیدار شده اند را باز شناخت (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۳۰).

با توجه به بررسی های به عمل آمده، ورزش و پرداختن به ورزش نمونه ای از پدیده های اجتماعی است که به نظر می رسد در عین حال که سرمایه اجتماعی موجود در جامعه می تواند به توسعه ورزش کمک کند، بلکه اقبال عمومی جامعه به ورزش و پرداختن به ورزش نیز می تواند از عوامل تقویت ابعاد سرمایه اجتماعی مثل همبستگی اجتماعی بالا، روحیه انعطاف پذیری و تنوع طلبی، مشارکت مدنی بالا، اعتماد اجتماعی و.... باشد که نشان از سلامت اجتماعی و روانی یک جامعه دارد (رحمانی فیروزجاه، ۱۳۹۰: ۳۸).

بنابراین، به نظر می رسد ورزش به عنوان یکی از عوامل مهم اجتماعی می تواند در تقویت این سرمایه اجتماعی یعنی وفاق اجتماعی نقش زیادی داشته باشد؛ به طوری که اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آنها، قادر به کسب این سرمایه می باشند.

وفاق اجتماعی^۱ به عنوان یکی از مولفه های اساسی سرمایه اجتماعی، یکی از موضوعات اساسی است که

از دیرباز مورد توجه مطالعات جامعه‌شناختی بوده است. وفاق اجتماعی عبارت است از: «توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعاملی اجتماعی که خود موجود «انرژی عاطفی» است به وجود می‌آید. انرژی عاطفی هم‌زمان نتیجه و موجد (علت و معلول) توافق اجتماعی است (جمشیدی، ۱۳۷۹: ۱۴۶). وفاق اجتماعی در این پژوهش، در چهار بعد کنش‌های ارتباطی، برقراری نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی و هم‌نوایی اجتماعی مورد تعریف و بررسی قرار گرفته است. در کنش ارتباطی به کنش تحریف نشده و داوطلبانه که همواره به رفع موانع موجود بر سر راه ارتباط آزادانه منجر خواهد شد پرداخته و نظم اجتماعی به معنای اطاعت اعضای جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهد. تعادل اجتماعی هم متضمن اندیشه چیزی است که قائم به خود بوده و در طول زمان به صورتی پویا پابرجا می‌ماند. هم‌نوایی اجتماعی به عنوان مولفه دیگر این پژوهش به معنای فرآیندی روانی و اجتماعی است که از طریق آن شخص همان طرز تلقی و کردارها، عادات زندگی و اندیشه را می‌پذیرد که افراد مسلط بر محیط پیرامونش پذیرفته‌اند (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۳۰).

جوانمرد (۱۳۸۸) در تحقیقی گزارش کرد بین متغیرهای سابقه ورزشی، عضویت در تیم ملی، دعوت به اردوی تیم ملی و کسب مقام ورزشی با نگرش قهرمانان در زمینه تأثیر ورزش بر انسجام اجتماعی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل شادابی، آرامش، ثبات و پایداری، هویت ملی، افزایش سازگاری، کنش ارتباطی، تفاهم و توافق، وفاق اجتماعی، سرمایه اجتماعی و... با متغیر وابسته انسجام اجتماعی رابطه وجود دارد.

پارسامهر در تحقیق خود همبستگی مثبت میان مولفه‌های سرمایه اجتماعی و مصرف ورزش را نشان می‌دهد. مولفه مصرف ورزش با مولفه‌های مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی و احساس تعلق همبستگی نسبتاً بالایی دارد (۱۳۹۰: ۷۳).

فاضلی بیان می‌کند برخی جامعه‌شناسان ایرانی سه رخداد، اجماع بر سر حق هسته‌ای ایران، نام تاریخی خلیج فارس و پیروزی تیم ملی فوتبال ایران بر امریکا را سه حادثه مهم دانسته‌اند که اجماع حداکثری ایرانیان را طی دو دهه گذشته به وجود آورده است. همچنین، ورزش به ویژه فوتبال می‌تواند مجرای برای گره‌زدن علایق اقلیت‌ها به بدنه اکثریت باشد که در نهایت همبستگی ملی را رقم می‌زند. (۱۳۹۱: ۱۷۴)

نتایج تحقیق والست^۱ (۲۰۰۸: ۱۷) نشان می‌دهد که باشگاه‌های ورزشی عرصه‌های مناسب برای پل‌زدن سرمایه اجتماعی میان مهاجران از اقلیت‌هایی با پیشینه مختلف قومی می‌باشد. پژوهش شرری^۲ (۲۰۱۰: ۲۰۳) اثبات کرد برنامه‌های ورزشی می‌توانند در دوباره دخیل کردن مردم حاشیه‌ای در اجتماعات وسیع تر نقش مهمی ایفا نمایند. همچنین، کلوپ‌های ورزشی وسیع، نه تنها ورزش‌های گوناگون را در بر می‌گیرد، بلکه فرصت مناسبی برای ارتباطات میان اعضای کلوپ را نیز فراهم نماید اوکاسیو^۳ (۲۰۱۰: ۱۵).

مکاتب مختلف جامعه‌شناسی از جمله کارکردگرایان به سهم و نقش عناصر اجتماعی مانند ورزش در ثبات اجتماعی تأکید و توجه دارند. کارکردگرایان، ورزش را به مثابه نهاد شبه مذهبی^۴ در نظر می‌گیرند که با استفاده از مراسم و تشریفات خاص خود به تقویت ارزش‌های مشترک بین افراد و جامعه می‌پردازد. علاوه بر این، کارکردگرایان به تأثیر ورزش در جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان و سازگار نمودن افراد جامعه با ارزش‌های مثبتی نظیر میهن‌پرستی و نقش آن در تقویت توانایی‌های فیزیکی تأکید دارند و آن را به عنوان عرصه‌ای برای

1. Kristin Walseth
2. Emma Sherry
3. Isao Okayasa
4. Qusi- Religious

تجلی تنش‌ها و تخلیه انرژی پرخاشگرانه با شیوه اجتماعی مطلوب در نظر می‌گیرند. به اعتقاد صاحب‌نظران این مکتب، ورزش افراد یک جامعه یا حتی یک ملت را دور هم جمع می‌کند و نوعی احساس وحدت و یکپارچگی اجتماعی را رواج می‌دهد (نیک نژاد، ۱۳۸۹: ۲۵).

صاحب‌نظران مکتب کنش متقابل نمادین هم معتقدند درون جهان اجتماعی ورزش، معانی نمادین بسیاری خلق می‌شود. فرآیندی که در خلال آن این معانی ساخته می‌شود، برای یک جامعه‌شناس به سادگی قابل رؤیت است. بعلاوه، از آنجا که آنچه مورد مشاهده قرار می‌گیرد کارکردی آشکار از وجود یک تیم است، نه مجموعه‌ای از افراد، می‌توان فراگرد جمعی ساختار معانی آن را مورد بررسی قرار داد. در ورزش، ارزش‌های نهادین مانند شکست و پیروزی، روحیه و اخلاق ورزشکاری، فعالیت تیمی و تلاش فردی از اهمیت وافر برخوردارند. مفاهیم موجود در کنش متقابل نهادی از قبیل خود، دیگری تعمیم یافته، نقش، وضعیت و هویت برای انجام هرگونه تحلیل از ورزش مناسب دارند. ارزش‌های تیمی، هنجارها، تشریفات، تشویق‌ها، نشانه‌ها و علائم، بازی‌ها، آمارها و واکنش‌های مربوط به شکست یا پیروزی در عرصه ورزش، جملگی دلایل قانع‌کننده‌ای برای جلب توجه تحلیل‌گران کنش متقابل نمادی به این موضوع به شمار می‌آیند. دیدگاه کنش متقابل نمادی به معانی خلق شده در عرصه ورزش‌های گروهی و این که چگونه این معانی بر ورزش اثر می‌گذارند، توجه دارد. تأکید این دیدگاه بر آن دسته از معانی اجتماعی است که در وضعیت‌های متفاوت حتی با بازیگرانی یکسان ممکن است به گونه‌ای حائز اهمیت با یکدیگر تفاوت داشته باشند. از آنجا که شکل‌های گوناگون فعالیت‌های ورزشی دنیاهای نمادین هستند، دنیای اجتماعی مناسبی جهت بررسی نظریه‌پردازان دیدگاه کنش متقابل نمادی به شمار می‌آیند. معانی موجود در قلمرو فعالیت‌های ورزشی ذاتی نیستند، بلکه از طریق قواعد و قراردادهای توسط کنش‌گران اجتماعی خلق می‌شوند. این معانی برخاسته از مبانی اجتماعی‌اند و کارکرد بیولوژیکی تحت پوشش معانی اجتماعی دارند (شارع پور، ۱۳۸۱: ۴۰).

از نظر پانتام^۱ سرمایه اجتماعی عبارت است از پیوندهای بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اعتماد و معامله به مثل که از آن پیوندها ناشی می‌شود. بیشتر تحلیل‌های پانتام بر روی نقش مثبتی است که ورزش ممکن است در شکل‌دادن سرمایه اجتماعی بازی کند، تمرکز کرده است (پانتام، ۲۰۰۱: ۴۰۱).

بوردیو^۲ (۱۹۸۴) کارکردهای ورزش را بسیج توده‌ها جهت اهداف و امیال سیاسی دانسته و معتقد است ورزش به موضوعی برای رقابت میان نهادهایی تبدیل شده که به شکل کامل یا جزئی سازمان یافته‌اند تا بتوانند به سمت بسیج و فتح سیاسی توده‌ها گام بردارند. او معتقد است نهادها و احزاب سیاسی و رقیب در استفاده از ورزش به جهت تأمین اهداف سیاسی استفاده کرده‌اند که در این رهگذر به تدریج سندیکاها و کلیساهای سپس سرمایه‌داران به جمع این رقبا برای کارکردهای سیاسی ورزش اضافه شده‌اند. بنابراین بوردیو، ورزش را ابزاری مناسب جهت رقابت در بین نهادهای سیاسی به منظور سلطه و پیروزی خود دانسته، معتقد بود ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی، قابلیت تبدیل شدن به قدرت سیاسی زود هنگام را دارد (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۳۰).

به هر تقدیر از آنجایی که در پژوهش حاضر متغیرهای متعددی برای تحلیل کارکرد ورزش بر وفاق اجتماعی و اعتماد ملی مطرح شده است و همچنان که در این بخش توضیح داده شد، متغیر مستقل (ورزش) و متغیرهای وابسته (وفاق اجتماعی و اعتماد ملی) تحقیق حاضر، مفاهیمی هستند که صرفاً نمی‌توان با یک نظریه آن‌ها را سنجید یا تبیین نمود. پس چارچوب نظری پژوهش حاضر باید ترکیبی باشد؛ یعنی، بر پایه چند تئوری بنا گردد.

همانگونه که بیان گردید در تحقیقات داخلی، بیشتر بر مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل بحث شده و تاثیر آن را بر مفاهیم دیگر بر روی آن سنجیده اند یا به بررسی میزان سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر آن در جوامع آماری مختلف پرداخته شده است. در مورد کارکرد ورزش بر وفاق اجتماعی و اعتماد ملی علی رغم جستجو در منابع و اسناد مختلف تحقیقاتی، متأسفانه منبعی که مستقیماً به موضوع تحقیق مورد نظر بپردازد مشاهده نشده است. برخلاف بی توجهی محققان ایرانی به انجام مطالعه در این زمینه، محققان خارجی در تحقیقات دهه اخیر خود کم و بیش به این موضوع پرداخته اند و در نتایج پژوهش خود به اهمیت توجه به این موضوع و لزوم مطالعه و تحقیق بیشتر پیرامون این موضوع را در جامعه آماری مورد مطالعه خود اعلام کرده اند. با توجه به خلاء نسبی پژوهش و مطالعه در این زمینه، این تحقیق به لحاظ علمی - گسترش و تقویت ادبیات موضوع و فراهم شدن داده ها و نتایج تجربی برای استفاده سایر محققان - و عملی - ارائه راهکارهایی برای ارتقا و تقویت سرمایه اجتماعی، وفاق اجتماعی و اعتماد ملی از طریق ورزش - کارکرد های مناسبی را در پی خواهد داشت.

به نظر می رسد ورزش - که در این تحقیق ورزش قهرمانی مد نظر می باشد - به عنوان یک پدیده اجتماعی می تواند بدون نیاز به ترجمه، خود ترجمان ملت ها بوده و زمینه را برای انسجام و همبستگی اجتماعی فراهم نماید و قادر است تا مشترکات بین ملل را به ارمغان آورده و مراودات و تبادل فرهنگی را رقم بزند (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۳۰). بنابراین لازم است روشن شود که آیا پرداختن به ورزش و گسترش روزافزون آن می تواند به عنوان فرصتی برای تقویت وفاق اجتماعی باشد؟ به همین منظور مطالعه حاضر در صدد بررسی این مسأله اساسی است که آیا از دیدگاه مدیران ورزشی و غیر ورزشی، ورزش قهرمانی این توانایی را دارد که بتواند میزان افزایش ابعاد وفاق اجتماعی را بیش بینی نماید؟ در کنار این امر مهم به بررسی به این موارد نیز پرداخته خواهد شد که آیا میانگین کارکرد ورزش قهرمانی از دیدگاه مدیران ورزشی و غیر ورزشی بیش از سطح متوسط است؟

آیا مشارکت در ورزش قهرمانی با ابعاد وفاق اجتماعی - کنش های ارتباطی، برقراری نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی، همنوایی اجتماعی رابطه دارد؟

فرضیه اصلی تحقیق

بین ورزش قهرمانی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی تحقیق

- بین ورزش قهرمانی و بعد کنش های ارتباطی وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین ورزش قهرمانی و بعد برقراری نظم اجتماعی وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین ورزش قهرمانی و بعد تعادل و توازن اجتماعی وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین ورزش قهرمانی و بعد همنوایی اجتماعی وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، پیمایشی بوده که در آن برای گردآوری داده ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، ده استان بالای دو میلیون نفر جمعیت می باشد که در این جامعه سه سازمان با عنوان ادارات کل تربیت بدنی، ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و استانداری ها مد نظر بوده است. نمونه آماری این پژوهش، مدیران ورزشی شامل مدیران کل و معاونان، رئیس ورزش همگانی،

رئیس ورزش قهرمانی در ادارت کل تربیت بدنی استان‌ها به تعداد ۵ نفر و مدیران غیرورزشی شامل مدیران کل سیاسی، امنیتی و انتظامی استانداری‌های کشور و مدیران و معاونان ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها به تعداد ۵ نفر و در مجموع، ۱۰۰ نفر از مدیران دارای سابقه مدیریتی در ورزش و فرهنگ سازی و برقراری نظم در جامعه بودند- به عبارت دیگر، نمونه آماری این پژوهش به شیوه تمام شماری انتخاب شده بود. با توجه به اینکه مدیران ورزشی مستقیماً با افراد جامعه در ارتباط می باشند و از طرف دیگر، مدیران غیر ورزشی (جامعه آماری مورد استفاده در این تحقیق) مستقیماً با امنیت و همبستگی افراد جامعه مرتبط می باشند، جامعه آماری این پژوهش از این دو طیف مدیران انتخاب شده است.

ابزار جمع آوری اطلاعات در تحقیق حاضر، پرسش‌نامه است. برای تنظیم پرسش‌نامه، نتایج تحقیقات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای که در خصوص فعالیت‌های ورزشی و وفاق اجتماعی منتشر شده بود، مورد بررسی قرار گرفت و ابعاد و شاخص‌های مورد نظر تعیین گردید. سپس با استناد به ادبیات پژوهش و حوزه موضوع تحقیق تلاش گردید تا در طراحی سوالات پرسش‌نامه از سوالات مشابه در تحقیقات معتبر در سطح ملی استفاده شود. در مرحله بعد با تنظیم پرسش‌نامه اولیه و پس از انجام یک پیش‌آزمون بر روی ۳۰ نفر از پاسخ‌گویان مشابه پاسخگویان جامعه آماری، سوالات نامناسب و مشابه، حذف و یا اصلاح شد. برای اطمینان از اعتبار پرسش‌نامه، از اعتبار صوری و جهت‌روایی پرسش‌نامه، از پیش‌آزمون و آلفای کرونباخ (۰/۸۶) استفاده گردید. در نهایت، تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس داده‌های آماری و با نرم افزار SPSS صورت گرفت. به منظور توصیف و تحلیل داده‌ها، ابتدا با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، میانگین، انحراف معیار، جدول و نمودار متغیرهای تحقیق توصیف شدند. با استفاده از آزمون کلموگوروف-اسمیرنوف تست نرمالیتی انجام گرفت که داده‌ها نرمال بودند. سپس آزمون T و برازش رگرسیون انجام شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

اطلاعات جمعیت‌شناختی جامعه آماری نشان داده است ۲۰ درصد مدیران در ارشاد، ۴۷ درصد مدیران در تربیت بدنی و ۳۳ درصد در استانداری‌ها بوده‌اند. ۸۸/۲ درصد نمونه آماری را مدیران مرد و ۱۱/۸ درصد را مدیران زن تشکیل داده‌اند. سطح تحصیلات مدیران نشان داده است ۷/۲ درصد آنان دارای مدرک فوق دیپلم، ۴۵/۴ لیسانس، ۴۴/۳ درصد فوق لیسانس و ۳/۱ درصد دکترا بودند. ۹۱/۴ درصد مدیران متأهل و ۸/۶ درصد مجرد بودند. وضعیت سابقه خدمت آنها نشان داده بود ۲۵ درصد مدیران دارای سابقه خدمت کمتر از ۵ سال، ۳۴/۱ درصد ۵-۱۰ سال، ۲۵ درصد ۱۰-۱۵ سال و ۱۵/۹ درصد دارای سابقه خدمت ۱۵ سال و بیشتر بوده‌اند.

یافته‌های استنباطی

جدول ۱: آزمون مقایسه میانگین کارکرد ورزش قهرمانی بر ابعاد وفاق اجتماعی

ابعاد وفاق اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	t	P
کنش‌های ارتباطی	۴/۰۰	۰/۵۷۳	۱۷/۵۶	۰/۰۰۱
نظم اجتماعی	۳/۹۵	۰/۶۳۲	۱۴/۷۵	۰/۰۰۱

تعداد و توازن اجتماعی	۳/۸۰	۰/۶۲۰	۱۲/۷۶	۰/۰۰۱
همنوایی اجتماعی	۳/۹۷	۰/۶۴۱	۱۵/۰۶	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۱ خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین نمره کارکرد ورزش قهرمانی بر ابعاد وفاق اجتماعی در سطح $p \leq 0.05$ معنی دار می باشد. بنابراین، میانگین کارکردهای ورزش در ابعاد وفاق اجتماعی (همنوایی اجتماعی، کنش های ارتباطی، نظم اجتماعی، تعادل و نظم اجتماعی) در ورزش قهرمانی بیش از سطح متوسط و معنی دار می باشد.

جدول ۲: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ورزش قهرمانی و ابعاد اعتماد ملی

ابعاد وفاق اجتماعی	R	P
کنش های ارتباطی	۰/۲۶۱	۰/۰۰۹
نظم اجتماعی	۰/۳۲۷	۰/۰۰۱
تعداد و توازن اجتماعی	۰/۲۴۹	۰/۰۱۴
همنوایی اجتماعی	۰/۴۰۷	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۲، ضریب همبستگی بین ابعاد وفاق اجتماعی (کنش های ارتباطی، نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی و همنوایی اجتماعی) با ورزش قهرمانی در سطح $p \leq 0.05$ معنی دار بوده است. لذا بین مشارکت در ورزش قهرمانی با ابعاد وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول ۳: رگرسیون چندگانه پیش بینی ورزش قهرمانی بر اساس کارکرد های ورزش

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی چندگانه	ضریب همبستگی چندگانه تعدیل شده	F change	سطح معنی داری	R change
همنوایی اجتماعی	۰/۳۹۷	۰/۱۵۸	۰/۱۴۸	۱۶/۶۵	۰/۰۰۱	۰/۱۵۸

رگرسیون خطی چندگانه بین متغیر مستقل تحقیق (ورزش قهرمانی) با متغیرهای وابسته با توجه به نتایج جدول ۳ نشان داده است، از چهار متغیر وارد شده در معادله (کنش های ارتباطی، نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی و همنوایی اجتماعی) متغیر همنوایی اجتماعی در گام اول به دلیل دارا بودن بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته (ورزش قهرمانی) وارد معادله رگرسیون شده و ۰/۱۵۸ از واریانس ورزش قهرمانی را تبیین می کند که با توجه به میزان F مشاهده شده این واریانس تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در گام اول در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بنابراین، ورزش قهرمانی توان پیش بینی میزان ابعاد وفاق اجتماعی را فقط در بعد همنوایی اجتماعی را داشته و معنی دار می باشد و در سایر ابعاد وفاق اجتماعی (کنش های ارتباطی، نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی) معنی دار نمی باشد.

بحث و نتیجه گیری

ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی، به بررسی ارزش ها و هنجارهای فرهنگی یک جامعه می پردازد و به صورت ارتباط متقابل و مؤثر زوایای مختلف و ابعاد نو رفتار انسانی را مورد توجه قرار می دهد. این پدیده اثرگذار در عصر حاضر از طریق مراسم، آیین ها، نمادها، ارزش های مشترک، ابزار سلطه، خشونت گرایی، تجاری شدن، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، سیاسی شدن، رسانه ای شدن و... به عنوان یکی از مهمترین نهادهای جامعه مدرن صنعتی و پسا صنعتی درآمده که بخش اعظم جمعیت هر کشور را به اشکال گوناگون با خود همراه کرده است. ورزش به عنوان پدیده اجتماعی تام، بسیج منابع انسانی و مالی، تشکیلات سازمان یافته، گسترش روابط بین الملل، نوعی سرگرمی و تفریح رسانه ای، ارتقای آگاهی محوری، سلامت روانی و جسمی، افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی، رشد توریسم، تخلیه هیجانات و انفعالات روحی، پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی و... را به همراه دارد.

در واقع، عضویت افراد در تیم های ورزشی سبب می شود که بازیکنان در هنگام تمرین و انجام بازی، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را بپذیرند و رعایت کنند و انجام چنین فرایند جامعه پذیری منجر به تقویت همبستگی اجتماعی شده است. نیکسون و فرای^۱ -از اندیشمندان جامعه شناسی ورزشی- معتقدند: «حاصل جامعه پذیری از طریق ورزش، یادگیری و شکل گیری باورها، نگرش ها، بهبود مهارت ها و جامعه پذیری نقش ها و هویت جنسی است. این آموخته ها به زمینه های دیگر زندگی ورزشکاران قابل انتقال است و موجب می شود که در زمینه های دیگر حیات خود نیز در فعالیت های گروهی و جمعی به صورت موفقیت آمیزی عمل می کنند. به عبارت دیگر، آموزه های تربیتی کسب شده در فعالیت های ورزشی به موقعیت های دیگر زندگی ورزشکار منتقل می شوند.» (صداقت زادگان، ۱۳۸۴)

همچنان که از فواید اجتماعی ورزش بر می آید، یکی از کارکردهای پنهان مشارکت ورزشی، ایجاد شبکه های دوستان و همبستگی بین افراد است؛ به این صورت که اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آنها، قادر به کسب آنها می باشند (پارسامهر، ۱۳۸۸).

با توجه تحقیقات انجام شده و نتایج این پژوهش، کارکردهای متنوع ورزش در حوزه های مختلف اجتماعی از جمله وفاق اجتماعی و ابعاد آن که محور اصلی این پژوهش را به خود اختصاص داده، علاوه بر آنکه دغدغه ای در خاطر اندیشمندان علوم انسانی بوجود آورده است، جایگاه ویژه ای در جوامع امروزی پیدا کرده است.

وفاق اجتماعی یکی از موضوعات اساسی است که از دیر باز مورد توجه مطالعات جامعه شناختی بوده است. وفاق اجتماعی در این پژوهش در چهار بعد کنش های ارتباطی، برقراری نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی و همنوایی اجتماعی مورد تعریف و بررسی قرار می گیرد (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۳۰-۲۶).

با توجه به اهمیت و جایگاه وفاق اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های اساسی و بنیادین سرمایه اجتماعی و عاملی در حفظ ثبات سیاسی جامعه، به نظر می رسد یکی از فاکتورهای اجتماعی مؤثر در تقویت وفاق اجتماعی، واژه کاملاً آشنای ورزش باشد که همه افراد صرف نظر از اینکه خود چقدر به ورزش می پردازند، به شنیدن اخبار ورزشی و یا دست کم دنبال کردن مسابقه های جهانی به ویژه در برخی رشته ها علاقه نشان می دهند. هر چند در سال های اخیر اطلاعات و آگاهی های مردم درباره ورزش افزایش قابل توجهی یافته و فعالیت های بسیاری در زمینه شناساندن ابعاد گوناگون ورزش از سوی سازمان های ذی ربط و رسانه های گروهی صورت گرفته است که این امر نشان از ابعاد مهم و گوناگون این پدیده اجتماعی دارد. ایران به عنوان

کشوری در حال توسعه که با هم نشینی دو فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی و فرهنگ های پذیرفته شده از غرب مواجه می باشد و این رویه از دوره صفویه آغاز گشته و با بالاترین سطح وفاق اجتماعی در انقلاب اسلامی نمود پیدا کرده است، اما در دوره کنونی در کنار شهرنشینی گسترده، با ارتباطات اینترنتی و ماهواره ای و جهانی شدن به عنوان یک اصل که خواهان شکستن مرزهای فرهنگی و ارزشی بین دولت-ملت ها بوده و تأثیرات خود را بر روند وفاق ارزشی و هنجارهای ملی به نمایش می گذارد مواجه می باشیم (احمدی، ۱۳۷۸). ورزش می تواند عاملی مهم و تأثیرگذار در انسجام و وفاق اجتماعی در عرصه ملی باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نگرش مدیران ورزشی و غیر ورزشی در میزان توانایی ورزش قهرمانی در پیش بینی افزایش ابعاد وفاق اجتماعی (کنش های ارتباطی، برقرای نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی و همنوایی اجتماعی) انجام شده است. یافته ها نشان داده است مشارکت در ورزش قهرمانی با هر چهار بعد وفاق اجتماعی (کنش های ارتباطی، برقرای نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی و همنوایی اجتماعی) رابطه دارد. همچنین، مقایسه میانگین نمره کارکرد ورزش قهرمانی برابعد وفاق اجتماعی بیانگر آن است که میانگین کارکرد ورزش قهرمانی در ابعاد وفاق اجتماعی (همنوایی اجتماعی، کنش های ارتباطی، نظم اجتماعی و تعادل اجتماعی) در ورزش قهرمانی بیش از سطح متوسط و معنی دار می باشد.

همچنین، تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می دهد ورزش قهرمانی تنها در بعد همنوایی اجتماعی، به دلیل دارا بودن بالاترین ضریب همبستگی، از توانایی پیش بینی برخوردار بوده است و در سه بعد دیگر وفاق اجتماعی (کنش های ارتباطی، برقرای نظم اجتماعی، تعادل و توازن اجتماعی) این پیش بینی معنی دار نبوده است.

یافته های این پژوهش با نتایج بدست آمده توسط محققان داخل، فاضلی (۱۳)، امیرتاش (۱۳۸۹)، جوانمرد (۱۳۸۸)، فتحی (۱۳۸۸) و شارع پور (۱۳۸۷) که نقش موثر و مفید ورزش را در شکل دهی افکار عمومی، پایبندی به ارزش ها و اصول، افزایش کنش های ارتباطی، سازگاری و ارتباطات دوستانه نشان داده بودند همخوانی دارد. همچنین، با یافته های پژوهش های خارجی مانند براناز^۱ (۲۰۱۰)، دانیل بوردسی^۲ (۲۰۰۶)، سیپل^۳ (۲۰۰۶) و بریدولد^۴ (۲۰۰۳) که ورزش را عرصه ای برای یکپارچگی اجتماعی، گره زدن گروه ها، گسترش ارتباطات اجتماعی و همبستگی اجتماعی دانستند، همخوانی دارد.

در سال های اخیر که فشارهای سیاسی به دلیل مسئله هسته ای ایران و تحریم های بین المللی بیشتر شده است، هرگونه شکست و پیروزی تیم های ورزشی بر همبستگی و هویت ملی ایرانیان اثر گذاری بیشتری پیدا کرده اند. لذا با در نظر گرفتن جایگاه و تأثیر تعیین کننده ورزش در تقویت و ارتقای همبستگی و هویت ملی، مسئولان کشور باید توجه ویژه ای به گسترش ورزش بخصوص ورزش قهرمانی به عمل آورند تا بتوان وحدت و انسجام داخلی و تحکیم هویت ملی را در برابر تهدیدات خارجی که ایجاد تشتت و تفرقه در جامعه متعدد الاقوام ایرانی را هدف گرفته اند، تضمین و تحکیم نمود.

ورزش و گسترش روز افزون آن می تواند فرصت مناسبی برای تقویت وفاق اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های اساسی و بنیادین سرمایه اجتماعی فراهم نماید. به عبارتی دیگر، نتایج این تحقیق و انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه می تواند در ارائه راهکارهای کاربردی و مناسب برای متولیان امر، ممتاز تلقی گردد و زمینه ای برای تقویت و ارتقای وفاق اجتماعی، همبستگی اجتماعی و ثبات و پیوندهای اجتماعی در جامعه فراهم

1. Branas

2. Burdsey

3. Sipple

4. Breedveld

نماید.

پیشنهاها

با توجه به نقش مثبت و ارزنده ورزش در پیکره جامعه و ارتباط متقابل آن با کلیه نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به نظر می رسد انجام اقدامات مقتضی برای نهادینه کردن ورزش در دوره قبل از دانشگاه از طریق افزایش ساعات درس ورزش و تربیت بدنی در مدارس و دبیرستان ها ضروری باشد. همچنین، با توجه به زیبایی و هیجان فعالیت های ورزشی که بخش اعظمی از افراد از تماشای آن بیش از انجام آن لذت می برند، ضروری به نظر می رسد زمینه های لازم برای همگانی کردن فعالیت های ورزشی از طریق رسانه های گروهی بویژه صدا و سیما- که به تدریج شروع شده است- به طور جدی دنبال گردد. علاوه بر آنکه مراکز علمی، آموزشی، ورزشی، اداری، کارگری، صنعتی و... از حالت انفعال خارج و خود را مقید به انجام فعالیت های ورزشی نمایند.

مطالعات کمی همواره علی رغم برخورداری از پایای بالا، با مشکل روایی و اعتبار ابزارهای سنجش روبرو هستند که پیشنهاد می شود نتایج حاصل از پژوهش هایی همچون تحقیق حاضر با استفاده از روش های مطالعات کیفی نظیر مصاحبه مشارکتی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مطالعه حاضر به علت محدودیت های ناشی از بودجه، فقط در قلمرو ده استان انجام شده است. لذا پیشنهاد می گردد با انجام مطالعات مشابه در سایر استان ها و مقایسه نتایج، شرایطی را فراهم نمود تا بهتر بتوان به اتخاذ سیاست های اجرایی مبادرت نمود.

انجام تحقیق مشابه در دانشگاه ها و سایر استان های کشور و مقایسه آنها با یکدیگر نیز مفید فایده خواهد بود.

منابع

- امیرتاش، علی محمد (۱۳۸۹) "مقایسه اجتماعی شدن دانش آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار مقطع راهنمایی". پژوهش نامه علوم اجتماعی. سال چهارم، شماره دوم.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸) قومیت و قوم گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت. تهران: نشر نی
- امیرانتخابی، شهرود (۱۳۹۰) "پژوهش نامه وفاق اجتماعی". معاونت پژوهش های فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک. شماره ۷۵.
- ابراهیمی، طالب (۱۳۹۳) "تأثیر ورزش بر ایجاد هویت و تحکیم هویت ملی". خبرنامه جنوب نیوز.
- پارسامهر، مهربان (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی ورزش. یزد: انتشارات دانشگاه یزد
- تیموری، عباس (۱۳۸۹) "جامعه پذیری ورزش و رابطه آن با امور بین الملل".
- جوانمرد، کمال (۱۳۸۸) "بررسی جامعه‌شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی در ایران دهه هشتاد، مورد مطالعه کرمان". دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۹) "وفاق از منظر قرآن و حدیث". فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۳۰۲.
- فیروزجاه؛ رحمانی، علی (۱۳۹۰) "سنجش تمایز سرمایه اجتماعی جوانان با محوریت مشارکت ورزشی (مطالعه موردی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار دانشگاه مازندران)". فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. سال دوم، شماره دوم.
- شارع پور، محمود. حسینی راد، علی (۱۳۸۷) "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: شهروندان ۲۹-۱۵ ساله شهر بابل)". فصلنامه حرکت. شماره ۳۷.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۱) "بررسی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان دختر و پسر نسبت به ورزش در گذراندن اوقات فراغت". طرح پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- صداقت زادگان، شهناز (۱۳۸۴) "جامعه پذیری از طریق ورزش". فصلنامه المپیک. سال سیزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۳).
- فاضلی، حبیب ... (۱۳۹۱) "ورزش و سیاست هویت". پژوهش نامه علوم سیاسی. سال هفتم، شماره دوم.
- فتحی، سروش (۱۳۸۸) "تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران". پژوهش نامه علوم اجتماعی گرمسار. شماره ۴.
- نیک نژاد، محمدرضا (۱۳۸۹) "تحلیل اجتماعی تفاوت های جنسیتی در فعالیت های ورزشی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران)". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- Branas-Garas, Pablo & Others (2010) **Altruism and Social Integration ,Games and Economic Behavior**. G.P.249.
- Breedveld, K (2003) **Sport and Social Capital. Good Hopes and High fears**. paper presented at the World Congress of Sociology of Sport German.P.183.
- Burdsey Danie (2006) **If I ever Play Football, can I play For England or India**. British Asians Sport and Diasporic National Identities, Sociology, Vol.40.P.142.
- Seippel,O (2006) **Sport And Social Capital**. Acta Sociological. Vol.49. No.2.PP:169-183.

- Okayasa, I. and Kawahara, Y. (2010) **The relationship between community Sport clubs and Social in Japan**. London: sage. P. 15.
- Putnam, R. (2001) **Bowling along- The collapse and revival of American community**. New York: Simon & Schuster. pp. 378-401.
- Sherry, E. (2010) **(Re) Engaging marginalized groups through sport**. London: Sage.
- Walseth, K. (2008) **Bridging and Bounding Social capital in Sport**. Sport Education and Society. 13, pp: 1-17.



تأثیر ۶ هفته تمرین پیشرونده هوازی بر عملکرد ریوی و رابطه آن با BMI در دانشجویان غیر فعال پسر

احمد خراطها^۱

علی حسنی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۸/۲۵

هدف کلی تحقیق حاضر، بررسی تأثیر ۶ هفته تمرین فزاینده هوازی بر عملکرد ریوی با توجه به شاخص BMI بالا و پایین در دانشجویان غیرفعال است که از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها، نیمه تجربی می باشد. برای این منظور، ۳۳ دانشجوی پسر سالم با دامنه سنی 25 ± 5 سال به عنوان نمونه آماری انتخاب و به دو گروه BMI پایین ($BMI < 25$) و BMI بالا ($BMI > 25$) تقسیم شدند. از هر دو گروه، شاخص های اسپرومتری و BMI به عمل آمد. سپس همگی در یک برنامه تمرینی هوازی پیشرونده، هفته ای سه جلسه قرار گرفتند. بعد از شش هفته، دوباره تست اسپرومتری (شاخص های FEV1، FVC) و BMI انجام شد. به منظور بررسی تعیین تأثیر تمرین بر عملکرد ریوی در هر یک از شاخص های ریوی از تست همبسته و نیز به جهت بررسی تغییرات عملکرد ریوی در اثر تمرین در افراد با BMI بالا و پایین از آزمون تی مستقل استفاده شد. تحلیل داده ها نشان داد بعد از ۶ هفته تمرین هوازی پیشرونده، FEV1 و FVC در هر دو گروه با BMI بالا و پایین تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0.05$). بطور کلی می توان نتیجه گرفت تمرینات هوازی پیشرونده می تواند بر شاخص های عملکردی ریوی تأثیر مثبتی داشته باشد.

واژگان کلیدی: تمرین هوازی، ظرفیت های ریوی و شاخص توده بدنی

مقدمه

در عصر حاضر، اضافه وزن و چاقی، بیماری منحصر به فرد و یکی از جدی ترین مشکلات تندرستی در جوامع است. بسیاری از بیماری ها از جمله بیماری ریوی با پدیده چاقی ارتباط مستقیم دارند و درصد قابل ملاحظه ای از مرگ و میرهای سالانه را موجب می شوند (فرزاد ناظم و همکاران، ۱۳۸۹). از آن جایی که دستگاه تنفس از جمله دستگاه های مهم و حیاتی بدن بوده و در کنار سایر دستگاه های بدن از جمله دستگاه گردش خون، جزو بخش های اصلی تامین اکسیژن برای اعضا بدن است، در فعالیت های بدنی روزمره و فعالیت های ورزشی حائز اهمیت می باشد. تهویه ریوی که ورود و خروج هوا بین محیط و ریه است، به عملکرد دستگاه تنفسی بستگی دارد. هر گونه اختلال در مجاری تنفسی و عضلات تنفسی با اختلال ورود و خروج هوا به داخل ریه همراه است. این روند، مقدار اکسیژن خون را در زمان استراحت و تمرین کاهش می دهد (گایتون، ۲۰۱۰: ۱۰۶۳-۱۰۷۶). بدیهی است با توجه به وظیفه پر اهمیت این دستگاه هرگونه اختلال در کار آن، عملکرد کلی بدن را تحت تأثیر قرار می دهد و بر دستگاه قلبی عروقی فشار می آورد. همچنین، درصد زیاد چربی و اضافه وزن بر عملکرد ریوی تأثیر منفی دارد؛ به طوری که چاقی به دلیل رسوب مواد چربی ذخیره در دیواره شکم و قفسه سینه، موجب کاهش اتساع پذیری قفسه سینه شود و انرژی مصرفی برای تهویه ریوی را افزایش می دهد (مولنا، ۱۳۸۰: ۱۷-۲۰).

مقدار قابل توجهی از انرژی افراد با ویژگی های مذکور در فعالیت های روزانه به دلیل کاهش در عملکرد ریوی و ضعف در عضلات تنفسی کاهش می یابد و در نتیجه، فرد به خستگی زود رس و همچنین ناتوانی در فعالیت های روزمره دچار می شود. البته فعالیت های ورزشی به ویژه فعالیت های هوازی می تواند در کاهش این نقص در دستگاه تنفسی موثر باشد؛ به طوری که فعالیت های هوازی، درصد چربی بدن را کم می کند و قدرت و استقامت عضلات تنفسی و همچنین عملکرد ریوی را ارتقا می بخشد. (دیوید اسپارو، ۱۹۹۷). در پژوهش هایی که درباره تأثیر تمرین بر عملکرد ریوی و رابطه چاقی با ریه انجام شده است خسروی (۱۳۷۶) اثر یک دوره تمرین شنا را بر حجم ها و ظرفیت های ریوی زنان میانسال بررسی کرد و به این نتیجه رسید که تمرین شنا عملکرد ریوی را بهبود می بخشد. راول (۲۰۰۹) رابطه معنی داری میان سطح بالایی از حجم هوای بازدمی اجباری در ثانیه اول (FEV1) و فعالیت های بدنی را نشان داد و بیان کرد که بی تحرکی (تماشای تلویزیون) رابطه معنی داری با سطح پایین FEV1 دارد. یوچن و همکاران (۲۰۰۷) تأثیر فعالیت جسمانی را بر آزمون تمرین و عملکرد تنفسی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که مردان فعال در طی دوره تحقیق، از سایر گروه های بی تحرک، ظرفیت حیاتی اجباری (FVC) و FEV1 بیشتری داشتند. هانگ و همکاران (۲۰۰۸) تغییر در عملکرد ریوی را در پی ۱۰ هفته برنامه تمرینی بر افراد بی تحرک بزرگسال بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد گروهی که تمرین ملایم انجام داده بودند، تغییر معنی داری در FVC داشتند و گروه با تمرین شدید در هر دو شاخص FEV1 و FVC تغییر معنی داری نسبت به گروه کنترل داشتند. هاگبرگ و همکاران (۲۰۰۸) عملکرد ریوی را در ورزشکاران جوان و مسن با افراد بی تحرک بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که افراد مسن ورزشکار FVC و FEV1 بیشتری از افراد مسن همتای بی تحرک خود دارند، ولی در پی تمرین افراد جوان تغییر معنی داری در شاخص های ریوی آنها دیده نشده است. جونزو همکاران (۲۰۱۲) تأثیر چاقی و توزیع چربی را بر عملکرد ریوی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که شاخص توده بدن (BMI) با FEV1 و FVC رابطه منفی معنی داری دارد. نتایج تحقیق در آزمودنی های مرد که نزدیک به ۲۱۵۳ نفر با دامنه سنی ۳۵ تا ۶۱ سال بودند، نشان داد که شاخص توده بدن، توزیع چربی، دور کمر و نسبت عرض شانه به عرض لگن، ارتباط منفی معنی داری با شاخص های ریوی FEV1 و FVC

دارند. اصولاً شاخص های FVC و FEV1 دو عامل مرتبط با سرعت جریان هوای بازدمی در مجرای نای هستند. برخی عوامل از جمله افزایش وزن و چاقی بر عملکرد این شاخص ها تاثیر می گذارد و عملکرد آنها را ضعیف می کند. سانتانا و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که ارتباط منفی معنی داری در بین شاخص های ریوی FEV1 و FVC با شاخص توده بدن وجود دارد. به طور کلی، با افزایش شاخص توده بدن، شاخص های ریوی FEV1 و FVC به طور معنی داری کاهش می یابند. جونیور و همکاران (۲۰۱۲) ارزیابی عملکرد ریوی را در مردان چاق بررسی کردند. آنها افراد آزمودنی را بر اساس شاخص توده بدنی به دو گروه تقسیم کردند: گروه یک، با شاخص توده بدنی ۳۰ تا ۳۵ و گروه دو، با شاخص توده بدنی ۳۵ تا ۴۰ کیلوگرم بر متر مربع و به این نتیجه رسیدند که شاخص های ریوی FEV1 و FVC در افراد با شاخص توده بدنی پایین تر بیشتر بود. هانو و همکاران (۲۰۱۳) عملکرد ریوی را با چربی شکمی افراد چاق بررسی کردند و ارتباط بین عملکرد ریوی را با شاخص توده بدنی، دور کمر و نسبت عرض شانه به عرض لگن سنجیدند. از آنجایی که چاقی می تواند عامل تهدید کننده ای برای بخش های مختلف بدن از جمله مجاری تنفس محسوب شود، ضرورت پیدا کرد تا به بررسی برنامه هوازی پیشرونده ۶ هفته ای در دو گروه دانشجویان غیر فعال با BMI بالا و پایین بر فاکتورهای عملکرد ریوی بپردازیم.

روش شناسی پژوهش

روش انجام این تحقیق از نوع نیمه تجربی با آزمون مکرر بود که در آن گروه آزمودنی به صورت تست و تست مکرر مورد بررسی قرار گرفتند.

جامعه آماری این تحقیق، دانشجویان پسر غیر فعال دانشگاه شاهرود (تعداد ۲۱۷ نفر) بودند که واحد تربیت بدنی ۱ را داشتند. از بین این تعداد، ۳۳ نفر که بر اساس تست BMI، فرم تکمیل شده شرح حال و پرسشنامه سلامت هیچ گونه سابقه بیماری قلبی عروقی، ریوی، ناهنجاری جسمانی، انحراف مشهود ستون فقرات و استعمال سیگار نداشتند و فرم رضایت نامه همکاری در پژوهش را امضا کرده بودند، بصورت نمونه در دسترس انتخاب شدند. در روز اول، اندازه گیری قد با استفاده از دستگاه استادیومتر اولتراسونیک (اندازه گیری اتوماتیک قد و وزن)، وزن و BMI با استفاده از دستگاه ترکیب بدنی Inbody230 انجام شد.

در روز دوم، حجم ها و ظرفیت های استاتیک و دینامیک ریوی توسط اسپرومتری با دقت و پایداری ۹۸۲/۰ اندازه گیری شد. آزمون های ریوی برای هر نفر سه بار با فاصله ۱ تا ۲ دقیقه و آزمون اسپرومتری بعد از ۵ دقیقه استراحت دوبار با فاصله ۲ دقیقه به عمل آمد و بهترین عملکردهای ریوی اعلام، ثبت و داده ها ذخیره گردید. در روز سوم، اوج اکسیژن مصرفی افراد اندازه گیری شد. سپس از روز چهارم به بعد، افراد زیر نظر مربی و کارشناس ورزش در طی شش هفته، هر هفته چهار جلسه، هر جلسه ۴۵ دقیقه تمرین دوی هوازی با شدت ۶۵ تا ۸۰ درصد حداکثر ضربان قلب ذخیره در سالن سرپوشیده ورزشی انجام دادند. در انتها تست های فوق دوباره تکرار شدند.

یافته های پژوهش

در این پژوهش ابتدا از آمار توصیفی (جدول ۱) و سپس به منظور بررسی توزیع طبیعی داده ها از آزمون کلموگراف اسمیرنوف استفاده شد. با توجه به طبیعی بودن توزیع داده ها، برای بررسی تغییرات درون گروهی از روش آماری تی تست وابسته و برای بررسی تغییرات بین گروهی از آزمون تی تست مستقل با استفاده

از نرم افزار spss ۱۸ استفاده شد. سطح معنی دار برای تمام تحلیل های آماری ($p < 0/05$) در نظر گرفته شد.

جدول ۱: آمار توصیفی مربوط به آزمودنی ها

شاخص	سن (سال)	وزن (کیلو گرم)	قد (سانتی متر)	شاخص توده بدنی
آزمودنی ها	25 ± 5	$80/7 \pm 13$	178 ± 13	$26/5 \pm 3/31$

جدول ۲: مقایسه تغییرات میانگین درون گروهی بین فاکتور FVC در دو گروه با BMI بالا و پایین تمرین هوازی بیش رونده (۳۳ نفر)

شاخص		میانگین $\pm$ انحراف معیار		تأثیر درون گروهی Paires-Sample T-test		تفاوت بین گروهی Independent-Sample T-test	
		قبل تمرین	بعد تمرین	مقدار t	مقدار P	مقدار t	مقدار P
FVC	گروه BMI بالا	$5/5 \pm 0/18$	$5/32 \pm 0/18$	$4/40$	$0/044$	$0/184$	$0/67$
	گروه BMI پایین	$5/45 \pm 0/17$	$5/12 \pm 0/16$	$4/53$	$0/041$		

سطح معنی داری پذیرفته شده $P \geq 0/05$

نتایج حاصل از مقایسه درون گروهی در فاکتور FVC دو گروه با BMI بالا و پایین در پاسخ به شش هفته تمرین هوازی پیش رونده در دانشجویان غیر فعال دانشگاه شاهرود تفاوت معنی داری را نشان داد. باتوجه به نتایج حاصله، اختلاف درون گروهی در هر دو گروه در فاکتور FVC نسبت قبل به بعد از تمرینات تغییرات معنی داری داشته اند، ولی در این فاکتور بین دو گروه با BMI بالا و پایین تفاوتی وجود نداشته است ($P = 0/67$).

جدول ۳: مقایسه تغییرات میانگین های فاکتور FEV₁ در دو گروه با BMI بالا و پایین تمرین هوازی پیش رونده در دانشجویان غیر فعال (۳۳ نفر)

شاخص		میانگین $\pm$ انحراف معیار		تأثیر درون گروهی Paires-Sample T-test		تفاوت بین دو گروه Independent-Sample T-test	
		قبل تمرین	بعد تمرین	مقدار t	مقدار P	مقدار t	مقدار P
گروه BMI بالا		$4/59 \pm 0/15$	$4/41 \pm 0/16$	$6/50$	$0/016$	$0/444$	$0/510$
	گروه BMI پایین	$4/45 \pm 0/17$	$4/52 \pm 0/12$	$6/18$	$0/013$		

سطح معنی داری پذیرفته شده $P \geq 0/05$

باتوجه به نتایج، اختلاف درون گروهی در هر دو گروه در فاکتور FEV₁ نسبت قبل به بعد از تمرینات تغییرات معنی داری مشاهده شده است، ولی در این فاکتور بین دو گروه با BMI بالا و پایین تفاوتی وجود نداشته است ($P = 0/51$).

بحث و نتیجه گیری

هدف از این مطالعه، بررسی تمرین هوازی بر عملکرد ریوی و ارتباط آن با BMI معیارهای قابل سنجش با استفاده از دستگاه اسپرومتری شامل مقاومت راه های هوایی در بازدم عمیق، قدرت و استقامت عضلات تنفسی و همچنین گنجایش و ظرفیت ششی است.

کاهش وزن، کم کردن چربی است نه توده بدون چربی. به همین دلیل ترکیب رژیم غذایی و برنامه ورزشی، رویکرد مناسبی جهت کنترل BMI به شمار می رود. افزایش فعالیت بدنی به همراه کاهش کالریک راه معقولی است که از کم شدن توده بدون چربی پیشگیری می کند. در واقع، ترکیب بدن به طور قابل توجهی با فعالیت های جسمانی قابل تغییر است و فعالیت های دراز مدت ورزشی سبب افزایش توده بدون چربی و کاهش توده چربی می شود. مقدار تغییرات مذکور متناسب با نوع ورزشی که انجام می شود، متفاوت است. برنامه تمرین در صورتی که با رژیم غذایی متعادل ترکیب شود، توده بدون چربی را زیاد می کند و با توجه به مدت زمان تمرینات ورزشی در مطالعات مختلف طبیعی به نظر می رسد.

براساس یافته های این پژوهش ارتباط معنی داری بین شاخص فعالیت هوازی با شاخص های ریوی FVC و FEV1 در دو گروه با توده بدنی متفاوت وجود دارد. نتایج حاصل با یافته های شاون (۲۰۰۳)، سانتانیا (۲۰۰۱)، روبرتو (۲۰۰۴)، گران (۲۰۰۶)، کانوی (۲۰۰۴)، شاپر (۲۰۰۵)، دونا (۲۰۰۷) و جونز (۲۰۰۶) همخوانی دارد. با توجه به اینکه FEV1 و FVC تحت تاثیر قدرت عضلات تنفسی قرار می گیرند و از طرفی، کاهش در کمپلیانس قفسه سینه بر شاخص های ریوی FVC و FEV1 تاثیر منفی دارد، تجمع چربی در نواحی قفسه سینه علاوه بر کاهش اتساع پذیری قفسه سینه خاصیت ارتجاعی عضلات تنفسی را کاهش می دهد و این عوامل بر کاهش شاخص های ریوی تاثیر دارند.

ارزش شاخص FVC به قابلیت ارتجاعی ریه و مقاومت مجاری هوایی بستگی دارد؛ به طوری که بررسی ها نشان می دهد قابلیت ارتجاعی ریه ها، مقاومت مجاری هوایی بین ناحیه آلوئولی و محل تنگی و اتساع پذیری دیواره مجاری هوایی از ساز و کارهای فیزیولوژیکی موثر در تعیین جریان هوا در این مرحله است (عظیمی، ۱۳۸۵: ۳۲). فرآیندهای فیزیولوژیکی که تنش ارتجاعی ریه را کاهش و مقاومت مجاری هوایی را افزایش می دهند، از سرعت جریان هوا در هر حجم ریوی معین می کاهند (سیسیل، ۲۰۱۰: ۲۳). به نظر می رسد افزایش در FVC متعاقب تمرینات هوازی به دلیل افزایش حجم ریه ها و برگشت ارتجاعی ریه هاست. از طرفی، FVC تحت تاثیر قدرت عضلات بین دنده ای قرار می گیرد. لذا بهبود در قدرت و استقامت عضلات تنفسی نیز در جای خود FVC را افزایش می دهد، چرا که به دلیل اجرای تمرینات مکرر هوازی قدرت و استقامت عضلات تنفسی افزایش می یابد. FEV1 آزمون عالی از عملکرد تنفسی است که تحت تاثیر بیماری کاهش می یابد. کاهش در FEV1 بازتابی از کاهش مجموع ظرفیت ریه، انسداد راه های هوایی، از دست رفتن نیروی برگشت ریه و به طور غیر معمول رشد ضعیف عضلات تنفسی است. قابلیت ارتجاعی ریه، مقاومت مجاری هوایی بین ناحیه آلوئولی و محل تنگی و اتساع پذیری دیواره مجاری هوایی از سازوکارهای فیزیولوژیکی موثر در تعیین جریان هوا در این مرحله است. روندهایی که مقاومت را کاهش یا تنش ارتجاعی و سفتی مجاری هوایی را افزایش می دهند، سرعت جریان هوا را در هر حجم ریوی معین می افزایند (قوش، ۲۰۱۳). با اجرای تمرینات هوازی، علاوه بر گنجایش ریه ها، برگشت ارتجاعی ریه ها نیز افزایش می یابد. به احتمال زیاد همه موارد ذکر شده در افزایش FVC و FEV1 در دو گروه با ترکیب بدنی متفاوت تاثیر مثبت داشته اند. طبق یافته های این تحقیق تمرین هوازی بر شاخص های ریوی FVC و FEV1 در دو گروه با ترکیب بدنی متفاوت تغییر معنی داری ایجاد کرده است. این نتایج با یافته های

تحقیق کریمی (۱۳۶۶)، عنبریان (۱۳۷۱)، شجاعی (۱۳۷۵)، آروگاندا (۲۰۰۲)، چنچ و همکاران (۲۰۰۳) هانگ و همکاران (۲۰۰۵) همخوانی دارد. علت این موضوع دو دلیل عمده است:

- اجرای تمرینات هوازی، درصد چربی بافت های بدن و در نهایت، کاهش شاخص توده بدن را کاهش می دهد که کاهش بافت های چربی به ویژه در قفسه سینه، امکان افزایش عملکرد مجاری نای را برای تردد جریان دمی و بازدمی مطلوب می سازد.
- نوع فعالیت هوازی در گروه مورد مطالعه، شبکه مویرگی عضلات و همچنین قدرت عضلات به ویژه عضلات دمی را تقویت می کند. البته نتایج حاضر با یافته های تحقیق آزاد (۱۳۷۲) و فیلیس (۱۹۸۶) همخوانی ندارد. با مطالعه روش اجرای پژوهش و نتایج یافته های ناهمخوان این پژوهشگران ملاحظه می شود که نوع و شدت برنامه آنها کمتر از شدت اجرای برنامه هوازی مطالعه اخیر بوده است. تحقیقات مختلف نشان داده اند تجمع چربی در اطراف عضلات شکمی و قفسه سینه، خاصیت ارتجاعی این عضلات و حرکت موزون آنها را کاهش می دهد و این عمل باعث می شود حجم قفسه سینه در هنگام دم کم شود. در این صورت شاخص های ریوی FVC و FEV1 کاهش می یابند. به عبارت دیگر، اتساع پذیری جداره سینه در افراد چاق کاهش می یابد، زیرا برای این افراد جابجایی دیافراگم به طرف پایین و قفسه دنده ها به طرف بالا و خارج، خیلی مشکل است. به همین ترتیب، فردی که اتساع پذیری جدار سینه ای او کاهش یابد، مجبور است کار عضلانی بیشتری نسبت به فردی که جدار سینه طبیعی دارد انجام دهد. کم شدن اتساع پذیری شش ها و افزایش مقاومت مجاری هوایی به نابرابری تهویه حبابچه ای منجر می شود. با کم شدن اتساع پذیری شش ها تغییر در حجم سریع و اندک است. هرجایی از شش که اتساع پذیری آن کاهش بیشتری یافته باشد، تهویه کمتری دارد. با زیاد شدن مقاومت راه های هوایی در بخش های مختلف ششی، عمل بازدم به آهستگی انجام می شود و پیش از آغاز بازدم کامل نمی شود و بدین ترتیب زمان آن کاهش می یابد. با کاهش زمان دم، حجم هوای جریان یافته هم کمتر خواهد بود و حبابچه ها کمتر تهویه خواهند شد. به طور کلی، عوامل موثر بر اتساع پذیری ریه شامل حجم ریه، وضعیت بدن، حجم خون ریوی، سن و محدود شدن اتساع قفسه سینه است. یکی از عوامل محدود کننده اتساع قفسه سینه که اتساع پذیری ریه را کاهش می دهد، درصد چربی بالا یا چاقی افراد است (هاریسون، ۲۰۱۰: ۷۰-۷۳). چاقی ممکن است از طریق کاهش ظرفیت حیاتی ریه - به علت محدود شدن فعالیت قفسه سینه در نتیجه رسوب چربی ها در دیواره شکم و قفسه سینه - موجب تنگی نفس شود. در چاقی قابلیت ارتجاعی عضلات تنفسی کاهش و همچنین، انرژی لازم برای اجرای اعمال تنفسی چندین برابر افزایش می یابد. در افراد چاق به علت افزایش حرکات تنفسی احتیاج بدن به اکسیژن بیشتر شده و همان گونه که گفته شد چون عضلات تنفسی قدرت لازم را ندارند، احتمال کم تهویه ای به وجود می آید و چنانچه این عارضه به نحوی جبران نشود، فرد به اختلال در تبادل گازها در ریه دچار می شود و در نتیجه، عوارض وخیمی برای وی به وجود می آید (برن ولوی، ۲۰۱۰: ۵۰۴-۵۰۶). افرادی که به چاقی طولانی مدت دچارند به ادم ریه مبتلا می شوند؛ به طوری که با کاهش وزن نیز غیر قابل برگشت است. در افراد چاق، چربی زیر جلدی نه تنها به طریق مکانیکی موجب محدودیت حرکات تنفسی می شود، بلکه به علت حمله شدید چربی به عضلات بین دنده ای و دیافراگم، اختلال تبادل گازها در ریه ها را نیز به وجود می آورد.

هدف این مطالعه، بررسی تغییرات تست های تنفسی با BMI بالا و پایین قبل و بعد از ورزش در دانشجویان غیر فعال بود. از آنجا که ورزش های هوازی پیشرونده با فعالیت های بدنی شدید و متناوب و در عین حال دوره های متناوب فعالیت فیزیکی همراه است، طی این فعالیت ها سیستم قلب-عروقی و تنفسی

به درجات متفاوت درگیر خواهند شد. در این ورزش به حجم تهویه ای بالایی نیاز است، هرچند میانگین تغییرات پارامترهای متفاوت در گروه های مختلف با یکدیگر معنی دار نبود. همچنین، از آنجا که هدف این مطالعه، بررسی تاثیر ورزش هوازی بر تست های تنفسی بود، یافته ها نشان داد این تغییرات در پارامترهای FEV1 و FVC معنی دار بود.

منابع

- عظیمی (۱۳۸۵) تفسیر آزمون عملکرد ریه. تیمورزاده
- سیسیل (۲۰۱۰) بیماری های دستگاه تنفس. رامین اعتصامی. تهران: تیمورزاده
- گایتون، آرتور (۲۰۱۰) فیزیولوژی پزشکی. فرخ شادان و همکاران. تهران: چهر
- مولنا (۱۳۸۰) چاقی و علل و رابطه آن با بیماری ها و ورزش. صارمی. تهران: چهر
- برن و لوی (۲۰۱۰) فیزیولوژی تنفس. حائری. تهران: رفیع
- ویلمور، پولاک (۱۳۷۹) فیزیولوژی ورزشی بالینی. فرزاد ناظم و ضیاء فلاح محمدی. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا
- هاریسون (۲۰۱۲) اصول طب داخلی هاریسون: بخش بیماریهای تنفس. قربانی. انتشارات ارجمند
- Chen, H. I. (2008) "Relationship between respiratory muscle function and age, sex, and other factors". Journal of Applied physiology. 66, (2):943-948
- David, Sparrow (2007) Effects of obesity and fat Distribution on ventilator function. Chest: 111:89-898
- Ghosh, A.K. (2013) Pulmonary capacities of different groups of sportsmen in India. 19(4):232-4
- Hag berg, J.M. (2008) pulmonary function in young and older athletes and untrained men. 65(1):101-5
- Hanno, O. (2013) "Delaying Decline in pulmonary function with physical activity". American journal of Respiratory and critical care Medicine. 494-499
- Harris, D.L. (2012) Weight loss, not aerobic exercise ,improves pulmonary function in older obese men. 55(8):M453-7
- Jones, R.L. (2012) The effects of body mass index on lung volumes. 130(3):827_33
- Row, Jake (2009) physical inactivity is associated with lower forced expiratory volume in 1 second. AM J epidemiol. 156(2):139-147
- Santana, H. (2010) Relation between body composition, fat distribution, and lung function in elderly men. 73(4):827-3
- Yue, Chen and et al (2007) Waist circumference is associated with pulmonary function in normal – weight , overweigh, and obese subjects. 85(1):1,35_39
- Huang, G., Osnesse (2008) Change in pulmonary function response to a 10 week controlled exercise programs in sedentary elderly adults. Percept Mot Skills. 2008:100(2):394-402.



مطالعه رابطه بین شادی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان

شراره مهدی زاده^۱

محمد گنجی^۲

فاطمه زارع غیاث آبادی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

شادی حالتی از ذهن است که نمی توان تنها آن را توسط نگرش ذهنی و بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی افراد، مورد ملاحظه قرار داد. درواقع، شادی ریشه در اجتماع دارد؛ به طوری که افزایش شادی مردم، شاخص یک جامعه خوب است. بر این مبنا، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا ضمن استفاده از نظریات اندیشمندانی از قبیل گیدنز، چلبی، آرگایل گیدنز، چلبی، آرگایل، هادلر و کولمن با روش پیمایش به مطالعه جامعه شناختی وضعیت شادمانی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در میان جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران پرداخته شود. با توجه به حجم جامعه آماری مورد نظر به میزان ۲۳۷۱۳۴۲ نفر، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر مشخص گردید. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر با استفاده از مقیاس شادکامی آکسفورد و نظر داینر و ساه، شادی را در قالب ۳ بعد احساسی، شناختی و اجتماعی مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد؛ به طوری که در نهایت، مفهوم شادی از روایی قابل قبولی (۰/۹۱) و اعتبار صوری برخوردار می باشد. یافته های توصیفی نشان می دهد که میانگین احساسات خوشایند، گرایش مثبت اجتماعی و ارزیابی از زندگی در بین جوانان مورد تحقیق بالاتر از حد متوسط است. در نتیجه، میزان شادی در بین پاسخگویان کمی بالاتر از حد متوسط است. همچنین، یافته های پژوهش گویای این واقعیت است که اگر چه میانگین سرمایه اجتماعی در بین افراد مورد بررسی کمی بالاتر از حد متوسط است، ولی کمیت روابط اجتماعی دارای میانگینی پایین تر از حد متوسط است؛ این در حالی است که میانگین کیفیت روابط اجتماعی معادل ۵۹/۴۱ می باشد. تحلیل دو متغیره بیانگر این است که بین میزان شادی جوانان با کیفیت روابط اجتماعی و نیز با کمیت روابط اجتماعی

E-mail: sh.mehdizadeh@yahoo.com

۱. عضو هیئت علمی، دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)

۲. عضو هیئت علمی، دانشگاه کاشان

۳. کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه الزهرا (س)

رابطه مثبت وجود دارد. در نهایت، با توجه به تحلیل رگرسیونی می توان نتیجه گرفت که متغیر کیفیت روابط اجتماعی در مقایسه با کمیت روابط اجتماعی به میزان بیشتری در افزایش شادی جوانان موثر است.

واژگان کلیدی: شادمانی، کمیت روابط اجتماعی، کیفیت روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی و جوانان

مقدمه

از ابتدای تمدن بشر، انسان از اندوه و غم می‌گریزد و به شادی و نور پناه می‌برد. در واقع، شاد زیستن آرزوی دیرینه آدمی است. دنیای بدون غم و سرشار از مهربانی و شادی، آرزویی است که ریشه در خلقت و نهاد آدمی دارد؛ آرزویی که مقدمه غلبه بر تمام ناکامی‌هاست. شادی، این معجزه‌ی درونی، گره‌گشای بسیاری از رنج‌هاست (سرشار، ۱۳۸۸: ۶۲).

اهمیت شادی تا به حدی است که بعضی از متفکران و صاحب‌نظران فلسفه، شادمانی را بهترین خوبی دانسته‌اند (رنجبر، ۱۳۹۱: ۱). از نظر جامعه‌شناسی، شادی نه تنها در بعد اقتصادی، بلکه در ابعاد سیاسی، فرهنگی، تربیتی تأثیر همه‌جانبه دارد؛ زیرا شادی، زیرساخت بسیاری از مسائل و نیروی محرکه جامعه است. به همین دلیل همه کشورها کوشش می‌کنند که اگر نمی‌توانند همه عناصر لازم را برای بروز شادی فراهم کنند، لاقط ابتکارهایی را برای سوق دادن جامعه به سمت شاد زیستن انجام دهند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲). بر این مبنا در دنیای معاصر، سیاستگذاران عرصه‌های مختلف فعالیت‌های انسانی از مراکز علمی و دانش‌پژوهی تا موسسات خدماتی و کارگری با شیوه‌های متفاوت می‌کوشند تا شادی را در نهاد آدمیان ایجاد نمایند و بدین طریق هم بر تولیدات علمی خود بیفزایند و هم بر فرآورده‌های صنعتی و خدماتی و مهم‌تر از همه، زندگی امن و آرام و به دور از عصبیت و پرخاش و مردمی شاد و امیدوار را مهیا نمایند. بنابراین، آرام و شاد زیستن، یک ضرورت اجتماعی است. البته شادی علاوه بر اینکه یک ضرورت اجتماعی است، یکی از نیازهای اساسی و روانی انسان است (باقری خلیلی، ۱۳۸۶: ۵۴)؛ این درحالی است که علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری و تامین آسایش انسان، احساس شادمانی وی افزایش نیافته است (پناهی و دهقانی، ۱۳۹۱: ۲). رونالد اینگلهارت^۱ (۱۳۷۳) در این خصوص اظهار می‌دارد که سطح پایین رضایت از زندگی و احساس خوشبختی، به گرایش‌های منفی نسبت به کل جامعه منجر و دوره‌های طولانی برآورده نشدن آرزوها و انتظارات موجب ظهور نگرش‌های بدبینانه‌ای می‌شود که این بدبینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۵). پس می‌توان گفت که غم و شادی انسان فقط مربوط به خودش نیست، بلکه با شاد یا غمگین شدن یک نفر، تمامی جامعه تأثیر می‌پذیرد؛ یعنی، غم و شادی، فردی نیست و در یک جا نمی‌ماند و به همه افراد سرایت می‌کند (طریقه دار، ۱۳۸۳: ۲۴). باتوجه به تأثیرات همه‌جانبه و دامنه‌دار شادی در توسعه و تقویت زمینه‌های رشد و تعالی و ایجاد مشکلات عدیده روانی-اجتماعی، در صورت کمبود آن باید نسبت به مقوله شادی و عوامل ایجادکننده آن، مطالعه دقیق و علمی انجام شود. در این میان، پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد شادی انجام شده است، نشان می‌دهد که متغیرهای جامعه‌شناختی به طور موثر تغییرات سطح شادی را توضیح می‌دهند (کیم: ۲۰۱۱). به بیانی دیگر، از آنجایی که نشاط در زندگی، ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع، خود نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی است که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند، پس جامعه زمینه ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد (هزارجریبی و آستین فشان، ۱۳۸۸: ۱۲۱). در این خصوص شارما و مالهورا^۲ (۲۰۱۰) دریافتند که علاوه بر شخصیت، عوامل اجتماعی نیز به همان اندازه در تعیین شادی افراد، مهم است. به عبارت دقیق‌تر، تحقیقات بسیاری از جمله لونگ^۳ و همکاران (۲۰۱۱)، میلر و بویز^۴ (۲۰۰۸) و... به نقش عواملی از قبیل میزان اعتماد، هنجارها، تعهدات و به طور کلی،

1. Ronald Inglehart

2. Sharma & Malhotra

3. Leung

4. Miller & Buys

میزان کیفیت تعاملات اجتماعی و کمیت تعاملات اجتماعی در ایجاد شادی تاکید نموده اند. داینر و بیسواس داینر نیز بر این باورند که روابط خانوادگی و دوستان صمیمی برای شاد بودن مهم هستند. بسیاری از مطالعات نشان می دهد که افراد شاد در مقایسه با کسانی که رضایت کمتری از زندگی دارند، بیشتر از موهبت خانواده و دوستان خوب و روابط حمایتی برخوردار هستند. در واقع، رابطه شادی و پیوند اجتماعی چنان نیرومند است که بسیاری از روانشناسان بر این باورند که نیاز انسان ها به یکدیگر ریشه در ژنتیک دارد. حتی در بزرگسالی هم حضور در شبکه های اجتماعی که مشارکت، حمایت و لذت را فراهم می کنند، کارکرد ما را تا حد بسیار زیادی بهبود می بخشد (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۷۳).

همانطور که ملاحظه می شود در پژوهش های متعددی، اهمیت مقوله شادی و نقش عوامل جامعه شناختی به ویژه سرمایه اجتماعی در ایجاد نشاط مورد توجه قرار گرفته است؛ این درحالی است که زندگی شهری با شدت فشارهای روانی وارده بر انسان در چنین محیط هایی، اهمیت شادی را در بهداشت روانی، سلامت جسمانی، کارآمدی، بهره وری و مشارکت اجتماعی دوچندان کرده است. در این میان، اکبر زاده و همکاران (۱۳۹۲) بر این باورند که مطالعه شادی جوانان به عنوان گروه در معرض خطر و رابطه آن با انواع سرمایه از جمله سرمایه اجتماعی از آن جهت که باعث شناخت و درک گروه های سنی دیگر، خانواده و جامعه از آنان شده و بدین طریق تعاملات صحیح با آنها افزایش می یابد، حائز اهمیت ویژه است. در نتیجه، هدف اصلی در پژوهش حاضر، شناخت تاثیر سرمایه اجتماعی بر میزان شادی جوانان شهر تهران است. بر این اساس، سوالاتی که پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به آن است عبارت اند از:

منظور از شادی چیست؟

چه رابطه ای بین میزان شادی جوانان و میزان تعاملات اجتماعی وجود دارد؟

اعتماد و هنجارهای همیاری و به طور کلی کیفیت تعاملات اجتماعی چه ارتباطی با میزان شادی جوانان دارد؟

شادی به عنوان مهمترین عامل سلامت روانی، از بنیادی ترین مفاهیم مطرح در روانشناسی مثبت گرا است (خنیفیر و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰)؛ به طوری که نخستین مطالعات علمی در مورد مقوله شادی در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ انجام شد. در این دوره، چندین روان شناس و جامعه شناس برجسته آمریکایی با الهام از عقایدی که در طول انقلاب فرهنگی به حد بلوغ رسیده بود، تلاش کردند شاخص های شادی را شناسایی کنند. ادبیات تحقیقات صورت گرفته به بررسی موضوعات مختلفی می پردازد؛ از شاخص های جمعیتی پیش بینی کننده شادی گرفته تا مولفه های فرهنگی، شخصیت، هیجانات، احساسات و سلامتی (زارعی متین و همکاران، ۱۳۹۰: ۴). یکی از جهت گیری های اساسی در میان تحقیقات صورت گرفته، بررسی عوامل موثر بر شادمانی است؛ به طوری که نمونه ای از پژوهش هایی انجام شده در حیطه رابطه سرمایه اجتماعی و شادی، به شرح زیر است: آندروس رودیگز پوز و ویولاوان برلپش^۲ در سال ۲۰۱۴ تحقیقی با عنوان "سرمایه اجتماعی و شادی فردی" در اروپا انجام دادند. در این مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و شادی هم در اروپا به عنوان یک کل و هم در چهار منطقه کلان جغرافیایی آن (شمال، جنوب، شرق، غرب) به طور جداگانه بررسی شد. با استفاده از داده های تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک برای ۴۸۵۸۳ نفر از ۲۵ کشور اروپایی، محققان دریافتند که سرمایه اجتماعی در سه بعد مورد نظر (اعتماد، تعامل اجتماعی، هنجارها و تحریم ها) برای شادی اهمیت دارد. تعامل اجتماعی غیر رسمی، اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی، محرک اصلی اثرات سرمایه اجتماعی در شادی می باشند.

1. Diener & Biswas- Diener

2. Andrés Rodríguez-Pose & Viola von Berlepsch

علاوه بر این، تفاوت های معنی داری در چگونگی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و شادی در سراسر مناطق مختلف اروپا وجود دارد؛ به طوری که این ارتباط در کشورهای شمال اروپا ضعیف تر است. در سال ۲۰۱۳ پژوهشی با عنوان "آیا کاهش ارتباطات اجتماعی، شادی آمریکایی ها را از رونق می اندازد؟" توسط بارتولینی^۱ و همکاران انجام شده است. محققان در این پژوهش نشان می دهند که بخش قابل توجهی از کاهش شادی با کاهش ارتباطات اجتماعی و اعتماد به نهادها پیش بینی شده است. بارتولینی و همکاران تحقیقات خود را در سه مرحله انجام دادند: اول، اجرای رگرسیون شادی که شامل شاخص های مختلف ارتباطات اجتماعی، اعتماد به موسسات، درآمد خود و سایر متغیرهای جمعیت شناختی می باشد. محققان در این مرحله دریافتند که شاخص های ارتباطات اجتماعی و اعتماد به نهادها، به طور قابل توجهی با شادی در ارتباط است. مرحله دوم شامل بررسی تحول روابط اجتماعی و اعتماد به موسسات در طول زمان می باشد. در این مرحله، به طور کلی یافته ها روند رو به کاهش را نشان می دهند. در مرحله سوم، تغییرات در شادی در طول زمان توسط هریک از عوامل آماری معنی دار پیش بینی شده محاسبه گردید. یافته ها حاکی از آن است که کاهش شادی را می توان عمدتاً از طریق کاهش ارتباطات اجتماعی و با رشد درآمد مرجع پیش بینی کرد (بارتولینی و همکاران، ۲۰۱۳). مطالعه ای با موضوع "تحقیق در مورد شادی: اهمیت سرمایه اجتماعی در سال ۲۰۱۱" با تلاش لونگ و همکاران صورت گرفته است. نتایج این تحقیق گویای آن است که رابطه قابل توجهی بین شادی و هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی که توسط کلمن مطرح شده (اعتماد و تعهدات، کانال های اطلاعاتی، تحریم ها و هنجارها) وجود دارد. علاوه بر این، نتایج تحقیق مذکور نشان می دهد که بین شادی و احساس تعلق به جامعه رابطه وجود دارد (لونگ و همکاران، ۲۰۱۱). رم^۲ در سال ۲۰۱۰ پژوهشی با عنوان "سرمایه اجتماعی و شادی: شواهد فرعی بین المللی" انجام داد. این مطالعه با استفاده از چند نمونه مختلف، مشخصات مدل و ...، نقش سرمایه اجتماعی را در ایجاد رضایت از زندگی یا شادی بررسی کرد. نتیجه اصلی این تحقیق آن است که بیشترین ارزیابی ها نقش معنی داری کمی را برای سرمایه اجتماعی در ایجاد شادی نشان می دهند (رم، ۲۰۱۰). "آیا سرمایه اجتماعی، شادی، سلامتی و رضایت از زندگی را در یک جامعه شهری استرالیایی پیش بینی می کند؟" عنوان مطالعه ای است که توسط میلر و بویز در سال ۲۰۰۸ به انجام رسیده است. تجزیه و تحلیل رگرسیون ترتیبی نشان داد که تنها دو عنصر از سرمایه اجتماعی (ارزش های زندگی و احساس امنیت و اعتماد) شادی، رضایت از زندگی و سلامتی را پیش بینی می کند (میلر و بویز، ۲۰۰۸). تحقیقی با عنوان "سرمایه اجتماعی و شادی در ایالات متحده" با تلاش بیجرن اسکو^۳ در سال ۲۰۰۸ به رشته تحریر درآمده است. این مقاله ارتباط بین سرمایه اجتماعی و میانگین شادی را در ایالات متحده بررسی می کند. در پژوهش فوق، سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم چند بعدی شامل اعتماد اجتماعی و شاخص معاشرت پذیری مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج این تحقیق بیانگر این است که اعتماد اجتماعی با شادی در ارتباط است (بیجرن اسکو، ۲۰۰۸). هودلر و کلمن در سال ۲۰۰۷ پژوهشی با موضوع "نقش روابط اجتماعی در شادی کودکان" انجام دادند. در این تحقیق، ارتباط بین شادی و روابط اجتماعی بین کودکان ۹ تا ۱۲ ساله مورد بررسی قرار گرفت. شرکت کنندگان شامل ۴۳۲ کودک و والدین آنها بودند. یافته ها نشان می دهد که روابط اجتماعی، ارتباط قابل توجهی با شادی دارد (هودلر و کلمن، ۲۰۰۷).

در میان تحقیقات داخلی، پژوهشی با موضوع "بررسی تاثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان" با تلاش فاطمه اکبرزاده و همکاران در سال ۱۳۹۲ صورت گرفته است. برای انجام این

1. Bartolini
2. Ram
3. Bjornskov

پژوهش، از یک نمونه ی ۳۸۰ نفری از ساکنان ۲۹-۱۵ سال بابلسر، استفاده شده است. نتایج تحقیق گویای آن است که متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی به ترتیب اهمیت، تبیین کننده شادی در این تحقیق بوده اند. "رابطه مشارکت اجتماعی و شادی دانشجویان"، پژوهشی است که توسط حمید دهقانی در سال ۱۳۹۰ انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که متغیرهای خوش بینی، ارضای نیازها، اوقات فراغت و اعتماد به دیگران به ترتیب بیشترین تاثیر را بر روی شادی دانشجویان دارد. تحقیقی با عنوان "تحلیل عوامل جامعه شناختی موثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفها" با تلاش محمد گنجی در سال ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. تحقیق مورد نظر یک بررسی پیمایشی است. برخی از نتایج این پژوهش به شرح زیر است: متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان برخورداری از حقوق شهروندی، ورزش هفتگی و گوش دادن به موسیقی با احساس شادی سرپرستان دارای همبستگی مستقیم است. مطالعه ای با موضوع "بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان" توسط مسعود چلبی و سید محسن موسوی در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که روابط اجتماعی توأم با اعتماد اثر تعیین کننده بر شادمانی دارند و در این میان، خانواده به عنوان عمده ترین تامین کننده شادمانی افراد محسوب می شود.

در بررسی شادی، علی رغم اینکه در دهه های پیشین، تحقیقات صورت گرفته به میزان بیشتری به عوامل روانشناختی و شخصیتی تاکید داشته اند، اما در طی دهه های اخیر تعداد زیادی از پژوهشگران، شادی را از زاویه جامعه شناختی مورد بررسی قرار داده اند. پژوهش حاضر نیز با رویکردی جامعه شناختی، تاثیر سرمایه اجتماعی را بر میزان شادی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران مورد سنجش قرار می دهد.

ادبیات و چارچوب نظری

در ابتدا مفاهیم به کار گرفته شده در ادبیات نظری مورد واکاوی قرار می گیرد.

۱. شادی:

در اواخر قرن بیستم، با رشد خشونت و تاثرات روانی نظیر افزایش اضطراب، افسردگی و سایر بیماری ها، موضوع شادی و شادمانی بشر به عنوان یکی از موضوعات مورد مطالعه جامعه شناسان، روان شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت مطرح شد. این موضوع به تازگی حتی در علوم پزشکی نیز مطرح گردیده است. محور اصلی این بررسی ها، عوامل تاثیرگذار بر شادی است، ولی پاسخگویی به این پرسش ها در گرو درک مفهوم شادمانی است (خوشاوی، ۱۳۹۰).

آلتسون و دودلی^۱ (۱۹۸۷) می گویند شادی عبارت است از: "توانایی لذت بردن از تجربه های فردی، همراه با درجه ای از هیجان" (حسنیان و همکاران، ۲۰۱۱: ۴۳۲). به عبارت دیگر، شادی یک احساس و یا حالت ذهنی است که با احساس لذت و رضایت مشخص می شود (لین و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۰۸۳). کار^۲ شادی را حالت روانی مثبت که با سطح رضامندی از زندگی، سطح بالای عاطفه مثبت و سطح پایین عاطفه منفی مشخص می شود، تعریف می کند (کار، ۱۳۸۷: ۱۰۴). داینر و بیسواس داینر می گویند پیوند اجتماعی سالم برای شادی ضروری است. از نظر آنها ویژگی افراد شاد، داشتن دوستان بیشتر و صمیمی تر، گرایش بیشتر به جامعه، اعتماد بیشتر به دیگران و کمک به آنها می باشد (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۳۰۱، ۳۰۲). به بیانی دیگر، شادی به معنای دلبستگی به خود و دیگران و نقطه آغاز حرکت های تازه ای است به سوی افق هایی

1. Altson & Dudly

2. Carr

دوست‌داشتنی و خوش‌فرجام و تعبیری مثبت است از موافق بودن جریان حیات با نیازهای انسانی (رستگار فسایی، ۱۳۸۱: ۵۶). منظور از شادی در پژوهش حاضر، عبارت است از: "ارزیابی افراد از کلیت زندگی و بخش‌های متعدد آن، بروز صفات و عواطف خوشایند (خوشحالی، امیدواری، دلگرمی، لذت، ارزشمندی، راحتی و آرامش ذهنی، خوش‌بینی و...) و ظهور علائق و علائم مثبت اجتماعی (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۸).

۲. سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از شبکه‌های اجتماع محلی، سطوح بالای تعهد یا مشارکت در شبکه‌های اجتماع محلی، احساس تجانس و برابری و هنجارهای تعمیم یافته مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی است (کمپل و جوچ لویچ، ۲۰۰۰ به نقل از ایمان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵۴). فوکویاما^۱ معتقد است که سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است؛ به نوعی که اعضای گروهی که همکاری و تعاون در بین آنها مجاز است، در آن سهیم هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کند، اساساً باید شامل سجایی از جمله صداقت، عمل به تعهدها و ارتباط‌های دو جانبه باشد (سلطانی و جمالی، ۱۳۸۷: ۱۱۱). پکستون^۲ (۱۹۹۹) می‌گوید از سرمایه اجتماعی تعاریف گوناگونی شده است که وجه مشترک آنها را می‌توان تأکید بر پیوندهای ذهنی و عینی بین کنشگران اجتماعی دانست. وولکاک^۳ (۱۹۹۸) بر این باور است که عضویت در شبکه روابط اجتماعی که جنبه ساخت اجتماعی است، جزء عینی سرمایه اجتماعی را می‌سازد و متغیرهایی نظیر اعتماد و حمایت اجتماعی عمدتاً به عنوان جزء ذهنی سرمایه اجتماعی شناخته شده است. دو عنصر ذهنی و عینی همزمان امکان عمل جمعی برای نفع متقابل را پدید می‌آورند (رضوی زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲). در پژوهش حاضر، طبق نظر رابرت پاتنام^۴ سرمایه اجتماعی، به معنای مجموعه‌ای از ارتباطات افقی بین افراد و نیز وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل و کارایی جامعه را افزایش می‌دهد (رسولی و پاک‌طینت، ۱۳۹۰: ۶۶).

با توجه به مفاهیم ارائه شده، این پژوهش در تلاش است تا با رویکردی جامعه‌شناختی تاثیر سرمایه اجتماعی بر میزان شادمانی را مورد توجه قرار دهد. بنابراین در راستای این هدف، دیدگاه نظریه پردازانی مانند آنتونی گیدنز^۵، چلبی و سایر متفکران صاحب نظر تشریح می‌گردد.

الف) آنتونی گیدنز

گیدنز معتقد است که اعتماد، موجد احساس امنیت وجودی است که موجود انسانی را در نقل و انتقال‌ها، در بحران‌ها و در حال و هوای آکنده از خطرهای احتمالی قوت می‌بخشد و به‌پیش می‌برد. از نظر گیدنز، شیرازه زندگی به طور ذاتی در معرض خطرهای احتمالی قرار دارد. این واقعیت که رفتار آدمی به شدت تحت تاثیر تجربه با واسطه قرار می‌گیرد، همراه با قابلیت‌های حسابگرانه‌ای که عوامل انسانی از آن برخوردارند، القاکننده این معناست که هر فرد انسانی ممکن است در برابر اضطراب‌های ناشی از شغل خطیر زیستن، از پای درآید. آن مفهوم «آسیب ناپذیری» که احتمالات منفی را به نفع حالت امیدواری کلی، مردود و مطرود می‌شمارد، در حقیقت از اعتماد بنیادین الهام می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۳). از سوی دیگر، در اندیشه گیدنز، خلاقیت به

1. Fukuyama

2. Paxton

3. Woolcock

4. Putnam

5. Anthony Giddens

معنای توانایی اقدام و تفکر نوآورانه در قیاس با روش های اجرایی مرسوم و جافتاده با اعتماد بنیادین پیوندی نزدیک دارد. درگیری خلاق با دیگران و با دنیای عینی به طور تقریباً مسلم یکی از مولفه های اساسی رضایت روانی می باشد. تجربه خلاقیت به عنوان پدیده ای روزمره، حائل و پشت بند نیرومندی برای ارزش شخصی و بنابراین برای سلامت روانی است و هر جا که افراد نتوانند خلاقانه زندگی کنند، افسردگی های مالیخولیایی یا گرایش های شیذوفرنیایی ظاهر خواهند شد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۷). می توان چنین استنباط کرد که وجود اعتماد و خلاقیت منجر به کاهش افسردگی و افزایش سلامت روانی و رضایت می باشد و از آنجایی که رضایت از زندگی به طور کلی یکی از مولفه های اساسی شادی است، پس اعتماد از طریق ایجاد احساس امنیت وجودی منجر به رضایت و در نهایت، شادی می شود.

ب) چلبی

چلبی، شادی و خرسندی کنشگران فردی را در شبکه مبادلات بین نظام جامعه ای و نظام شخصیت جستجو می کند (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۸). وی معتقد است که با مراجعه به شخصیت فرد (به عنوان نظام تماس) می توان داده ها یا عواملی که نظام شخصیت برای نظام جامعه ای فراهم می کند مثل هوش و ظرفیت اجرا، اراده، وفاداری و بینش را در حد اولین تقرب به واقع سنجید. همچنین، به لحاظ نظری لازم است ستانده های نظام شخصیت در ابعاد چهارگانه مثل احساس بهبودی، احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام را سنجید. بنا به نظر چلبی، با این کار می توان میزان احساس رضایت و خشنودی هر فرد را در حوزه های چهارگانه جامعه سنجید و در همان حال ممکن است در حد اولین تقرب به واقع احساسات جمعی را در ابعاد چهارگانه جامعه به طور متوسط برآورد نمود. به یک معنا از هر جامعه سالمی انتظار می رود که تمامی فعالیت های آن حتی المقدور در راستای بهبود احساسات جمعی قرار گیرد، ضمن اینکه نباید فراموش نمود که متقابلاً با بهبودی در احساسات جمعی (در ابعاد چهارگانه) زمینه برای پویایی، نشاط، سرزندگی و بالندگی جامعه و در نتیجه، مقبولیت و مشروعیت برای نظام حاکم بر آن فراهم می شود (همان: ۵۹-۵۸)؛ البته لازم به ذکر است که پیامد مثبت عملکرد هر حوزه جامعه تا حدودی موکول به عملکرد سایر حوزه هاست؛ یعنی توسعه متوازن و همگون هر چهار حوزه می تواند در سطح فردی سبب ساز احساسات مثبت در هر چهار حوزه شود. همین طور چنانچه در اثر تحولات سریع و ناموزون اجتماعی، شرایط آنومی اجتماعی در جامعه فراهم آید، در این حالت افراد احساس سرگشتگی و ابهام در تشخیص و تمییز درست و نادرست کرده و در نتیجه، محیط اجتماعی برای شکل گیری و رشد فردگرایی خودخواهانه و خودسری های فردی مهیا می گردد. در این صورت، نفع جمعی تحت الشعاع نفع فردی قرار گرفته، نوعی بی اعتمادی و سوءظن نسبت به دیگران و همچنین نهادهای اجتماعی فراهم می شود. در چنین شرایطی، زمینه برای بروز ناخرسندی و ناشادمانی اجتماعی برای اکثریت ایجاد می شود (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۸-۴۰). علاوه بر گیدنز و چلبی، اندیشمندان متعددی به طور ویژه رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن را با میزان شادی مورد بحث قرار داده اند؛ به عنوان مثال، ماکس هالر و مارکز هادلر^۱ در بحث تاثیر ساختارها بر هیجانات و به طور خاص شادی، چهار حوزه مرتبط با هم را از یکدیگر متمایز می نمایند. آن چهار حوزه عبارت اند از:

- شبکه ها و روابط اساسی شخصی (بافت اجتماعی خرد)
- همبستگی ها و وابستگی های اجتماعی - فرهنگی و نوع دوستی (بافت اجتماعی خرد)
- مشارکت ها و موفقیت های شغلی و وضعیت پایگاه اجتماعی (بافت اجتماعی خرد)

• بافت نهادی و کلان اجتماعی - سیاسی (بافت اجتماعی کلان)

در واقع، آنچه هالر و هادلر در بافت اجتماعی خرد بر آنها تاکید می کنند، شامل پیوندها و تعاملات اجتماعی، تعهد و مسئولیت پذیری اجتماعی، وابستگی ها و تعلق های اجتماعی، نوع دوستی و به طور کلی سرمایه اجتماعی اشخاص است (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹).

به عبارتی دقیق تر، طرفداران نظریه شبکه بر این باورند که وجود شبکه های اجتماعی به صورت حایلی در مقابل فشارزای درونی عمل می کند؛ به نحوی که فراهم آوردن حمایت های عاطفی، دوستی ها و فرصت هایی برای اعمال اجتماعی معنی دار در قالب سرمایه اجتماعی، اثر بسیار مهم و موثری بر عزت نفس افراد و افزایش توان مقابله با مشکلات و افسردگی ها دارد و در نهایت به احساس سلامت روانی منجر می شود (کامران و ارشادی، ۱۳۸۸: ۳۹-۴۰). در این خصوص پوتنام و همکاران در تحقیقی که با همکاری دانشگاه هاروارد و مرکز بشردوستی دانشگاه ایندیانا انجام دادند، دریافتند افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتر دارند و بهتر می توانند با مردم رابطه برقرار کنند، نسبت به افرادی که از نظر مالی غنی تر، ولی روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادمان تر هستند (جعفری و همکاران، ۱۳۸۱: ۵۳). از نظر داینر و بیسواس داینر نیز رابطه (اجتماعی) امکان دوست داشتن و دوست داشته شدن را برای ما فراهم می کند. روابط به ما امکان می دهد تا احساس ایمنی، اهمیت و ارزشمندی کنیم (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۷۸). فرانسیس بیکن^۱ (۱۶۲۵) معتقد است که پیوند با دوستانی که ما می توانیم صمیمیت خود را با آنها تقسیم کنیم، دو اثر می تواند داشته باشد: شادمانی را دو برابر می کند و اندوه و غصه را به نصف تقلیل می دهد (مظفری و هادیان فرد، ۱۳۸۳: ۸۷).

در تایید مطالب فوق تحقیقات نشان می دهد که روابط دوستانه و فعالیت های اجتماعی به شدت با شادی در ارتباط است و نه تنها روابط مثبت با همسالان باعث افزایش شادی می شود، بلکه تعاملات اجتماعی منفی ممکن است شادی را کاهش دهد و سپس تعاملات اجتماعی را کاهش می دهد. به عنوان مثال، تجارب منفی با دیگران از جمله داشتن درگیری در روابط، با کاهش شادی همراه است. نتایج پژوهش ها نشان می دهد که نه تنها دوستان و خانواده با شادی در ارتباط هستند، بلکه آنها ممکن است نقش علی مهمی را ایفا کنند (هودلر و کولمن: ۲۰۰۷، ۵). همچنین، لونگ و همکارانش به این نتیجه رسیدند زمانی که روابط قوی درون جامعه توسعه می یابد و افراد می توانند بدون هیچ هزینه ای رفتار یکدیگر را نظارت کنند، شادی بیشتر می شود (وولکوک، ۱۹۹۸: ۱۵۵). علاوه بر این، اندیشمندانی چون: پولنر^۲، مایزر^۳، آرگایل^۴، هیلز^۵، برواح^۶ و وینهوون و کالمیجن^۷ نیز هر کدام بر تاثیر روابط اجتماعی و مشارکت های مذهبی - اجتماعی در افزایش شادی تاکید کرده اند تا جایی که وینهوون و کالمیجن، ورود انسان ها به انجمن ها را اصل دانسته و معتقدند هرچه ورود انسان ها به انجمن ها (تحمل دیگران، اعتماد به مردم و فعالیت های داوطلبانه) بیشتر شود، مردم زندگی شادتری خواهند داشت (وینهوون و کالمیجن ۲۰۰۵ به نقل از ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰).

حمایت اجتماعی و هنجارهای همیاری، یکی دیگر از ابعاد سرمایه اجتماعی است. در اندیشه وایتفورد^۸

1. Francis Bacon

2. Pollner

3. Myers

4. Argyle

5. Hills

6. Boroah

7. Veenhoven & KALMIJN

8. Whiteford

هرچه افراد به لحاظ اجتماعی منزوی تر باشند، از سلامت روانی کمتری برخوردارند و برعکس، هرچه پیوستگی اجتماعی بیشتر باشد، آن جامعه سالم تر خواهد بود (ایمان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۹). لو^۱ معتقد است حمایت اجتماعی اثرات رویدادهای استرس زا را تعدیل می کند و به تجربه عواطف مثبت می انجامد (بخشی پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۷). در این راستا، دیماتو می نویسد: "اعتقاد بر این است که حمایت اجتماعی به سه طریق در برخورد با تنیدگی و استرس به فرد کمک می کند: اولاً، اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد می توانند مستقیماً حمایت ملموسی را به شکل منابع مادی در اختیار یک شخص قرار دهند. ثانیاً، اعضای شبکه اجتماعی می توانند با پیشنهاد اقدامات متنوعی، فرد را از حمایت اطلاعاتی خود برخوردار سازند و این اقدامات می تواند به حل مشکلی که موجب تنیدگی و استرس شده، کمک کند. این پیشنهادها به شخص کمک می کند تا به مشکل از دیدگاه جدیدی نگاه کند. بدین ترتیب، آن را حل کرده یا آسیب های ناشی از آن را به حداقل برساند. ثالثاً، افراد شبکه اجتماعی می توانند با اطمینان بخشی دوباره به فرد، در خصوص اینکه او شخص مورد علاقه، با ارزش و محترم است، از وی حمایت عاطفی به عمل آورند (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵). به بیانی دیگر، یکی از سازوکارهایی که حمایت اجتماعی از طریق آن بر کیفیت زندگی و شاخص های آن اثر می گذارد عبارت است از برداشت از خود و مفهوم خود که به لحاظ روان شناختی منبع مهمی برای انطباق با موقعیت های استرس زای زندگی است. از سوی دیگر، حمایت اجتماعی از طریق افزایش احساس خود ارزشمندی و کنترل بر روی امور به ارتقای سطح سلامت کمک می کند. یافته های تحقیقات تجربی نشان می دهد که حمایت اجتماعی می تواند کارکردهای مثبتی برای سلامت روانی و سلامت جسمانی داشته باشد (گروسی و شبستری، ۱۳۹۰: ۶).

کاکس^۲ با تأکید بر عامل اعتماد به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی در هر جامعه ای، این نکته را خاطر نشان می سازد که در صورت وجود اعتماد در میان افراد، ارتباط اعضای خانواده، دوستان و همسایگان، همکاران و... موثرتر می شود. در صورتی که فقدان اعتماد، با عدم پیروی از قوانین، رفتار ضد اجتماعی، خودکشی، خشونت و سایر مشکلات اجتماعی همراه خواهد بود. به نظر او، بسیار مشکل است که جماعتی را بدون آنکه اعتمادشان را جلب کرده باشیم، بتوانیم متقاعد کنیم که سبک زندگی سالم تری در پیش بگیرند. از این رو، گسترش شعاع اعتماد و همکاری اعضای یک جامعه، غنای سرمایه اجتماعی و به تبع آن کاهش اختلالات و ناهیه سامانی های روانی و اجتماعی را در پی خواهد داشت (بهزاد، ۱۳۸۱: ۵۰). به اعتقاد ترنر با گسترش اعتماد میان افراد و در نتیجه گسترش دامنه روابط اجتماعی، فرد می تواند در شرایط نامطلوب، به کمک این افراد با آن شرایط مقابله کند و همین امر باعث می شود فشار روانی برآمده از چنین شرایطی را کاهش دهد. همچنین، مشارکت اجتماعی ناشی از اعتماد، احساس شادابی فرد را تقویت می کند و از این راه به بهبود سلامت جسمی و روانی او کمک می کند (ترنر^۳، ۲۰۰۳). به نقل از نوریان نجف آبادی و جهانگیر، (۱۳۹۰: ۴۴). از نظر کاواچی^۴، اگر اعتماد اجتماعی در حد مطلوبی باشد، موجب مشارکت بیشتر افراد در فعالیت های اجتماعی می شود و مشارکت بیشتر هم به دستیابی به امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی بیشتر می انجامد. به این ترتیب، سطح سلامت جسمی و روانی افراد بهبود می یابد. برعکس، هنگامی که مشارکت افراد ضعیف است، سطح فراگیری بی اعتمادی، پیامدهای مصیبت باری برای سلامتی و بهداشت روانی افراد دارد (نوریان نجف آبادی و جهانگیر، ۱۳۹۰: ۴۳). دولان و همکاران^۵

1. Lu

2. Cax

3. Turner

4. Kawachi

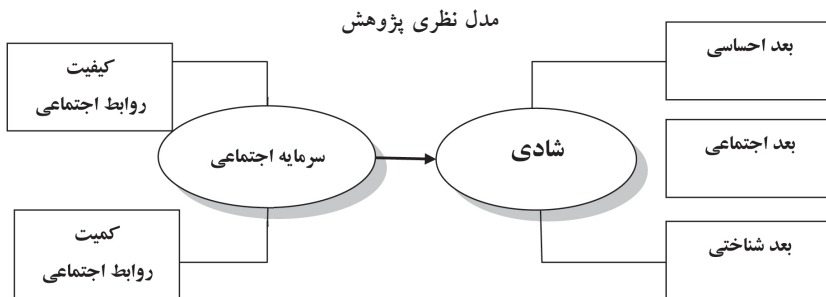
5. Dolan et al

(۲۰۰۸) در مروری بر بیش از ۱۰۰ پژوهش، اعتماد را توسط یک تنوع روشی از قبیل اعتماد بیشتر به دیگران و اعتماد به نهادهای عمومی، اندازه گیری کردند و نشان دادند که اعتماد قویا با شادی رابطه دارد. به علاوه، تاو^۱ و داینر (۲۰۰۷) نشان داده اند که کشورهای شادتر، امتیاز بالاتری در اعتماد تعمیم یافته، حضور داوطلبانه در گروه ها و گرایش های دموکراتیک تر به دست آورده اند (اکبر زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴).

در نهایت، باتوجه به مباحث نظری فوق، فرضیات زیر شکل گرفت:

- بین میزان شادی و میزان سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - بین میزان شادی و میزان کیفیت روابط اجتماعی (اعتماد و هنجارهای همیاری) رابطه وجود دارد.
 - بین میزان شادی و کمیت روابط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- علاوه بر فرضیه های فوق، فرضیات دیگری از قبیل رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با هریک از ابعاد شادی یعنی میزان بعد احساسی، اجتماعی و شناختی شادی مورد سنجش قرار گرفته است.

۹۵



روش شناسی پژوهش

این پژوهش، با روش پیمایش مقطعی و با استفاده از تکنیک پرسش نامه انجام گرفته است. در مطالعه حاضر، جامعه آماری مورد نظر شامل جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران می باشد که مطابق سرشماری عمومی نفوس مسکن ۱۳۹۰، ۲۳۷۱۳۴۲ نفر گزارش شده است. لذا به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه گیری کوکران استفاده شده است؛ به طوری که در نهایت حجم نمونه با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، احتمال وجود صفت معین در نمونه $P=0/5$ و دقت برآورد $d=0/05$ برابر با ۳۸۴ جوان تعیین شد. لازم به ذکر است که برای توزیع پرسش نامه ها روش خوشه ای انتخاب گردید.

در پژوهش حاضر، اعتبار ابزارها بوسیله اعتبار صوری، توسط چند تن از اساتید جامعه شناسی بررسی و پایایی آنها بوسیله آلفای کرونباخ تعیین شده است. جدول زیر نشانگر روایی مناسب متغیرهای تحقیق است.

جدول ۱: میزان روایی مفاهیم اصلی پژوهش بر اساس آزمون کرونباخ

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفا
بعد کمیت روابط اجتماعی	۴	۰/۶۰
بعد کیفیت روابط اجتماعی	۱۲	۰/۵۹

۰/۶۰	۱۶	مفهوم سرمایه اجتماعی
۰/۸۳	۱۱	بعد احساسات مثبت
۰/۶۶	۶	بعد گرایشات مثبت اجتماعی
۰/۸۷	۵	ارزیابی مثبت از زندگی
۰/۹۱	۲۲	مفهوم شادی

تعاریف عملیاتی و نحوه سنجش متغیرها

الف) شادی

پژوهش حاضر با استفاده از مقیاس شادکامی آکسفورد و نظر داینر و ساه، شادی را در قالب ۳ بعد احساسی، شناختی و اجتماعی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. شایان ذکر است که در این پژوهش، پرسش‌نامه آکسفورد با اندکی تغییرات در قالب طیف لیکرت با گزینه‌هایی از قبیل اصلاً، خیلی کم، کم، تاحدودی، زیاد و خیلی زیاد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مطالعه، مؤلفه‌های شادی در قالب سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته‌اند:

بعد احساسی با مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی مانند احساس خوشحالی، احساس امیدواری به آینده، احساس کنترل بر تمام جنبه‌های زندگی، احساس خوش‌بینی و مثبت‌نگری و...
 بعد شناختی با مؤلفه‌هایی چون: رضایت از زندگی، رضایت از بخش‌های متعدد زندگی و...
 بعد اجتماعی با مؤلفه‌هایی از قبیل علاقه داشتن به انسان‌های دیگر و دوست داشتن آنها، تاثیر خوب و مثبت بر وقایع، شوخ‌طبعی و...

ب) سرمایه اجتماعی:

در این بررسی بر اساس نظرات پاتنام، فوکویاما، پاکستون و ... سرمایه اجتماعی در دو بعد کمیت و کیفیت روابط اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. در زیر به توضیح مختصری از هریک از ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود.

بعد کمیت روابط اجتماعی (ساختار روابط اجتماعی)

یکی از اجزای سرمایه اجتماعی، پیوندهای عینی بین افراد است که دلالت بر ارتباطات و تماس‌های افراد با یکدیگر دارد. افراد می‌توانند از طریق دوستی‌ها و دیگر انواع روابط شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط باشند (میرزاییگی، ۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۶۶). در پژوهش حاضر این بعد از طریق شاخص‌هایی از قبیل میزان ارتباط با اعضای خانواده، دوستان، همکلاسی‌ها و... مورد سوال قرار گرفته است.

بعد کیفیت روابط اجتماعی

در این پژوهش، بعد کیفیت روابط اجتماعی با دو مؤلفه اعتماد و هنجارهای همیاری سنجش شده است.

۱-۲- تعریف نظری و عملیاتی اعتماد

کریستوفر مور اعتماد را عبارت از قابلیت شخص برای اتکا یا اطمینان به صداقت یا صحت اقوال یا رفتار دیگری می‌داند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۵). در پژوهش حاضر طبق نظر پاتنام (۱۳۸۰) مفهوم اعتماد در دو بعد اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی سنجش شده است.

۲-۲- تعریف نظری و عملیاتی هنجارهای همپاری

مشخصه هر عمل در یک نظام همپاری معمولاً ترکیبی از نوع دوستی کوتاه مدت و نفع شخصی بلند مدت است (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۷۹ به نقل از جلیلیان، ۱۳۸۶: ۱۲۳). حسین پور پس از بررسی پژوهش های مختلف در مورد سرمایه اجتماعی، برای سنجش هنجارهای همپاری به دو رویکرد رفتارهای عینی و عمل متقابل و رویکرد رفتارهای ذهنی یا فرهنگ متقابل رسیده است (حسین پور، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز هنجارهای همپاری با مولفه فعالیت های عینی نوع دوستانه و رفتارهای ذهنی یا فرهنگ عمل متقابل سنجیده شده است.

یافته های پژوهش

الف) یافته های توصیفی

۱. ویژگی های فردی و خانوادگی پاسخگویان

نتایج پژوهش حاکی از این است که طیف سنی جوانان پاسخگو از ۱۸ تا ۲۹ سال می باشد. با توجه به توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت می توان گفت که بیش از نیمی از پاسخگویان را زنان تشکیل می دهند. قومیت جوانان مورد بررسی نشان می دهد که قومیت فارس با ۶۶/۷ درصد و سپس قومیت ترک با ۲۰/۶ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند. سطح تحصیلات پاسخگویان گویای این واقعیت است که دارندگان مدرک دیپلم و سپس افراد دارای مدرک لیسانس بیشترین فراوانی را دارند. علاوه بر این، ۳۰/۲ درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که پدرشان دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند، در حالی که تنها ۶/۲ درصد از آنها گفته اند که پدرانی دارند که دارای سطح تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر هستند. همچنین، ۳۳/۱ درصد از پاسخگویان در بیان سطح تحصیلات مادرشان، گزینه دیپلم و ۲۰/۱ درصد از افراد نمونه گزینه سیکل را انتخاب نموده اند.

۲. توصیف شادی:

جدول ۲: توصیف ابعاد و مفهوم شادی (متغیر وابسته)

مفاهیم و ابعاد	میانگین (۰-۱۰۰)	انحراف استاندارد	دامنه	حداقل	حداکثر
بعد احساسی	۵۸/۳۳۳۳	۱۹/۰۷۹۳۵	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
بعد اجتماعی	۶۵/۰۲۰۸	۱۷/۴۸۱۰۵	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
بعد شناختی	۶۰/۵۷۲۹	۱۹/۲۹۸۵۳	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
مفهوم شادی	۵۹/۷۹۹۷	۱۷/۳۸۵۰۱	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

منطبق با اطلاعات جدول فوق می توان گفت که در میان ابعاد شادی، بعد گرایش مثبت اجتماعی و سپس بعد شناختی یا ارزیابی از زندگی به ترتیب با میانگین (۶۵/۰۲۰۸) و (۶۰/۵۷۲۹) بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده اند (در بازه صفر تا صد). با توجه به اینکه در بین پاسخگویان، میزان احساسات خوشایند، گرایش مثبت اجتماعی و ارزیابی از زندگی دارای میانگینی بالاتر از حد متوسط است، میزان شادی در بین جوانان مورد تحقیق کمی بالاتر از حد متوسط است.

۳. توصیف سرمایه اجتماعی:

جدول ۳: توصیف ابعاد، مولفه ها و مفهوم سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل)

مفاهیم و ابعاد	میانگین (۱۰۰-۰)	انحراف استاندارد	دامنه	حداقل	حداکثر
بعد کمیت روابط اجتماعی	۳۸/۶۱۲۶	۲۲/۶۵۸۸۷	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
بعد کیفیت روابط اجتماعی	۵۰/۶۵۱۱	۱۶/۰۰۰۸۵	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
مولفه اعتماد	۴۵/۳۶۹۳	۱۷/۹۴۲۹۲	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
مولفه هنجارهای همیاری	۵۹/۴۱۱۳	۱۹/۱۰۳۴۰	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
مفهوم سرمایه اجتماعی	۵۱/۵۲۹۸	۱۶/۴۲۰۸۱	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

در پژوهش حاضر، کیفیت روابط اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. در این مطالعه، متغیر کیفیت روابط اجتماعی از طریق دو مولفه اعتماد و هنجارهای همیاری سنجیده می شود. یافته های پژوهش نشان می دهد علی رغم اینکه میانگین کیفیت روابط اجتماعی در بین افراد پاسخگو در حد متوسط می باشد، ولی میانگین اعتماد به عنوان یکی از مولفه های کیفیت روابط اجتماعی، پایین تر از میانگین شاخص است و هنجارهای همیاری که شامل رفتارهای عینی نوع دوستانه و فرهنگ همیاری است، از میانگینی معادل ۵۹/۴۱۱۳ و بالاتر از حد متوسط برخوردار می باشد.

در این پژوهش، کمیت روابط اجتماعی، یکی دیگر از ابعاد سرمایه اجتماعی است که با توجه به داده های جدول ۳ دارای میانگینی پایین تر از سطح متوسط است. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که میانگین سرمایه اجتماعی برابر ۵۱/۵۲ می باشد و این میزان کمی بالاتر از حد متوسط است.

ب) یافته های تحلیلی

۱. تحلیل دو متغیره

جدول ۴: همبستگی پیرسون بین ابعاد، مولفه ها و مفهوم سرمایه اجتماعی و میزان شادی و ابعاد آن

متغیر	آماره	بعد احساسی	بعد اجتماعی	بعد شناختی	مفهوم شادی
مولفه اعتماد	ضریب همبستگی	۰/۱۱۶*	۰/۱۲۹*	۰/۱۶۰**	۰/۱۶۱**
	سطح معناداری	۰/۰۲۴	۰/۰۱۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
مولفه هنجارهای همیاری	ضریب همبستگی	۰/۲۳۸**	۰/۲۵۰**	۰/۱۲۴*	۰/۲۵۹**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰
بعد کیفیت روابط اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۲۲۳**	۰/۲۳۹**	۰/۱۷۷**	۰/۲۶۴**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
بعد میزان تعاملات اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۰۷۸	۰/۲۱۸**	۰/۱۶۷**	۰/۱۶۷**
	سطح معناداری	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
مفهوم سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۲۰۷**	۰/۲۷۸**	۰/۲۰۹**	۰/۲۷۹**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

مهم‌ترین نکاتی که می‌توان از جدول فوق استنباط کرد، عبارت‌اند از: فرض وجود رابطه معنادار میان شادی جوانان و اعتماد با سطح معناداری ۰/۰۰ تأیید می‌گردد. شدت همبستگی در این رابطه معادل با ۰/۱۶ و جهت رابطه نیز مثبت است؛ این بدین معناست که با افزایش میزان اعتماد جوانان، بر میزان شادی آنها نیز افزوده می‌شود. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش حاکی از این واقعیت است که افزایش میزان اعتماد، افزایش احساسات خوشایند، گرایش‌ات مثبت اجتماعی و ارزیابی مثبت از زندگی را به همراه خواهد داشت.

با توجه به وجود رابطه معنادار بین میزان شادی و هنجارهای همیاری و همچنین هریک از ابعاد آن می‌توان گفت که هرچقدر رفتارهای نوع‌دوستانه (از قبیل کمک به مستمندان) و فرهنگ عمل متقابل (همچون تمایل به شرکت در طرح اهدای عضو و...) و به طور کلی هنجارهای همیاری در بین اشخاص به میزان بیشتری وجود داشته باشد، افراد به میزان بیشتری از عواطف خوشایند، علائق مثبت اجتماعی و رضایت از زندگی برخوردار خواهند بود و در نهایت شادی بیشتری را تجربه می‌کنند.

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، رابطه ای مثبت بین میزان شادی و کیفیت روابط اجتماعی جوانان وجود دارد. این نکته در مورد هریک از ابعاد شادی یعنی بعد احساسی، اجتماعی و شناختی نیز صادق است. لازم به ذکر است که کیفیت روابط اجتماعی دارای بیشترین شدت همبستگی با بعد گرایش‌ات مثبت اجتماعی می‌باشد. این بدان معناست که هرچقدر کیفیت روابط اجتماعی و به طور دقیق‌تر اعتماد و هنجارهای همیاری از قبیل اعتماد به نزدیکان، دوستان، دیگران، شرکت در جشن‌های احسان و نیکوکاری، احساس مسئولیت در مقابل دیگران، تمایل به کمک به مردم در مواقع بحران و... افزایش یابد، علائق و اثبات مثبت اجتماعی مانند علاقه داشتن به انسان‌های دیگر و دوست داشتن آنها، تأثیر خوب و مثبت بر وقایع اطراف و اطرافیان، شوخ‌طبعی، خنده رو یا متبسم بودن، عصبی نبودن در ارتباطات اجتماعی، علاقه به شرکت در مهمانی‌ها و جشن‌ها به میزان بیشتری ظهور خواهد کرد.

اگرچه بین میزان روابط اجتماعی و احساسات مثبت رابطه معناداری وجود ندارد، ولی بر اساس داده‌های جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان تعاملات اجتماعی، بر میزان علائق مثبت اجتماعی، رضایت از زندگی و در نهایت شادمانی جوانان افزوده می‌شود.

افزایش میزان سرمایه اجتماعی، افزایش میزان شادی جوانان را به دنبال دارد. این نکته در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و هریک از ابعاد شادی نیز قابل مشاهده است؛ به طوری که علائق و علائق مثبت اجتماعی در مقایسه با سایر ابعاد شادی بیشترین شدت همبستگی را در رابطه با سرمایه اجتماعی به خود اختصاص داده است.

۲. تحلیل چند متغیره

۲-۱- مشارکت نسبی متغیرهای مستقل بر میزان شادی

جدول ۵: تحلیل واریانس برای آزمون معنی‌داری شکل رگرسیونی

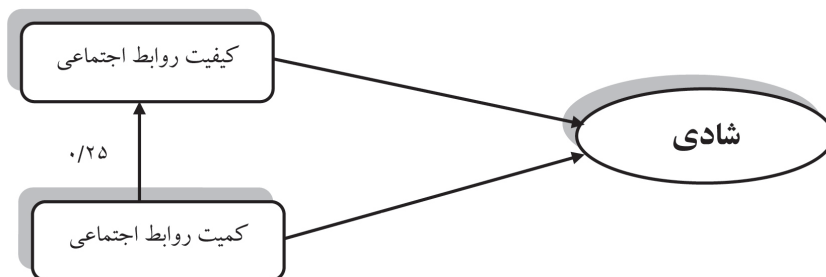
شکل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۳/۳۸۰	۲	۶/۶۹۰	۱۶/۴۹۸	۰/۰۰۰ ^b
باقیمانده	۱۵۳/۲۷۴	۳۷۸	۰/۴۰۵		
کل	۱۶۶/۶۵۴	۳۸۰			

جدول ۶: متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی به روش گام به گام

متغیرهای وارد شده		ضرایب استاندارد ^۱		سطح معناداری	
کیفیت روابط اجتماعی		۰/۲۳۷		۰/۰۰۰	
کمیت روابط اجتماعی		۰/۱۰۶		۰/۰۳۸	
نتایج همبستگی	ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	مقدار F	سطح معنی داری F
	۰/۲۸۳ ^b	۰/۰۸۰	۰/۰۷۵	۱۶/۴۹۸	۰/۰۰۰ ^b
				مقدار ثابت	
				۲/۵۲۲	

در این مرحله، به منظور تبیین میزان تاثیر و تعیین کنندگی هریک از ابعاد سرمایه اجتماعی بر میزان شادی از تحلیل رگرسیونی گام به گام استفاده شده است؛ به طوری که دو بعد کیفیت روابط اجتماعی و کمیت روابط اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل وارد رگرسیون شدند. همانطور که داده های جدول فوق نشان می دهد میزان همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر شادی برابر با ۰/۲۸ است. ضریب تعیین این خروجی نیز برابر ۰/۰۸۰ می باشد؛ بدین معنا که کیفیت روابط اجتماعی و کمیت روابط اجتماعی ۰/۰۸۰ درصد از تغییرات در میزان شادی را تبیین می نمایند. میزان F رابطه نیز برابر ۱۶/۴۹ می باشد و سطح معنی داری ۰/۰۰ می باشد- یعنی اینکه بین متغیرهای مستقل اصلی و وابسته رابطه معناداری وجود دارد و این حاکی از معنی دار بودن رگرسیون است. با توجه به نتایج می توان گفت اثر کیفیت روابط اجتماعی بر میزان شادی برابر ۰/۲۳ درصد و اثر کمیت روابط اجتماعی برابر ۰/۱۰ درصد است. بنابراین، متغیر کیفیت روابط اجتماعی دارای بیشترین تاثیر مستقیم بر شادی جوانان است.

۲-۲- تحلیل مسیر:



جدول ۷: تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (شادی)

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	مجموع اثرات
کیفیت روابط اجتماعی	۰/۲۳	-	۰/۲۳
کمیت روابط اجتماعی	۰/۱۰	$(۰/۲۳) \times (۰/۲۵) = ۰/۰۵۷$	۰/۱۵

بر اساس مدل شماره ۲ می توان گفت که متغیر کیفیت روابط اجتماعی به طور مستقیم ۰/۲۳ درصد بر شادی اثر گذار است؛ در حالی که کمیت روابط اجتماعی علاوه بر اینکه به صورت مستقیم به میزان ۰/۱۰ بر شادمانی جوانان تاثیر می گذارد، به طور غیرمستقیم نیز از طریق افزایش کیفیت روابط اجتماعی منجر به افزایش شادی می شود.

طبق جدول فوق، مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر کمیت روابط اجتماعی برابر ۰/۱۵ می باشد؛ این در حالی است که کیفیت روابط اجتماعی ۰/۲۳ بر میزان شادی تاثیر دارد. بنابراین، متغیر کیفیت روابط اجتماعی در مقایسه با کمیت روابط اجتماعی به میزان بیشتری در افزایش شادی جوانان موثر است. طبق نظر پانتام، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر بنیادی ترین جز سرمایه اجتماعی است و شبکه ها به عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و هنجارهای همیاری مطرح می باشد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۵). لذا افزایش متغیر میزان تعاملات اجتماعی، افزایش کیفیت روابط اجتماعی و در نهایت، افزایش شادی را به همراه دارد. در راستای پژوهش هلیول^۱ و پوتام (۲۰۰۵) سرمایه اجتماعی بر روی شادی تاثیر مثبت و افزایشی دارد (برونی و استنکا، ۲۰۰۸ به نقل از اکبر زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵).

بحث و نتیجه گیری

جوانی به عنوان مهم ترین فصل زندگی هر فرد است که می توانند روند آینده زندگی و سرنوشت او را تا انتهای عمر رقم بزنند. وجود احساس شادی در میان جوانان، نشان از جامعه سالم و پر طراوت دارد. محور اصلی پژوهش حاضر، مطالعه جامعه شناختی وضعیت شادی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران می باشد. مطالعات نظری و تجربی صورت گرفته در راستای این محور اصلی، نشان می دهد که بسیاری از صاحب نظران و پژوهشگران از قبیل داینر و بیسواس داینر، فرانسیس بیکن، چلبی، گیدنز، وینهوون و کالمیجن، ترنر و ... به نقش عواملی همچون: اعتماد، هنجارهای همیاری، روابط اجتماعی و به طور کلی سرمایه اجتماعی در ایجاد شادی اشاره نموده اند. پژوهش حاضر نیز در تلاش است تا علاوه بر تحلیل جامعه شناختی مقوله شادی در بین جوانان، به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان شادمانی بپردازد.

در بین پاسخگویان، میانگین احساسات خوشایند، گرایش مثبت اجتماعی و ارزیابی از زندگی در بین جوانان مورد تحقیق بالاتر از حد متوسط است. در نتیجه، میزان شادی در بین پاسخگویان کمی بالاتر از حد متوسط است. در این خصوص داینر و بیسواس داینر (۱۳۹۱) می گویند تحقیقات نشان می دهد که اکثر مردم در اغلب مواقع تا حدودی شاد هستند. این نتیجه بارها مشاهده شده است، حتی زمانی که محققان مختلف، با استفاده از نمونه های متفاوت، روش های مختلف و حتی تعاریف متفاوت از شادی تحقیق نموده اند، اکثر آزمودنی ها گزارش کرده اند که در اغلب مواقع تا حدودی شاد هستند.

اگر چه میانگین سرمایه اجتماعی در بین افراد مورد بررسی برابر ۵۱/۵۲ و کمی بالاتر از حد متوسط است، ولی کمیت روابط اجتماعی دارای میانگینی پایین تر از حد متوسط است؛ این در حالی است که کیفیت روابط اجتماعی از میانگینی بالاتر از حد متوسط معادل ۵۹/۴۱ برخوردار می باشد. در این خصوص می توان به این نکته اشاره کرد که علی رغم اینکه در دنیای کنونی، با وجود فعالیت های طاق فرسای روزانه و حرکت در پیچ و خم های دشوار زندگی، انسان ها فرصت کمتری برای ایجاد روابط و تعاملات اجتماعی دارند، ولی طبق نتایج این پژوهش، جوانان به دلیل عواملی از جمله میانگین بالای نشاط و شادمانی، به میزان زیادی در جشن های احسان و نیکوکاری شرکت می کنند و دارای احساس مسئولیت در مقابل دیگران، تمایل به کمک

به مردم در مواقع بحران و... می باشند.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، عوامل جمعیتی و خانوادگی از قبیل سن، جنس، منطقه سکونت، سطح تحصیلات خود و... هیچ تاثیری بر میزان شادمانی جوانان ندارد. در این خصوص آلزیک (۱۳۸۴) معتقد است هنگامی که محققان به بررسی عوامل جمعیتی موثر بر شادتر بودن برخی از مردم پرداختند، به نتیجه شگفت آوری رسیدند. هیچ یک از عوامل جمعیتی اصلی مانند سن، جنس، درآمد، موقعیت اقتصادی و نژاد رابطه زیادی با میزان شادی نداشت. بی تاثیری عوامل جمعیتی بر شادی را آگنوس کمپل و فلیپ کانورس و ویلارد راجرز به وضوح نشان داده اند (بابایی و خوئی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۷). مایزر (۱۳۸۸) می نویسد: "نکته ای که بسیاری از پژوهشگران نظیر رونالد اینگلهارت در آثار خود به آن اشاره می کنند، این است که پس از به دست آوردن حداقل نیازمندی های زندگی، پول بیشتر و بیشتر نمی تواند بازدهی قابل توجه به همراه بیاورد؛ به عنوان مثال، در بررسی های به عمل آمده حتی افراد بسیار مرفهی که در فهرست ۱۰۰ نفر مجله فوربس حضور دارند، نسبت به افراد متوسط جامعه تنها اندکی شادمانی بیشتری داشته اند.

تجزیه و تحلیل دو متغیره در پژوهش حاضر نشان می دهد که بین میزان اعتماد و ابعاد سه گانه شادی یعنی عواطف خوشایند، گرایشات مثبت اجتماعی، ارزیابی از زندگی و به طور کلی مفهوم شادی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ترنر (۲۰۰۳) معتقد است که با گسترش اعتماد میان افراد و در نتیجه، گسترش دامنه روابط اجتماعی، فرد می تواند در شرایط نامطلوب، به کمک این افراد با آن شرایط مقابله کند و همین امر باعث می شود فشار روانی برآمده از چنین شرایطی را کاهش دهد. همچنین، نتایج تحقیق بیجرن اسکو (۲۰۰۸) بیانگر این است که اعتماد اجتماعی با شادی در ارتباط است.

با افزایش میزان هنجارهای همیاری، بر میزان شادی و به طور ویژه هریک از ابعاد شادمانی (بعد احساسی، بعد اجتماعی و بعد شناختی) افزوده می شود. آبی و آندریوس (۱۹۸۵) بر این باورند که یافته های تحقیق، همبستگی بین حمایت اجتماعی و بهزیستی را تایید می کند؛ به عنوان مثال، کسانی که از روابط نزدیک بهره می برند، با استرس های مختلف مثل سوگ، از دست دادن شغل و ... بهتر کنار می آیند (هادیان فرد و مظفری، ۱۳۸۳: ۸۷).

در خصوص رابطه بین کیفیت روابط اجتماعی و میزان شادی، یافته ها حاکی از تایید رابطه است؛ به عبارت دقیق تر، افزایش کیفیت روابط اجتماعی (پیوندهای ذهنی بین افراد)، افزایش میزان احساسات مثبت، علائق و علائم مثبت اجتماعی و رضایت از زندگی را به همراه دارد. داینر و بیسواس داینر (۱۳۹۱) به این نکته اشاره می نمایند که توانایی ما در مواجهه با لحظات دشوار زندگی تنها با حمایت هیجانی و غمخواری عزیزانمان حاصل می شود (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۷۸). علاوه بر این، باتسون (۱۹۸۷) معتقد است که کمک به دیگران در موقع پریشانی، تجربه نوع دوستی ایجاد می کند که منبعی از هیجان مثبت است (آرگایل ۱۳۸۶: ۱۲۳).

طبق نتایج این پژوهش، هرچقدر جوانان به میزان بیشتری با دوستان، خانواده و... رابطه یا تعامل داشته باشند، به میزان بیشتری از گرایشات مثبت اجتماعی، ارزیابی مثبت از زندگی و به طور کلی شادی بیشتری برخوردار خواهند بود و در عین حال هرچقدر افراد جوان دارای علائق مثبت اجتماعی و رضایت از زندگی بیشتری باشند، به میزان بیشتری با دیگران رابطه برقرار خواهند کرد. در اندیشه داینر و بیسواس داینر، بودن با مردم مفرح است. به عنوان مثال، شوخی و مزاح محصول تعامل اجتماعی هستند. آیا تا به حال توجه کرده اید که می توانید دیگران را سرحال بیاورید، اما نه خودتان را. به اشتراک گذاشتن تجارب با دیگران، لذت ما را از فعالیت ها افزایش می دهد (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۸۰). هودلر و کلمن در سال ۲۰۰۷ دریافتند که

روابط اجتماعی ارتباط قابل توجهی با شادی دارد. مایرز (۱۳۸۸) می نویسد: "بر اساس نظارت کارشناسان، ما انسان ها دارای ویژگی هایی هستیم که روان شناسان اجتماعی از آن به عنوان نیاز گسترده به تعلق یاد می کنند و با داشتن دوستی های نزدیک و یا یک ازدواج متعهدانه، می توانیم به آنچه که از آن به عنوان احساس خوشحالی زیاد یاد می شود، دست پیدا کنیم".

در مجموع، می توان نتیجه گرفت که فرضیه کلی پژوهش مبنی بر رابطه میزان شادی و سرمایه اجتماعی در سطح معناداری ۰/۰۰ تایید می گردد. لازم به ذکر است که این نکته در مورد رابطه میزان شادی و هر یک از ابعاد شادی نیز قابل مشاهده است. این رابطه مؤید مباحث و نظرات اندیشمندان و پژوهشگران متعددی از قبیل گیدنز، چلبی، آرگایل، طرفداران نظریه شبکه، پوتنام، داینر و بیسواس داینر، دیماتو، کاکس، ترنر و... مبنی بر وجود رابطه میان شادی و سرمایه اجتماعی است. اکبرزاده و همکاران ۱۳۹۲ به این نکته اشاره می کنند که رشد سرمایه اجتماعی در شبکه روابطی که میان کنشگران برقرار می شود، فرصت های ویژه ای را برای همه کنشگران حاضر و فعال در آن شبکه پدید می آورد. این کنشگران می توانند با بهره گرفتن از این فرصت ها و نیز پشته های همان روابط، هدف های شخصی خود را در شبکه روابط و در جمع، پیگیر شوند. این فرصت ها، قابلیت ها و توانمندی های فردی آنان را در تحقق اهدافشان ارتقا می بخشد و احتمال موفقیت آنان را افزایش می دهد. بدین طریق می توان گفت که سرمایه اجتماعی و افزایش آن به گونه ای که در تحقیقات نیز آمده است باعث ایجاد و افزایش شادمانی در افراد می گردد.

پیشنهادهای

- انجام پژوهش های جداگانه برای مطالعه تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل در گروه های سنی مختلف به منظور غنای بیشتر نتایج پژوهش و تبیین تشابهات یا تفاوت ها در میان اقشار گوناگون در زمینه شادی و عوامل موثر بر آن ؛
- ضرورت انجام پژوهش های دیگری در این زمینه بر پایه استفاده از آرای سایر نظریه پردازان و محققان با تکیه بر متغیرهای واسطه به منظور رسیدن به شناخت بهتر و بیشتری در مورد پدیده مورد مطالعه.

منابع

- اکبرزاده، فاطمه؛ دهقانی، حمید؛ خوشفر، غلامرضا و جانعلی زاده چوب بستی، حیدر (۱۳۹۲) "بررسی تاثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان". جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و چهارم، شماره پیاپی (۴۹)، شماره اول.
- انصاری، ابراهیم؛ غضنفری، احمد؛ فرهنگیان، مینا و مکوندی، آریتا (۱۳۹۲) "بررسی عوامل موثر بر شادی در محیط کار شرکت ملی حفاری ایران". فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. سال ۷، شماره ۲۰.
- ایمان، محمدتقی، مرادی، گلرمد، حسینی رودبارکی، سکینه (۱۳۸۷) «بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی و سلامت روانی دانشجویان غیربومی دانشگاه های تهران و شیراز». رفاه اجتماعی. سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.
- آرگایل، مایکل (۱۳۸۶) روان شناسی شادی. فاطمه بهرامی و دیگران. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان
- بابایی، غلامرضا و خویی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۹) "مشهد پژوهی"، دو فصلنامه شورای اسلامی شهر مشهد. سال سوم، شماره ۵.
- باقری خلیلی، علی اکبر (۱۳۸۶) "شادی در فرهنگ و ادب ایرانی". فصلنامه مطالعات ملی. سال هشتم، شماره ۲.
- بخشی پور رودسری، عباس، پیروی، حمید و عابدیان، احمد (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان». فصلنامه اصول بهداشت روانی. سال هفتم، شماره ۲۷ و ۲۸.
- بهزاد، داود (۱۳۸۱) "سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان. رفاه اجتماعی". شماره ۶.
- پناهی، محمدحسین و دهقانی، حمید (۱۳۹۱) «بررسی عوامل موثر بر شادی دانشجویان با تاکید بر مشارکت اجتماعی». جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و سوم، شماره پیاپی (۴۷)، شماره سوم.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴) "مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی". نامه ی علوم اجتماعی. شماره ۲۶.
- جعفری، ابراهیم میرشاه، عابدی، محمدرضا و دریکوندی، هدایت اله (۱۳۸۱) "شادمانی و عوامل موثر بر آن". تازه های علوم شناختی. سال ۴، شماره ۳.
- جلیلیان، فرشته (۱۳۸۶) «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان درگیری در اعتیاد در بین جوانان ۱۸-۳۵ سال مراکز ترک اعتیاد شهر تهران». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته ی جامعه شناسی، دانشگاه الزهرا.
- چلبی، مسعود و موسوی، محسن (۱۳۸۷) "بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان". مجله جامعه شناسی ایران. دوره نهم، شماره ۱ و ۲.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳) چارچوب مفهومی: پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان. تهران: طرح های ملی وزارت و ارشاد اسلامی
- حسین پور، جعفر (۱۳۸۹) "بررسی رابطه میزان مصرف رسانه و میزان سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی". پایان نامه دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی.

- حسین پور، جعفر و معتمد نژاد، کاظم (۱۳۹۰) «بررسی رابطه میزان مصرف رسانه‌ها و میزان سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی». فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۶.
- خنیفر، حسین، بردبار، حامد و فروغی قمی، فریبا (۱۳۹۱) "بررسی رابطه بین سبک هویتی دانشجویان با شادی و ارائه راهکارهای عملی برای ارتقای شادی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران)". فرهنگ در دانشگاه اسلامی. سال دوم، شماره ۱.
- خوشاوی، فاطمه (۱۳۹۰) «رابطه هویت دینی با شادمانی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان نجف‌آباد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی آموزش بزرگسالان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بهشتی.
- داینر، اد و بیسواس داینر، رابرت (۱۳۹۱) شادی ثروت بیکران روان‌شناختی. حسن عبدالله زاده، طاهر محبوبی، معصومه باقر زاده. تهران: انتشارات آذین مهر.
- دهقانی نژاد، حمید (۱۳۹۰) «رابطه مشارکت اجتماعی و شادی دانشجویان». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ربانی، رسول، ربانی، علی، عابدی، محمدرضا و گنجی، محمد (۱۳۸۶) فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان. مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۳(۸)
- ربانی، علی، ربانی، رسول و گنجی، محمد (۱۳۹۰) "رویکردی جامعه‌شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان". فصلنامه مسائل اجتماعی ایران. سال دوم، شماره ۱.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۱) "فردوسی و هویت شناسی ایرانی (مجموعه مقالات درباره‌ی شاهنامه ی فردوسی)". تهران: انتشارات طرح نو
- رسولی، محمدرضا و پاک‌طینت، داود (۱۳۹۰) بررسی نقش رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد. فصلنامه فرهنگ ارتباطات. سال اول، شماره اول.
- رضوی زاده، ندا، نوغانی، محسن و یوسفی، علی (۱۳۹۱) "رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد". مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. ۵۱-۲۵
- رنجبر، مهناز (۱۳۹۱) «بررسی جامعه‌شناسی شادکامی با تاکید بر رویکرد نظریه بازکاوی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا.
- ریاحی، محمد اسماعیل، وردی نیا، اکبرعلی و پور حسین، سیده زینب (۱۳۸۹) بررسی رابطه حمایت اجتماعی و سلامت روان. رفاه اجتماعی. سال دهم، شماره ۳۹.
- زارعی متین، حسن، بحیرانی، صدیقه و افتخاری غریب دوستی، ثریا (۱۳۹۰) بررسی تاثیر شخصیت در میان دانشجویان، فرهنگ در دانشگاه اسلامی. سال دوم، شماره ۱.
- سرشار، مرضیه (۱۳۸۸) "شادی و نشاط در فرهنگ ایرانی". رشد علوم اجتماعی. دوره دوازدهم، شماره ۳.
- سلطانی، طاهره و جمالی، مزده (۱۳۸۷) "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی، مورد مطالعه: دانشگاه شیراز". فرایند مدیریت و توسعه. شماره ۶۹-۶۸.
- طریقه دار، ابوالفضل (۱۳۸۳) شرع و شادی (دیدگاه‌های فقهی درباره رقص، دست زدن و شادی). قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی حضور

- کار، آلن (۱۳۸۷) روان‌شناسی مثبت (علم شادمانی و نیرومندی های انسان). حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی زند. تهران: انتشارات سخن
- کامران، فریدون، ارشادی، خدیجه (۱۳۸۸) «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی شبکه و سلامت روان». فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال دوم، شماره سوم.
- گروسی، سعیده و شبستری، شیما (۱۳۹۰) «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در بین زنان سرپرست خانوار در شهر کرمان». مطالعات اجتماعی ایران. سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳).
- گنجی، محمد (۱۳۸۷) «تحلیل عوامل جامعه‌شناختی موثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان». پایان‌نامه دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) پیامدهای مدرنیته. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- مایرز، دیوید (۱۳۸۷) فرهنگ و اجتماع: راز شادمانی. علوم سیاسی: سیاحت غرب. شماره ۶۰.
- مایرز، دیوید (۱۳۸۸) «راز شادمانی». میان رشته ای: مکاتبه و اندیشه. شماره ۳۳.
- مظفری، شهباز و هادیان فرد، حبیب (۱۳۸۳) «مروری بر شادمانی و همبسته های آن». حوزه و دانشگاه شماره ۴۱.
- میرزا بیگی، نازنین (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و اخلاق شهروندی در جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
- نوریان نجف آبادی، محمد و جهانگیر، نرجس (۱۳۹۰) «رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و سلامت روانی (مطالعه موردی: معلمان شهرستان تیران و کرون)، جامعه‌شناسی تاریخی» دوره ۳، شماره ۲.
- نیازی، محسن، شفائی مقدم، الهام و شادفر، یاسمن (۱۳۹۰) «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال (۱ و ۲) و جنوب (۱۹ و ۲۰)». فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. سال دوم، شماره سوم.
- هزارجریبی، جعفر و آستین فشان، پروانه (۱۳۸۸) «بررسی عوامل موثر بر نشاط اجتماعی (با تاکید بر استان اصفهان)» جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیستم، شماره پیاپی (۲۳)، شماره ۱.
- Bartolini, Stefano, Bilancini, Ennio, Pugno, Maurizio (2013) "Did the Decline in Social Connections Depress Americans' Happiness?". Social Indicators Research. Volume 110, Issue 3, pp 1033-1059
- Bjørnskov, Christian (2008) "Social Capital and Happiness in the United States". Applied Research in Quality of Life. Volume 3, Issue 1, pp 43-62
- Hasnain, N ؛ Ansari, Shadab Ahmad and Samantray, Snigdha (2011) «Spirituality and Happiness as Correlates of Well-being in Religious Women». European Journal of Social Sciences. Volume 20, Number 3:431-442
- Holder, Mark D and Coleman, Ben (2007) " The Contribution of Social Relationships to Children's Happiness ". J Happiness Stud. 10:329-349
- Kim, Sanghag (2011) "Sociological studies on happiness in cross-national contexts: effects of economic inequality and marriage". University of Iowa: Theses and Dissertations: Iowa Research Online.

- Leung, Ambrose ؛Kier, Cheryl ؛Fung, Tak ؛Fung .Linda and Sproule, Robert“(2011) «**Searching for Happiness: The Importance of Social Capital**“. J Happiness Stud ،12:443-462
- Lin, Jin-Ding ؛Lin .Pei-Ying and Wu, Chia-Ling (2011) «**Wellbeing perception of institutional caregivers working for people with disabilities: Use of Subjective Happiness Scale and Satisfaction with Life Scale analyses.**» Research in Developmental Disabilities 31، 1083-1090
- Miller, Evonne & Buys, Laurie (2008) “**Does social capital predict happiness, health and life satisfaction in an urban Australian community?**”. Kōtuitui: New Zealand Journal of Social Sciences Online, 3(1)
- Ram, Rati (2010) “**Social Capital and Happiness: Additional Cross-Country Evidence**”. Journal of Happiness Studies. Volume 11, Issue 4, pp 409-418
- Rodríguez-Pose, Andrés, Berlepsch, Viola von (2014)Social “**Capital and Individual Happiness in Europe**”. Journal of Happiness Studies. Volume 15, Issue 2, pp 357-386
- Sharma, Anita and Malhotra, Dalip (2010)“**Social-Psychological Correlates of Happiness in Adolescents**”. European Journal of Social Sciences. Volume 12, Number 4
- Turner, Bryan (2003) " **Social Capital, Inequality and Health: the Durkheimian Revival**". Social theory and health. Volume 1, Number 1
- Woolcock, Michael (1998) "**Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework**" Theory and Society. 27: 151-208



بررسی مهاجرت نخبگان علمی در ایران

علی اصغر اسماعیل زاده^۱

غلامرضا ذاکر صالحی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۸

مقاله حاضر، تلاشی است برای تحلیل مجدد مجموعه ای از پژوهش های مربوط به مسئله مهاجرت نخبگان و نقدی بر آنچه تا کنون در این زمینه در ایران انجام شده است. استفاده از برآیند یافته های پژوهش های مختلف، جمع آوری یافته های پژوهشی از مطالعات منفرد و پراکنده به منظور ترکیب و یکپارچه سازی یافته های آن جهت استفاده علمی و کاربردی در راستای برنامه ریزی، از مهم ترین دلایل اهمیت مرور سیستماتیک حاضر است. در این مطالعه که با روش مرور سیستماتیک انجام شده، اطلاعات توصیفی مفیدی پیرامون ابعاد روش شناختی و محتوایی پژوهش های انجام گرفته در زمینه مهاجرت نخبگان در ایران ارائه شده است. نتایج نشان می دهند که پژوهش های انجام شده در این مورد، در ابعاد روش شناختی و نظری نیاز به ساماندهی دارد و کمتر پیمایش جدی در این زمینه صورت گرفته است. پیمایش ها بیشتر درصدد سنجش گرایش نخبگان داخل به مهاجرت بوده و کمتر به نخبگان مهاجرت کرده پرداخته و این از جمله خلاء های مطالعاتی در حوزه مهاجرت نخبگان است.

واژگان کلیدی: مرور سیستماتیک، مهاجرت نخبگان، فرار مغزها و ایران

مقدمه

مسئله بزرگ پیش رو برای توسعه منابع انسانی در جوامع دولت های غیر صنعتی، از دست دادن استعداد های انسانی از طریق "فرار مغزها" است (ژویگ، ۲۰۰۸). متغیرهایی همچون: ناتوانی سیاسی، تفاوت ها در سطح دستمزد، امکانات پژوهشی اندک، گرفتاری های خانوادگی، آموزش فرزندان و پاداش های مربوط به کار، از جمله عوامل احتمالی هستند که می توانند دانش آموخته های کشورهای جهان سوم را برای خروج از سرزمین مادری شان ترغیب کنند. وقتی صحبت از اصطلاح "مهاجرت نخبگان" می شود، ابتدا به فکر واژه هایی همچون: "فرار مغزها"، "فرار نخبگان" و "فرار سرمایه ها" می افتیم؛ بدین معنی که در نگاه اول، عده ای با نگاهی بدبینانه، مهاجرت کنندگان به ویرای مرزها را خائن به وطن و طماع تلقی می کنند و در نگاه دوم، عده ای مهاجرت و چرخش مغزها را خصلت خاص جهانی شدن اطلاعات و دانش - محور شدن جوامع می دانند. لذا به نظر می رسد که موضوع مهاجرت نخبگان پدیده ای چند وجهی باشد، زیرا در عصر حاضر نمی توان از فرار مغزها و مهاجرت نخبگان به عنوان مقوله ای ذاتا منفی نام برد، بلکه باید فرصت های ناشی از امکان مهاجرت را شناسایی و بهره برداری نمود. این نوع نگاه در "نظریه جهانی شدن" نیز مورد نظر بوده است، زیرا نظریه جهانی شدن معتقد است که جهانی شدن به ویژه "جهانی شدن بازار کار"، فرصت های جدیدی را برای استفاده بهتر از نیروی انسانی متخصص در مقیاس جهانی فراهم آورده و دسترسی متخصصان کشورهای در حال توسعه را به بازار کار پیشرفته صنعتی به مراتب افزایش داده است (محمدرضا الموتی، ۱۳۸۳: ۲۱۰). بنابراین ضروری است تا موضوع "مهاجرت نخبگان" را از زوایای مختلف بررسی نمود.

در بررسی موضوع از نگاه اول، مهاجرت نخبگان و "فرار مغزها"، کشور را از یک سرمایه ملی که در واقع می تواند در خدمت توسعه کشور باشد بی بهره می کند، زیرا سرمایه انسانی عامل مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی، پرکردن شکاف عمیق تکنولوژیکی، کاهش نقش مزیت نسبی طبیعی و افزایش نقش مزیت نسبی اکتسابی کشورهای در حال توسعه، محسوب می شود. به همین منظور سهم قابل توجهی از منابع آنها صرف آموزش نیروی انسانی می شود. اما زمانی که باید سرمایه انسانی مورد بهره برداری قرارگیرد، به شکل "فرار مغزها" خارج شده و زیان جبران ناپذیری متوجه کشورهای در حال توسعه می کند. در این خصوص برابر برخی گزارش ها، هر ساله ۱۸۰ هزار تحصیل کرده به عناوین مختلف از ایران خارج می شوند. صندوق بین المللی پول در آماری نشان داد که ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته جهان، مقام اول را دارد. طبق این آمار، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیل کرده برای خروج از ایران اقدام می کنند (داورزنی، ۱۳۸۵). براساس برآوردهای موجود، بیش از دو و نیم میلیون نفر ایرانی در ۳۲ کشور خارجی زندگی می کنند که از این عده یک و نیم میلیون نفر در آمریکای شمالی و نیم میلیون نفر در اروپا زندگی می کنند (محمدرضا الموتی، ۱۳۸۳: ۱۲۳). در خلال سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ از تعداد ۴۰۰۰ دانشجوی اعزامی به خارج، بیش از ۸۰۰ نفر از ایفای تعهدات خود امتناع ورزیده که خسارت ناشی از فقدان حضور این دسته از دانش آموختگان در کشور که اغلب سرمایه های فکری کشور محسوب می شوند، حتی در صورت اخذ وثیقه نیز جبران نمی شود. لذا موضوع نخبگان و بهره برداری از سرمایه انسانی آنان، موضوعی پیچیده و چند وجهی است. چند وجهی بودن مسئله مهاجرت نخبگان باعث می شود که هیچ تک عاملی را نتوان به عنوان عامل مؤثر بر پدیده مهاجرت مغزها معرفی نمود، بلکه مجموعه ای از عوامل در کنار یکدیگر و در تعامل با هم در تعیین الگوی مهاجرت مؤثر هستند (فرجادی، ۱۳۸۰).

در کنار پیچیدگی و چند وجهی بودن موضوع مهاجرت نخبگان، مشکل دیگری را نیز باید در ارتباط با آن

به آن افزود و آن اینکه ما آمار دقیقی درباره افرادی که کشور را ترک می کنند، نداریم. همچنین نمی دانیم پس زمینه آنها چیست؟ چه مدت قصد دارند که در جاهای دیگر بمانند؟ آنها کجا می روند و چرا؟ (کوهل، ۲۰۰۷). در کشور ما، سامانه مشخص آماری-اطلاعاتی، تصمیم سازی و تصمیم گیری در زمینه حفظ و جذب نیروی انسانی نخبه موجود نیست (ذاکر صالحی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). علاوه بر مشکلات فوق، پیمایش ها در مورد فرار مغزها نیز نادر هستند (کوهل، ۲۰۰۷).

به طور کلی، فرار مغزها بیشتر کشورهای جهان سوم را در بر گرفته است، اما در بعضی از کشورها میزان آن بالاست. جریان مهاجرت بین المللی افراد متخصص از کشورهای در حال توسعه (مبدأ) به کشورهای توسعه یافته (مقصد) در دو دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است (طیعی، ۱۳۹۰: ۷۴). کشور ما نیز از جمله کشورهایی است که به طور مشخص از دههٔ چهل شمسی روند آن شروع شده و هر ساله بر میزان آن افزوده می شود. گرچه در طول سال های اخیر، برنامه هایی برای جلوگیری از فرار مغزها توسط سازمان های مختلف از جمله وزارت علوم به اجرا درآمده، اما چنین برنامه هایی محدود، مقطعی و بدون نیازسنجی بوده و در نتیجه، توان مقابله و جلوگیری از این مسئله و رضایت نخبگان را نداشته و در روند مهاجرت آنها تاثیر بسیار ناچیزی داشته است. یافتن راهی برای خروج از این پدیده، مستلزم پژوهش و سرمایه گذاری عظیم مادی و معنوی در این بخش بسیار مهم است و عدم توجه کافی به این مسئله خسارات جبران ناپذیری را به بار می آورد. در زمینه چرایی و چگونگی مهاجرت فرهیختگان در ایران چند پژوهش صورت گرفته است، اما خلأ یک تحقیق جامع که به دسته بندی علت ها و کم و کیف فرار مغزها پرداخته باشد احساس می شود؛ پژوهشی که از طریق آن بتوان دلایل دانش آموختگان و استادانی را که از کشور خارج می شوند، دسته بندی کرد تا از آن طریق راهکارهای مناسب برای جلوگیری از این پدیده را یافت. اجرای طرح های مطالعه سیستماتیک می تواند با شناسایی نقاط انفصال و انقطاع پژوهش ها، آنها را با یکدیگر ترکیب کند و از این طریق علاوه بر استفاده و بکارگیری نتایج طرح ها، زمینه مناسبی برای دستیابی به سوی دانشی بومی پدید آورد، ضعف های دیگر پژوهش ها را شناسایی و ترمیم نماید و به طی روند مطلوب فرایند بهینه سازی تحقیقات کمک کند. تحقیق حاضر، تلاشی است برای تحلیل مجدد مجموعه ای از پژوهش های مربوط به مسئله فرار مغزها و نقدی بر آنچه تا کنون انجام شده است. استفاده از برآیند یافته های پژوهش های مختلف، جمع آوری یافته های پژوهشی از مطالعات منفرد و پراکنده به منظور ترکیب و یکپارچه سازی یافته های آن جهت استفاده علمی و کاربردی در راستای برنامه ریزی، از مهمترین عواملی است که موجب اهمیت انجام تحقیق حاضر شده است. از طرف دیگر، مطالعه روش شناختی این پروژه ها می تواند نقاط ضعف و قوت کارهای پژوهشی مربوط به مهاجرت نخبگان را در کشور نشان دهد تا از یک سو، با تحلیل روش شناسانه، در بهینه سازی کارهای پژوهشی تلاش شود و از سوی دیگر، با مرور سیستماتیک یافته ها، امکان ارائه نتایج برای برنامه ریزان سازمان های اجرایی کشور از جمله: وزارت علوم و بهداشت درمان، آموزش پزشکی، بنیاد ملی نخبگان و وزارت کار و امور اجتماعی، فراهم آید.

بدین ترتیب، سئوالات این پژوهش به قرار زیر است:

ارزیابی پژوهش ها از نظر روش شناختی چگونه است؟

پژوهش های انجام یافته از چه مبانی نظری و تجربی و مدل مفهومی در تحقیقات خود سود جسته اند و میزان ارتباط چارچوب های نظری آنها با موضوع اصلی به چه میزان است؟
دلایل و عوامل موثر بر مهاجرت خارجی نخبگان از نظر این پژوهش ها کدام اند؟

با توجه به تحقیقات انجام شده، چه موضوعات و محورهای تحقیقاتی برای حل معضل مهاجرت نخبگان برای پژوهش‌های آینده می‌توان ارائه داد؟ چه راهکارها و پیشنهادهایی را به سازمان‌های ذیربط جهت پیشگیری از پدیده فرار مغزها می‌توان ارائه نمود؟

پیشینه پژوهش

تحقیقی با عنوان "فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت" آنان توسط غلامرضا ذاکر صالحی در سال ۱۳۸۴ انجام و نتایج آن در سال ۱۳۸۶ منتشر شده است. هدف این فراتحلیل، بررسی نتایج کلی و کاربردی از طریق ترکیب منابع و مطالعاتی است که در داخل کشور در زمینه "جذب نخبگان و پیشگیری از فرار مغزها" صورت گرفته است.

این فراتحلیل که از طریق بررسی و ارزیابی ۴۸ اثر علمی مربوط به قبل از سال ۱۳۸۴ انجام شده، دو بعد روش‌شناختی و محتوایی را مدنظر قرار داده است. در بعد روش‌شناختی، نتایج نشان داد که مطالعات مورد بررسی در عین حال که انباشت خوبی از ایده‌های نظری و راهکارهای عملی را ارائه می‌کنند، دارای اشکالات و نواقص متعددی هستند؛ از جمله: عدم سازگاری بین اهداف، چارچوب نظری، روش تحقیق، نتایج و راهکارها، عدم استفاده از تکنیک‌های پیشرفته تجزیه و تحلیل و مناسب نبودن حجم نمونه.

از جنبه محتوایی نیز این فراتحلیل پس از آسیب‌شناسی مطالعات و مشخص کردن مشکلاتی چون: عدم تناسب نتایج با اهداف پژوهش، ضعف ارتباط و تناسب راهکارها با هدف تحقیق، در جستجوی تئوری مشترک و بنیادین تحقیق برآمد. در این بررسی مشخص شد ۳۹/۶ درصد طرح‌ها مبتنی بر تئوری جاذبه - دافعه و ۳۷/۴ درصد مبتنی بر آموزه‌های نظری مشابه و مرتبط با آن بوده‌اند. در درجه سوم ۱۶/۶ درصد آثار به سایر تئوری‌ها تاکید کرده‌اند که آنها نیز عمدتاً تعارضی با گروه اول و دوم نداشته و به دلیل وسعت و قابلیت فراگیری که تئوری جاذبه - دافعه دارد می‌توان از آموزه‌های آن‌ها چون مبحث "چرخش مغزها" به عنوان مکمل بهره گرفت.

در زمینه راهکارهای پیشنهادی، نتایج نشان داد که ۷۲ درصد از ۲۵۵ پیشنهاد ارائه شده، کلی و تنها ۲۸ درصد آنها ماهیت اجرایی دارند. منابع فرا تحلیل شده در این مطالعه مربوط به قبل از سال ۱۳۸۴ بوده و منابع منتشر شده در شش سال اخیر را پوشش نمی‌دهد. لذا تنها پیشینه‌ای که در ارتباط مستقیم با مطالعه حاضر بود، همین مطالعه‌ای بود که توضیح داده شد.

ادیات نظری پژوهش

برای روشن شدن ابعاد مسئله مهاجرت نخبگان باید از الگوهای نظری مختلف کمک گرفت، زیرا فرار مغزها مسئله‌ای است که نمی‌توان شتاب زده با آن برخورد کرد و در تحقیقات کاربردی لازم است به مبانی نظری آن نیز توجه خاصی داشت. پدیده فرار مغزها دارای علل مختلفی است که در بخش مبانی نظری، نیازمند الگوهای نظری مختلفی برای تبیین علل آن می‌باشیم، زیرا در بررسی یک واقعیت اجتماعی، نظریه واحدی نمی‌تواند تمامی ابعاد مسئله (فرار مغزها) را تبیین نماید و هر کدام از نظریات و رویکردهای نظری بعد از ابعادی خاص از مسئله را شناسایی و تعیین می‌کنند.

نظریه نظام جهانی^۱: والرشاین سرمایه داری تاریخی را به عنوان نظامی تعریف می‌کند که در آن انباشت

بی انتهای سرمایه، هدف و غایت اقتصادی است و این سیاست اقتصادی به مبادله فرهنگی بین کشورهای پیرامون و مرکز می انجامد- این در حالی است که این مبادله ها برابر نیستند. در نتیجه این مبادله اقتصادی، جریان سرمایه خالص زیادی از کشورهای پیرامون به مرکز سرازیر می شود و فرایند فرار مغزها در واقع بخشی از فرایند کلی انباشت سرمایه از کشورهای پیرامون به مرکز محسوب می گردد. در نظریه نظام جهانی این تفاوت توسعه اقتصادی در کشورهای پیرامون و مرکز است که منجر به مهاجرت بین المللی می شود و این رابطه نامتقارن بین کشورهای مرکز و پیرامون به پیشرفت مرکز و پسرفت پیرامون می انجامد.

الگوی بین المللی و ملی: در ارتباط با مهاجرت بین المللی نیروی کار ماهر، دو الگوی بین المللی^۱ و ملی^۲ مطرح شده اند. الگوی بین المللی به وسیله جانسون^۳ (۱۹۶۵) مطرح شده است. وی فرار مغزها را تنها منعکس کننده عملکرد بازار بین المللی برای تولید یک عامل خاص- یعنی سرمایه انسانی- در نظر می گیرد. طبق نظر وی، سرمایه انسانی از مناطقی که دارای بازدهی پایین تر است، خارج می شود و به سمت مناطقی که دارای بازدهی بیشتر است جریان می یابد و انتقال تخصص هم برای کشور میزبان و هم برای کشور فرستنده، دارای سود دوطرفه است. هاری جانسون، گروبل و اسکات از طرفداران این الگو هستند. در مقابل این الگو، الگوی ملی قرار دارد. در این الگو سرمایه انسانی ماهر، جزء جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است و مهاجرت سرمایه انسانی ماهر موجب می شود که اقتصاد کشورهای در حال توسعه به پایین تر از سطح حداقل مورد نیاز سرمایه انسانی ماهر تنزل کند و با ایجاد خلأ نیروی انسانی ماهر در کشور کاهش تولید به وجود آید و در نهایت، برنامه های توسعه ر به مخاطره افکنده شوند. طرفداران این الگو به ویژه پاتکین، ایتکین، تومان و گادفری معتقدند که مهاجرت نیروی انسانی ماهر به نفع پیشرفته ترین و ثروتمندترین کشورها و به زیان کشورهای جهان سوم است (عبداللهی، ۱۹۷۹).

نظریه ساختارگرایی مهاجرت: ریچموند^۵ (۱۹۹۳) مهاجرت را به صورت یک پیوستار بین مهاجرت فعال و واکنش پذیر در نظر می گیرد که همه خانواده ها در عین حفظ درجه ای از آزادی، از استراتژی فشار پیروی می کنند. وی یک نظریه ساختاری ارائه می کند که آزادی عمل در مهاجرت به وسیله ساختارهای اجتماعی که افراد در آن قرار دارند محدود می شود. این الگو، فرد را داخل ساختار اجتماعی که فرد به آن تعلق دارد، می بیند و مهاجرت، یک واکنش انفعالی به محیط سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی که در کنترل عامل کنشگر نیست تلقی می شود. ریت (۱۹۹۵) نیز الگوی خود را براساس تعیین کنندگی عامل کنشگر در ارتباط با ساختارهای اجتماعی متمایز می کند و دو الگوی نئوکلاسیک ساختاری و ساختاربنندی را مطرح می کند. در مقابل این دیدگاه، دیدگاه فردگرایی صرف وجود دارد که بر نقش عامل کنشگر در مهاجرت تأکید دارد و بر این نظر است که عامل، یک تصمیم عقلانی را براساس ارزیابی از سود-زیان مهاجرت انتخاب می کند (غفوری و اکبری، ۱۳۷۸).

نظریه ساختاربنندی: مدل ساختاربنندی، مهاجرت را نتیجه تعامل افراد با ساختارهای اجتماعی که در آن جای دارند، در نظر می گیرد. در این دیدگاه، عاملان به عنوان موجوداتی خودآگاه و اعمال آن ها بازتولید کننده ساختارهایی است که بر آن ها تاثیر می گذارند. این ساختارهای اجتماعی نه تنها نقش بازدارنده ای بر اعمال فرد ندارند، بلکه آن ها را به انجام عملی قادر می سازند- در حالی که الگوهای ساختارگرایی و فردگرایی

1. International model
2. National model
3. Janson
4. Abdollahi
5. Richmond

تبیین های متناقضی از رفتار مهاجرت دارند و اولی از نقش ساختارها و دومی از نقش عامل غفلت می کند. الگوی مبوکانج این دو الگو را به هم پیوند می دهد (کنجانسمی و همکاران^۱، ۲۰۰۷).

در نوع نگرش و جهت گیری شناختی و مدیریتی نسبت به خروج نیروی متخصص از کشورها، به طور کلی سه رویکرد اساسی ارائه شده است: رویکرد نخست، شکار مغزهاست که یک رویکرد مارکسیستی محسوب می شود. در این رویکرد، روش تحلیل برون نگر، کششی مدار، یک سو نگر و تقلیل گراست و معتقد است که مهاجرت، فرایندی نیت مند و داوطلبانه نیست، بلکه پاسخی است که از محدودیت های شغلی و سکونت ناشی می شود. ماهیت تصمیم گیری، عقلانی نیست و ناشی از اثر تهدید و فشار سیاسی و اقتصادی است که این تهدیدات عمدتاً ریشه خارجی دارند. رویکرد دوم، فرار مغزهاست. در این رویکرد، مهاجرت متخصصان محصول نقش آفرینی و تعامل مستقیم و غیرمستقیم عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است و این فرایند با فقدان نظام آموزشی و نبود سیاست کارآمد نیروی انسانی در کشور توسعه نیافته تقویت می شود (طایفی، ۱۳۸۰: ۸). پیامد این رویکرد، کندی رشد کشورهای فرستنده است. رویکرد سوم، چرخش مغزها^۳ است. در این رویکرد، مهاجرت ماهران به معنی سرمایه گذاری بالقوه است، نه از دست دادن آن ها و دانشمندان و تحصیل کرده ها که به خارج مهاجرت می کنند، به عنوان منابع انسانی آموزش یافته در فعالیت های حرفه ای و در شرایط بهتر از آن چه که در کشور مبدأشان به آن ها ارائه می شده است مشغول اند. اگر کشور مبدأ بتواند از این منابع که به وسیله سرمایه های دیگران شکل گرفته و کامل شده، استفاده کند، نسبت به قبل چیزهای بیشتری به دست خواهد آورد.

نظریه جهانی شدن: الگوی دیگر، نظریه جهانی شدن است که می توان آن را به عنوان گسترش روابط اجتماعی در سطوح جهانی تعریف کرد. همان روابط که موقعیت های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می دهد که هر رویداد محلی تحت تاثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد، شکل می گیرد. جهانی شدن با فرایند نوگرایی هم زمان است و از این رو، آغاز آن به قرن شانزدهم بر می گردد. جهانی شدن، شامل فرایندهای نظامند کردن اقتصاد، روابط بین الملل در بین دولت ها و ظهور یک فرهنگ یا آگاهی جهانی است. این فرایند در طول زمان تشدید شده و در حال حاضر، در سریع ترین مرحله توسعه خود است. آشکار این کار، جریان مهاجران اقتصادی از بخش های نسبتاً کم رونق به بخش های نسبتاً پرونق است. مهاجرت متخصصان به کشورهای توسعه یافته، بطور عام و به آمریکا، به طور خاص نتیجه افزایش تعامل جهانی و نابرابری جهانی پایدار میان ملت ها که هر دو بازتاب روند جهانی شدن هستند، می باشد. از یک طرف، با شدت گرفتن فرایند جهانی شدن، روابط بین کشورها بویژه بین جهان در حال توسعه و جهان توسعه یافته تقویت می شود و از طرف دیگر، این فرایند می تواند اختلاف کلی کشورها را از لحاظ توسعه یافتگی استمرار بخشد. گسترش ارتباطات جهانی و نابرابری میان کشورها، اختلافات موجود بین آنها و در نتیجه، مهاجرت متخصصان به کشورهای توسعه یافته و بویژه به ایالات متحده را توضیح می دهد (طیبی نیا، ۱۳۸۰). نظریه جاذبه-دافعه^۴: براساس نظریه موبوگنج (۱۹۷۰) افراد اغلب تحت تاثیر عوامل جاذب نقاط مهاجرپذیر و عوامل دافع نقاط مهاجرفرست اقدام به مهاجرت می کنند. به عبارت دیگر، مطابق این نظریه، مجموعه ای از علل و عوامل محیطی اعم از درون مرزی و برون مرزی به عنوان علل کششی و رانشی، منجر به تغییر روند، گسترش و تداوم مهاجرت نیروهای متخصص از کشور می شوند (لهسائی زاده، ۱۳۳۸). اورت لی، نظریه خود

1. Kangasniemi et al
2. Hunting brain
3. Brain circulation
4. Pull-push factors

را با ارائه تعریف وسیعی از مهاجرت شروع می کند و مهاجرت را تغییر دائمی یا تقریباً دائمی محل اقامت می داند و معتقد است که صرف نظر از کوتاهی یا دوری مسافت، سهولت یا صعوبت کار، هر عمل مهاجرت حاوی سلسله موانع دخالت کننده است. او چهار عامل را در مهاجرت نخبگان موثر می داند: الف) عوامل مرتبط با کشور مبدأ مهاجرت؛ ب) عوامل مرتبط با کشور مقصد مهاجرت؛ ج) موانع دخالت کننده؛ د) عوامل شخصی. او معتقد است که هر یک از منطقه ها و کشورها دارای عوامل مثبت، منفی و خنثی هستند که مردم را از آن محل دور، جذب و یا بی تفاوت می کنند و اثر هر یک از این عوامل بنابر شخصیت و خصوصیات فردی از جمله: سن، تحصیلات، سطح مهاجرت، جنس، نژاد و گروه های قومی متفاوت خواهد بود. بنابراین، مجموعه عوامل مثبت، منفی و خنثی برای افراد مختلف (هم در مبدأ و هم در مقصد) متفاوت خواهد بود. اما مجموعه عواملی وجود دارد که اکثر مردم نسبت به آنها واکنش یکسانی دارند؛ نظیر مزدهای بالاتر، فرصت های شغلی بیشتر، تسهیلات رفاهی بهتر، انتظارات و مخاطرات که از دیدگاه اورت لی نیز شناخت عوامل مثبت و منفی مقصد نیز به عنوان عنصر مهمی در فرایند مهاجرت محسوب می گردد و وجود تماس های مشخص خانوادگی و قومی در مقصد و چگونگی آن می تواند تاثیر مهمی در این شناخت بگذارد.

با استفاده از این نظریه، عوامل موثر رانشی و کششی را می توان به شرح زیر فهرست نمود (طایفی، ۱۳۸۰؛ سلجوقی، ۱۳۸۰؛ صالحی، ۱۳۷۱):

الف) عوامل رانشی که در برگیرنده مؤلفه های چون: شرایط نامطلوب اقتصادی، تحولات سیاسی، کم توجهی به امور پژوهشی و تحقیقی، رقابت پذیری پایین و عدم انطباق سطوح استانداردهای زندگی کشور با معیارهای جهانی، بحران اشتغال، پایین بودن دستمزدها در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، رشد جمعیت کشور، ضعف سیستم آموزشی در دانشگاه ها، پایین بود سطح تکنولوژی، عدم برنامه ریزی در جذب نخبگان، کاهش شأن و منزلت اجتماعی نخبگان و وضعیت اجتماعی زنان است.

ب) عوامل کششی که شامل مؤلفه های چون: افزایش سهمیه اتباع کشورهای آسیایی، امکانات صنعتی کشورهای پیشرفته، امید به آینده بهتر، دسترسی به فرصت های آموزشی بهتر، درآمد بالاتر فعالیت های پژوهشی، جذابیت های زندگی مدرن، دسترسی آسان به فرصت های شغلی، میل به ثبات سیاسی، کاهش فاصله اطلاعاتی و جهانی شدن می باشد.

نظریه تضاد: در نظریه تضاد، پدیده مهاجرت را باید در چارچوب مفاهیم سرمایه داری جهان و توسعه نیافتگی جستجو نمود. از این منظر، مهاجرت از یک سو، معلول توسعه نابرابر و از سوی دیگر، عامل گسترش و تعمیق نابرابری در جامعه است. لذا تا زمانی که وضعیت نابرابر میان شهر و روستا و فقیر و غنی در کشورهای عقب مانده و توسعه نیافته از بین نرود، تقلیل یا به حداقل رساندن مهاجرت امکان پذیر نیست. نظریه سرمایه انسانی: نظریه سرمایه انسانی که در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد، از دیدگاه برخی تحلیل گران برای نیروی انسانی پرورده بسیار مناسب است. این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی پرورده مانند سرمایه مالی برای دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگری می رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشند. بنابراین، تصمیم گیری افراد متخصص به کوچ، به مثابه نوعی تصمیم گیری برای سرمایه گذاری و بهره برداری از آن تلقی می شود (حسینی نژاد، ۱۳۸۲). اما این نگرش، مهارت انسانی را صرفاً به عنوان کالایی اقتصادی می انگارد و از تبیین جنبه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فرار مغزها باز می ماند. به ویژه این که مهاجرت را تنها در سطح جامعه شناسی خرد می نگرد و جنبه های کلان جامعه شناختی را مورد توجه قرار نمی دهد.

نظریه انتقال معکوس فناوری: نگرش دیگر، تلقی فرار مغزها به مثابه «انتقال معکوس فناوری»^۱ است. تحلیل گران آنکتاد (کنفرانس بازرگانی و توسعه سازمان ملل متحد) در سال ۱۹۷۴ قضیه فرار مغزها را بصورت پارادایم «انتقال معکوس فناوری» بازشناسی کردند. روشن است که منظور کارشناسان سازمان ملل متحد این است که کشورهای پیشرفته صنعتی در برابر دستگاه های ماشینی و کالاهای فنی که کشورهای جهان سوم می فروشند، گرانبهاترین پاداشی که بدست می آورند مغزهای پرورده و نیروهای ماهر این کشورها است. این فرضیه در حالی که نقادانه و واقع بینانه به نظر می رسد و گوشه چشمی به روابط نابرابر و غیرعادی کشورهای ثروتمند با کشورهای کمتر توسعه یافته دارد و بطور مستقیم بر پیچیده تر شدن محرومیت کشورهای فرستنده نیروی انسانی آزموده توجه می کند، نمی تواند تبیین کننده همه الگوهای فرار مغزها باشد که اکنون در جهان جریان دارد.

تئوری های یاد شده، برخی از مهم ترین تئوری ها در تبیین مهاجرت نخبگان هستند. ارائه این تئوری ها در کنار یکدیگر می تواند امکان تلفیق و ترکیب عناصر و مفاهیم سازگار آنان را فراهم نموده و ما را در دستیابی به یک نظریه جامع تر یاری رساند.

یکی از اهداف مطالعه حاضر نیز این است که میزان استفاده و سهم هر یک از تئوری ها را در نمونه های تحقیق - مطالعات بررسی شده در تحقیق حاضر - مورد بررسی قرار دهد. به عبارتی، تئوری های یاد شده، چه وزنی در تبیین مهاجرت نخبگان دارند و کدام یک از تئوری ها مورد استفاده بیشتری قرار گرفته اند؟ کدام تئوری از قدرت تبیین بالاتری نسبت به سایر تئوری ها برخوردارند؟

روش شناسی پژوهش

این مقاله، نوعی مطالعه مروری است. به طور کلی، دو دسته مقاله مروری وجود دارد: "مرور نقلی"^۲ و "مرور سیستماتیک"^۳. "مرور نقلی" روشی سنتی است و با توجه به اینکه یک فرایند ذهنی است، مستعد خطا و تورش می باشد و فقط در مواردی که شواهد و داده های محدودی موجود باشد، ارزشمند خواهد بود. در مرور سیستماتیک، با شناسایی دقیق، منظم و برنامه ریزی شده تمام مطالعات مرتبط می توان نقد عینی تری انجام داد و به مشکلات مربوط به مرور نقلی فائق آمد. روش مورد استفاده شده در مقاله حاضر، از نوع مرور سیستماتیک می باشد.

آنچه مرور سیستماتیک را ارزشمند می سازد، آن است که به یک توان بالا از برآورد مورد نظر می رسیم، زیرا بسیاری از مطالعات به علل گوناگون (مثلا حجم نمونه ناکافی) از قدرت تفسیر مناسبی برخوردار نیستند؛ اما مرور سیستماتیک و متاآنالیزی که اغلب متعاقب آن انجام می شود، با ترکیب کردن مطالعات به حجم نمونه بالاتری می رسد و لذا می تواند با توان بالاتری آنها را بررسی کند و در نهایت، نتیجه گیری بهتری ارائه دهد.

در این مطالعه، تحقیقات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان در ایران بررسی و اطلاعات مورد نیاز در دسته بندی موضوعی، روش شناسی یافته ها و پیشنهادها و راهکارها ارائه شده مورد فراتحلیل قرار گرفت. قبل از مطالعه و بررسی متون، ابتدا کاربرگی بر اساس اهداف تحقیق طراحی شد که پس از آموزش نحوه تکمیل آن، فرم در اختیار تیم پژوهشی جهت استخراج داده های مورد نیاز از منابع مورد نظر قرار گرفت. در مطالعات اسنادی، اصولا فیش برداری از اسناد و مدارک مکتوب شیوه اصلی جمع آوری اطلاعات محسوب

1. Revers Transfer Technology
2. Narrative Review
3. Systematic Review

می شود، اما در مطالعات فراتحلیل از آنجا که چارچوب و نحوه استخراج مطالب از قبل طراحی می شود، بنابراین فیش برداری با استفاده از فیش ها یا فرم های از قبل طراحی شده انجام می شود. در تحقیق حاضر نیز براساس معیارهای مورد نظر در فراتحلیل و نیز سوالات و اهداف تحقیق، یک فرم جمع آوری اطلاعات تهیه و تدوین شد و اطلاعات مورد نظر با استفاده از آن جمع آوری شدند. اما فراتحلیل مورد استفاده در تحقیق حاضر از نوع کیفی است. از جمله دلایل انجام تحقیق حاضر در قالب فراتحلیل به صورت کیفی عبارت بودند از:

- کمبود پیشینه تحقیقات کمی در مورد مهاجرت نخبگان در ایران که این موضوع به علت نو بودن بحث در حوزه تحقیقات در ایران می باشد؛

- نبود مطالعات و پیمایش های طولی در سطح ملی و یا منطقه ای و محلی درباره مهاجرت نخبگان؛
- مشکل اعتبار در زمینه اندازه گیری، نمونه گیری و اعتبار آماری پژوهش ها و قابلیت اعتماد این گونه مطالعات؛

- تفاوت در سطح تحلیل خرد، میانه و کلان که با توجه به کمبود تحقیقات در این زمینه در ایران، کار مقایسه مشکل می گردد؛

- ضعف پژوهش هایی که در ایران به این موضوع پرداخته شده در زمینه مبانی نظری، ادبیات تجربی، جزئیات روشی و آماری مانند بحث خطاها، فرضیات آماری، درجات آزادی، سطوح معناداری، آزمون های موازی و در نهایت، عدم انسجام اجزای مختلف تحقیق و عدم حمایت آنان از یکدیگر.

جامعه آماری و نمونه تحقیق

میدان مطالعه و جامعه آماری تحقیق، پایان نامه های تحصیلی مقاطع تحصیلات تکمیلی، طرح های پژوهشی و مقالات علمی پژوهشی نوشته شده در زمینه مهاجرت نخبگان می باشند. در بررسی مقدماتی، بیش از ۸۰ عنوان اثر در زمینه مهاجرت نخبگان شناسایی شد که در این میان ۶ پروژه، ۲۸ پایان نامه، ۲۷ مقاله و ۷ کتاب که براساس شاخص هایی چون: زمان انجام اثر، جامعه شناسی بودن موضوع، مقاطع تحصیلی و رعایت حداقلی از قواعد روش شناسانه (همچون روایی و پایایی مناسب، روش نمونه گیری و روش آماری صحیح، فرضیه ها و سوال های مناسب با موضوع پژوهش) چارچوب لازم برای بازنگری را دارا بودند، گزینش نهایی شدند.

ابزار جمع آوری داده ها

برای گردآوری داده های پژوهش، از چک لیست گزینش طرح های پژوهشی از طریق ساخت کاربرگ فراتحلیلی استفاده شد. طرح های پژوهشی براساس این چک لیست که شامل مولفه های روش شناختی پژوهش مانند پرسش ها، فرضیه ها، اهداف، جامعه آماری، نمونه گیری، روش پژوهش، روش آماری، روایی و پایایی است، برای فراتحلیل انتخاب شدند. با استفاده از این کاربرگ، هر طرح کدگذاری و در برگرنده موارد زیر شد:

شماره سند، عنوان اثر، محقق و نویسنده، زمان انجام، مکان انجام، نوع اثر، ماهیت پروژه، نوع تحقیق، قلمرو رشته ای اثر، نوع تحقیق از نظر روش جمع آوری داده ها، چکیده، طرح مسئله، کلید واژه ها، اهداف تحقیق، فرضیات تحقیق، ادبیات تحقیق، مبانی نظری، مدل علی تحقیق، روش تحقیق، ابزار جمع آوری داده ها، روایی، پایایی، حجم نمونه، روش نمونه گیری، آزمون های آماری، شیوه تحلیل داده ها، نتیجه گیری، راهکار، پیشنهادات، فهرست منابع فارسی و فهرست منابع لاتین.

یافته های پژوهش

بررسی مولفه های شکلی و روش شناسی

معرفی قالب آثار علمی

در اولین بخش تحلیل داده ها، لازم است تا آثار بررسی شده در تحقیق حاضر در چهار قالب طرح های پژوهشی، پایان نامه های تحصیلی، کتب و مقالات معتبر علمی که در نشریات علمی-پژوهشی چاپ شده بودند، معرفی شوند.

براساس نتایج تحقیق، از مجموع ۶۸ اثر بررسی شده، ۶ عنوان طرح پژوهشی، ۲۸ عنوان پایان نامه های تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی، ۲۷ عنوان مقالات علمی و ۷ عنوان کتاب بودند. به عبارتی، ۸/۸ درصد طرح پژوهشی، ۴۱/۲ درصد پایان نامه، ۳۹/۷ درصد مقالات و ۱۰/۳ درصد نیز کتاب های مربوط به مهاجرت نخبگان بودند. با توجه به آمار فوق، حجم قابل قبولی از مطالعات در ارتباط با مهاجرت نخبگان انجام شده که ضرورت انجام فراتحلیل حاضر، بیش از پیش احساس می شد.

پراکندگی هدف های کلان آثار علمی

با توجه به تنوع و گستردگی موضوعات مورد بررسی در ارتباط با مهاجرت نخبگان، طبیعتاً محققان نیز اهداف مختلفی را متناسب با موضوع دنبال کرده اند. براساس داده های پژوهش، بیش از نیمی از مطالعات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، فقط در بخش توصیف بوده که محققان دنبال بررسی پدیده مهاجرت نخبگان، نگرش و گرایش آنها به خروج از کشور، توصیف روند مهاجرت و بررسی دوره های اعزام نخبگان بوده اند. ۱۶/۲ درصد به بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان و شناخت علت های مهاجرت، ۱۶/۲ درصد در ارتباط با پیشگیری از مهاجرت و راهکارهای جذب، ۳ درصد به بررسی پیامدها و تبعات خروج نخبگان و تنها - متاسفانه - یک درصد به بررسی آسیب شناسی مهاجرت نخبگان پرداخته که آن هم در سطح رساله تحصیلی بوده است و مطالعه تطبیقی که به بررسی تجربیات سایر کشورها به ویژه کشورهایی که همانند کشور ما، با مسئله مهاجرت نخبگان مواجه اند، مشاهده نشد.

سطوح بررسی موضوع مهاجرت نخبگان در آثار مربوطه به تفکیک در سطوح کلان، میانه و خرد در این بخش، هدف این بوده که سطوح بررسی اهداف کلان مطالعات را به تفکیک در سطح کلان- به عنوان مثال، بررسی اثرات جهانی شدن بر فرار مغزها در کشورهای جهان سوم- سطح میانه- به عنوان مثال، نقش وزارت امور خارجه در سامان دهی امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور و سطح خرد- بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور تفکیک نمایم تا از این طریق، خلا موضوعات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، بهتر شناسایی شود و بتوان برای تحقیقات آینده موضوعات کاربردی تر و جدیدتری را پیشنهاد داد. بدین ترتیب، داده های پژوهش نشان می دهد که ۷۵ درصد مطالعات انجام شده، موضوع مهاجرت نخبگان را در سطح کلان، ۱۴/۷ درصد در سطح میانه و تنها ۱۰ درصد مسئله یاد شده را در سطح خرد بررسی نموده اند.

قلمرو رشته ای آثار علمی

از آنجا که موضوع مهاجرت نخبگان و ابعاد مرتبط با آن می تواند تحت تاثیر متغیرهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد، آثار موجود هم در حوزه های مختلف می باشند. براساس یافته های به دست آمده از فراتحلیل حاضر، ۳۲/۲ درصد پژوهش ها در زمینه جامعه شناسی، ۲۲/۱ درصد در زمینه مدیریت، ۱۹/۱ درصد "میان رشته ای"، ۸/۸ درصد در حوزه اقتصاد، ۷/۴ درصد در حوزه علوم تربیتی و روان شناسی، ۱/۵ درصد در حوزه علوم پزشکی، ۱/۵ درصد در حوزه فلسفه، ۱/۵ درصد در حوزه حقوق و ۱/۵ درصد نیز در حوزه جغرافیا بوده است.

روش تحقیق آثار

روش پژوهش غالب مورد استفاده در آثار بررسی شده، روش اسنادی و کتابخانه ای بوده (۴/۵ درصد) که البته بیشتر در مقالات و کتاب ها این روش مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، روش پیمایشی با فراوانی ۳۰/۹ درصد دومین روش پرکاربرد در آثار مورد بررسی بوده که بیشتر در طرح های پژوهشی و پایان نامه ها به کار گرفته شده است. تحلیل ثانویه آماری با ۵/۸ درصد، تحلیل محتوا، فراتحلیل و روش کیفی هر کدام با ۱/۵ درصد از جمله روش های دیگر پژوهش در مطالعات انجام شده بودند.

میدان مطالعه، تکنیک جمع آوری اطلاعات و تکنیک تجزیه و تحلیل داده ها در آثار مورد بررسی براساس داده های به دست آمده از پژوهش، ۶۴/۷ درصد^۱ پژوهش ها (پایان نامه ها و طرح های پژوهشی) از ابزار پرسشنامه برای جمع آوری داده های تحقیق استفاده نموده اند. ۱۷/۶ درصد از داده های خام (بررسی آماری)، ۸/۹ درصد فیش برداری و ۲/۹ درصد از کاربرد فراتحلیلی استفاده نموده اند. ۵/۹ درصد پژوهش ها نیز ابزار جمع آوری داده ها را مشخص نکرده بودند. ضمن اینکه برخی پژوهش ها، اشاره به استفاده همزمان از پرسشنامه، مصاحبه و فیش برداری داشتند.

در بررسی تکنیک های تجزیه و تحلیل داده ها، با توجه به تقسیم بندی آزمون های آماری به توصیفی و تبیینی، تکنیک های تجزیه و تحلیل هم در دو بخش کلی توصیف و تبیین در نظر گرفته شدند. ۲۰/۷ درصد مطالعات از شاخص های آماری در بخش توصیف (فراوانی، درصد، نما، میانگین، انحراف معیار و واریانس) استفاده نموده اند. ۴۹/۸ درصد از آماره های استنباطی مانند آزمون فی، کای اسکور، تاوکندال، تحلیل واریانس یک طرفه، رگرسیون ساده، تفاوت میانگین ها و ضریب پیرسون استفاده شده بود. تنها در ۱۱/۸ آثار، از آزمون های آماری پیشرفته تر همچون رگرسیون چند متغیره، تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است.

بررسی وضعیت فرضیه ها در آثار بررسی شده

با توجه به نتایج تحقیق، از مجموع ۶۸ اثر، ۲۴ اثر (۳۵/۳ درصد) فاقد فرضیه بوده اند که اهتمام کم محققان را به داشتن فرضیه در پژوهش ها نشان می دهد. ۴۴ اثر (۶۴/۷ درصد) نیز دارای فرضیه بوده اند. از بین ۴۴ اثری که دارای فرضیه بوده اند، مجموع ۱۲۶ فرضیه بدست آمد که میانگین ۲/۸ فرضیه برای هر تحقیق بوده است. حداقل فرضیه ۱ و حداکثر فرضیه ۲۰ تا بوده است. نکته قابل توجه در بخش فرضیه ها این بود که بیش از ۷۰ درصد فرضیه ها، اثبات شده اند.

بررسی جنبه های محتوایی

در بخش دوم تحلیل داده ها، جنبه های محتوایی فراتحلیل کیفی که در آن چهار مولفه همخوانی نتایج با اهداف و فرضیات، مبانی نظری، متغیرهای تاثیرگذار بر مهاجرت نخبگان و راهکارها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

میزان همخوانی نتایج با اهداف و فرضیات تحقیق

معمولا محققان در بیان اهداف گرفتار عبارات کلی و پرجاذبه ای می شوند که در عمل چارچوب ها و محدودیت های تحقیق، اجازه نیل به آن اهداف را نمی دهد (ذاکر صالحی، ۱۳۸۶: ۱۲۶). بیان چنین اهداف کلی و دست نیافتنی، موجب عدم سازگاری نتایج و سایر اجزای تحقیق با هدف تحقیق شده و به اعتبار و انسجام پژوهش لطمه می زند. در آثار بررسی شده، در ۲۸ درصد موارد این اشکال اساسی به چشم می خورد. به عبارتی، نتایج پژوهش متناسب با اهداف و فرضیات نمی باشد.

۱. توضیح اینکه در برخی از مطالعات اسنادی، محققان برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه (چک لیست) استفاده نموده اند.

بررسی مبانی نظری آثار علمی

در بررسی آثار مشخص شد که مبانی نظری برخی پژوهش ها بسیار از هم گسیخته و مبهم بودند که به سختی می توان تشخیص داد که دقیقا از کدام تئوری استفاده نموده اند. لذا بصورت شفاف به تئوری خاصی اشاره نکرده اند. برخی آثار به صورت ترکیبی، از بیش از یک نظریه استفاده نموده اند و برخی آثار نیز فاقد تئوری بودند که ۸/۳۴ درصد کل آثار را شامل می شد.

برای تبیین علت های مهاجرت نخبگان، نظریه های مختلفی در پژوهش های بررسی شده مورد استفاده قرار گرفته اند. نظریه سرمایه انسانی، انتقال معکوس فناوری، دوگانگی ساختار، محرومیت نسبی، مرکز پیرامون، بازار کار دوگانه، نظریه تحصیل مغزها، نظریه چرخش مغزها، نظریه شکار مغزها، نظریه اجتماعات پژوهشی، جهانی شدن، نظریه نظام آموزشی اقتباسی، نظریه بحران منزلت، نظریه جاذبه -دافعه، نظریه اقتصادی نئوکلاسیک، بازار دوگانه کار، اقتصاد جدید مهاجرت، نظام جهانی و تداوم مهاجرت بین المللی، از جمله نظریه هایی بودند که در پژوهش های بررسی شده مورد استفاده قرار گرفته بودند. براساس مطالعه قبلی نظریه "جاذبه-دافعه" نظریه محوری بوده و به دلیل فراگیری و شمولی که دارد می تواند همه نظریات یاد شده را در خود جای دهد (ذاکر صالحی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). در دسته بندی نظریه ها و مباحث تئوری در پژوهش های بررسی شده، پی می بریم که چه نوع تئوری هایی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته اند و چه تئوری هایی از سهم کمتری برخوردار بوده اند و اینکه آیا این پژوهش ها توانسته اند وظیفه به آزمون کشیدن نظریه های مربوطه به مهاجرت نخبگان را عهده دار شوند و نتیجه آزمون چه بوده است؟

براین اساس و با توجه به جدول ۱، پژوهش هایی که دارای مبانی نظری بوده اند، بدین گونه تقسیم بندی شدند:

جدول ۱: توزیع نظریه هایی تبیین کننده مهاجرت نخبگان در آثار بررسی شده

ردیف	مبانی نظری آثار	فراوانی	درصد
۱	تئوری کشش و رانش	۱۲	۱۸/۴
۲	نظریه جهانی شدن	۶	۹/۲
۳	مدل ملی گرا	۵	۷/۷
۴	مدیریت منابع انسانی	۴	۶/۱
۵	نظریه نظام جهانی والراشتاین	۴	۶/۱
۶	چرخش مغزها	۳	۴/۶
۷	مدل عاملیت ساختار آنتونی گیدنز	۳	۴/۶
۸	نظریه نئوکلاسیک مهاجرت	۲	۳
۹	نظریه های انگیزشی و رضایت شغلی	۲	۳
۱۰	نظریه بازار کار دوگانه	۲	۳
۱۱	نظریه نیازها و انگیزش	۱	۱/۵
۱۲	نظریه ساختارگرا	۱	۱/۵
۱۳	نظریه کنش ارتباطی	۱	۱/۵
۱۴	الگوی جهان گرا یا بین المللی	۱	۱/۵

۱۵	نیاز کشورهای مقصد	۱	۱/۵
۱۶	نابرابری آموزشی	۱	۱/۵
۱۸	رویکرد مبتنی بر عینی و ذهنی	۱	۱/۵
۱۹	رویکرد مبتنی بر عام گرایی و خاص گرایی	۱	۱/۵
۲۰	نظریه اقتصاد جدید مهاجرت	۱	۱/۵
۲۱	نظریه شبکه	۱	۱/۵
۲۲	تئوری وابستگی	۱	۱/۵
۲۳	نظریه سرمایه انسانی	۱	۱/۵
۲۴	نظریه سرمایه اجتماعی	۱	۱/۵
۲۵	نظریه انتقال معکوس فناوری	۱	۱/۵
۲۶	نظریه محرومیت نسبی	۱	۱/۵
۲۷	نظریه مرکز پیرامون	۱	۱/۵
۲۸	نظریه تحصیل مغزها	۱	۱/۵
۲۹	نظریه شکار مغزها	۱	۱/۵
۳۰	نظریه اجتماعات پژوهشی	۱	۱/۵
۳۱	نظریه نظام آموزشی اقتباسی	۱	۱/۵
۳۲	نظریه بحران منزلتی	۱	۱/۵
۳۴	سایر (فاقد نظریه)	۴	۶
۳۳	جمع کل	۶۸	۱۰۰

بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان

همانطور که در جدول ۲ مشخص است، در بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان می توان این متغیرها و عوامل را در سه گروه عوامل مربوط به مقصد، عوامل واسطه ای و عوامل مربوط به مبدا تقسیم کرد:

جدول ۲: توزیع متغیرهایی تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان در آثار بررسی شده

ردیف	عامل	متغیرها	فراوانی	درصد
۱	عامل مقصد	کسب درآمد بیشتر	۱۰	۸/۵
۲		دسترسی به امکانات آموزشی بهتر	۸	۶/۸
۳		جاذبه های کشور مقصد	۸	۶/۸
۴		رفاه و امکانات زندگی بیشتر	۷	۵/۹
۵		نیاز کشورهای خارجی به نخبگان	۶	۵/۱
۶		تامین آتیه خود و فرزندان	۶	۵/۱
۷		فرصت های فرهنگی بهتر	۶	۵/۱
۸		فرصت های مطالعاتی	۵	۴/۲

۳/۴	۴	تسهیل قوانین مهاجرت	عامل مقصد	۹
۳/۴	۴	زمینه برای تحصیلات فرزندان	عامل مقصد	۱۰
۵۴/۲	۶۴	جمع	جمع	
۳/۴	۴	جهانی شدن	عامل واسطه‌ای	۱
۲/۵	۳	ارتباطات اجتماعی و فرهنگی با خارج		۲
۲/۵	۳	روابط نامتقارن		۳
۲/۵	۳	ویژگی های فردی و خانوادگی		۴
۲/۵	۳	بحران هویت		۵
۱۳/۶	۱۶	جمع	جمع	
۱/۷	۲	ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	عامل مبدا	۱
۱/۷	۲	بوروکراسی ناسالم		۲
۱/۷	۲	ضعف بنیانهای دموکراسی		۳
۱/۷	۲	بی ثباتی سیاسی		۴
۱/۷	۲	بیکاری		۵
۱/۷	۲	توسعه نیافتگی کشور مبدا		۶
۱/۷	۲	نبود امنیت(مالی، جانی و شغلی)		۷
۱/۷	۲	نبود رضایت شغلی و فرصت پیشرفت		۸
۱/۷	۲	فضای نامناسب اجتماعی برای نخبگان		۹
۱/۷	۲	بی ثباتی اقتصادی		۱۰
۱/۷	۲	ناابرابری اقتصادی		۱۱
۰/۸	۱	ضعف نهادهای پژوهشی		۱۲
۰/۸	۱	دولتی بودن پژوهش		۱۳
۰/۸	۱	عدم شایسته سالاری		۱۴
۰/۸	۱	ضعف نهاد علم در ایران		۱۵
۰/۸	۱	بهره وری ناکافی از نخبگان		۱۶
۰/۸	۱	ناکافی بودن اعتبارات پژوهشی		۱۷
۰/۸	۱	ناعادلانه بودن گزینش نخبگان		۱۸
۰/۸	۱	اتلاف مغزها		۱۹
۰/۸	۱	کاهش منزلت اجتماعی دانشمندان		۲۰
۰/۸	۱	بی عدالتی در اخذ مالیات		۲۱
۰/۸	۱	شرایط بد بازار کار		۲۲
۰/۸	۱	فقدان تسهیلات مناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی		۲۳
۰/۸	۱	فراهم نبودن زمینه فعالیت در رشته تحصیلی		۲۴

۰/۸	۱	پائین بودن نرخ رشد سرانه کشور	عامل مبدا	۲۵
۰/۸	۱	قوانین دست و پاگیر برای نخبگان		۲۶
۰/۸	۱	بازدهی پائین سرمایه در کشور مبدا		۲۷
۳۲/۲	۳۸		جمع	
۱۰۰	۱۱۸		جمع کل	

با توجه نتایج بیان شده در جدول، متغیرهای مربوط به عامل مقصد یعنی جاذبه ها و قابلیت های کشورهای مهاجرپذیر با ۵۴/۲ درصد مهم ترین عامل تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان بوده است. در مرحله دوم، دو متغیر عوامل مربوط به کشور مبدا یعنی عوامل رانش جمعا با ۳۲/۲ درصد قرار دارند. در رتبه سوم، عوامل واسطه ای مانند تحولات جهانی یا عوامل فردی و خانوادگی با ۱۳/۶ درصد قرار دارند. بنابراین با توجه به عوامل بیان شده می توان گفت که متغیرهای زیادی بر مهاجرت نخبگان موثر بوده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

کسب درآمد بیشتر، دسترسی به امکانات آموزشی بهتر، جاذبه های کشور مقصد، ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، رفاه و امکانات بیشتر زندگی، بوروکراسی ناسالم، ضعف بنیادهای دموکراسی، بی ثباتی سیاسی، جهانی شدن، توسعه نیافتگی کشور مبدا، نبود امنیت (مالی، جانی و شغلی)، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی با خارج، نبود رضایت شغلی و فرصت پیشرفت، روابط نامتقارن، فضای نامناسب اجتماعی برای نخبگان و برخورد بد با آنها، بی ثباتی اقتصادی، نابرابری اقتصادی، نیاز کشورهای خارجی به نخبگان، ضعف نهادهای پژوهشی، دولتی بودن پژوهش، تامین آتیه خود و فرزندان، ویژگی های فردی و خانوادگی، عدم شایسته سالاری، ضعف نهاد علم در ایران، بهره وری ناکافی از نخبگان، بحران هویت، فرصت های فرهنگی بهتر، فرصت های مطالعاتی، تسهیل قوانین مهاجرت، ناکافی بودن اعتبارات پژوهشی، ناعادلانه بودن گزینش نخبگان، اتلاف مغزها، کاهش منزلت اجتماعی دانشمندان، بی عدالتی در اخذ مالیات، شرایط بد بازار کار، فقدان تسهیلات مناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه برای تحصیلات فرزندان، فراهم نبودن زمینه فعالیت در رشته تحصیلی، پائین بودن نرخ رشد سرانه کشور، قوانین دست و پاگیر برای نخبگان و بازدهی پائین سرمایه در کشور مبدا

پیشنهادهای و راهکارهای آثار مورد بررسی جهت پیشگیری و کاهش مهاجرت نخبگان هم اکنون آمار دقیقی از ایرانیان خارج از کشور، محل زندگی و تجمیع آن ها و تخصص های آن ها وجود ندارد تا بتوان با آنها ارتباط برقرار کرد. وجود یک بانک اطلاعاتی روزآمد می تواند ضعف کنونی اطلاعات را که مانع هرگونه تحلیل جامع در این مورد می شود، برطرف کند. برای ایجاد این بستر می توان از زیربنای جامعه اطلاعاتی بهره جست. به عنوان نمونه، ساده ترین راه در این مسیر، راه اندازی یک شبکه اجتماعی مجازی است که اخبار و اطلاعات در این زمینه را رد و بدل کند. در این شبکه افراد می توانند گمنام باشند، اما هدف تبادل اطلاعات پیرامون موضوع نخبگان باشد. هنگام تشکیل این بانک اطلاعاتی ایده های دیگری نیز می توان دنبال نمود. به عنوان نمونه، طراحی یک وب سایت برای برقراری ارتباط با ایرانیان خارج از کشور و برگزاری اجلاس های مجازی با استفاده از توان ایرانیان خارج از کشور از دیگر اقداماتی می تواند باشد که در چارچوب این بانک اطلاعاتی و سایر فرصت های ایجاد شده در فضای مجازی می توان از آن ها بهره جست. عدم انگیزه کار در حوزه تحقیق، توجه ناکافی به تخصص گرایی، نظام حقوق و مزایای بسیار ناکافی و ناکارآمد، بودجه های اندک پژوهشی، ارتباط ضعیف متخصصان با مراکز علمی - تحقیقاتی خارج از کشور و

عوامل بی شمار دیگر جزو این عوامل دافعه هستند. اما این راه حل نیز جز با صرف وقت زیاد و هزینه های سنگین عملی نخواهد بود و چون جریان توسعه جریانی به سرعت پیش رونده است، عاقلانه ترین راه استفاده از کوتاهترین راه است. بنابراین می توان گفت که گزینه بازگشت، گزینه مناسبی به نظر نمی رسد و از طرفی نیازمند عزمی ملی و همه جانبه است. اما راه دومی نیز وجود دارد و آن هم تجهیز این متخصصان از راه دور و همکاری با آنها برای توسعه کشور است.

پیشنهادهای ارائه شده در دو استراتژی جداگانه حفظ نیروی کار ماهر و بازیافت نیروی کار ماهر ارائه شده است که استراتژی اول، فقط گزینه استخدام نخبگان در بخش کلیدی، توسعه امکانات پژوهشی امکانات رفاهی و تعمیق دموکراسی را در بر می گیرد و در استراتژی بازیافت، از دو گزینه بازگشت و برقراری ارتباط میان نخبگان سخن به میان آمده است:

۱- استراتژی حفظ نیروی کار ماهر که در برگیرنده چهار بعد اصلی استخدام مغزها در بخش های کلیدی کشور، تامین امکانات رفاهی - اقتصادی مناسب، فراهم نمودن امکانات پژوهشی و بهینه سازی سیستم آموزش کشور در راستای توسعه فرهنگی، ایجاد فضای فکری باز و نقد می باشد.

۲- استراتژی بازیافت که در برگیرنده دو بعد اصلی است: اول، گزینه بازگشت که راهکار دست یابی به این مسئله عملی کردن مورد قبل است؛ دوم، گزینه ارتباط که بر اساس آن لازم است با شناسایی و ایجاد پیوند با این افراد از طریق شبکه های ارتباطی از این گونه افراد در جهت رشد و توسعه کشور بهره برد.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی اجرای مرور سیستماتیک حاضر، بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه مهاجرت های خارجی نخبگان و ارائه پیشنهادات جهت برنامه ریزی و مقابله با پدیده فرار مغزها بود. در این فرایند پژوهشی با استفاده از مرور سیستماتیک به روش کیفی، به دسته بندی موضوعات مطالعه شده، بررسی روش های بکار گرفته، طبقه بندی و تحلیل یافته های این تحقیقات از نظر وضعیت موجود و علل و پیامدها پرداخته شده است.

روشی اصلی در این طرح، مطالعه اسنادی از نوع تحلیل محتوای متون است. در این مطالعه تحقیقات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان در ایران بررسی و داده های مورد نیاز در دسته بندی موضوعی، روش شناسی یافته ها و پیشنهادها و راهکارها ارائه و مورد فراتحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد که بیش از نیمی از مطالعات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، فقط در بخش توصیف بوده که محققان بدنبال بررسی پدیده مهاجرت نخبگان، نگرش و گرایش آنها به خروج از کشور، توصیف روند مهاجرت و بررسی دوره های اعزام نخبگان پرداخته اند. ۱۶/۲ درصد به بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان و شناخت علت های مهاجرت، ۱۶/۲ درصد در ارتباط با پیشگیری از مهاجرت و راهکارهای جذب، ۳ درصد به بررسی پیامدها و تبعات خروج نخبگان و تنها یک درصد به بررسی آسیب شناسی مهاجرت نخبگان پرداخته شده که آن هم در سطح رساله تحصیلی بوده است.

برای تبیین علت های مهاجرت نخبگان، نظریه های مختلفی در پژوهش های بررسی شده مورد استفاده قرار گرفته اند: نظریه سرمایه انسانی، انتقال معکوس فناوری، دوگانگی ساختار، محرومیت نسبی، مرکز پیرامون، بازار کار دوگانه، نظریه تحصیل مغزها، نظریه چرخه مغزها، نظریه شکار مغزها، نظریه اجتماعات پژوهشی، جهانی شدن، نظریه نظام آموزشی اقتباسی، نظریه بحران منزلت، نظریه جاذبه - دافعه، نظریه اقتصادی نئوکلاسیک، بازار دوگانه کار، اقتصاد جدید مهاجرت، نظام جهانی و تداوم مهاجرت بین المللی که نظریه "جاذبه-دافعه" بیشترین کاربرد را در مبانی نظری آثار در تبیین علل مهاجرت نخبگان داراست.

با توجه به نتایج فراتحلیل، متغیر "کسب درآمد بیشتر" با ۸/۵ درصد مهم ترین عامل تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان در بین مطالعات انجام شده بوده است. فراتحلیل حاضر که نقدی است بر پژوهش های انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، ضمن بازبینی پژوهش های انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، نشان داد که پژوهش در این زمینه نیاز شدید به سامان دهی دارد.

پیشنهادهای

از آن جا که دست یابی به توسعه همه جانبه و پایدار اساساً یک هدف بلندمدت است، در خصوص مهاجرت نیروی انسانی متخصص از کشور، راهکارهای متفاوتی نیز متصور است. تجربه بین المللی نشان می دهد که از جمله مهم ترین این راه کارها، اتخاذ سیاست هایی است به منظور استفاده هر چه بیش تر از توان و ظرفیت متخصصان مقیم خارج بدون آن که نیاز به بازگردانیدن دائم آن ها به داخل کشور باشد. در این شرایط، مناسب است که در چارچوب برنامه های توسعه، راهکارهایی مشخص برای تشکیل و توسعه شبکه هایی از متخصصان ایرانی خارج از کشور که در ارتباط نهادینه و مستمر با دانشگاه ها و مراکز علمی و فنی کشور باشند، در نظر گرفته شود. از سوی دیگر، تجربیات بین المللی برای پیش گیری از فرار مغزها نشان می دهد که ایجاد انگیزه قوی برای ماندن متخصصان و نخبگان در کشورهای خود، مهم ترین سیاست بلندمدت و اساسی برای پیشگیری از مهاجرت گسترده نیروی انسانی متخصص از کشورهای در حال توسعه است. این هدف تنها از طریق توسعه همه جانبه این کشورها در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحقق پذیر است، چرا که با توسعه همه جانبه در واقع، هم سطح دستمزدها در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته و به دستمزدهای کشورهای توسعه یافته نزدیک می شوند و هم تفاوت دستمزدها، دیگر انگیزه ای برای خروج متخصصان از کشور خود نخواهد بود. در کنار این موارد، با توسعه سیاسی و اجتماعی این کشورها زمینه برای بروز استعدادهای ذهنی نخبگان و برخورداری از شأن و احترام لازمه در جامعه فراهم می آید که خود انگیزه ای قوی برای ماندن آنها در کشور خود به شمار می آید. بنابراین، حل مسئله مهاجرت گسترده نیروی انسانی متخصص در بلندمدت و به طور ریشه ای، به توسعه همه جانبه و پایدار در کشورهای در حال توسعه وابسته است و کلیه سیاست هایی که به توسعه همه جانبه این کشورها کمک می کنند، در خدمت پیش گیری از فرار مغزها قرار می گیرند.

با توجه به نتایج تحقیق، بیشتر مطالعات انجام شده در سطح کلان- از جمله تاثیرات جهانی شدن بر مهاجرت نخبگان، اثرات بازار کار جهانی و مهاجرت نخبگان از جهان سوم- بوده است. لذا انجام تحقیقاتی در سطح خرد و با توجه به الزامات رشته ها و اقشار مختلف مهاجران و بررسی نگرش ها، باورها و رفتارهای آنها ضروری به نظر می رسد. به علاوه، لازم است که بررسی هایی در زمینه تاثیرات مهاجرت متخصصان و تحصیل کردگان از کشور بر روی شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی صورت گیرد و به این مسئله که آیا تاثیرات این پدیده تماماً منفی می باشد یا اینکه این روند جوانب مثبت دارد هم توجه شود. باید دید که ماندن و مهاجرت نکردن نیروهای انسانی تحصیل کرده با توجه به شرایط و امکانات موجود در جامعه چه مقدار بازدهی و سود خواهد داشت و آیا اصولاً با شرایط و امکانات موجود، امکان بهره گیری از استعدادهای ظرفیت های این نیروها وجود دارد.

نتایج این پژوهش نشان داد که عمده تحقیقات انجام شده به دنبال تبیین علل مهاجرت نخبگان بوده اند تا بررسی راه های بازگشت و جذب نخبگان. بنابراین با توجه به اطلاعات اندک در این بخش، نیاز است که تحقیقات آینده به بررسی شیوه های بازگشت و همینطور حفظ نخبگان توجه داشته باشند.

شایان ذکر است که جامعه آماری بیشتر تحقیقات انجام شده در مورد مهاجرت نخبگان، نخبگان موجود در داخل کشور بوده اند که دست یابی به دیدگاهی روشن تر و جامع تر در این زمینه، بررسی آرای نخبگان خارج از کشور را نیز طلب می کند.

منابع

- حسینی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۲) "ابعاد فرار مغزها در جهان و ایران". اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال ۱۷، شماره ۱۱ و ۱۲.
- داورزنی، طاهره (۱۳۸۵) "بررسی آسیب شناختی فرار مغزها با تاکید بر پیامد اجتماعی و فرهنگی". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۶) "فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت". مجله انجمن جامعه شناسی ایران. دوره هشتم، شماره ۱.
- طیبی، سیدکامیل؛ عمادزاده، مصطفی و رستمی حصوری، هاجر (۱۳۹۰) "اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه". پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی. دوره ۱، شماره ۲.
- فرجادی، غلامعلی (۱۳۸۰) "بررسی نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بر روند مهاجرت مغزها". رساله کارشناسی ارشد، موسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی و توسعه.
- غفوری، علی و اکبری، حمید (۱۳۸۷) "مهاجرت نخبگان، تاثیرات، علل و راهکارها". نشریه طب و تزکیه. شماره ۳۵.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) نظریه های مهاجرت. شیراز: نوید
- محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳) "جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران". فصلنامه رفاه اجتماعی. سال چهارم، شماره ۱۵.
- طایفی، علی (۱۳۸۰) موانع فرهنگی توسعه تحقیق در ایران؛ مقدمه ای بر اندیشه ورزی و اندیشه سوزی در ایران. تهران: انتشارات آزاد اندیشان

- Abdollahi, Mohammad (1979) **Capitalism & Brain Drain: A dialectical Analysis of The Migration of Highly Qualified Manpower from less Developed to More Developed Countries**. Iran and the U.S Doctoral Dissertation .
- Cuhls, K. (2007) "The brain drain problem, Technological Forecasting and Social Change". Volume 74, Issue 5, Pages 708-714
- Kangasniemi, M. Winter, A. Commander, S. (2007) "Is the medical brain drain beneficial?" Evidence from overseas doctoris in the UK, Social science and medicine, Vol . 65.
- Zweig, D, Siu fung. C, Han. D (2008) "Redefining the brain drain, china's & diaspora option" science, technology and society: 13: 1.

فهرست پایان نامه های مورد استفاده در مطالعه مرور سیستماتیک

- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۲) "بررسی نگرش دانشجویان دانشکده آزاد اسلامی اراک پیرامون فرار مغزها". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- الهیان، علوان (۱۳۸۲) "بررسی شیوه های جذب و نگهداری متخصصان (جهدگران متخصص)". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- بهمرد، سمیه (۱۳۸۴) "مهاجرت نخبگان از جهان سوم (مطالعه موردی ایران، قبل و بعد از انقلاب)".

- رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- تیموری درشکی، عباس (۱۳۷۹) "بررسی نگرش متخصصان تعلیم و تربیت و مجریان «آپ» نسبت به پدیده نخبه پروری". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
 - حسن زاده، محمد (۱۳۸۳) "بررسی عوامل موثر بر کسب موفقیت و پیشرفت شغلی کارمندان متخصص". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان.
 - دانشیار، زهرا (۱۳۸۲) "بررسی نگرش دانشجویان بورسیه دکتری داخلی که از دوره های تحقیقاتی شش ماه اعزام به خارج". دانشگاه شهید بهشتی.
 - داورزنی، طاهره (۱۳۸۵) "بررسی آسیب شناختی فرار مغزها با تاکید بر پیامد اجتماعی و فرهنگی". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
 - دستاران، ابراهیم (۱۳۸۲) "بررسی روند اعزام اعضای دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به خارج از کشور برای گذراندن فرصت مطالعاتی طی سال های ۱۳۷۱ لغایت ۱۳۸۰". رساله کارشناسی ارشد، برنامه ریزی آموزشی.
 - رجبی، مسعود (۱۳۷۹) "بررسی میزان و عوامل گرایش به مهاجرت از کشور مطالعه نظری همراه با تحقیقی در بین دانشجویان فنی دانشگاه تهران". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
 - سرگزی، حمیدرضا (۱۳۷۶) "بررسی عوامل موثر در جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص در سازمان جهاد سازندگی". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد کرمان.
 - شریفی، منصور (۱۳۷۶) "بررسی گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه های تهران به مهاجرت از کشور". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
 - شعبانلو، رحیم (۱۳۸۰) "بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
 - صادقی، عباس (۱۳۸۲) "بررسی نقش دانشگاه ها در کاهش مهاجرت نخبگان از دیدگاه اعضای هیأت علمی، مدیران و کارشناسان". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
 - صالحی، فروزنده (۱۳۷۱) "مروری بر پدیده فرار مغزها، علل و عوامل مترتب بر آن". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
 - صانعی، احمد (۱۳۷۵) "بررسی مشکلات روش های جذب و نگهداری متخصصان در بخش عملیات پرواز". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
 - صمدی، علی (۱۳۸۲) "بررسی اثرات علمی فرصت مطالعاتی بر اعضای هیأت علمی دانشگاه ها: نمونه موردی دانشگاه تهران". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
 - عباسی، رسول (۱۳۸۲) "بررسی جامعه شناختی گردش نیروی کار ماهر در سطح بین المللی (با تاکید بر پیمایش در زمینه فرار مغزها از ایران)". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
 - علی آبادی، علی (۱۳۸۱) "بررسی اثرات جهانی شدن بر فرار مغزها در کشورهای جهان سوم". رساله کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
 - قاسمی، اکرم (۱۳۸۱) "بررسی تأثیر روابط فرهنگی (گفتمانی) و روابط اجتماعی (ارتباطی) اجتماع علمی بر گرایش دانشجویان". رساله کارشناسی ارشد امور فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی.
 - قاسمی، معصومه (۱۳۷۸) "سیستم نگهداشت نیروی انسانی متخصص دانشگاه تهران بر بهسازی آن". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

- طوسی، محمدرضا (۱۳۸۰) "بررسی نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بر روند مهاجرت مغزها". پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- طبیبی نیا، موسی (۱۳۸۰) "بررسی نگرش اعضای هیأت علمی نسبت به مهاجرت مغزها". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ظهیری نیا، مصطفی (۱۳۷۹) "عوامل موثر بر گرایش جوانان به اشتغال در خارج از کشور". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- کوشکی، محمدصادق (۱۳۷۶) "نخبگان در دیدگاه امام خمینی (س)". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
- مصلح، پگاه (۱۳۸۳) "نخبه گرایی مشارکتی". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- محمدی، علی (۱۳۷۳) "جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.



سبک های دلبستگی، تنظیم هیجان و ملاک های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی

فرانک غفوری اصل^۱
محمد حسین عبداللهی^۲
محسن امیری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۸/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۸

یکی از دغدغه های مهم زندگی هر فرد، انتخاب همسر است. انتخاب همسر و معیارهای مربوط به آن، به عنوان عوامل بنیادی در ایجاد یک فضای گرم و صمیمی که زمینه ساز رشد و پیشرفت جامعه است، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. با توجه به اهمیت موضوع، هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی بود. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش را تمامی دانشجویان دختر و پسر دوره کارشناسی دانشگاه خوارزمی تهران (در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ که مجموعاً ۵۱۶۰ دانشجو بودند) تشکیل می دادند. از این جامعه، ۲۵۰ دانشجوی دختر و پسر مجرد (۱۲۵ پسر و ۱۲۵ دختر) به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و سپس پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (کولینز و رید، ۱۹۹۰) ($\alpha = 0.95$)، آلفای کرونباخ)، خرده مقیاس تنظیم هیجانی (شات و همکاران، ۱۹۹۸) ($\alpha = 0.88$)، آلفای کرونباخ) و ملاک های انتخاب همسر (فراهانی و عابدی، ۱۳۸۵) ($\alpha < 0.80$)، آلفای کرونباخ) را تکمیل نمودند. در فرآیند گردآوری داده ها، پژوهشگر پس از کسب رضایت و توضیح فرآیند پژوهش به شرکت کننده ها، پرسشنامه ها را بین آنها توزیع می کرد. برای تجزیه و تحلیل داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی، از روش همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام و آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که تنظیم هیجان و سبک دلبستگی ایمن با

۱. کارشناس ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) E-mail: Vida_therasmus2000@yahoo.com

۲. دانشیار، دانشگاه خوارزمی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی

مؤلفه های انتخاب همسر وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی ارتباط مثبت معنادار داشتند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که تنظیم هیجان و سبک دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی می توانند ۲۳ درصد از واریانس ملاک وظیفه شناسی را تبیین کنند. تنظیم هیجان، دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی و دلبستگی اجتنابی می توانند ۲۵ درصد از واریانس ملاک برون گرایی انتخاب همسر را تبیین کنند و سبک های دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی، اجتنابی و ایمن می توانند ۱۷ درصد از واریانس ملاک عینی انتخاب همسر را تبیین نمایند. همچنین، نتایج آزمون t مستقل نشان داد دو گروه دختر و پسر از لحاظ ملاک انتخاب همسر وظیفه شناسی تفاوت دارند. بدین ترتیب، براساس نتایج این پژوهش می توان در مشاوره های قبل از ازدواج با تعیین سبک دلبستگی و تنظیم هیجان افراد، ملاک های انتخاب همسرشان را پیش بینی کرد.

واژگان کلیدی: سبک دلبستگی، تنظیم هیجان، ملاک انتخاب همسر و دانشجویان مجرد

مقدمه

یکی از دغدغه های مهم زندگی هر فرد انتخاب همسر است. انتخاب همسر و معیارهای مربوط به آن، به عنوان عوامل بنیادی در ایجاد یک فضای گرم و صمیمی که زمینه ساز رشد و پیشرفت جامعه است، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (عابدی، ۱۳۸۶).

انتخاب همسر از زمانی که داروین در سال ۱۸۷۱ در مورد انتخاب جنسی نوشته، یکی از موضوعات مورد توجه زیست شناسان بوده است؛ با این حال تا سال ۱۹۹۸ که تحقیقات شکل منظم تری یافته، انتخاب همسر در انسان خیلی به ندرت مورد تحقیق قرار گرفته است (مثل هیل^۱، ۱۹۴۵؛ مگنیز^۲، ۱۹۵۸؛ وکیل^۳، ۱۹۷۳). این احتمال که در واقع راهبردهایی برای انتخاب همسر در انسان وجود دارد، در طول سال ها در بسیاری از فرهنگ ها مطرح شده و در بیانات حکیمانه گوناگونی به کار رفته است (پدیادیتاکیس^۴، ۱۹۹۷).

پاره ای از تحقیقات (باس^۵، ۱۹۹۸؛ اشمیت^۶، ۲۰۰۳) در انتخاب همسر به تفاوت های جنسی اشاره کرده و برخی دیگر (میلر^۷، ۲۰۰۲) مردان و زنان را در انتخاب همسر مشابه دانسته و تفاوت های جنسی را گزارش نکرده اند. در بین تحقیقاتی که تفاوت های جنسی در انتخاب همسر را مطرح می سازند، مسئله مهم چگونگی تعبیر و تفسیر این تفاوت ها می باشد. بعضی بر اساس دیدگاه تکاملی^۸ (باس و بارنس^۹، ۱۹۸۶؛ کنریک^{۱۰} و تروست^{۱۱}، ۱۹۹۳) یا نظریه راهبردهای جنسی^{۱۲} (باس و اشمیت، ۱۹۹۳) این تفاوت ها را به تفاوت های زیستی نسبت داده اند و برخی دیگر طبق نظریه نقش اجتماعی^{۱۳} (ایگلی^{۱۴} و وود^{۱۵}، ۱۹۹۹؛ ایگلی و وود، ۲۰۰۲) تفاوت ها را به نقش های اجتماعی ربط می دهند.

از سوی دیگر، ویژگی های بهنجار و نابهنجار روابط بین شخصی به گونه ای عمیق از سبک دلبستگی^{۱۶} اشخاص تاثیر می پذیرند (حیدری و اقبال، ۱۳۹۰؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۲). بنابراین، ازدواج نیز که در زمره پیچیده ترین روابط انسانی است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۴) می تواند از سبک های دلبستگی تاثیر پذیرد. تلفیق چندین نظریه در مورد تاریخ زندگی (لاو^{۱۷}، ۱۹۹۸؛ نقل از اشمیت، ۲۰۰۵) و نظریه دلبستگی (بالبی^{۱۸}، ۱۹۶۹) اشاره دارند به اینکه تجربیات دوران کودکی، راهبردهای انتخاب همسر در بزرگسالی را تحت تاثیر

-
1. Hill
 2. McGinnis
 3. Wakil
 4. Padiaditakis
 5. Buss
 6. Schmitt
 7. Miller
 8. evolutionary
 9. Barnes
 10. Kenrick
 11. Trost
 12. Sexual strategies theory
 13. Social role strategies theory
 14. Eagly
 15. Wood
 16. attachment style
 17. Low
 18. Bowlby

قرار می دهند (بلسکی^۱، ۱۹۹۹؛ چیشولم^۲، ۱۹۹۶؛ دراپر^۳ و هارپندینگ^۴، ۱۹۸۸؛ نقل از اشمیت، ۲۰۰۵). در واقع، دلبستگی، نگهدارنده نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی است (خانیجانی، ۱۳۸۴). اگرچه سبک دلبستگی فرد در سال های اولیه زندگی شکل می گیرد، ولی در تمام طول عمر تداوم می یابد و ابعاد مختلف زندگی فرد از جمله روابط صمیمانه، عشق و ازدواج و چه بسا همسازی زناشویی وی را تحت تاثیر خود قرار می دهد (هازان و شیور^۵، ۱۹۸۷؛ سیمپسون^۶ و همکاران، ۱۹۹۲).

شواهد بسیاری ثابت می کنند که افراد دارای مهارت هیجانی، یعنی کسانی که احساسات خود را به خوبی می شناسند و آنها را تنظیم می کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طرز اثر بخشی با آن برخورد می کنند، در حوزه های مختلف زندگی، موفق و کارآمد می باشند و صاحب نظران و پژوهشگرانی که به بررسی و مطالعه علمی هوش هیجانی می پردازند، معتقدند که هوش هیجانی می تواند کاربردها و تاثیرات مهمی بر فعالیت های گوناگون آدمی همچون: رهبری و هدایت دیگران، زندگی شغلی، زندگی خانوادگی و زناشویی، تعلیم و تربیت، سلامت روانی و... داشته باشد (یارپاری، مرادی و یحیی زاده، ۱۳۸۶). ولی یکی از جنبه هایی که هوش هیجانی تاثیر فوق العاده ای بر موفقیت در آن دارد، ازدواج و زندگی زناشویی است؛ به عبارتی، اگر زمینه ای باشد که هوش هیجانی در آن اهمیت دارد، آن زمینه ازدواج است، زیرا بنیاد و اساس رضایت از روابط، به توانایی فهم و کنترل هیجانات بستگی دارد و جزء مهمی از رضایت زناشویی، آگاهی فرد از هیجانات همسرش و احترام به آن هیجانات است (یارپاری، مرادی و یحیی زاده، ۱۳۸۶). با توجه به مطالب مطرح شده، هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی بود و سوال های تحقیق به قرار زیر بودند:

- آیا تنظیم هیجانی با ملاک های انتخاب همسر همبستگی دارد؟
- آیا سبک های دلبستگی با ملاک های انتخاب همسر همبستگی دارد؟
- آیا سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان می توانند با هم ملاک های انتخاب همسر را پیش بینی کنند؟
- آیا مردان و زنان از لحاظ ملاک های انتخاب همسر با هم تفاوت دارند؟

دیدگاه تکاملی و نظریه راهبردهای جنسی، تفاوت ها را بر اساس تفاوت های زیستی - تولیدمثلی بررسی کرده است. بر اساس این نظریه، هر جنس با مشکلات منحصر به فردی در تولید مثل موفق رو به رو می شود. زنان و مردان از نظر مسئولیت در قبال فرزند، ظرفیت تولید مثل^۷، رفتار پدران^۸ در مقابل رفتار مادران^۹ متفاوت اند و برای مقابله با این موارد، راهبردهای متفاوتی را به کار می برند. مردان نسبت به زنان سلول های جنسی بیشتری تولید می کنند و مسئولیت کمتری در مورد فرزندان دارند. بنابراین، آنان تمایل بیشتری به داشتن ارتباطات کوتاه مدت دارند و تعداد ارتباط آنان با غیر همجنس نسبت به زنان بیشتر

1. Belsky
2. Chisholm
3. Draper
4. Harpending
5. Hazen & Shaver
6. Simpson
7. Reproductive capacity
8. paternity
9. maternity

است (باس، ۱۹۹۸ به ویرایش پروین^۱ و کوپر^۲، ۱۹۹۸). نکته دیگر در دیدگاه تکاملی این است که مردان تاکید بیشتری نسبت به زنان بر زیبایی جسمی دارند، چرا که زیبایی با سن، سلامت و تناسب برای تولیدمثل ارتباط دارد. بر عکس، مسئولیت زنان در تولید فرزندان که زنده بمانند خیلی زیاد است، زیرا دوران بارداری و پس از آن در برگیرنده تحمل زحمت و مراقبت بسیار است. مورد دیگر که این مسئولیت را افزایش می دهد این است که زنان در تولید فرزندان نسبت به مردان محدودیت بیشتری دارند (باس، ۱۹۹۸، به ویرایش پروین و کوپر، ۱۹۹۸).

در این پژوهش ملاک های انتخاب همسر در سه عامل مورد توجه قرار می گیرد:

عامل اول یا عامل وظیفه شناسی و تعهد: شامل خصوصیات درونی و فردی هستند که شناخت آنها نیاز به بررسی عمیق دارد و به سادگی صورت نمی گیرد، مثل توانایی حل مسئله، با اعتماد به نفس، دارای انگیزه پیشرفت، وفادار و متعهد، دارای ثبات رای.

عامل دوم یا عامل برون گرایی-درون گرایی: صفاتی است که در ارتباط با دیگران بروز می نمایند، مثل شاد و سرزنده، پرنرژی و فعال، هیجان طلب، بیانگر و باز، شوخ طبع، با گذشت، مهربان و صمیمی که در جوامع جمع گرا که موفقیت فرد در ارتباط با دیگران و به خصوص خانواده همسر، نقش ارزنده ای در موفقیت در روابط زناشویی دارد، عوامل مهمی در ملاک های انتخاب همسر به نظر می رسند.

عامل سوم یا عامل عینی: صفات عینی که اشاره به وضعیت و موقعیت فرد دارند و به راحتی قابل شناسایی می باشند و در ایجاد جذابیت های ابتدایی موثر هستند، مثل آینده اقتصادی خوب، جایگاه اجتماعی و تحصیلات. به نظر می رسد این ویژگی ها به خصوص در جوامع جمع گرا که ادراک خود وابسته به دیگران بوده و خود در بافت اجتماع تعریف می گردد، در ملاک های انتخاب همسر مهم به شمار آیند (عابدی، ۱۳۸۶). میکولینسر و شیور (۲۰۰۳) پویایی^۳ سیستم دلبستگی در بزرگسالی را نشان دادند و اظهار داشتند سیستم دلبستگی، یک وسیله ذاتی تنظیم کننده است که برای شخصیت و رفتار بین فردی، دارای کاربرد و پیامدهای مهمی است. افراد ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، راهبردهای کاملاً متفاوتی را برای تنظیم عواطف و پردازش اطلاعات هیجانی^۴ به کار می برند (شیور، شاختر^۵ و میکولینسر^۶، ۲۰۰۵). سبک های دلبستگی بر شیوه مدارا با استرس ها و برخورد با وقایع تروماتیک و حوادث تهدیدکننده زندگی تأثیر دارند؛ به طوری که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، در مقایسه با سبک های اجتنابی و دوسوگرا، در چنین شرایطی بهتر مقابله می کنند و از سلامت روان بهتری برخوردارند (دیتوماسو^۷، برانن-مک نالتی^۸، راس^۹ و برگس^{۱۰}، ۲۰۰۳؛ نقل از رحیمیان بوگر و همکاران، ۱۳۸۷؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۰۳). همچنین، از راهبردهای تعامل اجتماعی مثبت تری نسبت به دو گروه دیگر استفاده می کنند و تنظیم هیجانی بیشتری دارند (کراگنولا^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۱).

اشخاص دارای سبک دلبستگی ایمن، از آن دسته راهبردهای تنظیم هیجانی استفاده می کنند که استرس

1. Pervin
2. Cooper
3. Dynamic
4. emotion information processing
5. Schachner
6. Mikulincer.
7. Dito masso
8. Brannen-McNulty
9. Ross
10. Burgess
11. Crugnola

را به حداقل می رسانند و هیجان های مثبت را فعال می کنند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۴؛ لینلی^۱ و ژوزف^۲، ۲۰۰۴). به علاوه، اشخاص دارای سبک های دلبستگی نا ایمن اجتنابی و دوسوگرا از آن دسته راهبردهای تنظیم هیجانی سود می جویند که بر هیجان های منفی تأکید دارند یا تجربه های هیجانی را سرکوب می کنند (اجتنابی) یا آنکه باعث می شوند موقعیت ها، استرس زاتر تجربه شوند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۴). افراد اجتنابی در مورد صمیمیت و تعهد نگرانند. آنها تمایلی به مشارکت در روابط نزدیک ندارند و ترجیح می دهند به دیگران وابسته نشوند و نیاز به دلبستگی را تحت فشار استقلال و کنترل انکار می کنند. افراد دوسوگرا اشتیاق زیادی برای صمیمیت دارند، در عین حال ترس از طرد را تجربه می کنند. دوسوگراها نسبت به افراد ایمن و اجتنابی، از اعتماد به خود کمتری برخوردارند. این ویژگی های آسیب زای دلبستگی های ناایمن زمینه را برای پیدایش و یا تداوم مشکلات و اختلال های روان شناختی فراهم می سازند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۱). تنظیم هیجان^۳ به عنوان فرآیند آغاز، حفظ، تعدیل و یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرآیندهای اجتماعی- روانی و فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می شود (ویمز و پینا^۴، ۲۰۱۰). در واقع، تنظیم هیجانی تنها سرکوب هیجان ها نیست، بلکه شخص نباید همیشه در یک حالت آرام و ساکن از برانگیختگی هیجانی قرار داشته باشد. در عوض تنظیم هیجانی، شامل فرآیندهای نظارت و تغییر تجربیات هیجانی شخص است (تامپسون^۵، ۱۹۹۴؛ نقل از مهدوی حاجی، ۱۳۸۹). هیجانان دارای کیفیت بالایی هستند؛ به این صورت که می توانند باعث واکنش مثبت یا منفی در افراد شوند. اگر متناسب با موقعیت و شرایط باشند باعث واکنش مثبت و در غیر این صورت باعث واکنش منفی می شود. بنابراین، زمانی که هیجانان شدید می شوند یا طولانی می شوند و یا با شرایط سازگار نیستند، آن زمان نیاز به تنظیم کردن آنها لازم است (گروس^۶، ۱۹۹۸).

اشخاصی که از سطوح بالاتر هوش هیجانی (که تنظیم هیجان از مولفه های اصلی آن است) برخوردارند در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین، رضامندی زناشویی بیشتری را تجربه می کنند (شات و همکاران، ۲۰۰۱؛ نقل از فدوی، ۱۳۸۹). براساس برخی مطالعات، مؤلفه های هوش هیجانی (شامل تنظیم هیجان، ارزیابی و بیان هیجان و بهره برداری از هیجان) یک پیش بین عمده برای شاخص های بهزیستی روانی از جمله رضایت از زندگی و عملکرد بین فردی محسوب می شوند (اکسترمررا و فرناندز^۷، ۲۰۰۵؛ واندایاس^۸، ۲۰۰۵). رهنما (۱۳۸۱) نشان داد که آموزش های حین ازدواج، تأثیری مثبت بر رضایت زناشویی دارد و بنابراین آموزش تنظیم هیجان می تواند به شکل گیری ازدواجی موفق نایل شود.

بنابر نتایج بعضی از پژوهش ها (فنی و نولر، ۱۹۹۰؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۲)، دلبستگی ایمن با ویژگی های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین تری از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل مشغولی در مورد روابط- توأم با خرسندی کم- مرتبط است. اشخاص ایمن به راحتی روابط نزدیک برقرار می کنند، تنش های پیرامونی را به خوبی تحمل می نمایند، قدرت بیان هیجان های خود را دارند و در شرایط درماندگی به حمایت اطرافیان تکیه می کنند. در

- 1.Lineley
- 2.Joseph
- 3.emotion regulation.
- 4.Vimz & Pina
- 5.Thompson
- 6.Gross
7. Extremera & Fernandez
8. Vadnais

این افراد، خصومت و اضطراب کمتر و انعطاف پذیری بیشتری دیده می شود و از هماهنگی بیشتر با واقعیت برخوردارند.

هاریسون گریب و لی آنی (۱۹۹۱)، نقل از اکبرزاده عبدالجبار و همکاران، (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "سبک های دلبستگی در روابط زناشویی"، سبک های دلبستگی ترسناک یا بیمناک، منفصل، پریشان و ایمن را در افراد مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که سبک دلبستگی در بزرگسالی با متغیرهای رفتار دلبستگی و نگرش ها، رضایت مندی زناشویی، صمیمیت و مشکلات بین فردی افراد مرتبط بود. همچنین، بنابر نتایج پژوهش ها، دلبستگی ایمن با ویژگی های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین تری از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل مشغولی در مورد روابط، توأم با خرسندی کم، مرتبط است (فنی و نولر، ۱۹۹۰). افراد اجتنابی بیش از دوسوگراها به پایان بخشیدن روابط تمایل نشان می دهند (هازن و شیور، ۱۹۸۷؛ فنی و نولر، ۱۹۹۰). در پی انحلال روابط پیشین، بازسازی روابط جدید نیز برحسب الگوی دلبستگی فرد متفاوت است. اجتناب گرها با از میان رفتن یک رابطه، کمتر از دوسوگراها مضطرب و پریشان می شوند (سیمپسون^۱، ۱۹۹۰). گروه اخیر به سرعت به برقراری روابط جدید اقدام می کنند (فنی و نولر، ۱۹۹۰).

علاوه بر رشد مثبت طلاق، جامعه کنونی ما شاهد رشد آمارهای مربوط به جرایم و دعاوی خانوادگی نیز بوده است (موسوی چلک، ۱۳۸۳؛ نقل از میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴). بنابراین، پژوهش در زمینه ملاک انتخاب همسر می تواند امروزه که شاهد افزایش آمار طلاق (علیزاده، ۱۳۸۵) هستیم، از اهمیت ویژه برخوردار باشد و با توجه به اینکه ملاک های انتخاب همسر می توانند رضایت از زندگی را پیش بینی کنند (وبر^۲ و راج^۳، ۲۰۱۲)، در نتیجه انتخاب همسری مناسب، یکی از مهم ترین تکالیف دوران بزرگسالی است که می تواند به ازدواجی پایدار توأم با رضایت بیانجامد. نتایج پژوهش های زیادی، استمرار و تداوم سبک دلبستگی را در چرخه زندگی تایید می کنند (فریلی^۴، ۲۰۰۲؛ مین^۵، کاپلان^۶ و کسیدی^۷، ۱۹۸۵؛ نافتل^۸ و شیور، ۲۰۰۶؛ به نقل از رحیمیان بوگر و همکاران، ۱۳۸۷) و از آنجا که پژوهشگرانی مثل یو، ماتسوموتو و لیروکس^۹ (۲۰۰۶) تنظیم هیجان ها را مهم ترین عامل پیش بینی کننده سازگاری مثبت دانسته اند و با توجه به ارتباط مشاهده شده بین سبک های دلبستگی و تنظیم و پردازش هیجانات (شیور، شاختر و میکولینسر، ۲۰۰۵) و به دلیل خلاء وجود مطالعات، ضرورت و اهمیت مطالعه سبک دلبستگی و همچنین تنظیم هیجانات در انتخاب همسر احساس می شود. در این پژوهش سوال اصلی این بود:

سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان با هم چه مقدار از واریانس ملاک های انتخاب همسر را در دانشجویان دختر و پسر مجرد دانشگاه خوارزمی پیش بینی می کنند؟

1. Simpson
2. Weber
3. Ruch
4. Fraley
5. Main
6. Kaplan
7. Cassidy
8. Nofle
9. Yoo, Matsumoto & Le Roux

روش شناسی پژوهش

طرح پژوهش از نوع توصیفی (غیرآزمایشی) می باشد و چون به کشف روابط بین متغیرها می پردازد، می توان آن را از نوع پژوهش های همبستگی دانست. جامعه پژوهش حاضر، تمامی دانشجویان دختر و پسر بودند که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در دانشگاه خوارزمی مشغول به تحصیل بودند و تعدادشان ۵۱۶۰ نفر گزارش شد (دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۲). از بین این افراد، نمونه ای به حجم ۲۵۰ نفر (۱۲۵ دختر و ۱۲۵ پسر) دانشجوی مجرد دوره کارشناسی، به روش خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. روش نمونه گیری به این صورت بود که ابتدا از میان دانشکده های دانشگاه خوارزمی، ۳ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، روانشناسی و علوم تربیتی و علوم پایه به صورت تصادفی ساده انتخاب و سپس از هر دانشکده ۳ کلاس به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از بین افراد انتخاب شده ۱۲۷ نفر مونث و ۱۴۱ نفر مذکر بودند. جهت کاهش خطای واریانس، حجم دو گروه دختر و پسر برابر و ۱۲۵ نفر در نظر گرفته شد. در فرایند گردآوری داده ها، پژوهشگر پس از کسب رضایت و توضیح فرایند پژوهش به شرکت کننده ها، پرسشنامه ها را بین آنها توزیع می کرد. در طول پاسخدهی شرکت کننده ها، پژوهشگر حضور فعال داشت تا از بروز پاسخ های تصادفی جلوگیری نماید و در صورت لزوم به پرسش های آنها پاسخ دهد. در نهایت، داده های جمع آوری شده با روش های ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و آزمون t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

به منظور گردآوری اطلاعات در این پژوهش از سه پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد:

پرسشنامه ملاک های انتخاب همسر (فراہانی و عابدی، ۱۳۸۵)

این پرسشنامه ۳۸ ماده دارد که مشخص کننده سه عامل می باشد. ۱۵ ماده مربوط به عامل (اول) وظیفه شناسی، ۱۳ ماده نشانگر عامل (دوم) برون گرایی و ۱۰ ماده نیز مربوط به عامل (سوم) عینی می باشد. جهت بررسی اهمیت سن در انتخاب همسر، دو ماده با عنوان «جوانتر از من» و «بزرگتر از من» به صورت مستقل در پرسشنامه قرار دارد. پرسشنامه به صورت گروهی یا انفرادی اجرا گردید و زمان متوسط برای آن ۱۵ دقیقه بود. سوال های مربوط به سه عامل به صورت پراکنده در یک پرسشنامه به آزمودنی ارائه و آزمودنی ها میزان اهمیت خود به هر یک از ملاک ها را در مقیاس ۵ درجه ای (اصلاً مهم نیست = ۱؛ مهم نیست = ۲؛ فرقی نمی کند = ۳؛ مهم است = ۴؛ بسیار مهم است = ۵) مشخص نمودند. نمره هر عامل به صورت میانگین نمرات داده شده به ملاک های موجود در آن عامل مشخص می گردد. پایایی پرسشنامه ملاک های انتخاب همسر، در یک بازآزمایی در گروهی شامل ۲۶ دانشجوی دختر و پسر، با فاصله زمانی دو هفته بررسی شد. ضرایب پایایی پرسشنامه در بازآزمایی به ترتیب برای عامل اول، دوم و سوم ۰/۸۴۵، ۰/۹۳، ۰/۷۸۴ می باشد. همانگونه که ملاحظه می گردد نتایج، ضرایب همبستگی بالایی را نشان می دهد. ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده برای عامل اول، دوم و سوم به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۰، ۰/۶۵ می باشد (عابدی، ۱۳۸۶).

به منظور بررسی روایی سازه پرسشنامه مذکور از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده که نتایج نشان می دهد این آزمون با سه عامل خود (وظیفه شناسی، برون گرایی، عینی) همبستگی بالایی دارد. همچنین، مناسب ترین عامل ها در این آزمون از روش مولفه های اصلی و چرخش وریماکس استخراج شدند که نتایج نشان داد عامل اول با ارزش ویژه حدود ۹/۸۷۴ به تنهایی ۲۰/۵۷۱ درصد واریانس را تبیین می کند و در مجموع سه عامل روی هم ۳۱/۹۴۱ درصد واریانس را تبیین می کنند (عابدی، ۱۳۸۶).

پرسشنامه سبک های دبستگی بزرگسالان کولینز و رید (۱۹۹۰)

این مقیاس شامل خود ارزیابی از مهارت های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل دهی روابط دبستگی

نسبت به چهره های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده می باشد که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای از نوع لیکرت- که از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد = ۱، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد = ۵، تشکیل می گردد- سنجیده می شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس که هر مقیاس شامل ۶ ماده است مشخص می شود:

- وابستگی^۱ (D): میزانی را که آزمودنی ها به دیگران اعتماد می کنند و به آنها متکی می شوند، به این صورت که آیا در مواقع لزوم قابل دسترسی اند، اندازه گیری می کند.

- نزدیک بودن^۲ (C): میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه گیری می کند.

- اضطراب^۳ (A): ترس از داشتن رابطه را می سنجد (مالینکرودت^۴ و همکاران؛ نقل از جعفرزاده، ۱۳۸۹).

کولینز و رید (۱۹۹۰؛ نقل از جعفرزاده، ۱۳۸۹) بر پایه توصیف هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده اند. زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می دهد. بنابراین، نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن می باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. مدت اجرای پرسشنامه کولینز و رید (RAAS) بر اساس زمینه یابی انجام شده ۱۰ دقیقه در نظر گرفته شده است. اجرای این پرسشنامه می تواند به صورت فردی یا گروهی صورت گیرد. براساس دستورالعمل پرسشنامه، ۶ ماده مربوط به هر زیر مقیاس مشخص می شود. با توجه به اینکه در مورد هر جمله در پاسخنامه، آزمودنی علامت خود را روی کدام دایره زده است، نمره وی برای هر زیر مقیاس مشخص می شود. برای گزینه های ۱ تا ۵ به ترتیب نمرات ۰ تا ۴ در نظر گرفته می شود. سوالات ۶، ۸، ۱۳، ۱۲، ۱۷* دلبستگی ایمن را می سنجند. سوالات ۵*، ۲، ۱۶*، ۱۴، ۷، ۱۸* دلبستگی اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می دهد و سرانجام سوالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵ دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی را می سنجد. در مواردی که سوالات باید معکوس نمره گذاری شود (که در دستورالعمل نمره گذاری با علامت * مشخص شده اند) باید بر روی گزینه های ۱ تا ۵ به ترتیب نمرات ۴، ۳، ۲، ۱ و صفر در نظر گرفته شود. سوالاتی که با ستاره مشخص شده اند بایستی قبل از جمع کردن به طور معکوس نمره گذاری شوند. نمرات ۶ ماده هر مقیاس با هم جمع شده و نمره زیر مقیاس به دست می آید. کولینز و رید (۱۹۹۰، نقل از جعفرزاده، ۱۳۸۹) نشان دادند که زیر مقیاس های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیر مقیاس این پرسشنامه در ۳ نمونه از دانشجویان گزارش دادند. با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ بود، آزمون از اعتبار بالایی برخوردار می باشد. از سوی دیگر، در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه (RAAS) در مورد ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا گردید. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است- این پرسشنامه دارای روایی محتوایی می باشد (پاکدامن، ۱۳۸۰).

1. dependance
2. closeness
3. anxiety
4. Mallincrodet

خرده مقیاس تنظیم هیجانی پرسشنامه هوش هیجانی شات (۱۹۹۸)

در این پژوهش از خرده مقیاس تنظیم هیجانی پرسشنامه هوش هیجانی شات که توسط شات و همکاران در سال ۱۹۹۸ ساخته شده، استفاده گردید. این مقیاس شامل سه مؤلفه تنظیم هیجان، ارزیابی و بیان هیجان و بهره برداری از هیجان می باشد که در این پژوهش از مؤلفه تنظیم هیجان این مقیاس استفاده شد. این مؤلفه شامل سوالات ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۰ و ۳۱ می باشد. کلیه سوالات این آزمون ۵ درجه ای بوده و آزمودنی درجه توافق یا مخالفت خود را با هر جمله در یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت که از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵ است، انتخاب می کند. تمام سوالات خرده مقیاس تنظیم هیجان نیز به همین ترتیب نمره گذاری و به هر سوال از یک تا پنج نمره دهی می شود و نمره کل این خرده مقیاس از جمع نمرات این ده سوال به دست می آید. نمره افراد در این خرده مقیاس می تواند از ۱۰ تا ۵۰ متغیر باشد. مطالعه این مقیاس در میان نوجوانان پایایی آلفای ۰/۸۴ برای هوش هیجانی کل و برای خرده مقیاس ها به ترتیب: ارزیابی و ابراز هیجان آلفا برابر با ۰/۷۶؛ تنظیم و مدیریت هیجان آلفا برابر با ۰/۶۶ و بهره برداری از هیجان آلفا برابر با ۰/۵۵ را نشان می دهد (سیاروچی^۱ و همکاران، ۲۰۰۰). در مطالعه ای که بر روی نوجوانان کانادایی انجام شد، به منظور بررسی روایی و پایایی هوش هیجانی شات ۳۵۴ نفر (۲۳۵ نفر زن و ۱۱۹ نفر مرد با میانگین سنی ۲۱/۴) انتخاب شدند و همبستگی مقیاس هوش هیجانی شات با مقیاس روان نژندی ۰/۳۷، برون گرایی ۰/۵۱، باز بودن ۰/۲۷، سازندگی ۰/۱۸، وظیفه شناسی ۰/۳۸، و مستعدافسردگی ۰/۳۸ ($p < ۰/۰۰۱$) و پایایی آزمون $a = ۰/۸۹$ گزارش شد (اسکات و ماتئو، ۲۰۰۴؛ نقل از جواهری کامل، ۱۳۸۵). خسرو جاوید (۱۳۸۱؛ نقل از جواهری کامل، ۱۳۸۵) همبستگی نمرات هوش هیجانی شات را با افسردگی ۰/۳۳، اضطراب ۰/۲۵ - ($p < ۰/۰۱$) و آلکسی تایمیا ($p < ۰/۰۵$) گزارش نمود. همچنین، پایایی آزمون را با استفاده از آلفای کرونباخ در هوش هیجانی کل ۰/۸۱، تنظیم هیجان ۰/۷۸، ارزیابی و ابراز هیجان ۰/۶۷ و بهره برداری از هیجان ۰/۵۰ گزارش نمود. بشارت (۱۳۸۴؛ نقل از مهدوی حاجی، ۱۳۸۹) با به کارگیری مقیاس مذکور در نمونه ۱۳۵ نفری از دانشجویان ایرانی، ضریب اعتبار آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸ و ضریب بازآزمایی (با فاصله دو هفته) را برابر ۰/۸۳ گزارش کرده است.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

در این پژوهش، دامنه سنی کل آزمودنی ها بین ۱۸-۲۲ بود. میانگین و انحراف استاندارد سن آن ها به ترتیب ۱۹/۷۰ و ۱/۲۸ بود. همچنین، ۵۰ درصد آزمودنی ها مذکر (۱۲۵ نفر) و ۵۰ درصد آن ها مونث (۱۲۵ نفر) بودند.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت

متغیرها		مذکر		مونث	
		SD	M	SD	M
تنظیم هیجان		۴/۶۴	۲۵/۴۱	۴/۷۷	۴۲/۰۱
دلبستگی ایمن		۳/۱۰	۱۲/۴۸	۲/۶۸	۱۲/۵۴
دلبستگی اجتنابی		۲/۶۶	۱۳/۳۶	۲/۸۳	۱۳/۵۲

دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی	۱۳/۱۷	۵/۱۰	۱۰/۹۲	۵/۳۵
وظیفه شناسی	۶۴/۵۱	۴/۴۴۷	۶۶/۹۳	۴/۳۹۹
برون گرایی	۵۸/۰۷	۴/۱۸۱	۵۷/۷۰	۴/۷۷۸
عینی	۳۸/۰۶	۴/۷۱۶	۳۸/۳۸	۵/۰۶۸

جدول ۲: ماتریس همبستگی تنظیم هیجان، دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی، دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی، و ملاک های انتخاب همسر شامل وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی

متغیر	تنظیم هیجان	دلبستگی ایمن	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی	وظیفه شناسی	برون گرایی	عینی
تنظیم هیجان	۱						
دلبستگی ایمن	**۰/۳۸۲	۱					
دلبستگی اجتنابی	۰/۱۰۵	-۰/۰۳۶	۱				
دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی	۰/۱۳۸	-۰/۱۴۰	-۰/۲۸۲ [□]	۱			
وظیفه شناسی	**۰/۳۸۸	**۰/۲۰۱	-۰/۰۱۶	-۰/۰۴۳	۱		
برون گرایی	**۰/۲۹۸	**۰/۲۹۲	-۰/۰۵۰	-۰/۰۳۸	**۰/۶۵۹	۱	
عینی	**۰/۲۰۸	**۰/۲۶۱	۰/۰۰۱	-۰/۱۳۵	**۰/۵۰۴	**۰/۵۸۷	۱

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود (**۰/۰۱<P) تنظیم هیجان با هر سه ملاک انتخاب همسر همبستگی مثبت دارد (از بین سه ملاک، بیشترین همبستگی را ملاک وظیفه شناسی با تنظیم هیجان داراست). همچنین، از بین سبک های دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن با هر سه ملاک انتخاب همسر همبستگی مثبت دارد (از بین سه ملاک، بیشترین همبستگی را ملاک برون گرایی با سبک دلبستگی ایمن دارا می باشد).

یافته های استنباطی

برای تعیین پیش بینی هر یک از متغیرهای سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و تنظیم هیجان بر ملاک های انتخاب همسر، این متغیرها به روش گام به گام وارد معادله رگرسیون شدند.

جدول ۳: نتایج شاخص های آماری رگرسیون گام به گام ملاک انتخاب همسر وظیفه شناسی بر تنظیم هیجانی و سبک های دلبستگی

مدل	متغیرها	SS	Df	MS	F	R	SE
گام ۱	تنظیم هیجانی	۳۱۶/۴۸	۱	۳۱۶/۴۸	۱۹/۸۷	۰/۳۸	۰/۱۴
گام ۲	تنظیم هیجانی، دوسوگرا	۵۱۳/۷۰	۲	۲۵۶/۸۵	۱۷/۸۶	۰/۴۸	۰/۲۳

با توجه به مندرجات موجود در جدول ۳، میزان F مشاهده شده معنادار است. تنظیم هیجانی و دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی با هم توانستند ۲۳ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر وظیفه شناسی را تبیین کنند که از این مقدار ۱۴ درصد آن به تنظیم هیجان اختصاص دارد.

جدول ۴: نتایج شاخص های آماری رگرسیون گام به گام ملاک انتخاب همسر برون گرایی بر تنظیم هیجانی و سبک های دلبستگی

مدل	متغیرها	SS	DF	MS	F	R	SE
گام ۱	تنظیم هیجانی	۳۱۸/۷۴	۱	۳۱۸/۷۴	۱۹/۱۵	۰/۳۹	۰/۱۵
گام ۲	تنظیم هیجانی، دوسوگرا- اضطرابی	۴۰۹/۰۰	۲	۲۰۴/۵۰	۱۲/۸۳	۰/۴۴	۰/۲۰
گام ۳	تنظیم هیجانی، دوسوگرا- اضطرابی، اجتنابی	۵۲۷/۰۹	۳	۱۷۵/۶۹	۱۱/۷۶	۰/۵۰	۰/۲۵

با توجه به مندرجات موجود در جدول ۴ میزان F مشاهده شده معنادار است. تنظیم هیجانی، دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی و دلبستگی اجتنابی با هم توانستند ۲۵ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر برون گرایی را تبیین کنند که از این مقدار، ۱۵ درصد آن به تنظیم هیجان اختصاص دارد.

جدول ۵: نتایج شاخص های آماری رگرسیون گام به گام ملاک انتخاب همسر عینی بر تنظیم هیجانی و سبک های دلبستگی

مدل	متغیرها	SS	DF	MS	F	R	SE
گام ۱	دوسوگرا- اضطرابی	۲۲۵/۰۱	۱	۲۲۵/۰۱	۸/۵۳	۰/۲۶	۰/۰۷
گام ۲	دوسوگرا- اضطرابی، اجتنابی	۴۵۷/۱۰	۲	۲۲۸/۵۵	۹/۳۲	۰/۳۷	۰/۱۴
گام ۳	دوسوگرا- اضطرابی، اجتنابی، ایمن	۵۶۷/۰۳	۳	۱۸۹/۰۱	۷/۹۶	۰/۴۲	۰/۱۷

با توجه به مندرجات موجود در جدول ۵ میزان F مشاهده شده معنادار است. سبک های دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی، اجتنابی و ایمن با هم توانستند ۱۷ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر عینی را تبیین کنند.

جدول ۶: آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین مردان و زنان

ملاک های انتخاب همسر	N		M		SD		DF	t	P
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد			
وظیفه شناسی	۱۲۲	۱۲۲	۶۴/۵۱	۶۶/۹۳	۴/۴۴	۴/۳۹	۲۴۲	-۴/۲۸	۰/۰۰۱
برون گرایی	۱۱۲	۱۰۷	۵۸/۰۷	۵۷/۷۰	۴/۱۸	۴/۷۷	۲۱۷	۰/۶۲	۰/۵۳
عینی	۱۱۷	۱۱۲	۳۸/۰۶	۳۸/۳۸	۴/۷۱	۵/۰۶	۲۲۷	-۰/۴۸	۰/۶۲

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می شود، نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه ی میانگین گروه مردان و زنان از لحاظ ملاک های انتخاب همسر نشان داد که دو گروه فقط از لحاظ ملاک انتخاب همسر وظیفه شناسی با هم تفاوت معنادار داشتند؛ به این صورت که زنان در این ملاک میانگین بیشتری نسبت به مردان داشتند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی انجام شد. در اینجا به پاسخگویی به سوالات تحقیق می پردازیم:

آیا تنظیم هیجانی با ملاک های انتخاب همسر همبستگی دارد؟

بله. همانطور که نتایج نشان داد همبستگی مثبت بین تنظیم هیجان به ترتیب با هر سه مولفه وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی ملاک انتخاب همسر در سطح ۰,۰۱ وجود داشت؛ بدین معنا که هر چه قدرت تنظیم هیجان در فرد بیشتر باشد، اهمیت به ملاک های وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی انتخاب همسر نیز در وی افزایش می یابد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های پیشین که نشان دادند هیجان و تنظیم آن بر انتخاب همسر، ازدواج و رضایت و سازگاری زناشویی تاثیر دارد (تیرگری و همکاران، ۱۳۸۳؛ شات و همکاران، ۲۰۰۱؛ هامپل، ۲۰۰۲؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷؛ اورتس و همکاران، ۲۰۰۸؛ اسمیت و سیاروچی، ۲۰۰۸؛ نقل از فدوی، ۱۳۸۹؛ اکسترمر و فرناندز، ۲۰۰۵؛ واندیاس، ۲۰۰۵؛ یاریاری، مرادی و یحیی زاده، ۱۳۸۶؛ رهنما، ۱۳۸۱؛ مایر، سالووی و کارسو، ۱۹۹۹) همسو می باشد. همچنین، این نتیجه با نتایج تحقیقات پیشین (آیزن و همکاران، ۱۹۹۱؛ استرادا، ۱۹۹۷؛ نقل از مهدوی حاجی، ۱۳۸۹) نیز همسو بود که نشان دادند هیجان نقش موثری در فرآیند تصمیم گیری انتخاب همسر دارد. طبق گفته دانیل گلمن^۱، هوش هیجانی نقش مهمی در برقراری و ادامه ارتباطات بازی می کند. بنابراین می توان انتظار داشت فردی با هوش هیجانی بالا که در ارتباطات اجتماعی و همچنین در ارتباطات نزدیک موفق تر است، در ارتباطات زناشویی نیز بهتر عمل کند. هاتفیلد^۲ و هم نظران وی (۱۹۷۸، ۱۹۸۸؛ نقل از نوری و جان بزرگی، ۱۳۹۰) بر این اعتقادند که عشق، هیجانی بر پایه سیستم بیوفیزیولوژیکی انسان است که در این مورد با نخستینها مشابه است. از آنجایی که وظایف عشق عبارت اند از: ۱- جذب یک همسر، ۲- حفظ همسر، ۳- تولید مثل، ۴- سرمایه گذاری والدی (باس، ۱۹۸۸؛ سونسون، ۱۹۷۲؛ نقل از نوری و جان بزرگی، ۱۳۹۰)، آنچه پس از بحث عشق مطرح می گردد، مبحث ازدواج است. از آنجا که انتخاب معیار یا همان ارزش ها و ملاک های کلی فرد در مورد ازدواج، یکی از انتخاب های مهم فرد در عرصه زندگی خویش است که رنگ و بویی احساسی نیز دارد (نوری و جان بزرگی، ۱۳۹۰) بنابراین تفوق و برتری در معیارهای ازدواج و انتخاب همسر افراد مجرد با تنظیم هیجان می باشد. در مجموع، به نظر می رسد تنظیم هیجانات که یکی از مولفه های هوش هیجانی است، باعث می شود که فرد در مواقع حساس به خوبی بتواند هیجانات خود را کنترل کند و سازگار با موقعیت، واکنش نشان دهد. دور از انتظار نیست که افرادی با چنین خصوصیتی در انتخاب همسر دقت بیشتری داشته باشند و ملاک های وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی را در انتخاب همسر مد نظر قرار دهند.

آیا سبک های دلبستگی با ملاک های انتخاب همسر همبستگی دارد؟

بله. تنها دلبستگی ایمن همبستگی دارد. نتایج نشان داد از میان سبک های دلبستگی، بین دلبستگی ایمن به ترتیب با هر سه مولفه وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی ملاک انتخاب همسر در سطح ۰/۰۱ ارتباط مثبت

1. Daniel Goleman

2. Hatfield

وجود دارد. افزایش نمره دلبستگی ایمن در افراد، باعث افزایش ترجیح ملاک های انتخاب همسر و وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی در آن ها می شود. در تبیین این یافته می توان گفت هر چه فرد ویژگی های دلبستگی ایمن را بیشتر دارا باشد، در انتخاب همسر بهتر عمل می کند و اهمیت او به ملاک های انتخاب همسر (شامل وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی) بیشتر می شود. این نتیجه با پژوهش های پیشین (بلسکی، ۱۹۹۴؛ چیشولم، ۱۹۹۶؛ دراپر و هارپندینگ، ۱۹۸۸؛ نقل از اشمیت، ۲۰۰۵؛ هازان و شیور، ۱۹۸۷؛ سیمپسون و همکاران، ۱۹۹۲؛ برک، ۲۰۰۲) که بیان می داشتند تجربیات دوران کودکی و دلبستگی، راهبردهای انتخاب همسر در بزرگسالی را تحت تاثیر قرار می دهند، همسو بود. از نظر اینسورث (۱۹۷۸)، نقل از خانجانی و همکاران، (۱۳۹۱) دلبستگی برای رشد روانی و عادی، تحول شخصیت بهنجار و روابط هیجانی سالم ضروری است و دلبستگی، اساس سلامت هیجانی، روابط اجتماعی و نگرش بهنجار فرد به دنیا تلقی می شود. همانطور که پاراد، لیرکز و بلانکسون (۲۰۱۰) گزارش کرده اند، دلبستگی ایمن موجب کاهش اضطراب اجتماعی و سرانجام ایجاد روابط صمیمی با دیگران می شود. براساس مبانی شکل گیری سبک دلبستگی، کودکان ایمن به دسترس پذیری مادر بیشتر اعتماد دارند و بیش از کودکان نایمن (اجتنابگر، دوسوگرا) از وی به عنوان پایگاه امن استفاده می کنند. هنگام بازگشت مادر پس از جدایی کوتاه مدت، کودکان ایمن با وی به سهولت تماس و تعامل برقرار می کنند. ازسوی دیگر، تداوم سبک های دلبستگی در ادامه زندگی، بعد از کودکی و در بزرگسالی تایید شده است (اینسورث و دیگران، ۱۹۷۸؛ بالبی، ۱۹۸۸؛ بشارت، ۱۳۹۱؛ واترز و دیگران، ۲۰۰۰؛ نقل از بشارت و همکاران، ۱۳۹۲). افراد دارای سبک ایمن، ارتباط با دیگران برایشان آسان است و از اینکه به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آنها تکیه کنند، احساس راحتی می کنند. این افراد از اینکه دیگران آنها را ترک کنند و یا خیلی به آنها نزدیک شوند، احساس نگرانی نمی کنند. اینسورث نیز رفتار دلبستگی در روابط بزرگسالی را به عنوان اساس پدیده ایمنی در هسته زندگی انسان مورد تأکید قرار داد. او اظهار داشت که دلبستگی ایمن، عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی تسهیل می کند. برای مثال، کودکانی که دلبستگی شدید به مادرشان دارند، در آینده از لحاظ اجتماعی برون گرا هستند، به محیط اطراف توجه نشان می دهند، تمایل به کاوش در محیط اطرافشان دارند و می توانند با مسائل مقابله کنند. طبق نظر بالبی، کیفیت دلبستگی در طول زمان ثابت است و پیش بینی کننده مناسبی، برای کیفیت روابط بین شخصی (همسالان، دوستان و روابط با غیرهمجنس) می باشد (نقل از موسوی، ۱۳۸۸). افراد با سبک دلبستگی ایمن، احساس خوشحالی، دوستی و اطمینان در روابط نزدیک خود می کنند. آنان عزت نفس بالایی دارند و احساس می کنند دیگران آنان را دوست داشته و به آنان اهمیت می دهند. سبک دلبستگی ایمن، مربوط به میل برای قدردانی کردن، توجه نشان دادن و قربانی کردن خود برای افراد با اهمیت می باشد. افراد با سبک ایمن، با اعتماد، نزدیکی و وابستگی، احساس راحتی می کنند، زیرا از دیگران توقع دارند با پذیرش، نزدیکی و حمایت پاسخ دهند (کلینک، ترجمه گودرزی، ۱۳۸۲، نقل از موسوی، ۱۳۸۸). به نظر می رسد این خصوصیات افراد با دلبستگی ایمن باعث می شود که آن ها در انتخاب همسر دقت بیشتری داشته باشند و به ملاک های ارزنده وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی انتخاب همسر بیشتر اهمیت دهند.

آیا سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان می توانند با هم ملاک های انتخاب همسر را پیش بینی کنند؟
بله. به طور کلی هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک های انتخاب همسر بود. نتایج نشان دادند که سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان، پیش بینی کننده ملاک های انتخاب همسر هستند. همان گونه که در جداول ۳ و ۴ و ۵ مشاهده می شود، تنظیم هیجان و دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی با هم توانستند ۲۳ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر وظیفه شناسی؛ تنظیم

هیجانی، دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی و دلبستگی اجتنابی با هم توانستند ۲۵ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر برون گرایی؛ دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی، اجتنابی و ایمن با هم توانستند ۱۷ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر عینی را پیش بینی کنند. این نتایج همسو با پژوهش های پیشین (بلسکی، ۱۹۹۴؛ چیشولم، ۱۹۹۶؛ دراپر و هارپندینگ، ۱۹۸۸؛ نقل از اشمیت، ۲۰۰۵؛ هازان و شیور، ۱۹۸۷؛ سیمپسون و همکاران، ۱۹۹۲؛ برک، ۲۰۰۲) هستند که بیان داشتند تجربیات دوران کودکی و دلبستگی، راهبردهای انتخاب همسر در بزرگسالی را تحت تاثیر قرار می دهند. همچنین، این نتایج با نتایج پژوهش های گذشته (تیرگری و همکاران، ۱۳۸۳؛ شات و همکاران، ۲۰۰۱؛ هامپل، ۲۰۰۲؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷؛ اورتس و همکاران، ۲۰۰۸؛ اسمیت و سیاروچی، ۲۰۰۸؛ نقل از فدوی، ۱۳۸۹؛ اکسترمر و فرناندز، ۲۰۰۵؛ واندیاس، ۲۰۰۵؛ یاریاری، مرادی و یحیی زاده، ۱۳۸۶؛ رهنما، ۱۳۸۱؛ مایر، سالووی و کارسو، ۱۹۹۹) نیز همسو و سازگار هستند که نشان دادند هیجان و تنظیم آن بر انتخاب همسر، ازدواج و رضایت و سازگاری زناشویی تاثیر دارد.

همسو با برخی دیگر از پژوهش ها (فنی و نولر، ۱۹۹۰) به نظر می رسد خصوصیات افراد با دلبستگی ایمن که در مقدمه به آن اشاره شد، باعث می شود که آن ها در انتخاب همسر دقت بیشتری داشته باشند و به ملاک های ارزنده انتخاب همسر بیشتر اهمیت دهند.

همچنین، همسو با پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۱) به نظر می رسد مشکلاتی که در افراد با دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا-اضطرابی وجود دارد مانع از این می شود که این افراد در امر انتخاب همسر، ملاک های وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی را مد نظر قرار بدهند و احتمالاً این افراد ملاک های فرعی و غیر ضروری انتخاب همسر را در نظر می گیرند.

در مورد پیش بینی ملاک های انتخاب همسر توسط تنظیم هیجان، همانطور که در سوال اول مطرح شد باید گفت از آنجا که انتخاب معیار یا همان ارزش ها و ملاک های کلی فرد در مورد ازدواج یکی از انتخاب های مهم فرد در عرصه زندگی خویش است که رنگ و بویی احساسی نیز دارد (نوری و جان بزرگی، ۱۳۹۰)، بنابراین تفوق و برتری در معیارهای ازدواج و انتخاب همسر افراد مجرد با تنظیم هیجان می باشد. در مجموع، به نظر می رسد تنظیم هیجانها که یکی از مولفه های هوش هیجانی است باعث می شود که فرد در مواقع حساس به خوبی بتواند هیجانها را کنترل کند و سازگار با موقعیت، واکنش نشان دهد. دور از انتظار نیست که افرادی با چنین خصوصیتی در انتخاب همسر دقت بیشتری داشته باشند و ملاک های وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی را در انتخاب همسر مد نظر قرار دهند.

آیا مردان و زنان از لحاظ ملاک های انتخاب همسر با هم تفاوت دارند؟

بله، از لحاظ مولفه وظیفه شناسی تفاوت وجود داشت. نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه میانگین گروه مردان و زنان از لحاظ ملاک های انتخاب همسر پژوهش کنونی نشان داد که دو گروه فقط از لحاظ ملاک انتخاب همسر وظیفه شناسی - که در مقدمه توضیح داده شد- با هم تفاوت معنادار داشتند. عامل وظیفه شناسی ملاک انتخاب همسر شامل صفات با اعتماد به نفس، وظیفه شناس، بالغ و پخته، قابل اعتماد، باهوش و زیرک، توانا در کسب درآمد، دارای ثبات رای، دارای انگیزه پیشرفت، مرتب و منظم، منطقی، مستقل، دین دار، مسئله گشا، وفادار و متعهد، موفق و کارآمد می باشد که به نظر می رسد صفاتی فردی، درونی و ذهنی می باشند. پژوهش کنونی نشان داد که زنان در این ملاک، میانگین بیشتری نسبت به مردان داشتند. این نتیجه با پژوهش های پیشین که تفاوت های جنسی در انتخاب همسر را نشان دادند (برای مثال سانتراک^۱، ۱۹۹۸؛ بَم^۲، ۱۹۹۸؛

1. Santrock

2. Bem

تاون سند^۱؛ ۱۹۸۹؛ گرینلز^۲ و مکگرو^۳؛ ۱۹۹۴؛ نقل از عابدی، ۱۳۸۶؛ باس و بارس، ۱۹۸۶؛ کنریک و تروست، ۱۹۹۳؛ باس و اشمیت، ۱۹۹۳؛ ایگلی و وود، ۱۹۹۹؛ ایگلی و وود، ۲۰۰۲؛ باس، ۱۹۹۸ به ویرایش پروین و کوپر، ۱۹۹۸؛ باس، ۱۹۸۹؛ ۱۹۹۳؛ اشمیت، ۲۰۰۳) سازگار بود. همچنین، این نتیجه با نتایج باداهاده^۴ و تیمن^۵ (۲۰۰۵) همسو بود که اثر تفاوت جنس در ملاک های انتخاب همسر را نشان دادند. می توان این یافته را با الگوی سودمندی-افزایش دهی دیدگاه نقش اجتماعی تبیین کرد. این تفاوت معنادار بین دو جنس در این عامل در جهت تایید نظریه نقش اجتماعی و دیدگاه تکاملی می باشد که ملاک های انتخاب همسر را تحت تاثیر جنس و نقش های جنسی و مسئولیت والدینی آنها (کسب در آمد در مردان که از مولفه های ملاک وظیفه شناسی می باشد) می دانند.

در این پژوهش، محدوده سنی آزمودنی ها ۱۸-۲۲ بود. لذا تعمیم نتایج با محدودیت همراه است. با توجه به اینکه سن ازدواج بالا رفته است و شاید گروه ۱۸ تا ۲۲ سال به صورت جدی در مورد ازدواج فکر نکرده و امروزه در این سن، تازه هویت در حال شکل گیری می باشد، پیشنهاد می گردد پژوهشی مشابه در گروه سنی بالاتر انجام گردد. همچنین با توجه به اینکه پژوهشگر در جستجویی که انجام داد به تحقیقی در مورد رابطه سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک های انتخاب همسر دست نیافت، لذا در زمینه ادبیات تحقیق و امکان مقایسه با پژوهش های دیگر محدودیت و خلاء بسیار وجود داشت.

در این پژوهش، متغیرهای درون فردی (سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان) به کار برده شده است. بررسی متغیرهای درون فردی باثبات تری مثل صفات شخصیت و سبک های مقابله ای در کنار تنظیم هیجان می تواند میزان بیشتری از واریانس ملاک های انتخاب همسر را تبیین نماید. همچنین در این پژوهش، فقط افراد دانشجوی دوره کارشناسی مورد بررسی قرار گرفتند که پیشنهاد می گردد پژوهش در حوزه ای خارج از دانشگاه و با نمونه ای وسیع تر نیز مطالعه شود تا قابلیت تعمیم بیشتر به جامعه فراهم گردد. پیشنهاد می شود در مطالعه ای دیگر ملاک های افراد متأهل، قبل از ازدواجشان و بعد از ازدواج (که به نظر می رسد متفاوت شوند) بررسی گردد.

در مشاوره های قبل از ازدواج می توان با تعیین سبک های دلبستگی و قدرت تنظیم هیجان افراد، ملاک های انتخاب همسرشان را پیش بینی کرد و در صورت نیاز، آموزش ها و آگاهی هایی داد تا در زندگی رضایت و سازگاری قابل ملاحظه ای داشته باشند. از آنجایی که روان شناسان معتقدند که دلبستگی به عنوان مهمترین ویژگی های شخصیتی انسان ها محسوب می شود، تلاش کنیم که آنها را به سبک دلبستگی ایمن سوق دهیم؛ چرا که دلبستگی توام با امنیت، بهداشت روانی را افزایش می دهد و در انتخاب همسر و نگرش نسبت به ازدواج، مهارت حل تعارض و رضایت زناشویی تأثیر چشمگیری دارد. شناساندن راه های تنظیم هیجان به افراد نیز ضروری است، چرا که تنظیم هیجان، صرف نظر از چگونگی کسب آن، می تواند احساس امنیت خلقی بیشتری را برای فرد فراهم کند.

اکثر محققان ادعا کرده اند که هوش هیجانی، قابل آموزش دادن است و حتی مهم ترین مزیت هوش هیجانی در برابر هوش شناختی را این نکته می دانند که قابلیت های هیجانی اساسی، می توانند یاد گرفته شوند. بنابراین، مراجعه به مراکز مشاوره و روان درمانی جهت اقدام به یادگیری و بهبود هوش هیجانی پیشنهاد می شود.

1. Townsend
2. Greenlees
3. McGrew
4. Badahdah
5. Tiemann

منابع

- اکبرزاده، عبدالجبار، حسن؛ حسین پورلنگرودی، فاطمه و مصباح، نسرین (۱۳۸۹) «بررسی رابطه سبک های دلبستگی با نگرش نسبت به ازدواج و مهارت حل تعارض در دانشجویان مجرد کارشناسی دانشگاه تهران». زن و مطالعات خانواده. سال دوم، شماره ۸.
- برک، لورا. ای (۱۳۸۷) روانشناسی رشد. یحیی سید محمدی. تهران: نشر ارسباران
- بشارت، محمدعلی؛ گلی نژاد، محمد و احمدی، علی اصغر (۱۳۸۲) «بررسی رابطه سبک های دلبستگی و مشکلات بین شخصی». مجله اندیشه و رفتار. شماره ۸.
- بشارت، محمدعلی؛ محمدی حاصل، کورش؛ نیک فرجام، محمدرضا؛ ذبیح زاده، عباس و فلاح، محمدحسین (۱۳۹۲) «مقایسه سبک های دلبستگی در بیماران مبتلا به افسردگی، اختلال های اضطرابی و افراد عادی». روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی. سال نهم، شماره ۳۵.
- بشارت، محمدعلی؛ نوربخش، سیده نجمه؛ رستمی، رضا و فراهانی، حجت اله (۱۳۹۱) «نقش تعدیل کننده خودتنظیم گری در رابطه بین سبک های دلبستگی و شدت اختلال های مصرف مواد». مجله روانشناسی بالینی. سال ۴، شماره ۳.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰) «بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی». پایان نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه تهران.
- جعفرزاده، مهناز (۱۳۸۹) «رابطه بین سبک های دلبستگی و سبک های مقابله ای با رفتارهای پرخطر در دانشجویان». پایان نامه کارشناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- جواهری کامل، عابدین (۱۳۸۵) «بررسی ارتباط هوش هیجانی و سبک های دلبستگی در دانشجویان». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- حیدری، علیرضا و اقبال، فرشته (۱۳۹۰) «رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز». یافته های نو در روانشناسی. سال پنجم، شماره ۱۵.
- خانجانی، زینب (۱۳۸۴) تکامل و آسیب شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی. تبریز: انتشارات فروزش
- خانجانی، زینب؛ حسینی نسب، سید داود؛ کاظمی، آمنه و پناه علی، امیر (۱۳۹۱) «سبک های دلبستگی و اختلالات شخصیت: تحلیلی بر نقش نایمینی دلبستگی بر اختلالات شخصیت خوشه B و C». فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی. شماره ۷، سال دوم.
- رحیمیان بوگر، اسحق؛ اصغر نژادفرید، علی اصغر و رحیمی نژاد، عباس (۱۳۸۷) «رابطه سبک های دلبستگی با سلامت روان در بزرگسالان زلزله زده شهرستان بم». پژوهش های روان شناختی. دوره ۱۱، شماره ۱ و ۲.
- رهنما، اکبر (۱۳۸۱) «بررسی تاثیر آموزش های حین ازدواج بر رضایت زناشویی گروهی از زوجین تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر تهران». مجله دانشور. دوره دهم. شماره ۴۲.
- عابدی، فریبا (۱۳۸۶) «بررسی رابطه بین سبک های هویت، نقش های جنسی و جنس با ملاک های انتخاب همسر در بین دانشجویان مجرد دانشگاه تربیت معلم». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

- علیزاده، مرجان (۱۳۸۵) "بررسی روند آمار ازدواج و طلاق های ثبت شده کشور از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴". فصلنامه جمعیت. شماره ۵۵ و ۵۶.
- فدوی، آزاده (۱۳۸۹) "اثربخشی آموزش هوش هیجانی یا (EQ) بر رضایت زناشویی و تعارضات زناشویی مادران دارای فرزند ابتدایی شهر رشت". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن.
- مهدوی حاجی، طاهره (۱۳۸۹) "بررسی اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر شادکامی، کیفیت زندگی و تنظیم هیجانی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- موسوی، اکرم سادات (۱۳۸۸) "مقایسه سبک های دلبستگی و مقابله ای در افراد مبتلا به سوء مصرف مواد و غیر مبتلا". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.
- میرمحمدصادقی، مهدی (۱۳۸۴) "ازدواج (آموزش پیش از ازدواج)". چاپ اول. تهران: سازمان بهزیستی کشور، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری، دفتر پیشگیری از آسیب های اجتماعی.
- نوری، نسیم و جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۰) "رابطه بین سبک های دلبستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش های ازدواج". مجله علوم رفتاری. دوره ۵، شماره ۳.
- یاریاری، فریدون؛ مرادی، علیرضا و یحیی زاده، سلیمان (۱۳۸۶) "رابطه هوش هیجانی و منبع کنترل با سلامت روانشناختی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران". مطالعات روانشناختی. دوره ۳، شماره ۱.
- Badahdah, A. M. & Tiemann, K. A. (2005) "Mate selection criteria among muslims living in America". *Evolution and Human Behavior*. Vol. 26.
- Bowlby, J. (1969) **Attachment and loss**. Vol. 1. Attachment. New York: Basic Books.
- Buss, D. M. & Barnes, M. (1986) "Preferences in human mate selection". *Journal of Personality and Social Psychology*. Vol. 50.
- Buss, D. M. & Schmitt, D. P. (1993) "Sexual strategies theory: An evolutionary perspective on human mating". *Psychological Review*. Vol. 100.
- Buss, D. M. (1989) "Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures". *Behavior Brain Science*. Vol. 12.
- Buss, D. M. (1998) **Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures**. In: Cooper, Cary L. and pervin, Lawrence A. (1998). *Personality*.
- Ciarrochi, J.; Chan, A. Y. C. & Caputi, P. (2000) "A critical evaluation of the emotional intelligence concept". *Personality and Individual Differences*. Vol. 28.
- Crugnola, C. R.; Tambelli, R.; Spinelli, M.; Gazzotti, S.; Caprin, C. & Albizzati, A. (2011) "Attachment patterns and emotion regulation strategies in the second year". *Infant Behavior and Development*. Vol. 34.
- Eagly, A. H. & Wood, W. (1999) "The origins of sex differences in human behavior: Evolved dispositions versus social roles". *American Psychologist*. Vol. 54.
- Eagly, A. H. & Wood, W. (2002) "A cross-cultural analysis of the behavior of women and men: Implications for the origins of sex differences". *Psychological*

Bulletin. Vol. 128.

- Extremera, N. & Fernandez, P. (2005) **"Perceived emotional Intelligence and life satisfaction: Predictive and incremental validity using the trait meta- mood scale"**. Personality and Individual Differences. 39.
- Feeney, J. A. & Noller, P. (1990) **"Attachment style as a predictor of adult romantic relationships"**. Journal of Personality and Social Psychology. Vol. 58.
- Gross, J. J. (1998) **"The emerging field of emotion regulation: An integrative review"**. Review of General Psychology. 2 (3).
- Hazan, C. & Shaver, P. (1987) **"Attachment as an organizational framework for research on close relationship"**. Psychological Inquiry. (5).
- Hill, R. (1945) **"Campus values in mate selection"**. Journal of Home Economics. Vol. 37.
- Kenrick, D. T. & Trost, M. R. (1993) **The evolutionary perspective**. In A. E. Beall, & R. J. Sternberg (Eds.), The psychology of gender. New York: Guilford Press.
- Láng, A. (2010) **"Attachment and emotion regulation – clinical implications of a non-clinical sample study"**. Procedia Social and Behavioral Sciences. 5.
- Linley, P. A. & Joseph, S. (2004) **"Positive change following trauma and adversity: A review"**. Journal of Traumatic Stress. 17.
- Mayer, J. D.; Salovey, P. & Caruso, D. R. (1999) **"Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence"**. Journal of Intelligence. Vol. 27.
- McGinnis, R. (1958) **"Campus values in mate selection: A repeat study"**. Social Forces. Vol. 36.
- Mikulincer, M. & Shaver, P. R. (2003) **"The Attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, And interpersonal processes"**. Advances in Experimental Social Psychology. Vol. 35.
- Mikulincer, M. & Shaver, P. R. (2004) **Security-based self representations in adulthood: Contents and processes**. In W. S. Rholes & J. A. Simpson (Eds.), Adult Attachment: Theory, Research, and Clinical Implications. New York: Guilford.
- Miler, C. (2002) **Men, women from same planet when looking for mate**. New York: Reuters Health.
- Parade, S. H., Leerkes, E. M., & Blankson, A. N. (2010) **"Attachment to parents, social anxiety and close relationships of female students over the transition to college"**. Journal of Youth Adolescence, 39, 127-137.
- Pediaditakis, N. (1997) **" Factors and their origins in mate selection and choice among humans: implications for individual psychotherapy and counseling"**. Medical Hypotheses. Vol. 51.
- Schmitt, D. P. (2003) **"Universal sex differences in the desire for sexual variety: Tests from 52 nations, 6 continents, and 13 islands"**. Journal of Personality and Social Psychology. Vol. 85.
- Schmitt, D. P. (2005) **Fundamentals of Human Mating Strategies**. The Handbook of Evolutionary Psychology. New Jersey: John Wiley & Sons, Inc.

- Shaver, P. R., Schachner, D. A., & Mikulincer, M. (2005) **“Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression”**. Personality and Social Psychology Bulletin. Vol. 31. p.p: 343-359.
- Simpson, J. A. (1990) **“Influence of attachment style on romantic relationship”**. Personality Social Psychology. Vol. 59.
- Simpson, J. A.; Rholes, W. S. & Nelligan, J. S. (1992) **“Support seeking and support giving within couples in anxiety provoking situation: The role of attachment styles”**. Journal Personality Social Psychology. (62)3.
- Vadnais, A. M. (2005) **The relationship of Emotional Intelligence and Marital Satisfaction**. Doctoral Disseration, Alliant International University. Dissertation Abstract International, 3161334.
- Vimz, B. & Pina, W. (2010) **“The assessment of emotion regulation improving construct validity in research on psychopathology in youth”**. Journal Of Psychological Behaviour Assessment ,Published Online Do I,10.
- Wakil, P. (1973) **“Campus mate selection preferences: A cross-national comparison”**. Social Forces. Vol. 51.
- Weber, M. & Ruch, W. (2012) **“The role of character strengths in adolescent romantic relationships: An initial study on partner selection and mates’ life satisfaction”**. Journal of Adolescence. Vol. 35.
- Yoo, S. H.; Matsumoto, D. & Le Roux, J. A. (2006) **“The influence of emotion recognition and emotion regulation on intercultural adjustment”**. International Journal of Intercultural Relation. 30.

عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانشجویان به رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی (با رویکرد مقایسه ای بین خوابگاه های خودگردان و دولتی)^۱

ستار پروین^۲

عبدالحسین کلانتری^۳

مریم داودی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

مقاله حاضر به بررسی آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در بین دانشجویان خوابگاه های خودگردان و دولتی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (احساس فشار اجتماعی و احساس سازگاری اجتماعی) می پردازد. چارچوب نظری تحقیق، ترکیبی از نظریه های فشار اجتماعی و سازگاری اجتماعی می باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه دانشجویان ساکن خوابگاه های خودگردان در شهر تهران است که جهت مقایسه یک خوابگاه دانشجویی دولتی انتخاب شده است. داده های تحقیق از طریق روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و از طریق نمونه گیری تصادفی احصا شده است. حجم نمونه برابر با ۳۰۰ نفر است. بر اساس نتایج تحقیق، آسیب های اجتماعی مانند مصرف سیگار، تماشای سایت ها و فیلم های غیرمجاز و مصرف قلیان دارای بیشترین میزان شیوع در بین دانشجویان می باشد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد متغیر فشار اجتماعی با میزان ضریب پیرسون ۰/۱۵۶ و متغیر سازگاری اجتماعی با میزان ضریب همبستگی ۰/۳۱۱- دارای روابط معنادار آماری با متغیر وابسته تحقیق می باشند. بر اساس یافته های رگرسیونی تحقیق، از بین متغیرهای مستقل تحقیق، متغیر احساس سازگاری اجتماعی دارای رابطه مستقیم و معنادار با متغیر آسیب پذیری دانشجویان می باشد- این متغیر حدود ۱۰ درصد از واریانس و تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کند. دیگر متغیر مستقل یعنی

۱. نتایج این مقاله حاصل پژوهشی با عنوان ارزیابی پیامدهای اجتماعی- فرهنگی خوابگاه های خودگردان (خصوصی) می باشد که با حمایت مالی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۹۲ به انجام رسیده است.

۲. عضو هیات علمی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) E-mail: sparvin1359@gmail.com

۳. عضو هیات علمی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

۴. کارشناس ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران

عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانشجویان به رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی (با رویکرد مقایسه ای بین خوابگاه های خودگردان و دولتی)

احساس فشار اجتماعی، به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر احساس سازگاری بر متغیر وابسته اثر می گذارد.

واژگان کلیدی: دانشجو، خوابگاه های خودگردان، آسیب پذیری، رفتارهای پرخطر، فشار اجتماعی و سازگاری اجتماعی

مقدمه

ورود به دانشگاه، تصویر و رویای بی نظیر استقلال از خانواده و زندگی با دوستان هم سن و سال را در ذهن ایجاد می‌کند. اولین روزهای زندگی دانشجویی بدون حضور خانواده، در شهری غریب با افرادی از فرهنگ‌های مختلف و شخصیت‌هایی متفاوت با اسکان در اتاق‌های کوچک و بدون امکانات رفاهی، کافی است تا همه آنچه را که دانشجو در ذهن داشته، متلاشی کند. خوابگاه یعنی محل سکونت موقت، جایی با امکانات محدود و اولیه که دانشجو برای ادامه تحصیل در آنجا استقرار پیدا می‌کند. دانشجو با ورود به خوابگاه از محیطی که سال‌ها در آن زندگی کرده، جدا می‌شود و در محیط جدید و متفاوتی قرار می‌گیرد. زندگی در این محیط جدید با افرادی متفاوت از فرهنگ‌ها و سلیقه‌های گوناگون، منجر به شکل‌گیری روابط خاص و بیشتر متفاوتی نسبت به قبل می‌شود. محیطی که در آن افراد با فرهنگ، زبان، شخصیت و رشته‌های تحصیلی گوناگون - که هر کدام ایدئولوژی‌ها و علایق متناسب با خود را می‌طلبند - در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. دانشجوی جدید، وارد اتاق یا آپارتمان کوچکی می‌شود که قرار است دست‌کم سه چهار سال آینده زندگی‌اش را در آن بگذراند. بی‌تردید، او با هجوم احساسات مختلفی مواجه خواهد بود. برای جوانی که تازه روزهای دبیرستان را تمام کرده، سخت‌ترین تجربه، جدایی از خانواده است. در شرایط امروز که دوران آمادگی برای کنکور در بیشتر خانواده‌ها خیلی جدی گرفته می‌شود، پدر و مادرها، همه تلاششان را به کار می‌گیرند تا همه چیز، از امکانات تحصیلی گرفته تا نیازهای تغذیه‌ای و عاطفی فرزندشان تمام و کمال تأمین شود، جدا شدن از خانواده به معنای از دست دادن همه این پشتوانه‌ها و تغییر اساسی شرایط است.

جوانان دانشجو علاوه بر کسب تحصیل، عملاً باید سبک زندگی خود را تغییر دهند، به نقشه‌هایی که در ذهن خود تدارک دیده‌اند جامه عمل بپوشانند، برای رهایی از تنهایی و انزوا، ارتباطات مناسبی با دنیای اطراف خود برقرار نمایند و مهارت‌های لازم را به منظور سازگاری با اجتماع خود بدست آورند. آنها باید تفاوت بین دو واژه سازگاری و سازش را تشخیص بدهند و بدانند که سازگاری نوعی رابطه دو طرفه است که هر دو طرف برای رسیدن به تعادل با هم همکاری می‌کنند. رسیدن به این اهداف در محیطی همچون خوابگاه‌های دانشجویی، به نظر مشکل‌تر از سایر محیط‌هاست.

به نظر می‌رسد که امروزه، موضوع خوابگاه‌های دانشجویی به یکی از مسائل مهم و اساسی برای هر دانشگاه تبدیل شده است. بازتاب معضلات خوابگاه‌ها در رسانه‌های مختلف، ارائه قوانین و مقرراتی که به کرات و طی دوره‌های زمانی کوتاهی برای سرو سامان دادن به وضعیت خوابگاه‌ها اجرا می‌شود، تقسیم بندی‌های متناوب برای خوابگاه‌ها، نگرانی‌های ناشی از رشد خانه‌های دانشجویی و بسیاری موضوعات و مسائل دیگر وجود دارد که هر کدام از این موارد بیانگر توجه به مسئله خوابگاه‌هاست. واقعیت این است که امروزه خوابگاه‌ها به یکی از مهمترین مسائل دانشگاه‌ها تبدیل شده و تا حد زیادی سایر رسالت‌های دانشگاه، از جمله کسب علم را تحت الشعاع خود قرار داده است.

به طور معمول، واژه دانشگاه با خوابگاه‌های دانشجویی همراه و عجین شده است و هر جا که دانشگاه دولتی وجود دارد، خوابگاه نیز ملازم آن است. عموماً در سطح وزارت علوم خوابگاه‌ها را با نام خوابگاه‌های دولتی می‌شناسند ولی اخیراً وزارت علوم اقدام به ارائه خوابگاه‌ها به بخش خصوصی کرده و به اصطلاح اقدام به برون سپاری خوابگاه‌های دانشجویی در سطح شهرها نموده است. به طور مشخص هر طرح که اجرا می‌شود، دارای پیامدهای مثبت و منفی فرهنگی و اجتماعی می‌باشد که بخشی از این پیامدها قابل پیش بینی و بخشی نیز ناخواسته و غیرقابل پیش بینی است. به طور حتم، زندگی خوابگاهی بر روحیات دانشجویان دارای اثرات متعددی است. این پژوهش با این اهداف انجام گرفته است:

- بررسی مهم ترین آسیب های اجتماعی و شیوع آن ها (اپیدمولوژی) به طور تطبیقی و مقایسه ای بین خوابگاه های دولتی و خودگردان؛
- بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار در بروز این آسیب ها و رفتار های پرخطر (اتیولوژی).
برگمن^۱ در پژوهش خود با عنوان "بررسی سازگاری اجتماعی و مهارت های اجتماعی و عزت نفس" به این نتیجه رسید که یکی از علل ناسازگاری و عدم ابراز وجود و ارتباط مؤثر بین فردی در گروهی از دانشجویان می تواند وجود اختلال کم توجهی و بیش فعالی^۲ باشد که موفقیت اجتماعی، تحصیلی و رشد عاطفی دانشجویان دانشگاه ها را تحت تأثیر قرار می دهد (برگمن ۲۰۰۵).
فوجینو در پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط بین فردی در زندگی خوابگاهی و رشد مهارت های اجتماعی" به این نتیجه رسید که زمانی که دانشجویان با یک مشکل ارتباط بین فردی در خوابگاه دانشجویی مواجه می شوند، آن دسته از دانشجویان که از دو یا بیشتر مهارت های اجتماعی برخوردارند، نسبت به دانشجویانی که فاقد چنین مهارت هایی می باشند، به نحوه بهتری با مشکل مقابله می نمایند (فوجینو ۲۰۰۵).
بر اساس مطالعه بنیارد، ضربه های عاطفی انباشته شده با کاهش سازگاری فردی / عاطفی در ارتباط است. حمایت های اجتماعی قوی و معنی بخشیدن به وقایع دردناک عاطفی به سازگاری مثبت منجر می شود بنیارد (۲۰۰۴).
هانم در پژوهشی دریافت که اختلاف بین والدین باعث آسیب پذیری دانشجو و کاهش سازگاری اجتماعی او می گردد (هانم، ۲۰۰۴).
اریک جی در خصوص بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان خوابگاهی دریافت که دوری از خانواده و اجتماعات و وضعیت نابسامان خوابگاه ها از جمله عواملی است که باعث تنهایی دانشجویان تازه وارد به دانشگاه می شود. دانشجویانی که در سازمان های اجتماعی فعالیت می نمایند، احساس بیگانگی و تنهایی کمتری دارند. دختران دانشجو نسبت به پسران احساس تنهایی و بیگانگی کمتری دارند (اریک جی، ۱۹۹۹).
مطالعه جوان شیخی با عنوان "رابطه وضعیت فرهنگی - اجتماعی خانواده با میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان خوابگاهی" در دانشگاه الزهرا نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین درآمد، شغل والدین، محل سکونت خانواده، تحصیلات والدین و چگونگی شکل روابط خانوادگی با سازگاری اجتماعی دانشجویان خوابگاهی رابطه معناداری وجود دارد (جوان شیخی، ۱۳۸۰).
شمسیان (۱۳۳۸) مسائل و مشکلات رفاهی و عاطفی دانشجویان شهرستانی مقیم سه خوابگاه های دانشگاه تهران، علامه و شهید بهشتی را مورد بررسی قرار داد. در این مطالعه، عواملی که باعث عدم رضایت و ناسازگاری در دانشجویان خوابگاهی می گردید، عبارت بودند از: تراکم گسترده دانشجویان در اطاق ها، کمبود فضا برای مطالعه، نحوه سرپرستی و روابط بین دانشجویان (به نقل از جوان شیخی، ۱۳۸۰).
صفوی، مشکلات دانشجویان دانشگاه اصفهان را در بین دختران و پسران دانشجو به صورت مقایسه ای بررسی کرد. نتایج نشان داد که دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه با مشکل سازش با محیط دانشگاه و دوری از خانواده روبرو می شوند (صفوی، ۱۳۶۶).
رضایی ادریانی و همکاران در پژوهشی به بررسی "مقایسه میزان افسردگی، اضطراب، استرس و کیفیت زندگی دانشجویان دختر و پسر مقیم خوابگاه های دانشجویی" پرداختند و دریافتند که دانشجویان ساکن در خوابگاه ها به دلیل شرایط سنی و موقعیت خاص اجتماعی در معرض استرس های فراوانی هستند. عواملی

1. Bergman

2. Attention Deficit Hyperactivity Disorder (ADHD)

همچون: دور بودن از محیط خانه و جدا شدن از خانواده، ورود به محیط جدید، مسائل و مشکلات درسی، رقابت با دیگر دانشجویان، آزمون ها، مسائل و مشکلات مالی، آینده کاری، ناتوانی در تصمیم گیری و حجم زیاد کلاس ها و درس ها را می توان به عنوان عوامل استرس زای موجود برای دانشجویان به حساب آورد (رضایی ادریانی و همکاران، ۱۳۸۶).

شجاع و همکاران به "بررسی فراوانی مصرف و علل گرایش به سیگار در میان دانشجویان ساکن در خوابگاه ها" پرداخته اند. این پژوهش، رابطه با دوستان سیگاری در خوابگاه را مهم ترین علل گرایش به سیگار عنوان می کند و همبستگی های بالایی بین سن، جنس و قومیت در رابطه با مصرف سیگار را نشان می دهد (شجاع و همکاران، ۱۳۸۹).

شریفی راد و کامران نیز در پژوهشی به "بررسی علل گرایش به مصرف سیگار در میان افراد خوابگاهی" پرداخته اند. نتایج نشان داد که بین سیگاری بودن پدر و دانشجویان سیگاری رابطه معنی داری وجود دارد؛ بدین معنا که از عوامل اجتماعی و فرهنگی مهم بر کشیدن سیگار والدین، دوستان و همسالان سیگاری هستند. در این مطالعه، زمان مصرف سیگار در اکثر دانشجویان بعد از ورود به دانشگاه بود که این امر نشان از محیط نامساعد و بدون نظارت والدین برای مصرف سیگار توسط دانشجویان دارد. تأثیر دوستان سیگاری نیز از مهم ترین عواملی بود که دانشجویان سیگاری در خوابگاه به آن اشاره می کردند که باعث تمایل آنان به مصرف سیگار شده بود. بر این اساس، داشتن دوستان سیگاری، خطر بروز رفتار کشیدن سیگار را دو تا چهار برابر بیشتر می کند (شریفی راد و کامران، ۱۳۸۶). پژوهش دیگری از فروتنی و رضائیان (۱۳۸۴) درباره مصرف مواد مخدر و عوامل سوء آن نشان از میزان قابل توجهی مواد مخدر در میان دانشجویان خوابگاهی دارد (فروتنی و رضائیان، ۱۳۸۴).

در پژوهش دیگری توسط آراسته (۱۳۸۶) پیرامون مشکلات خوابگاه ها، مهم ترین عوامل کم خوابی و بی خوابی در دانشجویان خوابگاهی مورد بررسی قرار گرفته است. داده های این پژوهش نشان می دهد که بیش از نیمی از دانشجویان ساکن در خوابگاه ها، دچار کم خوابی یا بی خوابی هستند (همچنین نک به پژوهش دیگری در این زمینه از قانع و همکاران، ۱۳۹۰).

با این حال، مطالعات یاد شده بیشتر به مسئله خوابگاه های دانشجویی، رویکرد روانشناختی دارند. مطالعه حاضر تلاش می کند تا از منظر جامعه شناختی به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش دانشجویان خوابگاه های دولتی و خودگردان بپردازد.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری تحقیق، ترکیبی از دو حوزه جامعه شناسی انحرافات و آسیب های اجتماعی (تئوری فشار اجتماعی) و روانشناسی اجتماعی (تئوری سازگاری یا ناسازگاری اجتماعی) می باشد.

الف- تئوری سازگاری اجتماعی

از نظر لغوی، فعل سازگار شدن به معنی متناسب بودن، مربوط بودن و انطباق یا وفق دادن می باشد. در لغت نامه دهخدا، سازگاری «موافقت در کار- حسن سلوک» معنی شده است. (مان، ۱۳۵۶) سازگار شدن با محیط، مهم ترین منظور و غایت همه فعالیت های ارگانیزم است؛ چنان که باتلر^۱ اظهار می دارد: "در همه دوران زندگی خود در هر روز و هر ساعت سرگرم آنیم که خود دگرگون شده و دگرگون نشده را با محیط دگرگون شده و دگرگون نشده سازگار کنیم. زندگی کردن در حقیقت چیزی جز عمل سازگاری نیست". (همان، ۱۳۵۶)

روانشناسان، سازگاری فرد را در برابر محیط مورد توجه قرار داده اند و ویژگی هایی از شخصیت را بهنجار تلقی کرده اند که به فرد کمک می کند تا خود را با جهان پیرامون خویش سازگار سازد؛ یعنی با دیگران در صلح و صفا زندگی کند و جایگاهی در جامعه برای خویش بدست آورد (اتکینسون و هیلگارد، ۱۹۸۳).

ناسازگاری یا کژخویی به رفتار افرادی اطلاق می شود که معمولاً از هوش عادی یا حتی ضریب هوش بالا برخوردارند، ولی دارای رفتار غیر عادی بوده یا به اصطلاح مبتلا به اختلالات سازگاری هستند. (فلاحی و همکاران، ۱۳۸۲) ناسازگاری در سه گروه طبقه بندی شده است: (به نقل از فلاحی و همکاران، ۱۳۸۲) ناسازگاران اجتماعی، ناسازگاران ذهنی و عقلی و ناسازگاران حسی حرکتی. در یک تقسیم بندی کلی، عوامل مؤثر بر سازگاری اجتماعی را می توان در چهار مقوله فردی، خانوادگی، اجتماعی، مذهبی و اخلاقی جای داد. در جامعه شناسی سه معنی متفاوت از سازگاری اجتماعی استنباط می شود:

۱) سازگاری اجتماعی به عنوان روابط اجتماعی: سازگاری اجتماعی فرآیندی است که بر پایه آن، روابط اجتماعی هماهنگ می شود. روابط اجتماعی برای نهادها و جمع های انسانی اهمیت اساسی دارد و آن ها نمی توانند بدون این روابط زندگی کنند. (البرور، ۱۳۸۰)

۲) سازگاری اجتماعی به عنوان انطباق اجتماعی: سازگاری اجتماعی فرایند انطباق گروه یا فرد را با محیط میسر می سازد. تطابق با محیط اجتماعی که ناشی از اجتماعی شدن است می تواند اشکال متفاوت و درجات متفاوتی از سازگاری و هم چنین اشکال متفاوتی از ناسازگاری به خود بگیرد. (گی روشه، ۱۳۷۴)

۳) سازگاری اجتماعی به عنوان تعامل فرد با محیط و جامعه: تعاریف دیگر سازگاری اجتماعی را به عنوان تعامل فرد با محیط و جامعه بیان کرده اند، و دارای دو بعد دستوری است و اطاعت از ارزش ها و هنجارهای رفتاری مسلط را به دنبال دارد. (ساروخانی، ۱۳۷۰)

ب- تئوری فشار اجتماعی

نظریه هایی که آسیب های اجتماعی و جرم را به عنوان پیامد مستقیم محرومیت و خشم طبقه پایین در نظر می گیرند، بیشتر به عنوان "نظریه های فشار" شناخته می شوند. این نظریه پردازان بر این عقیده اند که اغلب مردم اهداف و ارزش های مشابهی دارند، اما توانایی دسترسی به اهداف مشخص به وسیله طبقه اقتصادی - اجتماعی طبقه بندی می شود. فشار در نواحی ثروتمند محدود می شود، زیرا فرصت های آموزشی و شغلی را در دسترس دارند (سیگل، ۲۰۰۳: ۱۹۲).

دورکیم، اولین نظریه پردازی است که فشار را به عنوان تبیینی برای جرم و آسیب های اجتماعی مطرح کرد. از نظر رابرت مرتون ساختار اجتماعی، ریشه مسئله جرم و سایر آسیب ها و مسایل اجتماعی است. از نظر وی افراد مطیع قانون هستند، اما زمانی که تحت تأثیر فشار زیاد باشند به جرم رجوع می کنند. شکاف میان اهداف و وسایل فراهم کننده این اهداف، منبع فشار است (آدلر و دیگران، ۲۰۰۱: ۱۲۵).

مرتون جرم و کجروی و انواع آسیب های اجتماعی را به عنوان سازگاری فردی در برابر فشارهای ناشی از ساختار اجتماعی در نظر می گیرد. (پروین، ۱۳۹۱) وی با تمایز میان ساختار اجتماعی - که فراهم کننده پایه های اقتصادی برای موفقیت است - و فرهنگ - که فراهم کننده هنجارها، ارزش ها و اهداف است - معتقد است که کجروی، زمانی ایجاد می شود که تعادل میان ساختار اجتماعی - که فراهم کننده ابزارها است - و فرهنگ - که تأمین کننده اهداف است - از بین برود و این، به معنای آنومی است. یکی از موضوعات مهم مرتون، ایجاد رفتارهای جایگزینی است که ممکن است از اختلاف میان اهداف و ابزارها ناشی شود؛ آنچه که مرتون آن ها

را شیوه‌های^۱ سازگاری فردی می‌نامد (مکگی، ۲۰۰۶: ۵۱). این شیوه‌های سازگارانه عبارت اند از: همنوایی^۲، نوآوری^۳، مناسک گرایی^۴، کناره‌گیری^۵ و شورش^۶.

یکی دیگر از نظریه‌هایی که در قالب نظریه فشار مطرح شده، نظریه عمومی فشار^۷ است که توسط رابرت اگنیو^۸ مطرح شده است که بنابر آن، وی تلاش در ارائه یک نظریه عمومی از نظریه‌های فشار، کرده است. این نظریه با تاکید بر تئوری آنومی مرتون، منابع عمومی فشار را گسترش می‌دهد (همان، ۱۳۹۱).

اگنیو، تلاش در تبیین این موضوع دارد که چرا افرادی که احساس استرس و فشار دارند، بیشتر احتمال ارتکاب جرم و کجروی دارند. وی تبیین عمومی‌تری از فعالیت‌های مجرمانه در میان همه عناصر جامعه به جای محدود کردن دیدگاهش به جرم طبقه پایین، ارائه می‌دهد (سیگل، ۲۰۰۳: ۱۹۶).

بر اساس تئوری اگنیو، افراد به این دلیل در جرم و کجروی اجتماعی درگیر می‌شوند که فشارها و استرس‌ها را تجربه می‌کنند. برای مثال، آن‌ها که دارای نیاز شدید به پول هستند یا عقیده دارند که به وسیله اعضای خانواده، معلمان، همالان، کارفرمایان و دیگران تحت فشار هستند، ناراحت می‌شوند و مجموعه‌ای از احساسات منفی مانند عصبانیت، محرومیت و افسردگی را تجربه می‌کنند و از طریق جرم، بر این فشارها و هیجانات منفی غلبه می‌کنند؛ جرم ممکن است راهی برای کاهش و یا فرار از فشار باشد (اگنیو، ۲۰۰۹). به زعم اگنیو، همه افراد به فشارها از طریق جرم و کجروی پاسخ نمی‌دهند؛ رفتار مجرمانه بیشتر زمانی است که افراد فاقد توانایی در فائق آمدن از طریق روش‌های قانونی باشند. غلبه بر فشار از طریق جرم، زمانی امکان دارد که هزینه‌های جرم پایین باشد و همچنین افراد در معرض جرم قرار داشته باشند (پروین، ۱۳۹۱).

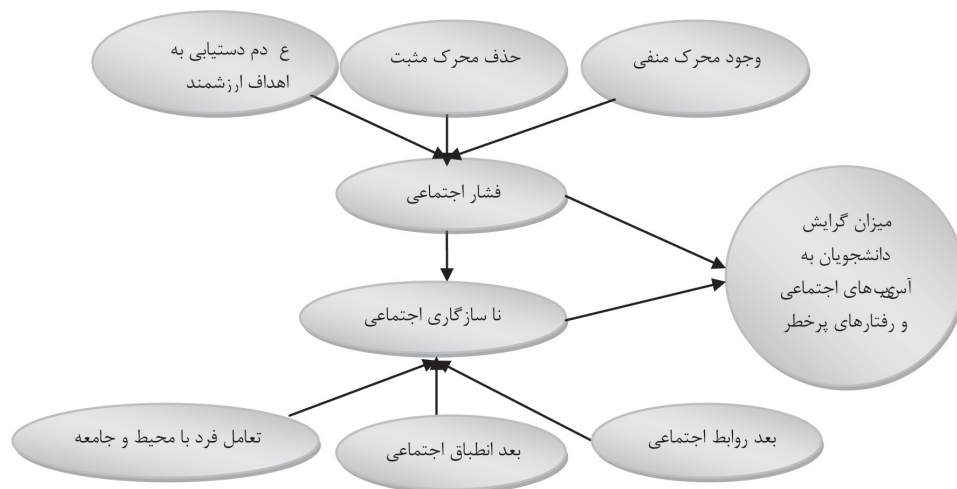
اگنیو معتقد است که مجرمیت^۹ نتیجه مستقیم شرایط اثرگذار منفی مانند عصبانیت، محرومیت و هیجانات منفی^{۱۰} است (سیگل ۲۰۰۳: ۱۹۶). فشارها اشاره به حوادث و شرایطی دارد که افراد از آن‌ها نفرت دارند. تجربه فشارها اغلب باعث ایجاد احساس بد برای افراد می‌شوند. بنابراین، فشارها در ایجاد هیجانات منفی مانند عصبانیت و افسردگی نقش دارد. اگنیو منابع چندگانه فشار را شامل موارد زیر در نظر می‌گیرد: (۱) شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت (۲) فقدان محرک ارزشمند مثبت (۳) مواجهه با محرک منفی.

فرض نظری تحقیق این است که دو عامل سازگاری اجتماعی - یا ناسازگاری اجتماعی - و احساس فشار اجتماعی در محیط خوابگاه‌های دانشجویی از عواملی است که در آسیب‌پذیری دانشجویان در مقابل رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی اثر گذار هستند. بنابراین، به هر میزان دانشجویان احساس فشار اجتماعی و احساس ناسازگاری اجتماعی با محیط خوابگاه داشته باشند، به همان میزان در مقابل رفتارهای پرخطر آسیب‌پذیرتر هستند.

1. modes
2. conformity
3. innovation
4. Ritualism
5. retreatism
6. rebellion
7. general strain theory
8. Robert Agnew
9. criminality
10. adverse emotions

عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانشجویان به رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی (با رویکرد مقایسه ای بین خوابگاه های خودگردان و دولتی)

مدل ۱: مدل نظری تحقیق



فرضیات تحقیق

- ۱) بین میزان آسیب پذیری دانشجویان ساکن خوابگاه های دولتی و خودگردان با میزان احساس فشار اجتماعی، رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- ۲) بین میزان آسیب پذیری دانشجویان خوابگاه های دولتی و خودگردان با میزان احساس سازگاری اجتماعی، رابطه معنادار آماری وجود دارد.
- ۳) بین خوابگاه های دولتی و خودگردان به لحاظ میزان آسیب پذیری دانشجویان، تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

روایی و پایایی تحقیق

در تحقیق حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی مقیاس ها مورد سنجش قرار گرفته است. این میزان برای متغیر میزان آسیب پذیری ۰/۹۲، برای متغیر احساس سازگاری اجتماعی ۰/۸۵ و برای میزان احساس فشار برابر با ۰/۹۳ می باشد که نشانگر میزان آلفای قابل قبول می باشد اعتبار گویه ها از طریق اعتبار صوری احصا شده است.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، پیمایش است که داده های مورد نظر از طریق پرسشنامه محقق ساخته، احصا شده است که پس از آزمون مقدماتی و اصلاح پرسشنامه، در اختیار دانشجویان خوابگاه های خودگردان و دولتی قرار گرفت.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری^۱ این پژوهش تمام دانشجویان در سطح خوابگاه های خودگردان سطح شهر تهران هستند.

۱. از تعداد کل جامعه مورد مطالعه، آمار دقیقی در مورد بخش خوابگاه های خودگردان در دسترس نیست، ولی می توان تخمین زد که حدود ۲۰ هزار نفر در این خوابگاه ها ساکن هستند.

تلاش می‌شود تا یک خوابگاه دولتی به عنوان مقایسه انتخاب شود. بر همین اساس، در هر دوی این خوابگاه‌ها باید هم خوابگاه مردان و هم زنان وجود داشته باشد. همچنین، در این خوابگاه‌ها باید دسته کم دو مقطع تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس وجود داشته باشد. بنابراین، شیوه نمونه‌گیری بر اساس روش احتمالی بوده است.

در هر یک از این دو نوع خوابگاه، تعداد ۳۰۰ پرسشنامه محقق ساخته توزیع شد که سهم هر خوابگاه ۱۵۰ پرسشنامه بود. نحوه توزیع پرسشنامه‌ها و نمونه‌گیری نیز به صورت تصادفی ساده دو مرحله‌ای در بین خوابگاه‌های خودگردان بود که بر طبق آن پاسخگویان بر اساس سطح تحصیلی، میزان سال‌های اقامت در خوابگاه، سن افراد و انتخاب شدند و سپس پرسشنامه‌ها به طور تصادفی در بین آنها پخش گردید. نحوه توزیع پرسشنامه‌ها به این صورت بود که بر اساس تفکیک جنسی، ۱۵۰ پرسشنامه به خوابگاه دولتی دختران و به همین تعداد به خوابگاه خودگردان دختران اختصاص یافت. پرسشنامه مربوط به خوابگاه خودگردان دختران در چهار خوابگاه پروین اعتصامی، طراوت، ارسیتا و شکبیا توزیع شد. این خوابگاه‌ها بر اساس نوعی پراکندگی جغرافیایی و به علت اینکه تعداد دانشجویان آن به نسبت بیش از سایر خوابگاه‌ها بود، توزیع شد. همچنین از همکار طرح خواسته شد تا پرسشنامه به نوعی بر اساس تفکیک ذهنی خودش از سن، تحصیلات، وضعیت شغلی و مواردی مانند این توزیع شود. همین موضوع در مورد پرسشنامه‌های پسران نیز تکرار شد. ۱۵۰ پرسشنامه پسران از بین خوابگاه‌های دولتی، در میان دانشجویان دانشگاه تهران (هر مقطع ۵۰ پرسشنامه) و از بین خوابگاه‌های خودگردان، در میان خوابگاه‌های پاسارگاد، آراین و جمالزاده توزیع شد.

تعریف مفهومی و نظری متغیرها

میزان آسیب پذیری

الف-تعریف مفهومی

منظور از این متغیر میزان احتمال ارتکاب و یا ارتکاب رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی دانشجویان ساکن در خوابگاه‌ها-دولتی و یا خودگردان- می‌باشد. از جمله این رفتارها می‌توان به مصرف سیگار، قلیان، مواد مخدر صنعتی و سنتی، انحرافات سایبری، رفتارهای پرخطر جنسی و مواردی از این دست اشاره کرد. این نوع انحرافات و رفتارهای پرخطر را می‌توان به آسیب‌های نوپدید و غیر نوپدید تقسیم بندی کرد.

الف-تعریف عملیاتی

برای سنجش این متغیر دو سؤال از دانشجویان پرسیده شده است:

سؤال اول، میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر را در میان دانشجویان مورد پرسش قرار داده است.

سؤال دوم به میزان ارتکاب و گرایش ذهنی به آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر توسط خود پاسخگویان پرداخته است. گویه‌های جدول زیر این موضوع را در سطح سنجش فاصله‌ای مورد بررسی قرار داده است:

هر یک از موارد زیر را تا چه میزان انجام می‌دهید و یا با آن موافق هستید؟

جدول ۱: گویه های سنجش متغیر آسیب پذیری فرد

ردیف	گویه های سنجش	سطح سنجش
۱	مصرف سیگار	فاصله ای
۲	مصرف مواد مخدر سنتی مانند ترپاک	فاصله ای
۳	مصرف مواد مخدر صنعتی مانند کراک و شیشه	فاصله ای
۴	مصرف مشروبات الکلی	فاصله ای
۵	ورق بازی (پاسور)	فاصله ای
۶	مصرف قلیان	فاصله ای
۷	رابطه جنسی نامشروع	فاصله ای
۸	تماشای سایت ها و فیلم های مستهجن	فاصله ای
۹	شرکت در پارتی های دوستانه و مختلط	فاصله ای

سازگاری اجتماعی

الف-تعریف مفهومی

سازگاری اجتماعی یکی از ابعاد اجتماعی شدن است. برخی صاحب نظران، سازگاری را معادل با مهارت اجتماعی می دانند. اسلاموسکی و دان، سازگاری و مهارت اجتماعی را فرآیندی می دانند که فرد را قادر می سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش بینی کند و رفتار خود را کنترل و تعاملات اجتماعی اش را به نحو سازش یافته ای تنظیم نماید.

ب-تعریف عملیاتی

برای سنجش این متغیر، از گویه های مانند موارد زیر استفاده شده که این متغیر را در سه بعد انطباق اجتماعی، رابطه اجتماعی و تعامل فرد با محیط و جامعه مورد سنجش قرار داده است:
احساس می کنم هیچ قدرتی در سرنوشتم ندارم/ خیلی دوست دارم تنها باشم و کسی کاری به کارم نداشته باشد ارتباط مناسبی با هم خوابگاهی هایم ندارم/ احساس می کنم در روابط با محیط با مشکل مواجه شده ام و...

فشار اجتماعی

الف-تعریف مفهومی

آگنیو، مفهوم فشار اجتماعی را در سطح خرد بکار می برد و معتقد است که احساس فشار اجتماعی می تواند از عوامل تعیین کننده و اثرگذار در گرایش افراد به انحرافات و آسیب های اجتماعی باشد. از نظر وی، ارتکاب رفتار انحرافی، پاسخی در جهت کاهش فشار است.

ب-تعریف عملیاتی

برای سنجش متغیر احساس فشار اجتماعی از گویه هایی استفاده شده است که این متغیر را در سه بعد حضور محرک منفی، نبود محرک مثبت و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت مورد سنجش قرار داده است؛ مانند اشکال ندارد آدم اگر مجبور شود رای رسیدن به اهداف خودش دست به هر کاری بزند/ چقدر امیدوارید به اهداف و آرزوهای خود در آینده برسید احساس می کنم آدم شکست خورده ای هستم /انتظارات خانواده گاهی به من فشار وارد می کند /با این شرایط احساس می کنم با تحصیل نمی توان به زندگی ام سروسامان بدهم و...

یافته های پژوهش

الف- یافته های توصیفی

سن: وضعیت ترکیب سنی دانشجویان پاسخگو به این صورت بوده است که بیشترین تعداد در گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال قرار دارند. میانگین سنی دانشجویان ۲۷ سال می باشد.

وضعیت تأهل: وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می دهد که ۶۶ درصد از پاسخگویان مجرد بوده و ۱۴ درصد نیز اظهار کرده اند که متأهل می باشند.

وضعیت رشته تحصیلی: بر اساس این متغیر، ۵۴ درصد از دانشجویان در گروه علوم انسانی، ۱۶ درصد در گروه علوم پایه، ۱۳ درصد در گروه فنی-مهندسی، ۱۱ درصد در گروه علوم پزشکی و ۵ درصد نیز در گروه هنر و معماری بوده اند.

وضعیت اشتغال دانشجویان نشان می دهد که ۱۵ درصد از پاسخگویان شاغل بوده و حدود ۳۳ درصد نیز به صورت پاره وقت و یا کار دانشجویی مشغول به فعالیت هستند. بیش از ۵۲ درصد نیز عنوان کرده اند که غیر شاغل هستند.

میزان استفاده از شبکه های اجتماعی: بیش از ۸۲ درصد از دانشجویان، به میزان زیاد و خیلی زیاد، حدود ۱۱ درصد نیز به میزان متوسط از آن استفاده می کنند و تنها ۶ درصد اعلام کرده اند که به میزان کم و خیلی کمی از آن استفاده کرده و یا اصلاً از آن استفاده نمی کنند. میانگین این متغیر برای خوابگاه دولتی ۱/۷۲ و برای دانشجویان خوابگاه های خودگردان ۱/۸۰ می باشد که نشان می دهد دانشجویان خوابگاه های خودگردان میزان استفاده بیشتری از فیس بوک دارند.

دلایل استفاده از شبکه های اجتماعی: بیش از ۵۶ درصد از پاسخگویان، دوست یابی را دلیل استفاده از شبکه های اجتماعی می دانند. تبادل نظر و بحث گروهی (۱۳ درصد)، انتقال اطلاعات و نظر دادن (۱۱ درصد) و کسب اخبار (۱۰ درصد) در رتبه های بعدی قرار دارند.

جدول زیر، آسیب های اجتماعی شایع در بین دانشجویان را نشان می دهد:

جدول ۲: توزیع درصد فراوانی نظر پاسخگویان بر حسب میزان شیوع آسیب های اجتماعی در خوابگاه های دولتی و خودگردان

ردیف	موارد	خیلی کم و اصلاً	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع	میانگین
۱	سیگار	۹/۱۱	۹/۱	۲۷/۶	۲۷/۶	۲۳/۸	۱۰۰/۰	۳/۴۲
۱۰	تماشای سایت ها و فیلم های غیرمجاز	۱۸/۱	۱۵/۳	۱۴/۹	۲۷/۴	۲۴/۲	۱۰۰/۰	۳/۲۴
۲	قلیان	۲۱/۶	۲۲/۶	۲۶/۸	۱۸/۱	۱۰/۸	۱۰۰/۰	۲/۷۳
۱۱	شرکت در پارتی های دوستانه و مختلط	۲۸/۸	۱۷/۸	۲۹/۲	۱۴/۹	۹/۳	۱۰۰/۰	۲/۵۸
۷	آرام بخش ها	۳۲/۷	۲۰/۱	۲۴/۶	۱۰/۶	۱۲/۰	۱۰۰/۰	۲/۴۸
۹	روابط جنسی نامشروع	۳۵/۱	۱۸/۶	۲۶/۵	۱۳/۳	۶/۵	۱۰۰/۰	۲/۳۷
۳	مشروبات الکلی	۴۳/۵	۲۲/۸	۱۹/۳	۱۱/۶	۲/۸	۱۰۰/۰	۲/۰۷

۶	قرص های روان گردان	۵۰/۷	۳۲/۲	۱۵/۵	۲/۸	۷/۷	۱۰۰/۰	۱/۹۳
۸	هروئین و کوکائین	۶۴/۱	۱۹/۶	۹/۳	۲/۵	۴/۶	۱۰۰/۰	۱/۶۴
۴	تریاک	۶۲/۵	۲۱/۱	۱۰/۹	۳/۵	۲/۱	۱۰۰/۰	۱/۶۱
۵	کراک و شیشه	۶۸/۳	۲۱/۸	۶/۷	۱/۴	۱/۸	۱۰۰/۰	۱/۴۶

جدول بالا، میزان شیوع آسیب های اجتماعی در خوابگاه های دولتی و خودگردان را نشان می دهد. بر این اساس، به ترتیب آسیب ها و رفتارهای پرخطری مانند مصرف سیگار، تماشای سایت ها و فیلم های غیرمجاز و مصرف قلیان دارای بیشترین میزان شیوع در بین دانشجویان ساکن خوابگاه های دانشجویی دولتی و خودگردان می باشد. همچنین رفتارهای پرخطر مانند مصرف کراک و شیشه، مصرف تریاک و مصرف هروئین و کوکائین دارای کمترین شیوع می باشد.

۱۶۲

جدول ۳: توزیع درصد فراوانی معتبر پاسخگویان بر حسب میزان ارتکاب و یا گرایش فرد به آسیب های اجتماعی در خوابگاه های دولتی و خصوصی

ردیف	موارد	خیلی کم و اصلی	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع کل	میانگین
۵	ورق بازی (پاسور)	۴۱/۴	۱۵/۱	۱۸/۹	۷/۷	۱۶/۸	۱۰۰/۰	۲/۴۳
۶	مصرف قلیان	۵۱/۹	۱۷/۹	۱۲/۶	۷/۷	۹/۸	۱۰۰/۰	۲/۰۵
۸	تماشای سایت ها و فیلم های مستهجن	۵۲/۳	۲۰/۶	۱۳/۹	۵/۹	۹/۳	۱۰۰/۰	۱/۹۵
۹	شرکت در پارتی های دوستانه و مختلط	۶۱/۵	۱۲/۶	۱۴/۰	۵/۶	۶/۳	۱۰۰/۰	۱/۸۲
۱	مصرف سیگار	۶۴/۰	۱۲/۴	۱۴/۲	۶/۴	۷/۱	۱۰۰/۰	۱/۸۰
۷	رابطه جنسی نامشروع	۶۵/۸	۱۱/۴	۱۴/۹	۵/۳	۲/۵	۱۰۰/۰	۱/۶۷
۴	مصرف مشروبات الکلی	۷۰/۲	۱۳/۳	۱۰/۲	۵/۳	۱/۱	۱۰۰/۰	۱/۵۳
۲	مصرف مواد مخدر سنتی مانند تریاک	۸۵/۴	۳/۸	۴/۹	۵/۲	۰/۷	۱۰۰/۰	۱/۳۲
۳	مصرف مواد مخدر صنعتی مانند کراک و شیشه	۹۰/۹	۴/۲	۴/۵		۰/۳	۱۰۰/۰	۱/۱۴

بر اساس جدول فوق می توان گفت که در بین آسیب ها و رفتارهای پرخطر، ورق بازی (پاسور)، مصرف قلیان و تماشای سایت ها و فیلم های مستهجن، رفتارهای پرآسیبی هستند که دانشجویان بیشتر از سایر رفتارها مرتکب آن می شوند. از سوی دیگر، مصرف مواد مخدر صنعتی مانند کراک و شیشه، مصرف مواد مخدر سنتی مانند تریاک و مصرف مشروبات الکلی به میزان پایین توسط دانشجویان انجام می پذیرد.

ب- یافته های تحلیلی و استنباطی

آزمون فرضیات

فرضیه ۱: بین میزان آسیب پذیری دانشجویان ساکن خوابگاه های دولتی و خودگردان با میزان احساس فشار اجتماعی رابطه معنادار آماری وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی متغیرهای آسیب پذیری دانشجویان و احساس فشار اجتماعی

ردیف	فرضیه تحقیق	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
۱	بین میزان آسیب پذیری دانشجویان ساکن خوابگاه های دولتی و خودگردان با میزان احساس فشار اجتماعی رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۱۵۶***	۰/۰۱۹

معنی داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان * معنی داری در سطح ۹۹ درصد اطمینان ***

جدول بالا نشان می دهد که بین دو متغیر آسیب پذیری دانشجویان ساکن خوابگاه های دولتی و خودگردان در مقابل آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر و میزان احساس فشار اجتماعی رابطه معنادار آماری به میزان ۰/۱۵۶ و با سطح معنی داری ۰/۰۱۹ وجود دارد. این رابطه، یک رابطه مثبت و نسبتاً ضعیف است. بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر تایید می شود. از این رابطه می توان استنباط کرد که با بالا رفتن احساس فشار اجتماعی، دانشجویان در مقابل رفتارهای پرخطر آسیب پذیرتر می شوند.

فرضیه ۲: بین میزان آسیب پذیری دانشجویان خوابگاه های دولتی و خودگردان با میزان احساس سازگاری اجتماعی رابطه معنادار آماری وجود دارد.

جدول ۵: ضریب همبستگی رابطه بین احساس سازگاری اجتماعی و آسیب پذیری دانشجویان

ردیف	فرضیه تحقیق	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
۱	بین میزان آسیب پذیری دانشجویان خوابگاه های دولتی و خودگردان با میزان احساس سازگاری اجتماعی رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۳۱۱***	۰/۰۰۰

معنی داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان * معنی داری در سطح ۹۹ درصد اطمینان ***

جدول بالا بیانگر آن است که بین دو متغیر احساس سازگاری اجتماعی و میزان آسیب پذیری دانشجویان خوابگاه های خودگردان و دولتی در مقابل آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه معنادار آماری با میزان ۰/۳۱۱ و با سطح معنی داری ۰/۰۰۰ وجود دارد که یک رابطه معنادار آماری می باشد. این رابطه یک رابطه منفی و نسبتاً متوسط است؛ بدین معنا که با بالا رفتن احساس سازگاری اجتماعی میزان آسیب پذیری دانشجویان کاسته می شود. بنابراین، فرض صفر رد می شود و فرض تحقیق تایید می شود.

فرضیه ۳: بین خوابگاه های دولتی و خودگردان به لحاظ میزان آسیب پذیری دانشجویان تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

جدول ۶: معناداری تفاضل میانگین گروه دانشجویان خوابگاه های خودگردان و دولتی در مقیاس میزان آسیب پذیری در مقابل رفتارهای پرخطر

نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
دانشجویان خوابگاه های خودگردان	۴۱/۹۴	۱/۵۸	-۱/۴۱	۱۵۸/.
دانشجویان خوابگاه های دولتی	۴۵/۱۲	۱/۵۷		

جدول ۶ میانگین دانشجویان خوابگاه های خودگردان و دولتی را به لحاظ میزان آسیب پذیری در مقابل آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر مورد بررسی قرار داده است. مقدار T محاسبه شده نشان می دهد که این میزان برابر با ۱/۴۱- و سطح معنی داری ۱۵۸/ می باشد. بنابراین، فرض تحقیق رد می شود و فرض صفر تایید می شود. در نتیجه می توان گفت که بین دو گروه دانشجویی ساکن در خوابگاه دولتی و خودگردان از نظر میزان آسیب پذیری تفاوت معنادار آماری وجود ندارد.

تحلیل رگرسیونی

تحلیل رگرسیون، یکی از روش های پرکاربرد در مطالعات اجتماعی برای مطالعه رابطه بین متغیرهاست. تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش بینی نماید و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند. رگرسیون چند متغیری به روش های مختلفی انجام می گیرد که در این پژوهش از روش گام به گام (stepwise) استفاده شده است.

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام (stepwise)

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R ²	ضریب تبیین تصحیح شده
۱	۰/۲۹۰	۰/۰۹۴	۰/۱۰۰

F=۱۹/۰۶

Sig=۰/۰۰۰

جدول بالا نشان می دهد که با وارد کردن دو متغیر مستقل تحقیق یعنی احساس فشار اجتماعی و احساس سازگاری اجتماعی بر متغیر وابسته تحقیق، حدود ۱۰ درصد از واریانس های متغیر وابسته تحقیق، تبیین می شود و سایر تغییرات، ناشی از عوامل دیگر است که خارج از مدل تحقیق قرار دارد.

جدول ۸: ضرایب بتا، مقدار T و سطح معنی داری متغیرها در معادله رگرسیونی

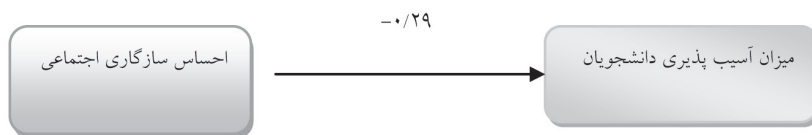
Sig	T	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	متغیرها
		B	Std. Error	(β) بتا	
۰/۰۰۰	۱۶/۵۵	۵۹/۳۱	۳/۵۸	-	Constant
۰/۳۲	۰/۹۸			۰/۰۶۸	احساس فشار اجتماعی
۰/۰۰۰	-۴/۶۳	-۰/۲۸	۰/۰۶	-۰/۲۹۰	احساس سازگاری اجتماعی

جدول فوق نشان می‌دهد که با وارد کردن دو متغیر مستقل تحقیق، متغیر احساس فشار اجتماعی از مدل خارج می‌شود و فقط احساس سازگاری اجتماعی در مدل باقی می‌ماند. مقدار بتای محاسبه شده برابر با ۰/۲۹۰- می‌باشد که نشان گر رابطه معکوس میان احساس سازگاری و میزان آسیب پذیری دانشجویان می‌باشد. با توجه به داده‌های جدول، معادله نهایی رگرسیون بر اساس مقادیر β به صورت زیر خواهد بود. معادله فوق دلالت بر آن دارد که به ازای یک واحد استاندارد افزایش در میزان احساس سازگاری اجتماعی، مقدار (۰/۲۹۰-) به میزان تمایل دانشجویان به رفتارهای انحرافی و پرخطر (به واحد استاندارد) تغییر می‌یابد.

تحلیل مسیر

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که از طریق چه مکانیسمی و با کدام نظر علی میزان آسیب پذیری دانشجویان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تحلیل مسیر، روش توانمندی است که ما را در کشف و مطالعه روابط میان متغیرها جهت رسیدن به شناخت علی که همانا هدف پژوهش‌های علمی است، یاری می‌دهد و از طریق آن، می‌توان اهمیت و تأثیر نسبی روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را ارزیابی کرد و به کشف دیاگرام مسیر نایل آمد.

مدل ۲: مسیر تأثیرگذاری متغیرهای مستقل معنادار در اولین معادله رگرسیونی بر متغیر وابسته



$$R^2 = 0.10$$

بر اساس نمودار فوق می‌توان گفت که نتیجه اولین رگرسیون گرفته شده نشان می‌دهد که از بین دو متغیر مستقل تحقیق یعنی احساس فشار اجتماعی و احساس سازگاری اجتماعی، تنها متغیر دوم یعنی احساس سازگاری اجتماعی دارای رابطه و بتای معنادار با متغیر وابسته تحقیق می‌باشد؛ به طوری که حدود ۱۰ درصد از واریانس‌های آن را تبیین می‌کند. همچنین، متغیر احساس فشار اجتماعی به صورت مستقیم، دارای رابطه با متغیر وابسته نمی‌باشد. حال با توجه به این مطالب در دومین رابطه رگرسیونی، به بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل تحقیق پرداخته می‌شود و در آن تأثیر احساس فشار اجتماعی بر احساس سازگاری اجتماعی بررسی می‌شود.

جدول شماره ۹: نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام (stepwise)

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R^2	ضریب تبیین تصحیح شده
۱	۰/۲۹۳	۰/۰۸۶	۰/۰۸۲

$$F = 21/95$$

$$\text{Sig} = 0/000$$

عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانشجویان به رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی (با رویکرد مقایسه ای بین خوابگاه های خودگردان و دولتی)

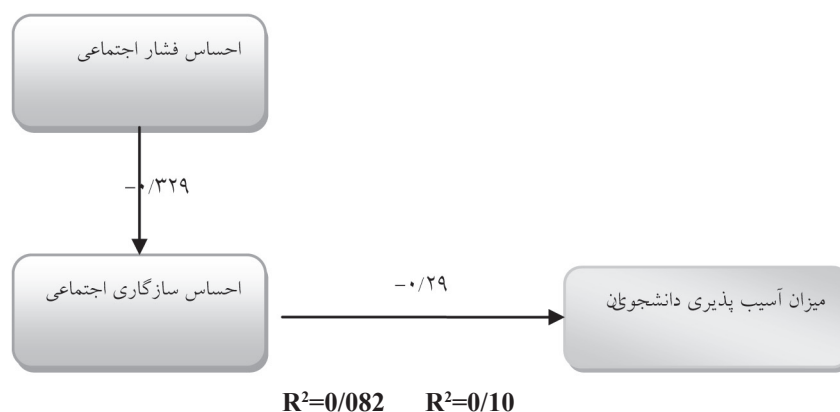
با توجه به جدول ۹، به منظور بررسی و ترسیم روابط میان متغیرهای مستقل، در این مرحله از تحلیل، متغیر میزان احساس سازگاری دانشجویان به عنوان متغیر وابسته وارد تحلیل شد و اثر دیگر متغیر مستقل معنادار یعنی احساس فشار اجتماعی بر آن بررسی گردید. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می دهد که مقدار F برابر با ۲۱/۹۵ و در سطح (۰/۰۰۰) نیز معنی دار است. ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۲۹۳ و ضریب تبیین نیز ۰/۰۸۲ است.

به این ترتیب، باید گفت که متغیر مستقل وارد شده ۰/۰۸۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می کنند. مقدار T و سطح معنی داری آن نشان می دهد که متغیر احساس فشار اجتماعی، تأثیر معنی داری برای تحلیل و پیش بینی متغیر وابسته یعنی احساس سازگاری اجتماعی داراست.

جدول ۱۰: ضرایب بتا، مقدار T و سطح معنی داری آن برای متغیرهای مستقل در دومین تحلیل رگرسیونی

Sig	T	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	متغیرها
		B	Std. Error	(β) بتا	
۰/۰۰۰	۱۶/۵۵	۷۱/۵۴	۴/۳۲		Constant
۰/۰۰۰	-۴/۶۸	-۰/۲۹۳	۰/۰۷۰	-۰/۳۲۹	احساس فشار اجتماعی

مدل ۳: مسیر تأثیر گذاری متغیرهای مستقل معنادار در دومین معادله رگرسیونی بر متغیر وابسته



از مدل فوق می توان استنباط کرد که متغیر مستقل احساس فشار اجتماعی با متغیر وابسته تحقیق یعنی میزان آسیب پذیری دانشجویان به طور مستقیم ارتباط معنادار آماری ندارد، بلکه اثر آن غیر مستقیم و از طریق متغیر مستقل احساس سازگاری اجتماعی است. نمودار نشان می دهد که رابطه دو متغیر منفی است. از سوی دیگر، از بین دو متغیر مستقل تحقیق، متغیر احساس سازگاری اجتماعی دارای رابطه مستقیم با متغیر وابسته می باشد که یک رابطه منفی است.

پس از بدست آوردن مدل نهایی روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته، اکنون به محاسبه مجموع تأثیرات،

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل معنادار در مدل بر متغیر وابسته می‌پردازیم.

جدول ۱۱: میزان تأثیرات متغیرهای مستقل معنادار بر متغیر وابسته میزان تمایل به رفتارهای انحرافی و پرخطر در دانشجویان خوابگاه های خودگردان و دولتی

متغیر	تأثیرات مستقیم	تأثیرات غیر مستقیم	مجموع تأثیرات
احساس فشار اجتماعی	-	-/۰۹۵	-/۰۹۵
احساس سازگاری اجتماعی	-۰/۲۹۰	-	-۰/۲۹۰

از جدول فوق می‌توان استنباط کرد که متغیر احساس سازگاری اجتماعی دارای میزان تأثیر مستقیم به میزان -۰/۲۹۰ می‌باشد که یک رابطه منفی می‌باشد. از طرف دیگر، اثر دیگر متغیر مستقل یعنی احساس فشار اجتماعی بر متغیر وابسته به صورت اثر غیرمستقیم به میزان -/۰۹۵ می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر، آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر شایع در میان دانشجویان ساکن خوابگاه های خودگردان و دولتی و عوامل اجتماعی اثرگذار را مورد بررسی قرار داد.

واقعیت این است که امروزه، تعداد قابل توجهی از جوانان سال‌هایی از زندگی خود را در خوابگاه‌هایی سپری می‌کنند که مستعد مسائل و مشکلات و آسیب‌های بسیار زیادی هستند. فشارهای اجتماعی از ابعاد مختلف آن، گرایش به سمت رفتارهای پرخطر، عدم دسترسی به امکانات رفاهی حداقلی، عدم دسترسی و یا عدم تمکن مالی برای برخورداری از کالاهای فرهنگی مناسب که نتیجه آن سبک زندگی آسیب‌زا و اشکالی از گذران غلط اوقات فراغت است، تجربه مستقیم و غیر مستقیم بسیاری از این جوانان است.

نتایج تحقیق نشان داد که مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی شایع در بین دانشجویان ساکن خوابگاه های دولتی و خودگردان شامل مصرف سیگار، تماشای سایت‌ها و فیلم‌های غیرمجاز و مصرف قلیان می‌شود. این نتایج با یافته های پژوهش شجاع و همکاران، شریفی راد و کامران، صفوی و جوان شیخی همسوست و آنها را تایید می‌کند.

بعلاوه بر اساس یافته ها، دانشجویان ساکن خوابگاه های خودگردان و دولتی استفاده بالایی از شبکه های اجتماعی مانند فیس‌بوک دارند؛ به طوری که بالای ۸۰ درصد از آنان اظهار کرده‌اند که استفاده زیاد و خیلی زیادی از این شبکه‌ها دارند و بیشترین هدف آن‌ها دوست‌یابی می‌باشد. همچنین، بر اساس یافته های تحقیق، تفاوت معنادار آماری به لحاظ میزان آسیب‌پذیری دانشجویان در مقابل آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر مشاهده نشد که این موضوع از نظر کمی و کیفی - نوع آسیب‌های شایع - قابل تأمل می‌باشد. در بین متغیرهای مستقل تحقیق، فقط احساس سازگاری اجتماعی دارای رابطه مستقیم و معنادار و البته منفی با متغیر وابسته تحقیق می‌باشد و دیگر متغیر مستقل یعنی احساس فشار اجتماعی، اثر مستقیم بر متغیر وابسته ندارد و اثر آن از طریق احساس سازگاری اجتماعی می‌باشد. به طور کلی، مدل تجربی نشان می‌دهد که متغیر سازگاری اجتماعی حدود ۱۰ درصد از تغییرات و واریانس‌های متغیر وابسته تحقیق را تبیین می‌کند. احساس فشار اجتماعی بیشتر به شرایط کلی جامعه مانند اشتغال و امید به آینده جوانان دانشجوی بستگی دارد و متغیر احساس سازگاری بیشتر ناظر بر وضعیت خوابگاه و روابط عاطفی حاکم بر آن و همچنین امکانات و تسهیلات آن است. به طور کلی می‌توان گفت که به هر میزان احساس فشار در بین دانشجویان شایع تر باشد، میزان احساس

سازگاری آنان با محیط خوابگاه کمتر خواهد بود که نتیجه این امر، گرایش دانشجویان ساکن خوابگاه‌ها به آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر می‌باشد.

در نتیجه می‌توان گفت که هر قدر احساس سازگاری اجتماعی در بین دانشجویان (از بُعد انطباق اجتماعی / بُعد تعامل فرد با محیط و جامعه / بُعد روابط اجتماعی با محیط خوابگاه) کمتر باشد، گرایش دانشجویان (ساکن خوابگاه‌ها) به رفتارهای پرخطر بیشتر می‌شود و هر قدر احساس فشار اجتماعی در بین دانشجویان (از بُعد وجود محرک منفی / بُعد اهداف ارزشمند / بُعد حذف محرک مثبت) بیشتر باشد، گرایش دانشجویان (ساکن خوابگاه‌ها) به رفتارهای پرخطر کمتر می‌شود.

منابع

- اتکینسون، ریتال؛ اتکینسون، ریچارد و هیلگارد، ارنست (۱۳۷۳) زمینه روانشناسی. نقی براهنی و همکاران. تهران: انتشارات رشد
- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۶) «چهار چوبی برای تدوین نقشه توسعه علمی کشور: رویکردی سیستمی». رهیافت. شماره ۴۰.
- البرو، مارتین (۱۳۸۰) مقدمات جامعه شناسی. منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی
- پروین، ستار (۱۳۹۱) «مطالعه جامعه شناختی آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی در شهر تهران». پایان نامه دکتري، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جوان شیخی، تهمینه (۱۳۸۰) «بررسی رابطه وضعیت فرهنگی - اجتماعی خانواده بامیزان سازگاری اجتماعی دانشجویان خوابگاهی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- رضایی ادریانی، مرتضی و همکاران (۱۳۸۶) «مقایسه میزان افسردگی، استرس و کیفیت زندگی دانشجویان پسر و دختر مقیم دانشجویی». پژوهش پرستاری.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش
- شجاع، مهدیه و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی فراوانی مصرف و علل گرایش به سیگار در دانشجویان ساکن خوابگاه های دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۸۷». دوماهنامه پژوهنده.
- صفوی، پروین (۱۳۶۶) «مقایسه مشکلات دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- فروتنی، محمدرضا و رضائیان، محسن (۱۳۸۶) «شناخت و سوء مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان شهرستان لارستان». جلد ۱۸، شماره ۴۳.
- فلاحتی، رضا و همکاران (۱۳۸۲) مشاوره نوتوانی. انتشارات: کلگشت
- قانع، رضا و همکاران (۱۳۹۰) «کیفیت خواب دانشجویان پرستاری ساکن خوابگاه های دانشگاه علوم پزشکی ارومیه». دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره نهم، شماره چهارم.
- گکی، روشه (۱۳۷۴) مقدمه ای بر جامعه شناسی عمومی. هما زنجانی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد
- مان، نرمان (۱۳۵۶) اصول روانشناسی. محمود صناعی، تهران: اندیشه
- Adler, Freda et al (2001) **Criminology and the justice system**. MC Grawill companies
- Agnew, Robert (2005) **why criminals offend? General theory of crime and delinquency**. Roxburg publishing company
- Agnew, Robert (2009) **why do individuals engage in crime. from key readings in criminology**. edited by Tim Newburn, Willan publishing
- Allen, Ben. P. (1990) **Personal adjustment**. Peacock Publishing company
- Banyard, victorial. Cantor, Elise. (2004) "Adjustment to college among trauma survivors: An exploratory study of resilience". Journal of college student development.
- Bergman, A. (2005) **Adjustment, social skills, and self- esteem in college students**

with symptoms of ADHD

- Brown, Stephen et al (1998) **Criminology: explaining crime and its context**. inderson publishing co
- Burfeind, W, James and Dawn Bartusch (2006) **juvenile delinquency: an integrated approach**. Janes and Bartlett publishers
- Eric, J. lane. Timothy, k. Daugherty (1999) **“correlates of social alienation among college students”**. Journal of college student.
- Fujino, Y. (2005) **Interpersonal relationships experienced in college life and development of social skills**.
- Hannum, James, W. (2004) **“Effects of family conflict, Divorce, and Attachment patterns on the Psychological Distress and social Adjustment of college freshmen”**. Journal of college student.
- Marsh, Ian et al (2006) **Theories Of crime**. published by Routledge
- Mccaghy, Charless et al (2006) **Deviant behavior**. Library of congress.cataloging-in-publication data.
- Siegel, Larry (2003) **Criminology**. Thamson-Wadsworth

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال استان بوشهر)^۱

جعفر نجات^۲

حمید عبادالهی چندانق^۳

حبیب الله زحمت کش^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

پژوهش حاضر، به بررسی و تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی پرداخته است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و میدانی می باشد. جامعه آماری پژوهش را جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن در استان بوشهر تشکیل می دهند که بر اساس آمار، تعداد آنان ۲۱۴۸۴۹ گزارش شده و ۴۷۵ نفر از آنان به شیوه تصادفی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. یافته های تحقیق نشان داد که سطح مشارکت سیاسی ۱۳/۲ درصد از افراد مورد بررسی کم، ۳۹/۱ درصد در سطح متوسط و ۴۷/۶ درصد در سطح زیاد می باشد. بررسی میزان سرمایه اجتماعی نشان داد که ۱۷/۴ درصد از افراد مورد بررسی سطح سرمایه اجتماعی شان پایین، ۵۷ درصد در سطح متوسط و ۲۵/۵ درصد در سطح بالا می باشد. بنابراین، اکثر جوانان مورد مطالعه، میزان سرمایه اجتماعی شان در سطح متوسط است. همچنین، نتایج تحقیق بیانگر تأثیر مستقیم و معنادار سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، حمایت مدنی و مشارکت مدنی) بر مشارکت سیاسی می باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد مدنی، حمایت مدنی و مشارکت مدنی

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که با حمایت اداره کل ورزش و جوانان استان بوشهر انجام گرفته است.

E-mail: s.g.nejat84@gmail.com

۲. مدرس مدعو، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان

۴. کارشناس امور جوانان، اداره کل ورزش و جوانان، استان بوشهر

مقدمه

فرهنگ انگلیسی آکسفورد، مشارکت^۱ را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است. موسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی، مشارکت را «کوشش های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه ها و جنبش هایی که تا کنون از حیطه ی اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده اند» تعریف می کند (به نقل از ول بک و سل^۲، ۲۰۰۳). بر مبنای این تعریف، توانمند سازی گروه های محروم و جدا افتاده جهت ورود آنها به فرایند مشارکت در تصمیم سازی و نظارت بر امور مربوط به خود، از اهمیتی فزاینده برخوردار است. بر همین اساس، جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت شهروندان در عرصه های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق، همبستگی اجتماعی و پیوند های اجتماعی شان را محکم و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کنند (نیوتون و وایتلی^۳، ۱۹۹۹).

یکی از ابعاد مشارکت، مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی در اصطلاح به معنای مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت است. پس مشارکت سیاسی به معنای کوشش سازمان یافته مردم درباره حکومت و سیاست است؛ یعنی، مردم در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاست گذاری ها فعالانه حضور داشته، خود را نسبت به حکومت و سیاست های آن، بیگانه احساس نمی کنند. به عبارت دیگر، مردم با انتخاب رهبران و تأیید سیاست دولت، هدایت آن را بر عهده می گیرند (مک کلارگ^۴، ۲۰۰۹).

از نظر سیاسی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، منجر به رشد و تقویت اقتدار ملی و وحدت ملی می شود و چون در نظام مشارکت جو، از تمامی ظرفیت ها، توانمندی ها و استعداد های مردم استفاده می شود، فاصله طبقاتی و مشکلات دولت - ملت کاهش خواهد یافت. پدیده مشارکت سیاسی، سابقه ای طولانی به قدمت عمر بشر دارد (فیرحی^۵، ۱۳۷۷: ۴۴).

یکی از گروه های اجتماعی که جامعه نیازمند مشارکت آنان در عرصه های مختلف اجتماعی و به تبع آن عرصه سیاسی می باشد، جوانان است. جوانان در هر جامعه ای، ظرفیت های بالقوه رشد و منابع انسانی عظیمی هستند که برای رشد و شکوفایی آنها باید بسترهای اجتماعی فراهم شود. مشارکت سیاسی را به عنوان عملی اجتماعی باید از عرصه محدود خانواده آموخت، در مدارس بسط داد و در سایر عرصه های اجتماعی نظیر دانشگاه ها مشق نمود. در بسیاری از نظام ها بویژه نظام های در حال گذار، اگر جوانان احساس همبستگی و نزدیکی با نظام داشته باشند، پیشتاز حمایت از نظام و پیشبرد اهداف آن هستند و اگر احساس کنند که با نظام بیگانه اند ممکن است به دو صورت واکنش نشان دهند؛ در صورتی که احساس نمایند مشارکت سیاسی آنان تأثیرگذار است، پیشتاز ایجاد تحول در نظام حاکم می گردند و در غیر این صورت، بی تفاوتی و انفعال سیاسی را پیشه خود خواهند ساخت (تاج مزینانی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). مشارکت سیاسی جوانان که بزرگترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می شوند، اهمیت خاصی برای توسعه سیاسی و پویایی جامعه دارد. بی شک، جوانان یکی از اقشار اجتماعی هستند که به اقتضای عوامل مختلفی چون: استقلال خواهی، نوجویی و آرمانگرایی در فعالیت های سیاس، انگیزه بالایی در مشارکت سیاسی دارند.

1. participation
2. Wollebaek & Sell
3. Newton & Whitley
4. McClure

برطبق آمار موجود، بیش از ۳۰ میلیون نفر از جمعیت حدود ۷۰ میلیونی ایران زیر ۲۵ سال سن دارند و همانطوری که اشاره شد، چنین مشخصه ای برای هر کشوری یک موفقیت محسوب می شود. لذا برنامه ریزی و ایجاد شرایط مشارکت سیاسی جوانان در ایران بسیار مهم و ضروری است. نتایج تحقیقات و ارزیابی وضعیت موجود دیدگاه ها و اعتقادات جوانان کشور نشان می دهد جوانان ترجیح می دهند به جای توجه به امور سیاسی، از زندگی شخصی شان لذت ببرند. آنها معتقدند به جوانان برای واگذاری مسئولیت اعتماد نمی شود. بسیاری از جوانان (۶۳/۲ درصد) از چگونگی ورود به مسائل سیاسی و ایفای نقش در این زمینه آگاهی ندارند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۸).

بر همین اساس، در فضای کنونی بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان و شناسایی بسترهای اجتماعی تسهیل کننده مشارکت آنان ضرورت و اهمیت دارد. درک بهتر عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی از جمله سرمایه اجتماعی می تواند به بررسی روابط متقابل میان قدرت دولتی و جوانان کمک کند. از آن جایی که گروه های مختلف اجتماعی، نژادی و جنسیتی در موقعیت های ساختاری و شبکه های اجتماعی متفاوت قرار دارند، از نظر بهره مندی از سرمایه اجتماعی متفاوت هستند. بنا بر تعبیر پیر بوردیو، سرمایه به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می شود که فرد می تواند در جامعه به صورت انتسابی و یا اکتسابی به آن دست یافته و در روابطش با سایر گروه ها و افراد در پیشبرد موقعیت خویش بهره مند شود. وی سرمایه را به چهار نوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین تقسیم می کند (ترنر^۱، ۲۰۰۱: ۴۵۰).

بنابراین، یکی از متغیرهای اساسی که تأثیر آن بر مشارکت سیاسی مطرح می شود، سرمایه اجتماعی^۲ است. لایگلی و نیز میلبراث بیان می کنند که کنش سیاسی افراد در زندگی روزمره تحت تأثیر گروه هایی است که به آن تعلق دارند. از این رو، افراد به دلیل افکار خود به فعالیت سیاسی نمی پردازند، بلکه معیارهای دوستان و خانواده است که رفتار سیاسی آنان را هدایت می کند. آلموند و وربا نیز معتقدند شبکه عضو گیری، عضویت در سازمان های داوطلبانه فعالیت سیاسی را تسهیل می کند. میلبراث نیز معتقد است هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه های سیاسی از جمله عضویت در سازمان های سیاسی باشد، احتمال مشارکت سیاسی او نیز بیشتر است (ستوکر و باورز^۳، ۲۰۰۲).

در واقع، سرمایه اجتماعی را می توان در کنار سرمایه های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می شود. بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد؛ به طوری که بسیاری از گروه ها، سازمان ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد (پاتنام^۴، ۲۰۰۰، مارشال^۵ و استول^۶، ۲۰۰۴). بر این اساس، هدف این مطالعه، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی در بین جوانان استان بوشهر می باشد.

1. Turner
2. social capital
3. Stoker & Bowers
4. Putnam
5. Marshall
6. Stoll

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای اصلی سرمایه اجتماعی

تعریف مفهومی: نظریه پردازانی همچون: جمیز کلمن (۱۹۶۶)، گلن لوری (۱۹۷۰)، بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسون (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳)، فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۰) و ... تعاریف متعددی را از سرمایه اجتماعی ارائه کرده اند. پیر بورديو، سرمایه اجتماعی را شکلی از سرمایه می داند که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می تواند همراه با سرمایه فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد. پوتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب برقراری ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می شود و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام های مختلف سیاسی می داند و تأکید عمده اش بر مفهوم اعتماد بود.

تعریف عملیاتی: در تحقیق حاضر سرمایه اجتماعی بر اساس رویکرد نظری فوکویاما و مدل عملیاتی کلمن (۱۹۹۰) و بورديو در قالب سه بعد اعتماد، مشارکت و حمایت مدنی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است.

مشارکت سیاسی

تعریف مفهومی: وینر^۱ در مقاله معروف خود درباره مشارکت سیاسی، پس از ذکر ۱۰ مورد از تجلیات مشارکت سیاسی، این تعریف را ارائه می دهد: "مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر شامل روش های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران و سیاست ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است" (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۰). هانتینگتون^۲ و نلسون^۳ مشارکت سیاسی را چنین تعریف می کنند: "مشارکت سیاسی، کوشش های شهروندان غیر دولتی برای تأثیر بر سیاست های عمومی است" (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۰).

تعریف عملیاتی: مشارکت سیاسی جوانان بر اساس مدل پترسون (۲۰۰۵) و مدل عملیاتی شده وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳) در ابعاد ۱-مشارکت سیاسی عینی (۱-رسمی و ۲- غیر رسمی) و ۲- نگرش به مشارکت سیاسی (عوامل روانشناختی-نگرشی) مورد سنجش قرار گرفت.

مشارکت سیاسی عینی: درگیری در فعالیت هایی که بنا به تعریف، مشارکت سیاسی محسوب می شوند. بدین منظور این بعد از مشارکت سیاسی در قالب دو نوع مشارکت سیاسی رسمی و غیر رسمی مورد سنجش قرار می گیرد:

۱) مشارکت سیاسی رسمی: هر گونه عمل داوطلبانه ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چهارچوب های مشخص که به طور رسمی و برنامه ریزی شده توسط سازمان ها و نهادهای رسمی کشور صورت می گیرد، انجام می دهند- مانند شرکت در انتخابات؛

۲) مشارکت سیاسی غیر رسمی: گونه ای عمل داوطلبانه که اعضای جامعه به منظور حمایت یا تأثیرگذاری بر جریان های سیاسی و در خارج از چهارچوب های تعیین شده و رسمی توسط سازمان ها و نهادهای رسمی کشور انجام می دهند.

نگرش به مشارکت سیاسی (عوامل روانشناختی-نگرشی): به نوع پنداشت فرد از شرکت در فعالیت های

1. Winner
2. Huntington
3. Nelson

سیاسی گفته می شود که پیش از هر اقدامی به او کمک می کند تا وضعیت های سیاسی بالقوه و بالفعل را بررسی کند. نگرش فرد در ارتباط نزدیک با تجربه، شخصیت و تجربه های پذیرفته شده از سوی او قرار دارد و در قالب متغیرهایی همچون: علاقه به سیاست و پیگیری اخبار سیاسی از طریق رسانه ها، حس اثربخشی سیاسی و ... مورد سنجش قرار می گیرد.

مروری بر پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا بین شبکه های اجتماعی با رفتار سیاسی دانشجویان رابطه ای وجود دارد یا خیر؟ با تقسیم سرمایه اجتماعی به دو بعد ساختاری و ارتباطی و مشارکت سیاسی به سه سطح بی تفاوتی سیاسی، مشارکت سیاسی رسمی و مشارکت سیاسی فعال، یافته های پژوهش نشان داد که هر چند هر دو بعد سرمایه اجتماعی، رابطه معنی داری با ابعاد مشارکت سیاسی داشتند، اما سرمایه اجتماعی ارتباطی تأثیر بیشتری بر روی رفتار سیاسی دانشجویان داشته است.

پناهی و همکارانش (۱۹۹۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تغییرپذیری مشارکت سیاسی در استان گلستان می پردازند. نتایج پژوهش نشان داد که مشارکت سیاسی انتخاباتی (رأی دادن) قوی ترین جنبه مشارکت سیاسی بوده است. در تبیین مشارکت سیاسی مشخص شد که شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی در سطح روابط رسمی، اعتماد در سطح اعتماد بین شخصی، تعامل اجتماعی در سطح تعامل گروهی و کنش یاریگرانه (مادی و معنوی) در سطح اجتماعی و مذهبی بیشترین تأثیر را بر تغییرات مشارکت سیاسی دارند. امام جمعه زاده و مرندي (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان دختر در دانشگاه فردوسی مشهد پرداخته اند. در این تحقیق با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، شبکه های اجتماعی و انجمن های داوطلبانه) - به همراه در نظر گرفتن پنج وجه از مشارکت سیاسی - مشاهده شد که همبستگی های معناداری میان ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد.

تنی و هانکوینت^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان "مشارکت سیاسی بالا، سرمایه اجتماعی بالا؟" به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان بلژیک می پردازد. آنها جوانان بلژیکی را به شش گروه اصلی طبقه بندی می کنند که میان این شش گروه، دو طبقه از آنها یعنی متعهدان و دینداران فعالیت بیشتری در حوزه های سیاسی داشتند. طبقه متعهدان دارای سرمایه اجتماعی بالا که بیشتر شامل جوانان بومی بلژیکی بودند، دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالایی بودند و در مسائل مختلف سیاسی فعالیت می کردند، اما طبقه دینداران که بیشتر شامل اقلیت های قومی و دینی بودند، نسبت به دیگر طبقات از پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین تری برخوردار بودند و در حوزه های سیاسی محدودتر و خاص تری فعالیت می کردند.

سیلیگسون^۲ (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان "انجمن های مدنی و مشارکت سیاسی در آمریکای مرکزی" تلاش می کند تا نظریه پوتناب در مورد تأثیر انجمن های داوطلبانه بر بهتر شدن دموکراسی در کشورهای آمریکای لاتین را مورد بررسی قرار دهد. یافته های او نشان می دهد که اگرچه مشارکت در انجمن های داوطلبانه اجتماعی در سطح فردی پیش بینی کننده خوبی برای رفتارهای دموکراتیک می باشد، اما چنین ارتباطی در مورد دیگر انواع انجمن ها و سازمان ها مورد تأیید قرار نگرفته است.

لیک و هاچفلد^۱(۱۹۹۸) در پژوهشی به بررسی رابطه عضویت و فعالیت در انجمن ها و جنبش های اجتماعی بر علاقه مندی و مشارکت سیاسی پرداخته اند. آنها استدلال می کنند که سرمایه اجتماعی از طریق تعاملات و پیوندهای اجتماعی در میان شهروندان ایجاد می گردد. یافته های آنها نشان می دهد سرمایه اجتماعی که بیشتر محصول شبکه های اجتماعی می باشد، از طریق توسعه بحث و گفتگو باعث تقویت پیوندهای اجتماعی در میان شهروندان می گردد و این امر منجر به افزایش احتمال مشارکت شهروندان در فعالیت های سیاسی می گردد(لیک و هاچفلد، ۱۹۹۸).

روش شناسی پژوهش

این مطالعه، پژوهشی توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی است که به لحاظ هدف، کاربردی می باشد و به لحاظ نحوه گردآوری داده ها، از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه جوانان گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال استان بوشهر است که در زمان انجام تحقیق در مراکز شهرستان های استان بوشهر سکونت داشتند. بر اساس گزارش سرشماری ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، تعداد جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال ساکن در مراکز شهرستان های استان بوشهر بین ۲۱۴۵۷۷ نفر می باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران^۲ ۳۸۴ نفر تعیین شد، ولی به لحاظ افزایش پایایی تحقیق، تعداد حجم نمونه ۵۰۰ نفر لحاظ شد. شیوه نمونه گیری به صورت تصادفی می باشد. در پایان، پس از توزیع ۵۰۰ پرسشنامه در بین نمونه آماری، تعداد ۴۷۵ پرسشنامه کامل برگردانده شد. ابزار پژوهش: در این پژوهش، ابزار تحقیق پرسشنامه می باشد که در سه بخش تدوین شده است:

بخش اول سؤالات مربوط به ویژگی های فردی و جمعیت شناختی پاسخگوین
بخش دوم سؤالات مربوط به مشارکت سیاسی(۴۲ سؤال): در این بخش پرسشنامه سؤالات مشارکت سیاسی جوانان بر اساس مدل سنجش مشارکت سیاسی پیترسون(۲۰۰۵) تدوین شده است. همانگونه که گفته شد این مدل، مشارکت سیاسی را در ابعاد نگرش به مشارکت سیاسی(عوامل روانشناختی - انگیزشی) و مشارکت سیاسی عینی(رسمی - غیر رسمی) بر اساس طیف لیکرت مورد سنجش قرار می دهد(وثوقی و هاشمی، ۱۳۸۵).

بخش سوم سؤالات مربوط به سرمایه اجتماعی: در این قسمت پرسشنامه سؤالات سرمایه اجتماعی بر اساس تقسیم بندی مدل سه بعدی سرمایه اجتماعی(اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و حمایت گروهی) بر اساس مدل نظری کلمن(۱۹۹۰)، بوردیو(۱۹۸۳) تدوین شده است.

روایی و اعتبار ابزار پژوهش: برای تعیین روایی صوری ابزار تحقیق، پرسشنامه تدوین شده در اختیار استادان حوزه های علوم اجتماعی و علوم سیاسی قرار داده شد و پس از جمع بندی نظرات و اصلاحات انجام شده پرسشنامه تأیید شد. همچنین، برای تعیین اعتبار سازه ابزار تحقیق از تحلیل عاملی استفاده شد. روایی سازه مقیاس سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی نیز از طریق تحلیل عاملی با چرخش واریماکس با در نظر گرفتن بارهای بزرگتر از ۰/۴۵، بارهای تعیین شده در سؤالات مربوط به تمامی ابعاد معنادار بود. بدین ترتیب، با توجه به بارهای تعیین شده مقیاس سرمایه اجتماعی با ابعاد آن و همچنین، ابعاد مشارکت سیاسی، از اعتبار سازه بالایی برخوردار می باشد.

1. Lake and Huck felt

2.
$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

یافته های پژوهش

توصیف یافته های پژوهش

ویژگی های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه: در بررسی توزیع جوانان مورد مطالعه بر حسب جنسیت، داده ها نشان داد که ۴۳/۷ درصد از کل پاسخگویان دختر و ۵۶/۲ درصد بقیه پسر می باشند. سن ۲۸/۶ درصد از پاسخگویان بین ۱۵ تا ۲۰ سال، ۳۷/۴ درصد بین ۲۱ تا ۲۵ سال و ۳۳/۹ درصد بقیه بین ۲۶ تا ۳۰ سال قرار داشت. در بررسی وضعیت تحصیلی جامعه مورد مطالعه از جوانان استان بوشهر، داده های به دست آمده نشان داد که ۴۱/۴ درصد از افراد دارای تحصیلات دیپلم و کمتر بودند. این افراد کسانی بودند که بیشتر یا دانشجو بودند و یا محصل دوره متوسطه. ۲۶/۸ درصد فوق دیپلم و ۳۱/۷ درصد لیسانس و بالاتر می باشند. ۲۴ درصد از افراد شاغل، ۲۹/۲ درصد فارغ التحصیل جویای کار و ۴۶/۷ درصد دانشجو و یا محصل بودند. در بررسی توزیع جوانان مورد مطالعه به لحاظ محل سکونت خانواده، داده ها نشان داد که ۳۴/۱ درصد از جوانان محل سکونت خانواده شان در روستا و ۶۵/۸ درصد در شهر می باشد. بنابراین، محل سکونت اکثر جوانان مورد مطالعه شهر می باشد.

میزان مشارکت سیاسی جوانان استان بوشهر: جدول ۲ بیانگر توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر وضعیت میزان مشارکت سیاسی و ابعاد آن در بین جمعیت مورد مطالعه از جوانان استان بوشهر می باشد:

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر وضعیت میزان مشارکت سیاسی و ابعاد آن

شاخص متغیر	کم	متوسط	زیاد	جمع
	درصد	درصد	درصد	درصد
مشارکت سیاسی	۱۳/۲٪	۳۹/۱٪	۴۷/۶٪	۱۰۰٪
مشارکت سیاسی رسمی	۹/۶٪	۴۴٪	۴۶/۳٪	۱۰۰٪
مشارکت سیاسی غیررسمی	۱۹/۱٪	۵۲/۸٪	۲۸٪	۱۰۰٪
نگرش به مشارکت سیاسی	۱۳/۴٪	۴۹/۹٪	۳۶/۶٪	۱۰۰٪

در بررسی سطح مشارکت سیاسی جوانان استان بوشهر، همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود ۱۳/۲ درصد از افراد مورد بررسی سطح مشارکت سیاسی شان کم، ۳۹/۱ درصد در سطح متوسط و ۴۷/۶ درصد در سطح زیاد می باشد. بنابراین، نزدیک به نیمی از افراد میزان مشارکت سیاسی شان در سطح زیاد است. همچنین، ۹/۶ درصد از افراد مورد بررسی سطح مشارکت سیاسی رسمی شان کم، ۴۴ درصد در سطح متوسط و ۴۶/۳ درصد در سطح زیاد می باشد. بنابراین، میزان مشارکت سیاسی اکثر جوانان مورد مطالعه به لحاظ رسمی (شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، شوراهای شهر و روستا و ...) در سطح متوسط به بالاست.

در بررسی نگرش جوانان مورد مطالعه به مشارکت سیاسی، همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود ۱۳/۴ درصد از افراد مورد بررسی نگرششان به مشارکت سیاسی پایین، ۴۹/۹ درصد در سطح متوسط و ۳۶/۶ درصد در سطح بالا می باشد. سطح مشارکت سیاسی غیر رسمی ۱۹/۱ درصد از افراد مورد بررسی پایین، ۵۲/۸ درصد در سطح متوسط و ۲۸ درصد در سطح بالا می باشد. بنابراین، اکثر جوانان مورد مطالعه میزان مشارکت سیاسی شان به لحاظ غیر رسمی در سطح متوسط است.

وضعیت سرمایه اجتماعی جوانان استان بوشهر
جدول ۲ بیانگر توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب متغیر وضعیت میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین جمعیت مورد مطالعه از جوانان استان بوشهر می‌باشد:

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب متغیر وضعیت میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

شاخص متغیر	کم	متوسط	زیاد	جمع
	درصد	درصد	درصد	درصد
سرمایه اجتماعی	۱۷/۴٪	۵۷٪	۲۵/۵٪	۱۰۰٪
مشارکت مدنی	۱۲/۴٪	۴۹/۶٪	۳۷/۹٪	۱۰۰٪
حمایت مدنی	۱۵/۵٪	۴۶/۱٪	۳۸/۳٪	۱۰۰٪
اعتماد اجتماعی	۱۵/۱٪	۵۸/۳٪	۲۶/۵٪	۱۰۰٪

در بررسی سطح سرمایه اجتماعی جوانان استان بوشهر، همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ۱۷/۴ درصد از افراد مورد بررسی سطح سرمایه اجتماعی شان پایین، ۵۷ درصد در سطح متوسط و ۲۵/۵ درصد در سطح بالا می‌باشد. بنابراین، اکثر جوانان مورد مطالعه میزان سرمایه اجتماعی شان در سطح متوسط است.

۱۲/۴ درصد از افراد مورد بررسی سطح مشارکت مدنی شان پایین، ۴۹/۶ درصد در سطح متوسط و ۳۷/۹ درصد در سطح بالا می‌باشد. بنابراین، نزدیک به نیمی از جوانان مورد مطالعه میزان مشارکت مدنی شان در سطح متوسط است. در بررسی سطح اعتماد اجتماعی در بین جوانان، همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ۱۵/۱ درصد از افراد مورد بررسی سطح اعتماد اجتماعی شان پایین، ۵۸/۳ درصد در سطح متوسط و ۲۶/۵ درصد در سطح بالا می‌باشد. سطح حمایت مدنی ۱۵/۵ درصد از افراد مورد بررسی پایین، ۴۶/۱ درصد در سطح متوسط و ۳۸/۳ درصد در سطح بالا می‌باشد. بنابراین، نزدیک به نیمی از جوانان مورد مطالعه میزان حمایت مدنی شان در سطح متوسط است.

تحلیل یافته‌های پژوهش

تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر مشارکت سیاسی جوانان: سنجش و آزمون تأثیر متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی و ابعاد آن) بر میزان مشارکت سیاسی جوانان در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول بر اساس آزمون همبستگی و رگرسیون دو متغیره، تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و حمایت مدنی) بر میزان مشارکت سیاسی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت (جدول ۳):

جدول ۳: عناصر رگرسیون دو متغیره بین متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی و ابعاد آن) با میزان مشارکت سیاسی

متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	t	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۴۹۱	۵/۱۰	۰/۴۷	۱۰/۲۱	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۲۹۴	۲/۵۲	۰/۴۱	۸/۷۳	۰/۰۰۰

مشارکت مدنی	۰/۵۶	۰/۳۴	۲/۵۴	۳/۶۷	۰/۵۶	۱۳/۸۸	۰/۰۰۰
حمایت مدنی	۰/۳۴	۰/۱۰	۰/۲۴۷	۱/۶۲	۰/۳۴	۶/۶۱	۰/۰۰۰

فرضیه ۱- میزان سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر معناداری دارد.

نتایج به دست آمده بر اساس همبستگی بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی نشان می دهد که r حاصل از همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی برابر با $۰/۴۷$ می باشد که حاکی از قابل قبول بودن همبستگی بین دو متغیر فوق است. همچنین، با توجه به درجه معنا داری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ می توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. جدول خلاصه رگرسیون نیز نشان می دهد که ضریب همبستگی خطی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر مدل پیشگوی متغیر وابسته برابر با $۰/۴۷$ می باشد که رابطه قابل قبولی را نشان می دهد. همچنین، ضریب تعیین که مقدار مربع ضریب همبستگی چندگانه است نشان می دهد که تنها $۰/۲۲$ تغییر در میزان مشارکت سیاسی جوانان با این مدل تبیین شده است. بنابراین، سرمایه اجتماعی متغیر پیش بینی برای میزان سرمایه اجتماعی می باشد و به هر میزان که وضعیت سرمایه اجتماعی افزایش یابد، میزان مشارکت سیاسی افراد نیز بیشتر می شود و بالعکس. نتایج رگرسیون دو متغیره همبستگی بین سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در جدول ۳ مشخص شده است.

فرضیه ۲- میزان مشارکت مدنی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر معناداری دارد.

اطلاعات به دست آمده از جدول همبستگی پیرسون نشان می دهد که r حاصل از همبستگی میان مشارکت مدنی و مشارکت سیاسی برابر با $۰/۵۶$ می باشد که حاکی از همبستگی به نسبت خوب بین دو متغیر فوق است. همچنین، با توجه به درجه معنا داری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ می توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. جدول خلاصه رگرسیون نیز نشان می دهد که ضریب همبستگی خطی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر مدل پیشگوی متغیر وابسته برابر با $۰/۵۶$ می باشد که رابطه قابل قبولی را نشان می دهد. همچنین، ضریب تعیین که مقدار مربع ضریب همبستگی چندگانه است نشان می دهد که تنها $۰/۳۴$ تغییر در میزان مشارکت سیاسی جوانان با این مدل تبیین شده است. بر اساس داده های به دست آمده از مدل رگرسیون دو متغیره ارتباط بین مشارکت مدنی و میزان مشارکت سیاسی اینگونه نتیجه گیری می شود که میزان مشارکت مدنی فرد به هر میزان بیشتر باشد، بر میزان مشارکت سیاسی اش تأثیر معنادار دارد.

فرضیه ۳- میزان حمایت مدنی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر معناداری دارد.

اطلاعات به دست آمده از جدول همبستگی پیرسون نشان می دهد که r حاصل از همبستگی میان حمایت مدنی و مشارکت سیاسی برابر با $۰/۳۴$ می باشد که حاکی از قابل قبول بودن همبستگی بین دو متغیر فوق است. همچنین، با توجه به درجه معنا داری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ می توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. جدول خلاصه رگرسیون نیز نشان می دهد که ضریب همبستگی خطی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر مدل پیشگوی متغیر وابسته برابر با $۰/۳۷$ می باشد که رابطه قابل قبولی را نشان می دهد. همچنین، ضریب تعیین که مقدار مربع ضریب همبستگی چندگانه است نشان می دهد که تنها $۰/۱۰$ تغییر در میزان مشارکت سیاسی جوانان با این مدل تبیین شده است. بر اساس داده های جدول رگرسیون دو متغیره همبستگی بین حمایت مدنی و مشارکت سیاسی اینگونه نتیجه گیری می شود که میزان حمایت مدنی فرد بر میزان مشارکت سیاسی اش تأثیر معنادار دارد.

فرضیه ۴- میزان اعتماد اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر معنادار دارد.

اطلاعات به دست آمده از جدول همبستگی پیرسون نشان می دهد که r حاصل از همبستگی میان اعتماد

اجتماعی و مشارکت سیاسی برابر با ۰/۴۱ می باشد که حاکی از قابل قبول بودن همبستگی بین دو متغیر فوق است. همچنین، با توجه به درجه معنا داری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ می توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. جدول خلاصه رگرسیون نیز نشان می دهد که ضریب همبستگی خطی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر مدل پیشگوی متغیر وابسته برابر با ۰/۴۱ می باشد که رابطه قابل قبولی را نشان می دهد. همچنین، ضریب تعیین که مقدار مربع ضریب همبستگی چندگانه است نشان می دهد که تنها ۰/۱۷ تغییر در میزان مشارکت سیاسی جوانان با این مدل تبیین شده است.

تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر همزمان متغیرهای ابعاد سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی
در مرحله دوم برای تبیین متغیر تابع (مشارکت سیاسی) از طریق متغیرهای مستقل (ابعاد سرمایه اجتماعی) از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی در جدول ۴ مشخص شده است:

جدول ۴: تحلیل رگرسیون چند متغیره تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر تابع (مشارکت سیاسی)

متغیر وارد شده	R	R ^۲	مقدار افزوده شده به R ^۲	خطای استاندارد
مشارکت مدنی	۰/۵۶۷	۰/۳۴۸	۰/۳۴۸	۲۴/۵۶
اعتماد اجتماعی	۰/۴۱	۰/۴۸۹	۰/۱۴۱	۲۱/۲۰
حمایت مدنی	۰/۳۴	۰/۵۸۲	۰/۰۹۳	۲۰/۱۹

داده های جدول ۴ نشان می دهد که سه متغیر مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی و حمایت مدنی از ابعاد سرمایه اجتماعی وارد معادله رگرسیون شدند. مشارکت مدنی با ضریب تعیین ۰/۳۴۸ اولین متغیری بود که وارد معادله شد. همانطور که مشخص شد این سه متغیر ۰/۵۸۲ تغییرات در میزان مشارکت سیاسی را تبیین می کنند. بر اساس نتایج به دست آمده، بین ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت مدنی، حمایت مدنی و اعتماد اجتماعی) با مشارکت سیاسی همبستگی مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین اینگونه نتیجه گرفته می شود که با افزایش میزان مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی، حمایت مدنی و به طور کلی سرمایه اجتماعی در فرد، میزان مشارکت سیاسی وی افزایش می یابد و برعکس، به هر میزان افراد سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت و حمایت مدنی کمتری داشته باشند، از میزان مشارکت سیاسی شان کاسته می شود.

بحث و نتیجه گیری

در کنار تمامی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی، وضعیت و جایگاه فرد در جامعه به لحاظ سرمایه اجتماعی می تواند در ارتباط با مشارکت سیاسی قرار بگیرد. پژوهش حاضر بر آن بود که تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و حمایت اجتماعی) را بر میزان مشارکت سیاسی جوانان در استان بوشهر مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. همانطور که مشخص شد، مشارکت سیاسی افراد در جامعه می تواند در قالب مشارکت های عینی (رسمی و غیر رسمی) همچون: شرکت در انتخابات سیاسی، شرکت در راهپیمایی های رسمی و به صورت غیر مستقیم شرکت در گردهمایی ها و نشست های سیاسی احزاب، پیگیری اخبار و رویداد های سیاسی و همچنین گرایش ذهنی فرد به مشارکت سیاسی تحقق یابد. آنچه در این میان مطرح است، آن که در کنار تمامی مؤلفه های فردی، روانی و اجتماعی که می تواند تحت تأثیر و تأثر نوع و میزان مشارکت سیاسی فرد در جامعه باشد، یکی از مؤلفه های اساسی مرتبط با سطح مشارکت سیاسی فرد،

میزان سرمایه اجتماعی است که فرد بر اساس شبکه روابط و جایگاه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کسب می کند. بر همین اساس، یافته های این تحقیق مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. نتایج این تحقیق مؤید وجود تأثیر مستقیم و معنادار سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر میزان مشارکت سیاسی می باشد. این نتیجه با نتایج به دست آمده از تحقیقات لایگلی (۲۰۰۸)، مک کلارک و دیگران (۲۰۰۸)، موسوی و همکاران (۱۳۸۸) و سید امامی (۱۳۸۷) هم پوشانی دارد. همچنین، نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه های پژوهش با نتایج تحقیقات لین (۲۰۰۸)، مک کلارک (۲۰۰۹) کوینتر و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد. تعاملات اجتماعی، فرصت هایی برای افراد جهت جمع آوری اطلاعات در مورد سیاست ایجاد می کند و به آنها اجازه می دهد فراتر از محدودیت منابع شخصی زندگی کنند. در نتیجه، این امر حمایت بسیاری از مردم از فعالیت های سیاسی را به دنبال دارد. با استفاده از داده های جمع شده از انتخابات، شواهد نشان می دهد تأثیر تعامل اجتماعی بر مشارکت تا حد زیادی به بحث های سیاسی که در شبکه های اجتماعی رخ می دهد، وابسته است (مک کلارک، ۲۰۰۹). بر اساس نتایج تحقیقات کوینتر و همکارانش (۲۰۱۱) در اختیار داشتن شبکه های گوناگون اجتماعی و کسب سرمایه اجتماعی (حمایت، اعتماد و مشارکت) مدنی، مشارکت سیاسی را افزایش می دهد و این امر به نوبه خود باعث تماس های سیاسی گوناگون با دیگران می شود. بر اساس نتایج به دست آمده در جامعه مورد مطالعه، مشارکت سیاسی جوانان بیشتر در قالب مشارکت های رسمی همچون شرکت در انتخابات و راهپیمایی های سیاسی رسمی نمود پیدا می کند و در زمینه بعد غیر رسمی مشارکت سیاسی، تمایل و گرایش کمتری دیده می شود. بنابراین، برای اینکه بتوان زمینه های مشارکت سیاسی جوانان را به خصوص در بعد غیر رسمی افزایش داد، باید بسترهای توسعه سرمایه اجتماعی، مشارکت مدنی، حمایت و اعتماد مدنی آنان در جامعه تسهیل شود. به طور کلی، نقش عامل سرمایه اجتماعی در زمینه مشارکت سیاسی انکارناپذیر است.

منابع

- باستانی، سوسن؛ آزاده، اعظم و سلطانی، فاطمه (۱۳۸۸) "شبکه های اجتماعی و رفتار رأی دهی جوانان در مشهد". مجله جامعه شناسی ایران. شماره ۳، دوره ۱۰.
- تاج مزینانی، علی اکبر (۱۳۸۲) "مشارکت سیاسی جوانان ابعاد و پویایی ها". فصلنامه مطالعات جوانان. سال اول، شماره ۵.
- تاج مزینانی، علی اکبر (۱۳۸۲) "جامعه پذیری سیاسی جوانان". مطالعات جوانان. سال اول، شماره ۳ و ۴.
- داوسون، ریچارد و دیگران (۱۳۸۴) "جامعه پذیری سیاسی". مهدی جواهری فر. تهران: نشر لاجورد
- راش، مایکل (۱۳۷۷) "جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی". منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت
- فیرحی، داود (۱۳۷۷) "مفهوم مشارکت سیاسی". فصلنامه علوم سیاسی. سال اول. شماره ۱.
- مصفا، نسرين (۱۳۸۵) مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- Dag, Welbeck. , Per, Sell (2003) "Participation and Social Capital Formation: Norway in a Comparative Perspective". Scandinavian Political Studies. Vol. 26 – No. 1.
- Lightly, Jan E., (1996), "Group Membership and the Mobilization of Political Participation." Journal of Politics. 58(2)
- Lake, R. and R. Hock field. (1998), "Social Networks, Social Capital and Political Participation", Political Psychology.
- Lin, N. (2008) "A Network Theory of Social Capital". in D. Castiglione, J. W. Van Depth & G. Walled (Eds.), The Handbook of Social Capital. London: Oxford University Press.
- Mc Colure. Scott, D. (2003) "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation". Political Research Quarterly, Vol. 56, No. 4
- Lip set. S .M. (1963) Political man: The Social Bases of Politics. New York: University Press
- Newton, K. & Whitley, P. F., ads (1999) Social Capital and European Democracy. London and New York: Routledge.
- Putnam, R. D. (1993) Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. Princeton: Princeton University Press
- Quinter, Ellen, Detain Stole and Allison Harrell (2011) "Political in Peer Groups: Exploring the Causal Relationship between Networks Diversity and Political Participation". Political Research Quarterly.
- Turner, J. H. (2001) The Structure of Sociological Theory. New York: wads worth Publishing Company. (6th Ed.).

- Verbal, Sidney, Kay, Lehman. Schoolman and Henry E. Brady (1995) **Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics**. Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts
- Wollebaek, Dag & Per Selle (2003) **“The Importance of Passive Membership for SocialCapital Formation”**. In Stolle & Hooghe.

فرم ارسال مقاله برای فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از تمامی محققان، پژوهشگران، استادان و فعالان دو حوزه ورزش و جوانان دعوت می شود که مقاله های علمی - پژوهشی خود را به همراه فرم تکمیل شده زیر، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:

مشخصات مقاله

عنوان مقاله: نوع مقاله:

مشخصات نویسنده مسئول

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " مرد "

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل:

خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

نشانی کامل پستی:

مشخصات سایر نویسندگان

نام و نام خانوادگی: نام و نام خانوادگی:

میزان تحصیلات: میزان تحصیلات:

شغل: شغل:

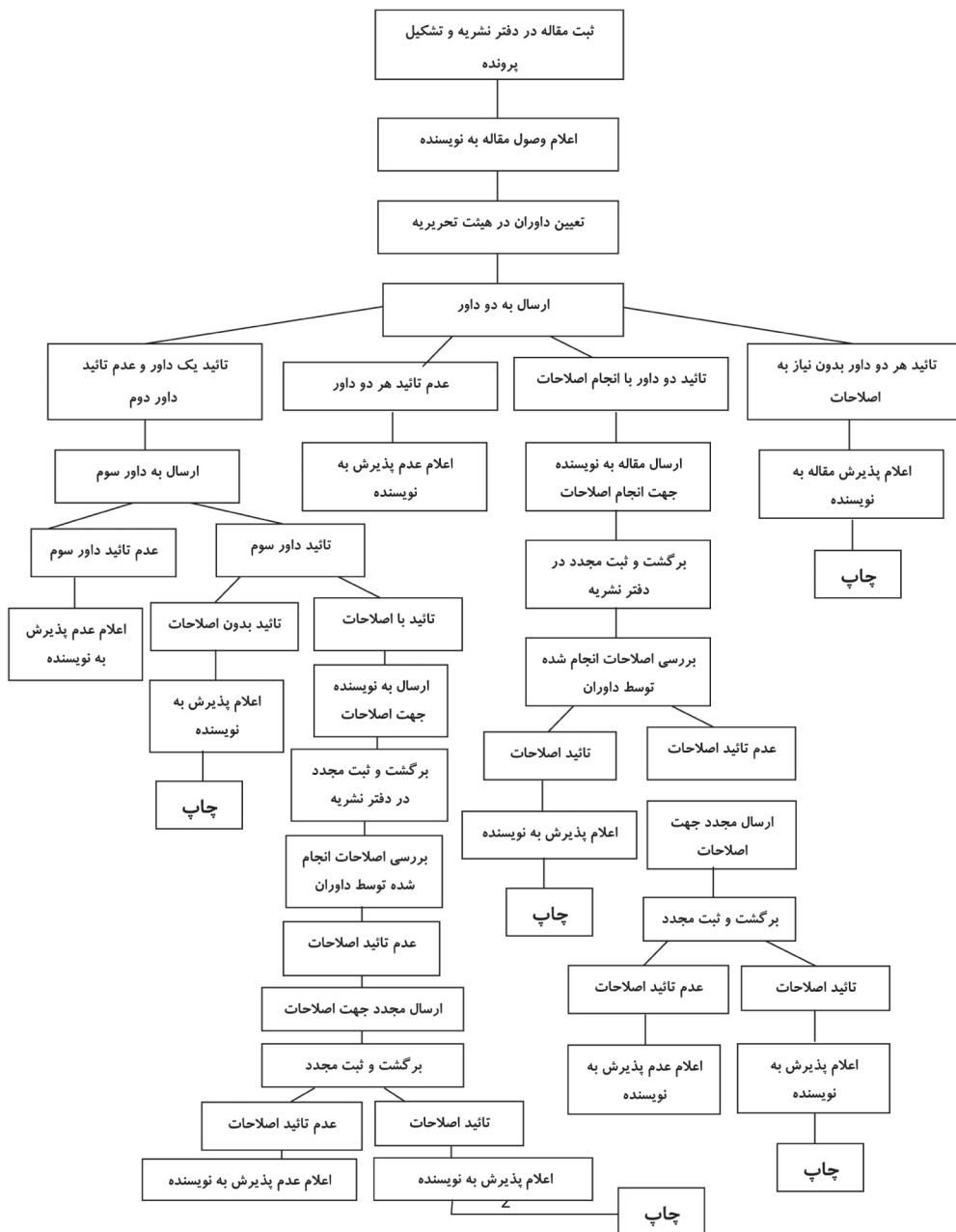
خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی: خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس همراه:

پست الکترونیک: پست الکترونیک:

تاریخ ارسال مقاله: امضای نویسنده مسئول:

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



راهنمای اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود که فرم اشتراک زیر را پس از تکمیل، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:
تهران- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی
دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

فرم اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

مشخصات متقاضی حقیقی

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " مرد "

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل: تلفن تماس ثابت (با ذکر کد شهر):

تلفن همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کد شهر):

نشانی:

کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

امضای متقاضی:

مشخصات متقاضی حقوقی:

نام موسسه / اداره / سازمان / کتابخانه:

واحد درخواست کننده: کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

تلفن ثابت (با ذکر کد شهر): نمابر (با ذکر کد شهر):

امضای مسئول و مهر مؤسسه:

A study on Effect of Social Capital on Political Participation (Case Study: 15- 29 year old young People in Bushehr Province)

Jafar Nejat

Ph.D., Assistant Professor, Payam-e-Noor University

Hamid Ebadollahi

Ph.D., Assistant Professor, Gilan University

Habibollah Zahmatkesh

Youth Affairs Expert, Sport and Youth General Office, Bushehr Province

Received: 9 Dec. 2014

Accepted: 6 Jan. 2014

This research is to study the effect of social capital and the dimensions on political participation. The research method is descriptive- analytical and data collection methods are library and the field study. The Statistical Society is the 15 to 29 year old young people in Bushehr province. Based on statistics reported, the number of 15 to 29 year old young people in Bushehr province was 214849 that a sample of 475 people were selected by random sampling method of Bushehr province between the city centers. The findings of the research showed that the level of political participation of %13/2 of them is low. Their political participation, %39/1 in average level and %47/6 at the level of high. A comparison with social capital showed that %17/4 of their subjects is a low level of social capital. %57 their level of social capital in the intermediate and %25/5 in high level. So, the most young people level of social capital is in medium. Also, the results of the research indicates a significant direct impact social capital and its dimensions (social trust, civic participation, civil protection) on political participation.

Key Word: Political Participation, Social Capital, Civic Trust, Civic Participation and Civil Protection

A Study on Social Factors Influencing the Students' Tendency to Risky Behavior

Sattar Parvin

Ph.D., Assistant Professor, University of Allameh Tabatabaai

Abdolhosein Kalantari

Ph.D., Assistant Professor, University of Tehran

Maryam Davoodi

Master degree in Educational Psychology, University of Tehran

Received: 3 Dec. 2014

Accepted: 6 Jan. 2014

19

The present article is to study social pathologies and risky behavior among the students and its social factors. The method of research is survey. The study's theoretical framework is the combination of social strain and social adjustment theories. A sample of 300 students living in private dormitories of Tehran city was targeted in a questionnaire survey. The results of survey show that social pathologies such as smoking and watching porn sites and videos have the highest prevalence among students. Other findings display social strain and social adjustment has statistically significant relationship with dependent variable. The results of regression analysis shows independent variables explain 0.10 percent from variation of dependent variable.

Keywords: Student, Private Dormitories, Risky Behavior, Social Strain and Social Adjustment

male and female are different in conscientiousness of mate selection.

In conclusion, These results can be used in premarital consultation with determining attachment style and emotion regulation in order to predict their mate selection criteria.

Keywords: Attachment Styles, Emotion Regulation, Mate Selection Criteria and Single Students

Attachment Styles, Emotion Regulation and Mate Selection among Kharazmi University Single Students

Faranak Ghafoori Asl

Master degree in General Psychology, Kharazmi University

Mohammad Hossein Abdollahi

Ph.D., Associate Professor in Psychology, Kharazmi University

Mohsen Amiri

Master degree Student in General Psychology, Kharazmi University

Received: 10 Nov. 2014

Accepted: 8 Jan. 2014

17

One of the important issues in the life of any one is the mate selection. Mate selection and the criteria related to it, as a fundamental factor in creating a warm and friendly atmosphere that underlie the growth and the development of society, have special importance. Given the importance of the issue, the objective of this research was to study the relationship between attachment styles and emotion regulation with mate selection among Kharazmi University single students.

This was a correlation study. The research society was all male and female students graduate BS, Kharazmi University of Tehran (93-92 academic year, a total of 5160 students). The sample of 250 people (125 male, 125 female) were selected by using multi-stage cluster sampling method. Then they completed Adult Attachment Style questionnaire, Emotional Regulation subscale and Mate Selection questionnaire. Data analysis, in both descriptive and inferential statistics, was performed using Pearson correlation, Stepwise regression and Independent T-test.

Results showed emotion regulation and secure attachment style had a significant positive correlation with components of mate selection including conscientiousness, extraversion and objectivity. Also, results of stepwise regression showed that emotion regulation and ambivalent attachment style can explain 23 percent of variance of conscientiousness of mate selection; Emotion regulation, anxious-ambivalent and avoidant attachment styles can explain 25 percent of variance of extraversion of mate selection, and anxious-ambivalent, avoidant and secure attachment styles can explain 17 percent of variance of objectivity of mate selection. The results of t-test showed that the two groups of

A Study on Iranian Elite Migration

Ali Asghar Esmaelzadeh

Academic Member, Kharazmi Academic Center of Education, Culture and Research

Gholam Reza Zaker Salehi

Ph.d., Assistant Professor, Institute for Research and Planning in Higher Education

Received: 30 Dec. 2014

Accepted: 28 Jan. 2014

16

The article is a systematic review of the research done concerning elite migrations or brain drain in Iran, based on meta-analysis method. The outcome of the research findings, collect and disseminate research findings of individual studies to combine and integrate the findings of scientific and applied for, in line with the planning of the most important factors that led to the present systematic review. In this study, a systematic review of methods used. Useful descriptive information on the dimensions of methodological and substantive research has been done in the field of elite migration in Iran. The results show that in this case the dimensions of methodological and theoretical studies are needed to organize and less serious survey has been done in this area. Further studies are planned to assess the tendency to migrate into the elite of the elite migration has been less, such gaps in research in the field of migration and the elite.

Key Words: Systematic Review, Elite Emigration, Brain Drain and Iran

Sociological Study on Youth Happiness Status (with Emphasis on the Role of Social Capital)

Sharareh Mehdizadeh

Ph.D., Academic Member, Alzahra University

Mohammad Ganji

Ph.D., Academic Member, Kashan University.

Fatemeh Zara Ghias Abadi

Master Degree in Sociology, Alzahra University

Received: 4 Jan. 2014

Accepted: 8 Feb. 2014

15

Happiness is a mental status that can't be merely considered by mind attitude and regardless social conditions of people. Indeed, happiness is rooted in society, so that people happiness increase is an index of a good society. Accordingly, scientists views such as Gidnz, Chelbi, Argail, Turner, Danger and Bisvas Dayner... have been used to sociological study of youth happiness status and it's relationships with social capital. It would be searched by survey method on 18 -29 aged youth in Tehran. Descriptive findings show that pleasantness feelings mean, positive social trends and evaluation of life between studied youth are upper than medium .As a result, rate of happiness between respondents is higher than average slightly. Also, findings show that although, mean of social capital between studied youth is higher than average slightly, but quantity of social relationships have mean lower than medium. While average of quality of social relationships is equal to 59.41, Bivariate Analysis shows that there's a positive relation between quality of social relationships and youth happiness. Also there's a positive relation between quantity of social relationships and youth exhilaration. At last, according to Regression analysis, it can be concluded that quality variable of social relationships in compared with quantity of social relationships is more affective in increase of youth happiness.

Keywords: Happiness, Quantity of Social Relationships, Quality of Social Relationships, Social Capital and Youth

The Effect of 6-week Aerobic Exercise on Pulmonary Function and its Relationship with BMI in Sedentary Men Students

Ahmad Kharatha

Master degree in Sport Physiology, Shahrood University

Ali Hassani

Ph.D., Associated Professor, Shahrood University

Received: 24 Sep. 2014

Accepted: 16 Nov. 2014

14

The purpose of this study was to evaluate the effect of 6 weeks of aerobic exercise on pulmonary function due to increasingly high and low BMI index in sedentary students. Therefore, 33 healthy male students aged 25 ± 5 years were selected as the sample into two groups: BMI lower ($\text{BMI} < 25$) and high BMI ($\text{BMI} > 25$) were divided. Both BMI and Spirometric indices were measured and then they did a progressive aerobic exercise, three times a week, respectively. Spirometry test and BMI were measured again after six weeks (indicators of FVC, FEV1). Paires Sample T-test was used to investigate the effect of exercise on pulmonary function within the group. But in order to determine the effect of exercise on pulmonary function in patients with high BMI and low, Independent- Sample T-test was used. Data analysis showed that after 6 weeks of progressive aerobic exercise FVC, FEV1 in both high and low BMI group, there were significant differences ($P < 0/05$). Generally, we can conclude progressive aerobic exercise can have a positive effect on lung function indices.

Key words: Aerobic Exercise, BMI and Pulmonary Function Tests

Data analysis showed a variable that participation in athletics all four dimensions of social consensus (communicative action, establish social order, social balance and social conformity) has a significant relationship ($p \geq 0.05$). However, multiple regression analysis showed that the only variable highest correlation due to social conformity, /158 explaining the variance in athletics given that the variance of F is observed. As a result, the first regression Level 0/01 showed significant predictive ability in athletics is only after, social conformity and in three dimensions (act of communication, establish social order, social balance) This predict can not be of the meaning.

Keywords: Athletics, Predictions and Social Consensus

A Study on Athletic and Non-athletic Administrators' Attitudes Predicted Increased Social Consensus The centrality Championship Sport

Mohammad Reza Niknezhad

Ph.D., Spot Affairs Expert, Mazandaran University

Gholam Reza Shabani Bahar

Ph.D., Associate Professor, Bu-Ali Sina University, Hamedan

Seyyed Ghasem Gorbanszade

Spot Affairs Expert, Mazandaran University

12

Received: 21 Jul. 2014

Accepted: 2 Oct. 2014

Social consensus is one of the main issues of the past, long regarded experts in the field of social and cultural studies. Over time, it not only did not lose its importance, but also has gained global importance because of increasing developments on the international scene. Social consensus as a fundamental component of social capital and of factors affecting social relations that daily wear tends to be weak. This issue has been observed globally and nationally. The analysis of this issue was designed on the basis of Bourdieu's theories and schools Pantam and functionalism and symbolic interactionism. The aim of this study was to investigate the attitudes of sports and non-sports administrators the ability to predict the rise of social consensus athletics (act of communication, establish social order, social balance and social conformity).

This is due to the implementation of the survey. The study samples were non-sport athletic directors from among the directors of the country's 31 provinces, among the ten provinces of the two million people were randomly selected. Therefore, among the directors, 5 persons including directors and assistant athletic departments of physical education unsporting Astan-Ha managers and directors of the political, security to 3 Estandard 31 and deputy director of the Office of culture and the number 2 of persons Who have experience in the culture of order, stability, providing solidarity (total of 5 persons as directors of non-sports) for a total of 100 individuals were sampled. Data collection tools in the study was a questionnaire. To assess the internal consistency reliability of the items as well as "alpha" was used. Data analysis was performed using SPSS 16.

The Relationship between Organizational Factors and Deployment of Knowledge Management in Selected Sport Organizations of Iran

Fatemeh Fazeli Dinan

Ph.D. Student in Physical Education and Sport Management, Shomal University

Ali Mohamad Safaniya

Ph.D., Associate Professor, faculty of Physical Education and Sport Sciences, Islamic Azad University, Sciences and Research Ayatollah Amoli Branch

Received: 10 Jun. 2014

Accepted: 7 Oct. 2014

The Purpose of this study is to evaluate the relationship between organizational factors and knowledge management in elite sports organizations. This survey is a correlation. Due to the limitations of the statistical community, with a total sample population of the study consisted of athletic directors which included Deputies selected national sport organizations country (103 individuals). Finally, 87 individuals responded to the sent questionnaires. Validity and reliability were confirmed. Data was collected by questionnaire and were analyzed using descriptive and inferential statistical methods SPSS19 (Pearson, Spearman's, regression) was analyzed. Results indicated that, except for dimensions and structure of the supporting ICT and strategic thinking, focusing, among other components of organizational knowledge, there is a significant positive relationship. Results indicate average condition because of too much focus on knowledge management and organizational structure of the research centers. As a result, managers must establish knowledge management in organizations with dimensions of organizational factors in mind, and through education and participation as possible and giving freedom to the employees, and the lack of excessive restrictions → for establishing of the job security and to strengthen and support a culture of trust and the use of technology as an effective tool for the collection, storage, transmission and dissemination of knowledge, the plaque over their work.

Keywords: Organizational Structure, Corporate Culture, Human Resources, Technology and Knowledge Management

Sport Managers in Iranian Ministry of sports and youth to good and proper rearing would be done at this level.

Keywords: Competency, Middle Managers and Elite Sport Management

Designing a Core Competencies Pattern for Appointment of Middle Sport Managers in Iranian Ministry of Sports and Youth

Seyyed Hamid Ghasemi

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Payam-e- Noor University

Habib Honari

Ph.D., Associated Proffesor in Sport Management, Allameh University

Morteza Rezai Soufi

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Payame Noor University

Fahimeh Momenifar

Ph.D. Student in Sport Management, Payam-e- Noor University

Received: 23 Sep. 2014

Accepted: 7 Oct. 2014

Managers can play an important role in guiding and leading organizations regarding their duties and authority and in knowledge management refers to the management tasks, roles and competencies. So, the aim of present study is to designing a core competencies pattern for appointment of middle sport managers in Iranian ministry of sports and youth. The main information gathering tool was a researcher made questionnaire including competency components which was designed and edited by applying theoretical principles and frameworks. In order to make sure about validity of this questionnaire, an expert's panel composed of management professors was applied. For testing its reliability, 30 questionnaires were completed and 95% Cronbach's alpha was calculated which was an appropriate reliability coefficient for this study. Statistical population of this study was composed of all sport management professors in universities, chairman of the federations and also elected leaders and experts of the ministry of sports and youth (N=450). Due to the large population study class random sampling method was used (n=209). Data analysis of this study was done by the method of descriptive and inferential statistics and using factor analysis and Friedman's ranking in Excel and SPSS software environments. Analysis results revealed the approval of 48 competency indications in 11 components and 4 dimensions. According to conclusion of this research ,it is recommended that the final model of research and identified indicators such as confidence, anticipation and foresight, evaluation and monitoring management performance and attitudes to creativity and innovation as criteria for appointment Middle

Designing Relationship Model of Social Capital and Organizational Intelligence in the Ministry of Sports and youth of Iran

Logman Keshavarz

Ph.D., Associate Professor, Physical Education Department, Payam-e-Noor University

Aboufazi Farahani

Ph.D., Full Professor, Physical Education Department, Payam-e-Noor University

Zahra Asghari

Ph.D. in Sport Management, Payam-e-Noor University

Received: 17 Aug. 2014

Accepted: 6 Oct. 2014

The purpose of this research was to design the relationship model of social capital and organizational intelligence in the ministry of sports and youth of Iran. The research method was a correlation, descriptive and the analytic. Statistical population of this study included 850 managers and employees that working at the all levels at the ministry of sports and youth in Iran. On the basis of Morgan table, 265 persons were cluster-randomly selected as the research samples. To achieve the research goals, Putnam social capital and Albrecht organizational intelligence questionnaires were used. Validity of two questionnaires was confirmed by 15 experts and their reliability was studied in a pilot study with 30 subjects and calculated as 0.92, and 0.72 respectively. For data analysis the descriptive statistics and inferential statistics methods, including Kolmogorov Smirnov, T- Single sample test and path analysis were used and for determination of the causal relationship between variables the method of structural equations model by application of Amos. Graphics V.18 software and SPSS.V.16 were used. Research findings showed that organizational intelligence is not desirable, and social capital is desirable at the ministry of youth and sports of Iran. There is a significant relationship between social capitals with organizational intelligence. Their relationship model has desirable goodness. Also at their relationship appetite for change with coefficient of 0.82, spirit and the cognitive with coefficient of 0.8 have the most roles.

Key words: Social Capital, Organizational Intelligence and Ministry of Sports and Youth

Sociological Study on Youth Happiness Status (with Emphasis on the Role of Social Capital)

Sharareh Mehdizadeh / Ph.D., Academic Member, Alzahra University

Mohammad Ganji / Ph.D., Academic Member, Kashan University.

Fatemeh Zara Ghias Abadi / Master Degree in Sociology, Alzahra University

.....15

A Study on Iranian Elite Migration

Ali Asghar Esmaelzadeh / Academic Member, Kharazmi Academic Center of Education, Culture and Research

Gholam Reza Zaker Salehi / Ph.d., Assistant Professor, Institute for Research and Planning in Higher Education

.....16

Attachment Styles, Emotion Regulation and Mate Selection among Kharazmi University Single Students

Faranak Ghafoori Asl / Master degree in General Psychology, Kharazmi University

Mohammad Hossein Abdollahi / Ph.D., Associate Professor in Psychology, Kharazmi University

Mohsen Amiri / Master degree Student in General Psychology, Kharazmi University

.....17

A Study on Social Factors Influencing the Students' Tendency to Risky Behavior

Sattar Parvin / Ph.D., Assistant Professor, University of Allameh Tabatabaai

Abdolhosein Kalantari / Ph.D., Assistant Professor, University of Tehran

Maryam Davoodi /Master degree in Educational Psychology, University of Tehran

.....19

A study on Effect of Social Capital on Political Participation (Case Study: 15- 29 year old young People in Bushehr Province)

Jafar Nejat / Ph.D., Assistant Professor, Payam-e-Noor University

Hamid Ebadollahi / Ph.D., Assistant Professor, Gilan University

Habibollah Zahmatkesh /Youth Affairs Expert, Sport and Youth General Office, Bushehr Province

..... 20

CONTENTS

Designing Relationship Model of Social Capital and Organizational Intelligence in the Ministry of Sports and youth of Iran

Logman Keshavarz / Ph.D., Associate Professor, Physical Education Department, Payam-e-Noor University

Aboufazel Farahani / Ph.D., Full Professor, Physical Education Department, Payam-e-Noor University

Zahra Asghari / Ph.D. in Sport Management, Payam-e-Noor University

8

Designing a Core Competencies Pattern for Appointment of Middle Sport Managers in Iranian Ministry of Sports and Youth

Seyyed Hamid Ghasemi / Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Payam-e-Noor University

Habib Honari / Ph.D., Associated Professor in Sport Management, Allameh University

Morteza Rezai Soufi / Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Payame Noor University

Fahimeh Momenifar / Ph.D. Student in Sport Management, Payam-e-Noor University

9

The Relationship between Organizational Factors and Deployment of Knowledge Management in Selected Sport Organizations of Iran

Fatemeh Fazeli Dinan / Ph.D. Student in Physical Education and Sport Management, Shomal University

Ali Mohamad Safaniya / Ph.D., Associate Professor, faculty of Physical Education and Sport Sciences, Islamic Azad University, Sciences and Research Ayatollah Amoli Branch

11

A Study on Athletic and Non-athletic Administrators' Attitudes Predicted Increased Social Consensus The centrality Championship Sport

Mohammad Reza Niknezhad / Ph.D., Sport Affairs Expert, Mazandaran University

Gholam Reza Shabani Bahar / Ph.D., Associate Professor, Bu-Ali Sina University, Hamedan

Seyyed Ghasem Gorbazade / Sport Affairs Expert, Mazandaran University

12

The Effect of 6-week Aerobic Exercise on Pulmonary Function and its Relationship with BMI in Sedentary Men Students

Ahmad Kharatha / Master degree in Sport Physiology, Shahrood University

Ali Hassani / Ph.D., Associated Professor, Shahrood University

14

Editorial Board:

Kiumarth Ashtarian

Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran

Mohammad Javadi pour

Assistant Professor of Educational Management and Planning Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Mahdi Taleb pour

Associate Professor of Movement Behavior Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Ferdowsi

Mohammad Hossain Abdollahi

Associate Professor of Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Kharazmi

Farzad Ghafouri

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Mohammad Kashti dar

Associate Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand

Mahmood Golzari

Associate Professor of Clinical Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Amir Maleki

Associate Professor of Social Sciences Department, Payam-e- Noor University

Habib Honari

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Quarterly of
**STRATEGIC STUDIES ON
YOUTH AND SPORTS**

No.26.Winter2014

Concessionaire:

Ministry Of Sports and Youth

Director:

Mohammad Taghi Hassanzade

Editor-in-Chief:

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Editorial Secretary:

Mohammad Reza Fazli

Office Manager:

Zahra Kamalian

Typist:

Pardis vahebzadeh

Publication:

Tehran University of Art Press

**Ministry Of Sports And Youth
Strategic Studies And Research Center**

Add: No.4. Sayeh St. Afrika Blvd. Tehran, Iran

Tel:+98(21)22662267

Fax: +98(21)22662260

E- mail: strategic.studies@msy.gov.ir

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*